

Cal
1/4 3.74

GOVERNMENT OF INDIA
DEPARTMENT OF ARCHAEOLOGY
**CENTRAL ARCHAEOLOGICAL
LIBRARY**

CALL NO. 929.799354M-AH

D.G.A. 79.

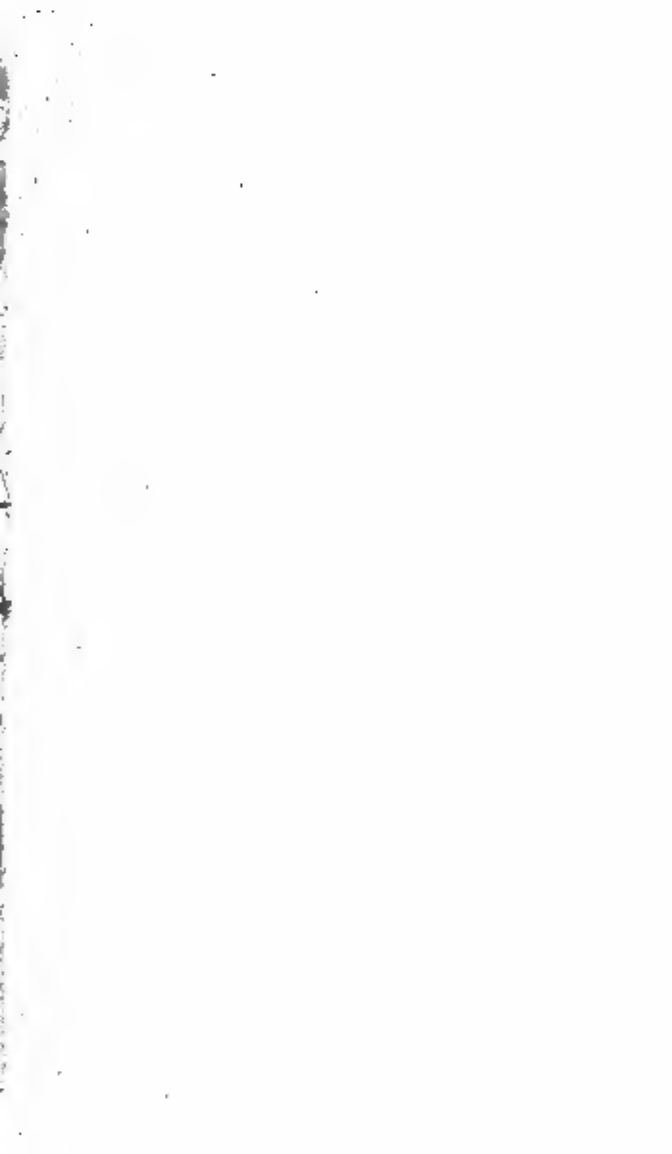
وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

أَنزَلْنَاهُمْ سَامِيٍّ وَشَامِيٍّ وَعَبْدَ الرَّزَاقِ وَغَيْرِهِمْ



بِأَنَّهُمْ هَلَّاكَ بَنِي إِسْرَافِيلَ وَغَيْرِهِمْ وَغَيْرِهِمْ

وَمَطِيٍّ صَفْدَكِي طَبْعِي شَدَّ





سپاس بی‌قیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد
و تکوین جهانی خلقت بشر از راه و طین انسان را نسبت به رفت از خلقت دیگر
بپایه اعتبار رسانیده و شرف را بر سبب سیادت از خلقت عصمت و حیا
پیرایه افتخار پوشانیده در دو دامه و در پرتو بارگاه حضرت رسالت نبینا
محمد المصطفی بنوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم و نوح و
نوح خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زیبا بحسب باب العباد و بر صواب
میل القاب ایمنه الامجاد الی یوم التناوباد **ص** حیثما شرف انبیاء
که عرش مجیدش لوح و شکاف زبان تابود و در دمان جاگیر پشتهای محمد بود و پدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَاللَّهُ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيُّ وَالسَّلَامُ
 وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَالْحُطَّةُ خَيْرُ الْحَرَمِ مَسْجِدُ الْأَنْبِيَاءِ
 فَكُنْ بِحَقِّهِ أَهْلُ الْبَيْتِ وَبِرِزْقِ الْكَسْبِ وَكَفَى الْإِلَه
 وَأَهْلِي بَيْتِهِ سِرِّ عَيْنِي وَأَمْرُ الْهَدْيِ وَكَفَى الْإِلَه
 وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَحَقُّهُ بِهَذَا الْعَلَمِ سَلَامٌ
 كَثِيرًا كَثِيرًا

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظره نسب نامہ بزرگان دین عقدہ الثانی
 کار تالیف شاه مخدوم بخش متخلص وافی غفر وی بالہاری و مجبہ
 این و کتاب دروغیافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الامظم فرزند فرزندان
 انہا شدہ نہند ہرچ کتاب ہنریہ اتیرنیا مبغض ساخت و موسوم بہ کثر الانساب
 برداشت درین کتاب تفریق تفصیل بچنین عنوان گردید اول مقدمہ الکتاب
 بعدہ دو باب غیر نسب ذکر نسبہ بیان بعدہ ذکر نسب خود زان بعد ذکر نسب
 سادات کہ بکہ نام امام می پیوند و بعدہ فصل در نسب یونج یعنی حضرات
 اصحاب ثلاثہ سلمی نمود و یک خاتمہ و یک تہذیب واضح یاد این کتاب است برین
 یک مقدمہ دو باب چند کینستہ فصل اول مول مقدمہ الکتاب
 بذکر نسب سالت کتاب ذکر نسب حضرت نبینا محمد صلی اللہ علیہ وسلم
 رسالت کتاب حضرت اسد اللہ الغالب الیحبنا بسیدنا علی بن ابی طالب کہ
 فریت خواجہ عبد المطلب عینی جلالہ سرمدی غالب دوم باب
 ذکر حضرت حسنین عینی در یکی و ذکر حضرت امام حسن مجتبیٰ عہ اولاد
 و در دومی و ذکر حضرت امام حسین شہید کربلا معاد لاد علیہ السلام
 حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل بجای تحقیق مصاہرت بدین ترتیب فرین

	مقدمہ الکتاب کثر الانساب	
واضح باد بر ہر کس فرود بشہ مسلم و مسلمہ واجب است داشتن چہار کرسی آنحضرت		

اما بعد گناس عبید فیض تپه حضرت رسول اقلین سید عطا حسین اشتهر
 عبید الرزاق کثرین شایعین آفاق ولد حضرت سید الشانچین سید السالکین
 میر سید سلطان احمد قادری المنعمی الحسنی ابن عمده الشانچین سید السالکین
 حضرت سید شاه علام حسین جشتی النعمی یاقری نسب غنی المذہب من شایع
 سرجام تبیین فی الجہان اوسل ذات الرحمان بر غمیر عطوف تنویر ناظرین کتاب
 نذر الویراد چه کریم خاک نماز متداوایام فیض کدرو دشت اگر انساب بزرگان
 دین تپین پیران طریقه راه یقین باید منسلک سلسلہ مبین ساز و نصیبی بین پیغمبر حسین
 آخر کار اندولت را سلسلہ خیالی کرده بهم رسانید بر یکجا کتاب نذر انسلک کرد
 مطابق آنکه من سجد قوی بعد یعنی جوئید یافت مشاوه این معادمت
 عین سفر حج بر پیشانی ام یافت باید شنید و شریعتی حین قیام کتابی دو
 بحر الانساب و نیز معانی و راه مقام گلشن آبا و کتاب
 احساب الانساب و نیز خاوم ذکر اولاد و ولزده امام علیہ السلام در
 ثانی نسبت لیاقت مقدمات عالم مقام که امام خلائ می پیوند و نیز بخانه اسیر فقیر
 بود کتابی نسب نامہ تالیف حضرت عم الاعظم شیخ فیض مولوی سید شاه
 وحید الدین احمد مفسر معتقد حسب الارشاد کلمات ارشاد و ترک برام
 از بان فیض ترجان والید جدشان سید شاه علام حسین
 قدس سرہ و نیز در این کتاب نسب نامہ اکثر مشایخین معتقدین ملت غنائی

کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت آباء از حضرت سید البشر رسالت آباء
 پیوندد بدو بر بنفتم از هر بن کعب انجناب بنی تمیم اند نسب حضرت عدالت آباء
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدو بر بنفتم می پیوندد از کعب انجناب بنی
 عدوی اند مشهور تفریق نسب ظیفه سیوم صاحب جیاد بر وجه چهارم از آنحضرت
 که تخریر سابق نمود و نسب الی حسب یعقوب المومنین لقب حضرت ابوالحسن
 علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بر یک اسطه از آنحضرت می پیوندد بمصدق
 حدیث بنی یاد حضرت انا و علیاً قرینان و واحد الا یعنی فرمود آنحضرت
 نور من نور علی احد است باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی الله علیه
 و آله و سلم بدو بنفتم بجای نمود است که بی بی آمنه خاتون بنت ابوب
 بن زهره بن کلاب پلانی کلاب را و پسری که نقی و دومی زهره هر دو
 نام پسریان خود نهادند عبدالنات پس هر دو و عبدالنات اجداد جدی و مادری
 آنحضرت شدند و حضرت سعد ابن ابی وقاص عبد الرحمن بن عوف
 هر دو صحابه از عشره مبشره و از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و همسر
 ابن عبدالنات بی بی مالک یکی از وجهه خواج عبدالطلب الدیوبی بی صفیه
 و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما بایستند اگر چه غم بنی حضرت
 عباس تاوردند ایمان بر نیمه بنی بودند و از امیر حمزه حدیث روایت
 برادر خالائی برادر صنایع بنی است اعلم ام المومنین حضرت خدیجه الکبری

بنیام محمد علیه السلام هر قوت ایمان نیز بر کس چهار کرسی خود نسبت بر حکام
 تقویت مهاجرت تحب است جهت نسبت شرف حال چون کتاب
 نسب در دست نمود ذکر نسب آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بی تسکین وسانی
 نسب نامه آنحضرت تحت خنامه صلی الله علیه و آله وسلم
 یعنی سیدنا و مولانا محمد مصطفی و شعی اللهی المطلبین سیدنا و العیاده
 عبدالقادر ابن علی نسب خواجہ عبدالمطلب بن سوار یا ششم ابن
 عبداللغات و دیاب چهار کرسی آنحضرت است همین قدر که تحریر خست
 بالانساب این که عبداللغات ابن قصی که کلاب بکدر ظهور شد تا عدد نان نسب
 عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل ابرار سیم تا آدم است صورت امتلا و آنحضرت
 با عدد نان کرده اند بیان بدانید عبداللغات را چارایسپ کی نوافل جد چارم
 حضرت حمیر صاب بنی و ثانی مطلب جد هشتم حضرت امام شافعی و آن
 ثانی یا ششم و عید ششم شد نه در دو توأم بنشانتها پیوسته از ششم بر جد
 در اولاد و دوششم ناند و تنها آخر ختم شد بر چارایسپ سید الشهدا عبد ششم
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پروردگار و جد
 معاویه ابن ابوسفیان ازین قبیل جد او کل بنی امیه یا ششم پدر جد آنحضرت
 و پدر جد حمیرا کرار یعنی جد جلد نو عبدالمطلب و نسب حضرت شیخین و امی
 من بقیه ز عشره همیشه ازین درجه بالا است که می بخیزد و یعنی از قصه بن

و امیر بزرگ و خواجهان ایشان بدیند و لذت ببرند و بوزیران و خدمت
 بوزیران و انصاری که خدمت نمودم بحی منیری اند و از قاضیان و از حضرت
 امام تاج فقه در مکّه مشرفه موجود است متصل باب عمده از ذریعۃ انجذاب
 تاج فقه اکثر اند و لیا و کبار خصوصاً در بنحو از حضرت بهار نمودم الملک محمد شاه
 شرف الدین قدس الله سره این خدمت بحی منیری این خدمت امیر
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه این ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
 ابو القاسم ابن امام ابو القاسم ابن امام ابو الوالد بهار ابن امام ابو الیث ابن امام
 ابو سرمد ابن امام ابو الذین ابن امام ابو سعید ابن امام ابو ذریعۃ ابن زبیر ابن حمید
 عبد المطلب بن هاشم بن عبد المطلب که از اجناد و آنحضرت اند علیه السلام
 و انوار از یک روز و جمیع دعا عباس بن عبد المطلب عم خیریناس شیوخ
 عباسی خلفا و عباسی ابان حضرت عباس شهور است اند فیصل ابن عباس
 عبد الله ابن عباس فخر از طین سابقین مؤمنه بی بی اقصی هستند مادر
 خلفا عباس سید از ذریعۃ انجذاب خلیفه حضرت محمد و الملک محمد و شاه
 امولان اند و هر واقع در موضع تسبیح و روزه و ان علقه بهار فیض جهان
 هر روز بخانسیب نامه میسید حضرت محمد و شاه امون ابن مولانا شیخ ابوبکر
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمن ابن شیخ عبد الغفران ابن شیخ سید
 ابن شیخ عبد الله جوهری ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو الکلام

ثبت فرید بن اسد بن عبد الغری بن قسی بن کلاب ندکوردی صدر فزیر الوجل
 ابن هشام پنجمه دختر ششم والده حضرت عظیم فاروق هر دو برابر هشام
 و ششم این غیره ابن حارث ابن عبد الغری بن قسی بن کلاب ندکوردی الوجل
 از عمام آنحضرت نیست غلط مشهور است ندکوردی ازین قریبت برادر بی عمام
 حضرت امام المومنین جد یحییٰ سعیدین برین حال خسر ناده شد عم نشد بصیرت بدنیوچه
 کرد است اکثر از ابن عبد المطلب بجای برادرانی است شمارند غیر باید است
 خواجه عبد المطلب ناده فرزندان مختلف الا بطان ششم بن عبد الناف را
 سبب از آنجا بود و نامی یک خواجه عبد المطلب جدا آنحضرت است
 و جد حضرت علی شریعت بودند و یکی اسد ابن ششم جد بوری حضرت
 حیدر کر آقا حضرت حضرت مرقضی علی بن ابی طالب بنی ششمی دارند از بنی
 تقضیل در بیت خواجه عبد المطلب گذشته می آید بر این پایه اولین خواجه عبد المطلب
 حارث از یک بطن کینت شان ابو الحارث بدنیوچه ضرار
 از یک بطن عبد الغری پس پیغمبر از یک بطن چهارم ابولعب پنجیم
 مقصوم هر یک از بطن مختلف بوده اند ششم خواجه عبد الله والد جد
 حضرت محمد رسول الله پنجم بر سر از اجداد حضرت امام تلح فقه جد محمد و
 شرف الدین ششم خواجه امیر طالت الد حضرت مرقضی علی اسد الله الغالب
 و پنجم خواجه ایشان برادران ثلثه از یک بطن برادران و می عا که در میان

بنت حضرت عمر رضی اللہ عنہ بعلی ام المؤمنین حضرت زینب بنت جحش
 عمه نبی بودند فاسم ام المؤمنین سوده بنت ریحان قیس عاص ام المؤمنین
 زینب بنت خزیمه لقب ام المساکین بن عمارت صالحه ام المؤمنین ام سلمه
 بنت ابی اسد که بنت عاتکه عمه نبی بودند فاسم ام المؤمنین ام حبیبه دختر
 یوسفیان خواب امیر معاویه تاسع ام المؤمنین حضرت میمون بنت الحارث عشر
 ام المؤمنین صفیه بنت می ابن خطاب بنی تبت حضرت مارون بنی علی السلام
 بودند یازدهم بنی جویسه بنت الحارث ابن سعد و زوده بنی مارقطیه
 بنی شعیب بن سید شدد و چهارده یکی بطلق شدند و ذکر فرزند ان
 آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوه والسلام که از بطین ام المؤمنین
 خدیجہ الکبریٰ بوجود آمدند و در عالم شہود بنید و دو پسر چهار دختر از
 بطین خدیجہ پاک نمره بنی لولک شدند و ولد اول سیدنا قاسم پور شیخ خدیجہ
 بست حضرت سالکی آنحضرت تولد یافتند بعد از سه ساله طاعت کردند انوار انوار
 رجون ثانی ولد سیدنا عیسیٰ اللہ که بعد از شیب بنی بعد چهل سالگی آنحضرت در
 آمدند و بعد طیب طاهر بودند از جناب و تعالی و در ایام غیبت بخدا
 برین شتافتند بعد طاعت ایشان سوره کوثر شد نزول حبت ارتفاع ملال
 و گوینده ابر شد محمد بنی کلانی حضرت رسول سبحانی بنی زینب بنت ابی
 سنی سالکی آنحضرت تولد شدند و از خوانبر زاد عالم المؤمنین خدیجہ الکبریٰ

ابن شیح ابو سعید صفحانی ابن شیح ابو عیسیٰ ابن امام ابو الوعلی ابن امام ابو سعید
 ابن امام ابو اللف ابن امام ابو احمق ابن امام ابو زید ابن امام عبید خدا بن
 حضرت عباس ابن خواجہ عبد المطلب جد بنی صلی الله علیه وسلم حضرت امیر
 حمزه ابو عمار یک پسرخوار و نام دختر قاطیث بنت حمزه و دیگر پسران نام یاقان
 الاسی مورخین کثرت ایشان تخریر نمود و الاخوان اعیان حضرت امیر حمزه بی بی
 صفیه بنت عبد المطلب معنده سابقه مادر حضرت زینبیر ابن عوام بن خویله حضرت
 زبیر و مادر حضرت صدیق اکبر از بطین بی بی هما شسته پس عبد الله ابن زبیر عرو
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروه میث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر فرج
 بی بی سکنه دختر حضرت امام حسین علیه السلام اندیشوار عمارت نبی بیان
 آورده بی بی صفیه بی بی عمارت که و دو عم الحسان آوردند حضرت عباس حضرت
 امیر حمزه آنحضرت چهار عم یادید نماز جملا عام بیان آوردند و ابوالب کافر شد
 ایطالاب بن ندین اندوکار از وراج نبی آنحضرت بنیام محمد المصطفی
 صلی الله علیه و آله و سلم اولین حضرت ام المومنین بی بی حبیبه الکبری
 بنت خویله از بطین پاک ایشان کل و لاد نبی علیه السلام غیر سیدنا ابراهیم که
 از بطین مار قیطیه شد ندی عالم ناعت اشرف بر و بسوی جنت عقاب نام
 ثانی ام المومنین محمد مه بی بی عاتقه صدیقہ منی الله عنہا بنت حضرت
 صدیق اکبر منی الله عنہ اولاد نشد از ایشان ثالثه ام المومنین بی بی حفصه

بشیر نذیر آینه محمود نسل پرستی در شیت هری و نسب محمد در شیت علی واضح باد
چون بهال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیده الفسار بتول
فاطمه الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب علی بن ابیطالب
در شان پاکدینی فرمود انحضرت آینه محمود انشاء الله بعنایت حق تعالی فاطمه
پار هجرت من بهت الحصول چون توان السعدین شد از حضرت علی بن ابی طالب علی هریانی

یافتند ابیات

هر مرتبه علی عطا شد

از چرخ نهم چنین ندا شد

مهر در علی ازین صدا شد

بابنت بنی چو یافت تزییح

چون گشت بخت بد آن سعید

دو لعل ازین صدق برآید

سرایه کریم بطور رسید آیت

مخرج النبی یلتحقان از لیلین پاک بنت سر لولاک و دوزخند بوجوه آنکه

یک بعد دیگری بمهر شود پذیرفتی شد صورت مسود ناری شدند جو و

اندر شک گل مقصود مطابق کلام بان نخرج منها اللوء و المرجمان

باید نیست مر لول اولو و یغی مر و ازین حضرت امام حسن مجتبی که مر و اید

سفید رنگ است نیز لولان بنین چه شهادت حضرت است و مقصود از مرجمان

مخرج رنگ شهادت جبا حضرت امام حسین علیه السلام است الحق

برایند بعد تولد آن بنین حضرت محمد مصطفی پس بوم نیز جبا حضرت

علی مرتضی تولد یافتند با یام ضاعت مدنا محسن بسوی جنت شتافتند

الی القاص کتبه شدند از لطن آن بی بی دو اولاد شد یک پسر و یک دختر نام پسر
 شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامه بنت زینب
 که حبیبیت بعد طاعت جانب سیده فاطمه بهر این زوجیت جناب حضرت علی
 مرتضی کرم الله وجهه درآمدند از لطن این عقیقه یک پسر شدند محمد و سبط بن علی
 همراه برادران در شیدان که بلا براه شهادت جان بکون نمودند تسلیم فریفت
 بی بی زینب بنی اقسام آتی دختر تانی محبوبه ربانی بی بی برقیه که بعد از سه سالگی
 عمر بعثت آنحضرت متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند عجب الله که از لطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از جهان
 انتقال بعد انتقال حضرت زهرا و خیر ثالث آنحضرت بی بی کلتوم که بری
 و شش سالگی آنحضرت متولد شدند در عقد و نکاح حضرت عثمان غنی انورین
 درآمدند از لطن این بی بی عجب الله صغر بچود آمدند در طفولیت رحیل ملک افتاد
 شدند عتاب مانند قبل از نکاح حضرت با حیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو
 برادر عمیره معیته ایشان الی الی بود که بعد نکاح آنحضرت بعثت مشرف شدند
 بولایت پسران کافر شدند و میان کفر و اسلام نکاح باطل قطع واقع شد هنوز
 هر دو خواهرین بی نوعیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری
 در عقد و نکاح حضرت با حیا عثمان غنی انورین و دخل شدند عتاب
 مانند نسل حضرت رسول قبول آنحضرت قبول و زوجه است که فرمود آنحضرت

سیده شش فرزند سید سپهر و سید خضر و سید یحیی و سید ابی از الطمان و دیگر زوج با
معروف است که نسبت چهار اولاد شده پس باقی دختران بجای ذکر بر تفصیل
خواهد گذاشت بدانند از سه فرزند نسب علوی اولاد نماند باقی در وایت است
که حضرت مخدوم نصیر الدین چرانغ دهلوی بالنسبت فرزندى بحضرت عباس
بن علی که علمدار بودند پیش مورالاد که نسب بنی فکی می گذاشت و از فرزندان
محمد حنیف ابن حیدر که اولاد است مشهور چنانچه سید محمود غازی
ابن سید محمود ابن سید عبد الله ابن سید محمد ابن سید عبد الله ابن سید عبد الله ابن سید عبد
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت غلام علی کریم السدوچه و نسب دهلوی است
سید غازی ابن اولاد که است سلطان محمود غازی خالی ایشان بودند
و نسب سیدی حضرت خواجه محمد السیدی رحمه الله علیه که خلیفه حضرت امام
ابو یوسف همدانی اند نیز پیوند بدینطور است خواجه احمد السیدی
ابن سلطان خواجه ابراهیم ابن سلطان خواجه امیر محمود ابن سلطان خواجه
عبد الفتاح ابن سلطان خواجه عمر ترکستانی ابن سلطان خواجه عثمان
ابن سلطان خواجه امیر حسن ابن سلطان خواجه موسی ابن سلطان خواجه
احمد ابن سلطان خواجه موسی ابن سلطان خواجه یارون ابن سلطان
خواجه اسحاق ابن خواجه عبد الرحمن ابن خواجه عبد الرحیم ابن خواجه عبد القهار
ابن امیر عبد الفتاح ابن حضرت محمد حنیف بن حضرت علی حیدر که از دین

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تاحیات معین زندگی می‌نمایند و مانند الهامی
 اولاد شد ز نسیب نخت کلا فی حضرت علی مقبول ربانی که از حضرت عجمه الشریکه
 ابن جعفر طیار برادر عمراد و منسوب شد و گویند از طین آن ربانی بی نیز مستدل شد
 محمد بن محمد جعفر نو جوان جام شهادت نوشیده و دیگر ملا گرفته
 راه خدا و دیار اربعاب ایشان نامند دختر ثانی حضرت شیر غلامی بی کلتوم
 در عقد و نکاح حضرت امیر المؤمنین محمد فاروق درآمد از طین ابن سنی بی فرزند
 زید نام تولد شدند و ایام طفولیت جان بخت گرفتند تسلیم خیر سیدم جناب قبول
 بی بی رقیه بر عمر و سالی حلت یافتند از میان اعیان بنامه غیر حضرت
 حسین فرزند رسول مقبول واضح با نقل مشهور بیان عام خاص مذکور
 هر دو از دریت سیادت زنی قاطعه است و اولاد هر نضی علی چرا که
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخن که آن حضرت چنین فرمود حدیث
 انما کنتی للبشر سید الانبیاء و سید المرسلین یا علی انت سید المرسلین
 و سید الاولیاء و القاطعه سید العالمین و الحسن
 و الحسین سید شباب فضل العجوه ازین حکایت و روایت
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانید اولاد حسین معجز به پنج سیادت رسیدند
 سید علوی را یک سیادت است ابوی و بر بیان اولاد علی
 از طین غیر قبول از اجداد که سیادت علونیت واضح با در طین پاک

ملاذریع حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بر پیشانی
 خود جمعی شان شده بطور سیلی میزد و فرزند ایشان محمد ابوالحسن بیوجه
 شدند برادر حق قیل و کل ذریع شان در کربلا همراه سید الشهدا بر سر
 شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سه نیز بطرح بی
 اسما و نیست عس کی عجد السلا بن جعفر که از حضرت زینب
 دختر علی رضی الله عنه و وجه کتبخانه شد و در کوفه زندان بن پال آمدند و بود
 محمد بن محمد جعفر بر دو نصف کر بلا شدند شمشیر قاتل شان بطرح
 نیز بر او لاد باقی نماند الا بر ذوال و لاد و در باقیست محمد بن محمد بن
 جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چه که ذریع حضرت
 زینب ملا عقیاب نماند واضح بود که از او لاد و در کربلا امیر عطاء الله
 نامی بنزالت گرامی وارد بدین دیار شدند در صواب شای و در حقیقت هم بر سینه
 مغرور و ممتاز گشته فرایین دهیات حصول کرده یافت از مجیدی بسرنیدی
 سکونت قصیه کهلواری ضلع پلینه کردند اختیار چنانچه اکثر مشائخین
 این دیار نسبت نسب خود با امیر عطاء الله مدح می پیوندند آنچه که
 باطلاع آمده این خاکسار از زبان فیض تر جان جد نژاد گویند و این
 عمه الشانین خبا بصر یک سید شاه علام حسین قدس سره و تاج پوری
 درین منتهی نگارند آنچه که در ذیل خود مدعی کرد یعنی صاحبان کتب

منقول است نسب حضرت مرزا مظفر جان جاناں میر سید محمد ریاست پشت
 واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد حنیف میر سید و نسب میرزای جانب داری
 بامیر تیمور میر سید نسب نامہ حافظ محمد عقیق بلان حضرت عمر ابن علی
 حیدر کرار میر سید بن علی کہ حافظ محمد عقیق بن حافظ عبد اللطیف
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح
 ابن امیر اور سید ابن امیر یونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاہوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکر با
 فقید ابن مولانا محمد یحییٰ زہد ابن میر سید زہد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
 سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
 حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد اللہ ابن سید امان اللہ ابن سید
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناصر ابن حضرت علی
 اکرم مشہود و واضح باد اکثر سیادت علمی نسب و استشار بہ اہل مہار و دیار چل
 نسب نامہ دریافت متغیر شد از تحریر و نگاشت ذکر در بیت حضرت
 عقیل ابن ابی طالب ذکر در بیت حضرت جعفر طیار میکتم الا اول
 لی اسم بانی بہت ابی طالب کہ از آنحضرت سید رحمت و عقیدت شنیدند
 علاوہ نسب عمر ادکی منقول بودند چنان کہ در خانہ پرگشت نشانہ ایشان
 واقع معراج نبی بسوی آسمان ذی اولاد شدہ نہ کیفیت ذریعت و سیادت نشد

نسبت اول در ذریع
 حضرت امام حسن علیه السلام

نسبت دوم در ذریع حضرت
 سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر مؤرخین سابقین ابداع حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرزند
 پنجاه شش و وجه آمد حاند و شمار چهر که آنحضرت بود و کثیر النکاح بحدی شرعی یکی
 بعد دیگری چهار زن موافق شتند میکردند طلاق کثرت نکاح بود و تمنا می
 ارشاد آنحضرت علیه السلام آنحضرت شهر بانو بود و در رضی الله عنهما
 و در کتب تواریخ کل سها و وجه بختاب نیافت که می نگاشتند الا سها و چند جای با
 می نگار و بدانید و جلالین حواله نسبت منظور این حید را اولاد و اسمیت
 عبدالمنان نامی نسبی از الطین این روید یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت
 امام حسن مجتبی رضی الله عنه و از الطین بی بی صفوره بنت سعد بن زید بن
 خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عاتیه
 نام که کنیت ام عیسی و نیز فاطمه ثانی نام بنشته اند مؤرخین این بی بی و وجه حضرت
 علی ثانی امام زین العابدین با بن امام حسین علیه السلام که خدائی امام
 حسن مثنی از دخت عم برادر گوار حضرت امام حسین علیه السلام کردند نام
 نامی این بی بی فاطمه صغری از الطین غنیقه تولد شد و سیدنا عیسی علیه السلام
 المحض نیز حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین علیه السلام که از
 اجداد و امجاد حضرت فخر بنقلین سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

مجمالی شمع ضلع جوشپور یکی از رؤسا و مشاییر مولوی علی کبیر و برادران
 و خواهرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عمده
 روزگار سرکاری ناپایدار ضلع غازی پور ملاقات شد از مولوی محمد طهور
 صدر الصند و ضلع غازی پور منیر حسین سمرق ملاقات شد از برادر کلانی شان
 اندر حسین شایر مولوی عبد الشکور عند التذکره کرد بیان درایت
 خود با امیر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماحد فرموده بود
 و نیز ملازمت خود بشهر الہ آباد از آنحضرت بیان میکرد و نیز مولوی
 محمد روح وقت مراجعت سمرق همراه آمدند این فقیر حقیقتاً شگفت آورده
 بودند و ذکر آل امیر عطاء الله بودم محمد در ذکر مشایخان پہلواری
 کہ خود را بنیرت امیر عطاء الله نامند یعنی شاه ظہور الشریعۃ رحمۃ اللہ علیہ
 قالہ بجد شاه مجیب اللہ کہ والد بجد و پیر مرشد حضرت شاه نعمت اللہ
 قادری پہلواری رحمۃ اللہ علیہ بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر
 قادری کہ سر پیر مرشد جناب حضرت شاه مجیب اللہ قادری بودند و
 نیز از صفت امیر مدوح مولوی شاه وحید الحق داماد شاه مجیب اللہ
 علیہ الرحمۃ کیفیت درایت ایشان خوب میدانند و تذکرہ کتاب خواند و نوشت

تفصیل ایچرا کہ فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت مام حسن مجتبی علیہ السلام بر دو بیت

سید جعفر ابن سیدنا محمد و داندکی سید ابراهیم و وی سید ادریس و فرزند
 عبد الله سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم را فیه ذکر
 باید شنید اولاد سید ابراهیم اولی سید لوح و سید یان سید و اولاد و
 فرزند آن سید جعفر ابن عمر زید شید و اولاد سیدنا محمد سید موسی
 و سید یحیی و سید جعفر و سید ابو بکر و داند و اولاد سید عبد الله سید یونس
 و سید اسماعیل و سید یحیی و سید یحیی و سید یحیی و سید یحیی و سید یحیی
 و خلفاء عباسیه خروج کردند بعضی از رسول آنها فرزند بعضی شدند و بعضی
 ثمره نسبت و مباحث لفر اولاد حضرت امام حسن مثنی جد
 حضرت عوث الثقلیین باید دانست حضرت امام حسن مثنی جد فرزند
 شد نداز از آنجا اولین سیدنا عبد الله محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا
 عمر رابع سیدنا حسن مثنی ثالث سیدنا جعفر ابن محمد از الطین بی قاطع
 صفری نسبت حضرت امام حسین علیه السلام از الطین جلیلیه و میهم سیدنا اولاد
 و سید جعفر و سید جعفر و سید جعفر و سید جعفر و سید جعفر و سید جعفر
 ثمره سیدنا سیدنا عبد الله محض رابع سیدنا از الطین بی بی رقیه و دختر
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرزند سیدنا موسی ابی حنون و
 محمد سیدنا ابراهیم و از الطین جاریه سیدنا و سیدنا و سیدنا و سیدنا و سیدنا
 از ذریت حضرت موسی ابی حنون که تفصیل از نژاد گشته خواهد شد اولاد سید محمد

و فرزند بی بی ام عبد القدیر عایشه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت
 امام زین العابدین نواسه سیده شمس امام حسن مجتبی رضی الله عنهما و فریات
 این حضرت لقب بیادات حسنیه و حسینیه الحسنیه اند کیفیت ذکر است بیشتر
 نگاشته خواهد شد و در اینجا تفصیل از وراج حضرت امام حسن علیه السلام می آید سید
 باید شنید بی بی ام القاسم و دختر مسعود و نصاری از بطن این بی بی متولد شدند
 سیدنا قاسم بن سیدنا و از زوجة العبدی بی ماهره تولد شدند سیدنا
 عبد القدیر بن امام حسن مجتبی و از بطن زوجة قاسم بنی زاهد سیدنا
 ابو بکر بن حسن تولد یافتند و از بطن زوجة سیدنا بی بی ام ولد سیدنا عمر
 بن حسن پدید شدند و از بطن زوجة العبدی بی سعاد تولد شدند سیدنا
 محمد بن حسن مجتبی از بطن بی بی انیس سیدنا و از بطن بی بی طاهره
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند چند و جی بی بی فاضله بی بی محمود
 بی بی انیس بی بی خدیجه بی بی عابد و دختران متولد شده باشند
 کل چار و ده وراج آمد بشمار الا واحد و جده خمس شصت که سما و هم نام بود
 کاندس زم نوشیده شباهت یافتند با الله و اما ایضا چون ذکر فرزندان
 حضرت امام حسن مجتبی در کتاب مایه تاجیه نگاشته اند و دختران
 است تحریر میکند الا اهل سنن و خیرین معتدین بدینقدر نوشته اند که در تحریک
 و تألیف سیدنا ابو بکر سیدنا ابیهم فرزند سیدنا عمر

از ششمین فرزند شهید قاتل حضرت مطهر نیریز داد و ایشان از همه پس برتر
 آخر اعقاب بنامند جز حضرت شد داد و ثمره ششم نسبت دوم باب اول
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید ناد او و محقق از اجداد حضرت غوثی
 بودند نام اخوان شان یافت نشد که خدای حضرت شد و او از دختر خجسته دختر
 حضرت امام علی موسی خراسانی نام آن بی بی بنیه بود و دیگر یک فرزند کیفیت
 دیگر دریافت نشد ثمره هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا
 محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یک از بی بی
 سید حمزه نام سیده دختر شان بی بی میسار که از اهل بن بی بی سیدنا
 یحیی زاهد تولد شدند و در وجه سید یحیی بی بی عصمت بودند ثمره ششم
 سیدنا یحیی زاهد اهل بن بی بی رضیه و فرزند یکی سید عبد الله که عقیبا بنامند
 و موسی عبد الله شد و ثمره هفتم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر
 اخوان شد از بی بی رحمت گردیده و فرزند شد از آنجمله اولاد یک باقی ماند
 ثمره دهم نسبت دوم باب اول واضح بار سیدنا ابوصالح گفت موسی نام
 جنگ دوست خدا لقب کردند ابو اولیا سیدنا اصغیر بسیار مجاهد و زاهد شیخ
 کاملین سید العارفین زوجه حضرت بی بی ام الخیر فاطمه ثانی دختر حضرت
 سید ابو عبد الله موسی که این حضرت و فرزند ایشان از او به بنا کرده و بعد از
 آنی بودند مشغول کیفیت کرامات عبد ماری حضرت غوثی نقل بسیار است

ششده بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سوم سید عبد الله
 بلکه بعضی اهل مذریبه باطله و نواسب و خواج سید محمد ابن سید عبد الله المحض
 را حدیث موعود و شجره اگر نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصور و الفی از
 خلفاء عباسیه بود اول شیه محمد را محبوس نمودند و شیهه کرد و حال ذریه
 سید ادریس و سید ابراهیم و سید یحیی کسی کتاب یافته شد که می نوشت شجره چهارم
 نسبت و م باب اول سید نهمی که بسبب یک سیاه و الدله ایشان
 چون گفته می چون سیاه رنگ که خدای ایشان یعنی سید موسی ابیوان از ختر
 نخست ختر امام محمد باقر علیه السلام شد نام آن بی بی رقیه ثانیه و فرزند
 از طین این بی بی شده متولد یک سید ابراهیم که عقاب ایشان بنامد ثانی
 سید عبد الله ثانی که لقب بود و بدین صانع که خدای ایشان از بی بی
 ماله دختر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شد از طین این بی بی پنج
 فرزند تولد گشته پس سید موسی ثانی که بودند از اجله حضرت غوث الثقلین
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابو صاح
 ذریات ایشان جانب بخار و ترکستان بسیار اند شجره پنجم
 نسبت و م باب ششم مذکور موسی ثانی کنیه ایشان ابو عمر که از ختر امام موسی
 کاظم علیه السلام که خدایند نام بی بی طیبه از طین این بی بی بودند آمدند
 هفت پسر و یازده پسر از حار بر و میر حضرت موسی ثانی در و و هجری از ششم

به بسط و طول حاصل از بطن این غنی و دوزندگی سید الوفا حضرت تاجی معزز بانی
 ثانی حضرت غوث اعظمی بانی محبوب جهانی سید عبد القادر جیلانی رحمة الله علیه
 معتمدی موجود طریقه قادریه که از نام آن حضرت منسوب است عقیدت و تعجب بسیار است
 مطلوب است نام خواهر آن حضرت غوث پاک بودنی بی جلیقه بی رقیه نام و چه
 پاک بانی بصیرتی جمیل و فرزندان آنجا بدو دوازده رتبه بلند در دست هر یک
 پس از آن حضرت الاولاد و ستم فرزندان در بخوار رسیده اند از شایخ شجره و یا و شد
 اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب بنی سیدنا عبد الرزاق
 شهره و آفاق ثالث سیدنا عبد الغفری سجاد و ثلثین بعد از او فرزندان ایشان
 هستند و بنی بنی که از اولاد رسیده اند در بخوار و مصاد باید شنیده از سیدنا
 عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شمس الدین
 سابع سیدنا یحیی که حضور اند حسیب شاه دوالداجد خود شایع جلالی و یار
 مغرب جنبی اند متفطر اوقات حضرت عیسی علیه السلام شمس هستند ثامن سیدنا
 موسی ناسع سیدنا ابوالاسحاق عاشر سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
 عبد الجلیل او یسر و نسب شان یحیی بنی خوار یافت اما این نسب نزد گوید
 الا حین اقامت مدینه طیبه که مشرفه از بزرگی دریافت شد که بنجر حضرت یحیی
 که حضور اند و دیگر برادران ذی اولاد اند و الله اعلم بالصواب و سیدنا یحیی بنی خوار
 ازین سه فرزند بنی میشود و از دیگران نه یعنی زرافیه اند و یا بیه اند و غیر اینها

منظر علی ساکن کرده بودند والد با جد سید منظر کریم اله آبادی شمره شجره نسب
 قادری حضرت سید محمد قادری امجری معروف است استانده امجری
 باید نیست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاه شمس الدین محمد دریش از دیار
 مغرب شهر دلی نموده معمر بدان و خادمان درستانه امجری که اول حسب
 ایشان چهار زنگوار سکونت الموضع کردند خستیار مرزا رفیع انوار است درین دیار
 حالا طور نسب منوید انجی کسار باید شنید سید محمد قادری ابن شمس الدین
 محمد دریش قادری ابن سید شاه عالم قادری ملقب بشاه کلان کلان ابن سید
 شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الفتاح قادری ابن سید شاه عبد الله
 قادری ابن سید شاه عبد الرحمن قادری ابن سید شاه عبد الملطیف قادری
 ابن سید شاه عبد الحمی قادری ابن سید شاه عبد الحلیل قادری ابن سید شاه
 ابو القاسم ملقب شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الرزاق قادری
 خلف ثمال حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر حیلانی رضی الله عنه
 ذکر در میان حضرات جای مصاحبت ایشان تفضل فرموده اند و شصت و پنجاه
 دو فرزند تربلیند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
 معین الدین قادری حالا جاشین باخا از اولاد سید معین الدین هستند
 چنانچه سید شاه اطیب النعمه قادری رحمه الله علیه و خلف الرشیدشان
 سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمعی علیه الرحمة بودند و دو برادر دیگر

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن بن ناصر قادری ابن
 حضرت سیدنا عجم الزراق خلف الرشید محبوب بھائی حضرت سیدنا عجم حیلانی

شجرہ پنجم نسب قادریہ حضرت سید فیض قلوبی

یا بدستیند حضرت فیض قادری ابن سیدنا ابوالاحیات ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید
 قادری ابن میر سید ابوالمنصور قنوجی ابن میر سید محمد حیلانی ابن میر سید بن ناصر یا
 ابن میر سید سیدنا عجم الزراق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب بھائی سید
 عجم القادر حیلانی بواسطہ نسب فرزند ی در حیرا در ہم میر سید پیچ و تربیت
 از بنی عامم برداشت خاکسار شرف از زیارت فرار شده است بمقام معروف
 پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادری فیض یافت کرده اند بسیار از غریبا
 نامشروع سیاحت کرده آخر بمقام خضر آباد توطن کرده اند خستیار و متاعل
 انجای معروف بطور حلقه کشی حبیب از انجا مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و
 یاران بسیار چنانچه متعال بحیثیت بگال کردند حسب محبت مریدان از انجا جنازه
 بردوش گرفته روانه دیار غری شدند و بر در جنازه حسب محبت بمقام خضر آباد
 شاپورہ دفن کردند نقل کنند وقت برون جنازه سید پاک چند روز در قعب بہار

عبد الفتاح عرف قاضی سید نرس که خدا شنیدی اولاد گشتند یا بد شنید
 میر سید عبدلرحمن بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد الحلیل ابن میر سید
 محمد طلیل بن میر سید محمد طلیل بن میر سید بدر عالم بن میر سید ناصر عالم ابن میر سید
 ناصر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید دریس قادری ابن میر سید

ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد اشرف قادری ابن میر سید سیدنا
 عبد الرزاق خلیف الرشید ثانی حضرت محبوب جوانی سید عبد القادر جیلانی
 شجره چهارم شجره نسب نزاقیه نیکو نسب میر سید محمد مهدی
 ششود بادین میر سید محمد مهدی یکی از سیادت عظام عالی مقام از ارکان
 سلطنت شهر دہلی شاه جهان آباد و محمد شاه بادشاه بودند
 امیر الامرا مخاطب ب خطاب عمده الدوله اوقات خود بسبب امانت ظاهر
 بکرو فرمید اشتد این بزرگ پدر بزرگوار الله ماجده قادری این فقیر حقیر بود
 حالا سلسله نسب بیان میکنم میر سید محمد مهدی ابن میر سید عسکری ابن میر
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر
 ابو محمد قادری ابن میر سید محمد طلیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید
 قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری ابن میر سید احمد قادری

نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منسوبه طایفه درویشان و برادر قضا کردند سید
اولاد حسین بن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
ابن میر سید یحیی قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر سید
علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین یحیی
قادری ابن سید نصیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد صلیب ابن سید ابو القاسم
قاضی اقتضات ابن سید ناعبد الزراق قدس سره خلف الرشید ثانی
حضرت پیر دستگیر قطب بانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله تعالی عنہ

شجره هفتم شجره نسب ذراقیه قادریه سید حسین حموی

خواجه باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمان اندک فرزند
واقع بقلعه چپاگرده از کتاب معتبر یافته نسب نامه آنحضرت تحریر نمود
بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن
سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری
ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سید
عبد الزراق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رضی الله تعالی عنہ

مانند چنانچه جای معروف است و در بهار بقیام قلعه ستانه شان خدام
 میریدان بجای تکیه پاک مجاهد شده اند و بیات نند استانه است عزرا
 پیران بجای گردن این خاکسار و را بنده از مازوید و بود و لیش آستانه شاه اسلام الله
 بعد شاه شاه الله شدند و الا شاه شوال اند و توکل خدایه خدمت داد
 و صادر بجای نگذردنا پیشینان خود و سبقت برده اند بجای قلیل صورت کثیر
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه مصلح قادری از انجا حلیب صورت آمده بود
 کفایت بر ایشان معین شده بود و موضع سنا در میوه و پرکنه تربت این خاکسار
 ملاقات بود از جمله فرزندان پناه اما شاه صورت و سیرت بهتر شدند
 و برادران شان را نیز دیده بود و علام شاه و حسین شاه چون نسب بنده را
 این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ میر میران پهلوانی استندیران شجره
 شجره ششم

شجره ششم نسب بنده راقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد سید بنی شاه هر دو برادر فرزند میر سید حسن قادری سید نسب
 و نیز برادر عرصه راز قیام پذیر شدند قبل ازین قامت و ولد ایشان بود
 و در شهر آباء و که صورت مصابقت گوید و نسب مادری و والده ایشان
 بنسبت ابو العلامی است یعنی سید شاه علام علی جد مادری و والده ایشان بود
 و پنج و سبط نسب برزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید
 نور الله بن میر سید فضل الله بن حضرت سید شاه ابو العلامی است و سبط

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه غیاث الدین احمد کبیر ملتانی
 ابن سید شاه محمود او ملتانی ابن سید موسی قادری برادر سید یحیی قادری
 ملتانی ابن سید شاه عامر ملتانی ابن سید شاه عبد الزاق ثانی ملتانی ابن سید
 شاه عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
 قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید
 سید احمد الوهاب خلف الرشید کلاتی محبوبی الی حضرت سید محمد القادر

شجره دوم شجره نسب اول بابیه قادریه
 در نسب نامہ سید و جمیع الشہ قادری میرانیکہ

واضح باد مولوی سید جلال الدین ساکن جیران بکله لکھنؤ ابن میر سید احمد علی ابن سید
 امیر الدین که چار برادر بودند عیانی یکی نامی بکیرت گرامی ششده باب الشہ عارف
 باشد دومی سید شاه عباد الدین سیومی سید شاه نور الدین چارمی ششده امیر الدین
 مذکور بالا پنجم سید شاه تاج الدین لا ازبک کاملین بکلیں معروف بودند شاه باب الدین
 و تیر سید احمد علی بن شاه امیر الدین را فرزند دو یکی سید نور علی و الدین سید حسن
 ثانی خود مولوی و جمیع الشہ ابن سید احمد علی پسر مولوی سید جلال الدین یکی سید
 ابو الحسن امام شاه خدام حیدر کبرادوی مولوی محمد شرف یک پسر الشہان سیدی
 مولوی سید حیدر شرف باید ششده سید شاه باب الشہ ابن ششده نعمت الدین قادری

عشره ششم شجره نسب زراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه اکبر آبادی ابن سید منصور علی شاه
 برادر ثانی سید حمید علی شاه ابیان سید محمد علی شاه متعلق به صفرائین سید
 احمد علی معروف به بولوی احمدی ابن شاه رکن الاسلام ابن سید موسی ابن
 معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه بکنده اسطه و نسب حضرت
 سیدنا عبد الرزاق میسرند و نیز نسب شیخ عمر شان حکیم سید نور الدین ابن
 حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبد الرزاق میسرند
 چونکه اسامی نسب تقدیر یافت که نداشت نیز در اکبر آباد بزرگی بودند به نسب زراقیه

عشره ششم شجره نسب اقیه قادریه نسب یحیی حسن

سید حسن عرفان پیر حیدر ابن سید فیض الله ابن سید شاه محمد تقیم ابن سید
 تیم ابن سید اسد الله ابن سید شاه برکت الله ابن سید شاه رحمت الله ابن
 سید شاه نعمت الله ابن سید شاه محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود
 ابن سید سعید ابن سید مان الله ابن سید بدر الدین ابن سید ذکی الدین
 ابن سید ابوالنضر ابن سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبد القادر جیلانی رضى الله عنه
 شجره اول نسبت نسب قادریه و نامیه
 نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری باری

باید نیست از خلفاء حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی چار خلفا نامدار
معروف بودند سید محمد کی سید محمد گیسو زبند و نواز فرور در گلگیر شریف است
ابن سید عبداللہ بن زیدی نسب دہلی سید محمد گیسو زبند ابن سید جمال الدین
کالمی باقری نسب از اجداد ابن خاکسار سیدی سید محمد ابن سید عبداللہ
جعفری نسب از چاری سید محمد ابن سید احمد ملتان فوگ کتا بحر للعا
قادی و بانی نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتان فوگ کتا سید بیابانی ابن
سید احمد ابن سید الدین معنی ابن سید ناسیف الدین عبدالوہاب

خلف الرشید کلائی حضرت سید عبدالقادر جیلانی

شجر نسب قادریہ غفریہ نسب نامہ شجرہ عبدالمنان قادری دہلوی
سید شاہ عبدالمنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد سرور ملقب سید
ابن سید عبدالملطانی ابن سید شاہ عبدالغفری ملتان ابن سید عبداللہ
بیابانی ابن سید شاہ علی بھانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن
سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبداللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری
سید سلطان قادری ابن سید شاہ عبدالقادر بغدادی ابن سید شاہ عبدالفتاح قادری
بغدادی ابن سید شاہ عبدالغفری عالم بانی خلف الرشید ثالث حضرت سید
عبدالقادر جیلانی دامخ بادشیر مظهر حسین قادری راجا شریف
از پنجاه گذشت سید اولاد اقطاع کرده و خانقاہ دہلی بمجادہ شریف بودند یک شب

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمد قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
 سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
 ابن سید حسن الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین
 قادری ابن میر سید ذکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
 سید صفی الدین مونی قادری ابن حضرت سیدنا سیف الدین عبد الوهاب
 خلف الرشید کلانی حضرت محب سبجانی قطب بانی پیران پیر و سنگیر

سید عبد القادر حیدرانی رضی الله تعالی عنه
 قره سیدوم شجره نسب دوم و بابیه قادریه نسبت شاه عبدالکریم
 باید شنید سید شاه عبد الکریم و سید عبد الرحیم بانی پوری قادری نسب بود
 برادر فرزند سید شاه امیر الله ابن سید شاه رحمت الشاه ابن سید مغولان
 قادری ابن سید شاه عبد الهادی ابن سید شاه ابو شهر بار ابن سید
 مختار ابن سید عبد الشکور ابن سید شاه عطاء الله بغدادی که از
 بغداد ایستاده و در مکه در قتال پاره قبول کردند فرزند اینهاست فیض شاه
 و حقیق و اسطر در الانسب است و اولاد ایشان در انجور آمد بسیار خصوصاً
 سید شاه تراز علی ابن سید داود علی از فرزندین شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید محمد تقی

قره چهارم شجره نسب دوم و بابیه قادریه

دختر حضرت طلحه صحابی یکی از عشره مبشره متولد شد ندی بی فاطمه صغری
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مثنی این جناب حضرت
 امام حسن علیه السلام سیادت حسنی حسینی از طعن این بی بود و اندر وجه
 نالاشی بی ام ایمن و نیز ام ایمن میگویند از طعن ایشان تولد یافتند حضرت
 علی اکبر شبیه پدر افتاب ایشان نماد و واقع کرد با همراه عم بزرگوار و والد
 شهید شدند و در وجه ابی بی ریاب نیست قیس برین حد از قبیل بنی کلین و در
 محبوب ترین وجه بودند از طعن ایشان و دختر پیدا شدند علی سکیه محبوب ترین
 دختر جناب سید الشهدا و بین بر عیبه است مثل محبت ایشان ترجمه آن نیست
 اوس بلکه کوه دست رخت های حسین ۴ حسن و مجتبی بن سکیه و در باب ۴
 حسین شهادت سید الشهدا العزیز است که بودند و ایت متعال ایشان در وقت
 غلط است از مصعب ابن زبیر که می داشتند چون لشکرمان عبد الملک بن شهر
 کوه آورده تاخت مصعب ابن زبیر را کردند شمشیر بظلم شدند و در آن وقت سکیه
 برآوردند فریاد ای کوفیان ناشاد که وقت درین میدان کردی مرا تیمی بی
 این وقت کردید مرا ای شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند و فرستادند
 عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر هر سه را در بجای تاجات
 دعا بر چاه زمزم هر سه مطلب ها خواهد شد امارت که خواستند حضرت عبد الله
 بعد واقع شد ایت سید الشهدا تسلط امارت که مغر شدند عروه دعا کردند

بعالم رو یا جدا نمخت پیر و گیسوید عبد القادر جیلانی فرمودند مطلق در نصیب تو فرزند
نیست الا در نصیب پارسا خواهم تو یک فرزند ست و خواهم را بجای خضر یحیی عقد
نکاح او از سید محمد سرراز که اولاد من است انجام کنم بحال شاه مظفر حسین قادری
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سرراز کردند بعد مدت نه ماه فرزند توایند
شاه عبد المنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجای خود

کردند جانشین خوانند زاده را منتهی نه خوانند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام معذکر ذریه حضرت
زنان که نسبت فرزند سیادت بکدام امام میسرند بر پشت نسبت نمائند
باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیومند انداخته فرزند
جناب حضرت علی مرتضی نواسه پیغمبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
اولاد این حضرت عین آئینه سیادت است از بی بی فاطمه قبول کل سیادات
حسنه الحسنین انداصل جدول نمیدارد عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام
از واج خمسه رسامند و از لطن هر یک فرزند متولد شدند و جلد و لطن
جناب محسن القاب بی بی شهر با او و خضر خسته خضر نیز و جردین شهر با یک بود
بادشاه سلطنت عجم از اولاد نو شیردان پادشاه عادل باید دانست از چهار فرزند
بهر توفیق و بقدر احوال بودند از لطن ایشان متولد شدند امام زمانه سید مجید
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام از لطن بی بی ام سحاق زود جان

وسید محمد الرحمان وسید سلیمان و سید علی اشرف چهار فرزند اگر
روایت است صحیح پس عقاب ایشان نماند و اولاد امانه ماند و در دست و دم
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب خود
خود در دست افراز کرده بر سر بزرگواران اولاد میکنند بامیری و ریزی و حسینی
الوار و اول نسبت اول این معرکه ذکر امام عبد الله با وجود اولاد و خاندان

امام امیر سید تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو الحلاقی بن سید
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلام ابن امیر سید
قدس سره ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الله
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمد ابن امیر سید
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین
ابن امیر سید انور الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید معنی ابن امیر سید
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید باوشاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد الله ابن امیر سید حسین ابن امیر سید ابراهیم
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد الله با میر ابن حضرت سید ساجد بن امام
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید شهاب امام حسین
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید و است امیر سید عبد السلام

که محبت شوند اینچنان گردید و مصعب فرستند و بیت حضرت سکینه از هم طلبیدند
 زوجه خامنه بی اسم الامام صغیر یعنی والده حضرت علی صغیر شهید شیر خوار شهید
 شد از ترس طبع میزد اما الله و انا الله را چون قاتلان صورت زبون که
 نسبت او این است و هم در کراولاد حضرت علی ثانی السید جابر بن

امام زین العابدین علیه السلام بر سر الوار و کراولاد

فاطمه باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام
 از مهدی علم الاعظم بی اسم عبد الله کنیت بی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه
 ثانی هم هم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و بی اولاد
 شدند باید شنید چهار فرزند حضرت سید الساجدین از لیل آن بی بی متولد
 شدند و از لیلن زوجه دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود ان حضرت محمد نبیا علیه الصلوٰه و السلام
 از من محمد ابن علی ابن حسین ابن علی حوایی بیقری فی علم الدین اسی جابر
 نوید بی فرزند می را که نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی که فرزند من است
 بنحوی که بقر بود و او را در علم دین من ثانی امام عبد الله با هر صنی الله عز و شاست
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صغیر و کتاب بکمال انساب چنین
 مذکور بود ایت اهل سنن و فرقه مذرب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت
 امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شدند و چنین نام سید محمد شرف

عشره شجره در نسب مادری از جانب خواجه عبید الشاهر

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید الشاهر از قدس سره میکنند
 حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمد و ابن خواجه شهاب الدین شاشی
 ابن خواجه محمد مدعو خواجه نامی از اولاد عبداللّه اقصا باید شنید حضرت خواجه
 عبید الشاهر از اعم غفر امیر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شهر قم
 بودند با خود با بسبب بنحایت شرافت جانشین قدرت مصاهرت واقع شده
 یعنی که خدای امیر سید عبداللّه امیر سید عبدالاول و امیر سید عبدالباسط هر
 فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید الشاهر
 گردید و نسبت نامتالی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترغیب واقع شد بدین طور
 امیر سید عبدالملک نیره امیر سید تقی الدین خواجه حضرت خواجه احرار و امیر
 عبدالسلام ابن امیر عبدالملک نواسه خواجه عبداللّه عرف خواجه کا این خواجه
 احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبدالسلام نواسه خواجه ابو الفیض نیر
 حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه
 حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجه
 ابن حضرت خواجه احرار بشنو نام الله حضرت سیدنا ابی عارف و دختر خواجه
 محمد فیض و اصغر با و خواجه ابو الفیض اندک مادرش برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض
 دومی خواجه عبداللّه سیدی موسی خواجه عبدالعلیم ابیان خواجه کا و از زوجه دیگر

جد امجد امیر سید ابو العلاء چار فرزند از آنجا که امیر سید ابو نصر والد امیر سید
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دو بی امیر سید ابو الصفا
 فرزند ایشان امیر سید عبد الباقی والد امیر سید شاه عبد الماجد سیوی
 حضرت امیر سید عبد الله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبد النعم دو بی
 امیر سید عبد الباسط و خواهر ایشان لمی مدیحه زوجه سیدنا ابو العلاء
 جاری امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلاء و کنخواهر حضرت زوجه سید
 سید عبد الباقی و والده امیر سید شاه عبد الماجد شینو حضرت سیدنا ابو العلاء
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء والد ماجد امیر سید تاج العلاء و دو بی
 امیر سید فیض الله و فضل العلاء نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نور الله
 که خدای هر دو فرزند سیدنا از نبات عمام یا احوال شد و صبی و آنحضرت سیدنا
 یکی بی بی زینب زوجه حاجه عبد الرحمن ابن خواجه سلیمان که از اولاد
 حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره بودند کیفیت ریت ایشان
 دریافت نشدشان صبی حضرت سیدنا بی بی رقیه زوجه حاجه محمد عرف
 خواجه فولاد ابن خواجه محمد سجاد و ماد ثانی حضرت سیدنا انجناب نیز از اولاد
 حضرت خواجه نقشبند قدس سره بودند مزار حضرت خواجه محمد فولاد در احاطه
 مزار سیدنا موجود و در کبریا و کرامات از ایشان عیان از مظهر بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم شد

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر مریا عظیم آبادی
 که انچه معروفست نسب فرزند آن شانی نیز انچه پانچین طوهرست انچه که گفت
 نگاشتندگی سید نظام الدین ابن میر سید عیسا و پیر مریا ابن میر سید حمزه
 پیر مریا ابن میر سید زکریا الدین پیر مریا ابن میر سید زین العابدین عرف سید
 محمد پیر مریا واسطه ابن میر سید احمد دهلوی واسطه ابن میر سید حسن دهلوی
 واسطه ابن میر سید قاسم واسطه ابن میر سید حامد واسطه ابن میر سید محمد
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید اعتماد ابن میر سید طاهر ابن میر
 سید ابو بکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابن میر سید امین ابن میر
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محمد و زبانه ابن میر سید حسین
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید ششید ابن حضرت سید الشاجد
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام
 شجره دوم النوار دوم نسب اول باب دوم در ذکر نسب پیر محمد سرور دلی
 و اضرع باد منزه عن الخضر سید محمد سرور دلی بموضع دهلوی علاقه حضرت بهادر
 است سید محمد سرور دلی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید یحیی دهلوی
 ابن میر سید مصطفی پیشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
 میر سید میر علی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبداللہ دهلوی

دختر امیر تقی الدین نیز پسری خواهر بزرگش و وی خواهر نظام الدین عبدالهادی
 سیوی خواهر خاند محمد بود و خواهر ابو الفیض سید برادر دختر خواهر نظام
 که از اولاد صاحب دین بود و هر یک شدند ذی اولاد و حضرت خواجگار
 از هر دو راجه و دو دختر نیز بود و کیفیت فرستادگی فرزندان حضرت سیدنا
 دریافت نشد الا این محمد و محمد صید حضرت امیر نور الدین که از امیر محمد
 ابن سید محمد اجل بن امیر سید علی رضا اقتدا شدند کیفیت فرستادگی ایشان
 ترتیباً نیافت الا سیدان که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی سید
 واسطه فرزند امیر سید محمد افضل بودند و نشانی حسین مصطفی پوری نیست
 فرزند سید خواجگار حضرت امیر سید محمد افضل بیان می کردند و ابن نسبت البنت
 سید شاه غلام علی سیدان که سید بنی شاه ابن سید حسن قادیانی
 بودند و بنی نوای سیدان علی و اولاد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت
 کرده است این فقیر خیر الله در شهر کبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلاء ابن
 امیر سید نور العلاء بیشتر زمان قیام اینجا گذرانید و سید اکرم الدین که
 شهران اینجا کیفیت قبولی شان بحضرت سید تاجیان میکند و از وجه شان
 که اولاد نشد الا از علین خادم یک دختر بودند لقب سیدانی صاحب ۴
 انوار دوم نسبت اول باب و هم در ذکر اولاد حضرت اکبر
 زنده شمسین هر چهار شجره است شجره اول ذکر سید محمد پیر فریا

جاجنیری ابن میر سید علی الدین که میر حاج ابن میر سید علی مسعود که ابن
 میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرج ابن سید ابو الفوارس محمد فراس
 ابن سید ابو الفرج واسطی ابن میر سید داود ابن میر سید محمد جاجنیری
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داود بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین
 ملقب به خید ابن میر سید ابو الحسن ابن ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین
 یحیی محمد شایسته رسول مقبول علیه السلام بن سید حسن نجیدی ابن حضرت امام
 ابو الحسن زریده شهید ابن حضرت سید الساجدین علی توسط امام ابن العابدین علیه السلام
 انوار سیوم نسبت اول باب و هم در ذکر اولاد حضرت علی
 علی صفرا بن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی هر دو شجره که
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شخص بلخی از اولاد
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی مخدوم فرزند حضرت
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت
 سلطان ابراهیم او هم نسبت مادی اما ملوک اند و نسب جدی نادر فی نسب
 اند از غلط کاتبان تحریر نسب سیادات است الا نسب مادی اجداد مولانا
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم پیوند و سبب تحت سلطنت نیز از نسب

ابن میر سید اسد الله ابن میر سید علی ابن میر سید حسن ابن میر سید محمد الله ابن
 میر سید حسین زاده ابن میر سید اسماعیل ابن میر سید علی ابن میر سید حسین الفارسی ابن میر
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحیی شیرازی رسول مقبول ابن
 میر سید حسین بن عابدین حضرت امام ابو الحسن زاده شهاب الدین حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین
 شجره دوم انوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسبت نامه محمی حضرت شیخ یحیی
 حضرت سید شاه یحیی علی رحمة الله علیه ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر
 سید وجه الله ابن عرفت سید ابوالحسن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا شید شام
 قطب الدین مصطفی پوری تارکی ابن میر سید قاسم ابن میر سید امام ابن میر سید محمد ابن میر
 سید علامه الدین ابن میر سید محمد ناصر مائوسی ابن میر سید فضل الله ابن میر سید
 معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرج و علی ابن میر سید محمد اوود
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسی ابن میر سید ابو الحسن قطب الدین ابن میر سید محمد اکبر زید
 ابن سید محمد منصور داغی عدنان ابن سید عمر علی ابن سید یحیی شیرازی رسول مقبول
 ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن بلقب رده شهید ابن حضرت
 سید الشاجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین علیه السلام
 شجره چهارم انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسبت محمی حضرت محمد گریزان
 حضرت میر سید محمد گریزان بنده نواز ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید محمد

ابن سید اجل بن سید فضل بن سید ظاهر بن سید مظاہر بن سید محمد بن
 ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ
 ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید نور اللہ ابن سید ابراهیم ابن
 سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید
 ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صغیر بن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام
 شجرہ نسب نامہ کی از مریدان تفسیر بدین نسبت غیر سید محمد یونس
 ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید محمد حسین
 ابن سید نور اللہ ابن سید ابراهیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
 سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زید ابن سید عابد ابن سید
 محمد ابن سید یونس ابن سید اسماعیل ابن سید محیی ابن سید فکر ابن
 سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید حسین ابن سید
 یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
 سید الشاہدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ
 نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

محمد باقر علیہ السلام بدو شجرہ

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی باین سید شاه علی ابن سید شاه سلجوق
 ابن میر سید محمد بن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفر علی ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صفر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانی
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن محمد
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفر علی ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن
 حضرت امام علی صفر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
 علیه السلام شجره پیوند نسبی مادری از جانب حضرت ابراهیم بهم بدین طریق است
 باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نوادستانه سلطان محمود ابن سلطان
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدین طریق یعنی حضرت سلطان
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح او هم ابن سلطان ابوالناصر با شمس ابن عبد الله
 مسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب
 رضی الله عنه شجره نسب دیگری از خلفای این فقیر سید امین الدین
 ابن سید حسین ابن سید محمود ابن سید داود ابن سید جعفر ابن سید اکبر

حالا این کتاب است مفقود آنچکه باستماع جلیله حضرت یاد است مینویسد بزرگ
 بودند عمدة المشائخین خواججه حسن که انجناب را بیست و دو واسطه نسب بودند
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگوار از علاقه ولایت تیراه و هرات
 وارد شهر میند وستان گردیدند و واربطور سیاحت قبل در مقام
 در ملی بدلاسلطنت کسیده ملاقات از هر یکی مشائخین کرده متوجه دیار شرقی
 شدند و موضع قریب شهر متحصرا مشهور موضع دیوشان که جای عبید
 بود و هنوز در آنجا چند روز تشریف داشتند آنجای هر سکونت بنما طریقت
 پسند افنا در میان ساکنان آنجا قوم بنو معتقد شدند و نیز از مراد علی
 شیوخ انصاری که مسکن آنجا بود کرد و بدیسیار اصلاح و زاری بهتر قیامت
 آنجا هرگاه آنها با عیال قیامت حضرت شدند برای آنها بنظر شریف حسن
 افتاد و طرح اقامت پذیرفتند شیوخ آنجا معتقدین اکثر می شدند بعد چندی
 سال اصرار کردند بر مطالب شدن آنحضرت بدیسیار که بعد قبول شد از آنجمله
 یکی از مریدان راسخ الاعتقاد و دختر خود و زکاح آنحضرت بزوجیت داد و بعد
 چندی الله تعالی از آن بانی عقیقه اولاد بخشید بسبب قیامت و عدم کمالات
 خاص در شیخ زادگان نوبت مصابرت افتاد از زبان مبارک پیوستگی
 خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است
 که چنان حضرت خواججه ابوالبرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان

انور باد کده خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر
 نجمه دختر حضرت قاسم بن محمد این حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب انوار حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بدین
 خطاب اسم محمد بن علی بن حسین بن علی هوامنی بیقری فی علم الدین
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اصح باد از یحیی پاک بی بی فروه فرزند
 شد چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه
 که فرموده اند شده مخاطب به راض قول لا تسبوا علی ابی بکر انا
 ولد ابی موسی بن هرا و از ولد تنی نسبت صوری و معنوی چرا که از حضرت
 قاسم جد مادر می فیض یافتند بدین که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
 اسماء بنت عبد الرحمن این حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله لقب
 کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم باید بشیند
 نسبت کسی اولاد سید ابراهیم یافت نیست آنجا باب و ذکر حضرت امام
 جعفر صادق و ذریه شان در نسب سیوم جدا گانه تحریر خواهد شد
 اول ذکر اولاد حضرت اسمعیل میکنند که جدا علی جنا حضرت سیده خواجه
 ابو البرکات قدس سره اند بدین نظم تحریر است باید دانست در کتاب بعد
 از حضرت بکتوب نسبت دیده است بخوبی این فقیر نسبت یثقی و اسطه میرسد

این شهر گردید هرگاه راجه دولت راجه گویا راجه میر سید علی شاه
 سبب تشریف بری اینجا خواست آنحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه مقام
 گویا چون حضرت صاحبزاده خورد و خواجهمیرزا حسین تمام شد ندلبوی
 گویا راجه چند سال در تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چرخ در
 مفارقت بر خورار شدند بر تفریق خود نیز مع تبع و لحقه التشریف بردند جانب
 گویا راجه در زمانه راجه مذکور بابت گذشت چند سال بعد به کشتگی زیاده
 چون بیجا بانی رانی این راجه از اینجا جای تیرت مبد خود پندیده اقامت
 شهر آله آباد کردند خستیا را آنحضرت نیز مع تبع و لحقه فرزندان و اینجا
 تشریف آوردند از گویا اقامت پذیر گشتند در اینجا مدت حیات
 تشریف خود چنانچه در این شهر بسال بگذارد و بعد و پنجاه و شش هجری است
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه در آن شهر
 بطور سبزه کردند تدفین بعد از اینجا آورده در شهر عظیم آباد پائین میرشد
 یافتند تدفین عمر تشریف بر نود و هفت رسیده بود ذکر اولاد آنحضرت
 راسته دختر و و پسیر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین
 بودند و دختر ثانی از میر و علی ساکن شهر نارس که خدا شده ذمی اولاد
 شدند و دختر سوم آنحضرت دایه میر محمد علی و خواهران ایشان بودند
 و فرزند کلانی خواجهمیرزا حسین رحمه الله علیه برادر دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابو الحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد
 که بواسطه نسبت و سه پشت نسبت از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیهما
 السلام پیوند دارند سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه رزق الله که نسبت و سه پشت
 بواسطه نسب قرندی حضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوانه است
 مزار خواجه بسیار نفیس آثار زیاده دارد و ده است این فاکسار چند بار چیده
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الاقامه چاک مرشدان مرشد و از پیران
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره
 بعد تحصیل علم ضروری چندین نوکری سرکار نواب و دراجه آن دیار بودند بعد
 قلعه اری برگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسید
 بعد حصول حاجت از تربیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین
 تخلص عشق قدس سره ابو العلامی مشرف به خلافت شده و خصیت شدند
 برگاه و صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چو
 حضرت خلیفه نوشته محرک تشریف آوری آنحضرت شدند به بیت حصول
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت
 معنوی شدند و نیز خواجندادگان اکثر مجوسه و هندو قاضیان شهر
 آنحضرت پذیرا گردیدند و اهل و عیال را از آنجا طلب داشته و بیعت اقامت

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آبی ولد سید محمد معروف است این
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبدالوهاب ولد سید عثمان
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف بنیچ پوش ابن سید عبدالقاسم
 الحسول این بزرگوار از مدینه طیبیه حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند و یار
 و امصار هر است و بخارا و لاهور آخر در دہلی رسیدند و چند نفی اینجا اقامت
 گزین شدند چو آنکس بجای تخت سلطنت بود و اجماع در ایشان و مشایخین
 حصول ملاقات اتمام اراد اکین نموده بطور سوخت در بارشاهی منصب
 قضا کردند اختیار از اینجا رحلت گزین شده بسبب بقتامت صیفه قضا
 اینجا در موضع جوینپور اقامت پذیر گشتند تا چند نسلت فرزندان اینجا
 اقامت گزین شدند بعد و خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
 عبدالرحیم ولد سید عبدالرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولد
 سید محمد فرید فرزندشان سید ابراهیم از اینجا مراجعت کردند بسوی
 دیار شرقی قریب بهار موضع سرالنوان برگشته اول طرح اقامت
 انداختند معاهل و عیال خود در اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا که در
 دیار شاهی بود سوخت کمال بند بیدار اکین چند موضع و بیابان
 بمحصول فرمان شاهی برآمد معاش یافتند و جای سکونت را نام جد
 بنده گوار موسوم فرید پور کردند بالاشد از صد سال که سکونت این بزرگوار

از میر محمد علی که خدا باقی بای دیگر دوزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه
 ابو احمد دوزند دارند و جاب حضرت خواجه ابو الحسین دوزند ثانی انحضرت
 ایشان را دو دوزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خواجه
 علی حسین عرفت میر نواب که خدای ایشان باز دختر کلانی خواجه سلطان جان
 گردید یک پسر و یک دختر که هشته خود سال کردند امثال ببال کبیر از و صد و نود
 و پنج هجری ثانی صاحبزاده خود انحضرت را هم علی خواجه علی حسن عرفت
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه و حید جان این خواجه
 میر بخان که خدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را تسبیح خواجه
 نواب حسن است بنور که خدای هر دو برادران نشد و بجای تقریر تعیین یافت
 شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبد الله اول ایشان
 ابن امام محمد باقر علیه السلام بیان نسب دلا انحضرت که در شجره
 بیاید است سید نام امام عبد الله دو فرزند که از میر و نسبیت پیدا است
 یکی میر سید ماشم دومی میر حبیب الله دریت بر دو برادر با و ات باقری
 نسب اند و کرا و لا دوزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
 بنده مسکین ثانی الا ذکر دریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
 از جانب الامین تا به بطور تحریر سید حبیب الله خلعت از رشید سید بکت الله پسر
 شان سید شهاب الدین نود الانوار ابن سید نجم الدین و نود محمد صوفی صادق

و خواست و خوش مزاج و تحصیل علمی عربی فارسی حصول و وی قاضی
 وزیر حیدر نیریزی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلمات را
 ندیدم او صاحب شنیدم هر دو برادر از هر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن کاشان
 ابن میر حسام حیدر که خدا شدند او لا دنشد باید دانست سید مبارک علی
 ابن سید محمد اسحاق پانچ فرزند رتبه بلند هر یک عالیقدر و ولایت لیسر کلانی
 سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوج میر امانت علی
 که پسر هم رفت بودند یک دختر از آن دختر شد او لدخت از جهان و لیسر کلانی را
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین که خدا شدند
 سید امجد علی چند دختران فرزند یک دختر محمد علی یک دختر از مولوی خیر علی
 مشوب اولاد و یک دختر از مولوی محمد فیدالدین پسر ششی سید اولاد علی که خدا
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و لیسر ثانی مولوی سید امان علی
 و لیسر سید مولوی سید فضل علی هر دو برادر بعد جلیل سرکاری بعد
 دیشی بودند ممتاز و سرساز سید امان علی را دو و لیسر دو دختر یک حافظ سید
 احمد ضاوی سید محمد کجی که از دختر قاضی محمد شش ابن قاضی مولوی
 عبدالحی که خدا شد ذی اولاد است دو و خواهران یک زوج مولوی عبدالحی
 ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوج مولوی فخرالدین و شادای اولین
 حافظ احمد رضا از دختر محمد و یک دختر مشایخ ان عقیقه اولاد و فرزند

است در آن دیار هر یک که از آنها گردند سفر اختیار بسبب حصول جهد
 ذی اقتدار را برسانند در میان ذی اقبال افضل الی کمال القصد سید ابوالحسن سید محمد فرزند
 شان سید محمد اول و ده شان سید محمد کی ایچ سید نجم الدین بن سید محمد علی که سید عبدالکیم این سید
 عبدالقدوس بن سید محمد حسن بن سید محمد یوسف و ده مولانا سید محمد
 اسحاق که در اخلاق بسیط شهمه آفاق از ایشان شد در میان اولاد و سید
 مالا منوید باید شنید سید محمد اسحاق زاد و فرزندی سید کرم علی
 و دومی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی و دپسر ایشان یکی
 سید صفر علی و دپسر ایشان سید تمیل علی و محمد برآم سید جمیل علی
 زاد و پسر و دو دختر یکی زوجه خواجه محمد حسن بنی اولاد هستند و یکی زوجه
 میر محمد تاسم ساکن کمر ایشان نیز ذی اولاد است پسر و دو دختر نام پسران
 یکی سید علی احمد و دومی سید منور علی ذی اولاد هستند همه مالا با پر شنید
 سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید مبارک حسین
 که از دختر قاضی نادر علی که خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین
 جامع کمال است در ینو لا منصب راجلای اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد
 ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی که خدا از خواهر
 میر حسام حیدر ساکن کمر او نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب
 قاضی صاحب مرحوم زاد و پسر یکی قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

از آنجا که این صاحبان به نسب سیادت واحد باقری بودند به جهت کیفیت
 ایشان تصریح نگاشت و ترتیب نسب سلسله به منظور بجز تحریر است کرده
 هر یک ازین خود را به نسب به منظور شماره و مولوی نور محمد بن قاضی بزرگ
 ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق
 ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد حسن ابن سید عبد القدوس ابن سید
 عبد الکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محسن ابن سید
 محمد اوجا بن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید
 عبد الرحمن ابن سید عبد الرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف
 برقع پوش ابن سید عثمان شیردار ابن سید عبد الوهاب ابن سید عثمان
 ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد لکئی ابن سید
 شهاب الدین لالی ابن محمد مونی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید
 شهاب الدین نور الانوار ابن سید برکت الله ابن سید حبیب الله ابن
 امام عبد الله کتب الکریم لقب ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام الوارث سید قم سبقت دوم
 باب دوم در ذکر اولاد سید محمد باشتم ابن امام عبد الله
 ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام باید دانست حضرت
 امام عبد الله را دو پسر ذکرا و دو پسر ثانی تحریر شد بانکه دوم عالم ذکر

و مولوی سید فضل علی رانیز دلیپ و دو دختر یکیز و دو حافظ سید محمد رضا
 مذکور بالا و همز و جد محمد ظفر الحق توپ سید محمد علی مرحوم و پسر کلانی
 مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید مان علی که خدا ثانی سستید
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا فرمود
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا موضع مفتی گنج از خواهرزادی میسر
 شاد حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کن و اسما دلیکی باشد خورم و شاد
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظمی علی پنج پسر ایشان یکی مولوی
 مظفر علی دومی مولوی نیاز علی سیومی میر مصاحب علی چارمی میر محمد علی
 پنجمی سید احمد علی پسر بیستم سید مبارک علی مولوی اشرف علی فستزند
 رتبه بلند ایشان مولوی اظفر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی
 میر مراد علی ایشان اشش فرزند ذی اقبال رتبه بلند یکی از ان
 مولوی وارث علی لیاقت ظاہر باطنی هر دو دومی مولوی شیر علی
 دختر ان ایشان از بزرگ جای قرابت که خدا و از نکو حد و پسر شد بد پسر
 سیومی میر مراد علی مولوی حمید علی چارمی سید جهان علی پنجمی مولوی نظر علی
 ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند
 شیخ قادر علی که خدا شدند یک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر آبی پنجمی پسر سید
 مبارک علی میرا سد علی اولاد کنند از پنجهان بی بنیان بیای چنان

که در کتاب سامیان زوجهای بزرگان و ذکر مصائبت نیز است مکتوب
 بود که در این میان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم سیدنا محمد بنی آسمه دختر وهب ابن عبد مناف که معروف
 است اسم والده ماجده عید الشهد بن عبد المطلب وجه اولین آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم که ذی ولادت شد نام المومنین خدیجه الکبری دختر خدیجه فاطمه
 بنت اسد نام والده حضرت جدید کار علی مرتضی این بابیطالب زوج
 پاک سیدنا علی اسد الله العالی بنی تبول فاطمه الزهرا بنت حضرت
 محمد رسول مقبول بکذا نام والده ماجده حضرت سید المشهد امام حسین
 علیه السلام حضرت بنی تبول بنت رسول نام والده حضرت علی امام
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بنی شهر بانو کنت
 ام عبد الله اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بنی ام عبد الله
 و عایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
 و نام والده حضرت امام عید الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بنی فزوه
 بنت حضرت قاسم بن محمد بن صدیق اکبر نام والده میر سید ششم
 بنی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوج میر سید ششم
 بنی زریب بنت سید احمد والده میر سید محسن بود زوج میر سید محسن
 بنی رضیه بنت سید حسن بن سید علی که والده سید جعفر بودند زوج سید

فرزندان حضرت میر سید باشم پسر کلان امام عبداللہ بنو لید بالاجمال
 و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ بہت ذکر طولانی و کیفیت اخوان عم زاد سید
 عطا حسین عبد الرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
 شاہ محمد حسین ابن میر سید محمد باقر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا
 ابن میر سید صدر جان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید قطب الدین
 عرف سید پودھی کہ از کالی تشریف آورده بجای پوسکن ساختند
 ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالی ابن میر سید جمال الدین کالی
 ابن میر سید علاء الدین کالی ابن میر سید علی الدین پوری ابن میر سید جمیل پوری
 ابن میر سید محمد حاکم لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید
 محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ
 طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابو القاسم طوسی ابن میر سید
 ابرہہ مدقوشی ابن میر سید جمیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید
 علی رسانوئی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد حسن مدنی ابن میر
 سید باشم ابن امام عبداللہ کتب الکرام ابن حضرت امام محمد باقر
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل لکتاب احتساب الانساب حضرت
 میر سید ارشد کاپی ابن میر سید جمال الدین کالی

تروجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند
 ختید فرزند رتب بلند شان میر سید تاج الدین کتخانی ایشان
 از بی بی عایشه دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن عبد الرحیم
 ابن سید عبد شکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احبیر مافرشده
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس السعالی شرف
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم یافتند مشرف شده فیض یافته
 شرف خلافت یافتند و حسب طاعت پیر دستگیر در دہلی طرح بود باش
 ساختند و در محبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی
 قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند
 میر سید علاء الدین و یک دختر مسماة بی بی رخا از مولانا عبید اللہ
 ابن سید عبد اللہ کتخانی شد ند از لطن بی بی مذکورہ دو پسر یک سید علی
 دومی سید عبد العزیز و یک دختر بی بی زینب سید علی الدین را حاصل
 شرف بیعت بطریق عالیہ چشتیہ و تربیت دارشاد و خلافت از حضرت
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بوده بمقام
 پانسی مافرشده از انجا معاودت کرده در شهر کالی پی بمقصد
 ولایت انجا اقامت پر دختند بمحلہ محمود پورہ در عهد سلطنت آن دیار
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدائی ایشان از مسماة عصمت النساء دختر

محمد جعفر بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والد میر سید علی
 بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والد میر
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی یحیی و دختر سید عبد الرزاق ابن سید
 عبد الکیم که والد سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید
 جعفر ابن سید محمد که والد سید اسماعیل بودند زوجه ایشان بی بی
 صفیه والد میر سید ابوالقاسم بی بی رضیه و دختر فقیه عبد الله قریشی
 نسب الله میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه و دختر سید طاهر ابن میر
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیار آمده بفرسکونت کوندا اختیار در خان
 از اطن این بی بی اولاد شدند که میر سید الله کتخدانی ایشان در شهر
 گردید از بی بی خدیجه و دختر سید محمد عتیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی
 رحمت بنت سید کمال الدین از اطن ابن عقیقه میر سید یعقوب بودند
 آمدند از شهر طوس بشهر لاهور آمده اقامت کردند خستیار کتخدانی
 ایشان از بی بی شفق و دختر سید احمد بنوی در اینجا شدند زنده رتبه بلند
 ایشان میر سید داود زوجه ایشان بی بی سلیم و دختر سید محمد آفاق
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه و دختر میر
 سید ابن عبد الواعده فرزند ایشان میر سید محمد اسماعیل خاوری

بسوی دکن بمقام گلبرگ شریف سیدی میر سید محمد مؤلف کتاب
 بحر المعانی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چارمی میر سید محمد
 بهمانی برقع ششماه انقدر تصریح تخریر نمود تا باز ناگه از ره مقصود
 باید داشت و نیز میر سید محمد کاپی مرید و خلیفه سید جمال ولیاد بنیر
 مستر شد و خلیفه حضرت سید سعید شاه ابو العلاء خدس سرکه
 که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کاپی محل را مجبور و حالا
 فرزندان شان بعبور درای حرم میباشند و نام علی پور چوره
 ساختند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه
 نواز احمد سید شاه ظور احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخ کاپین
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات است بخوبی ازین خاکسار الفرض آن
 سید محمد کاپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرت اجداد بزرگوار
 بمحل محدود پوره هست سجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است و در آنجا کسی
 از فرزندان نماند در زمانیم خدام بجا بودند ورامضای صحت بالا از سیال
 اینهم نیست معلوم که وجود آنها باقیست تا معدوم انور باد که خدای میر سید
 محمد کاپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مساه بی بی عزت
 و که خدای میر سید احمد از بی بی حرمت و که خدای میر سید ارشد
 کاپی از بی بی عصمت برشته خواهران اعیانی دختران میر سید کمال الدین

میر سید محمد بن میر سید محمد دهلوی شده بود و فرزند رتبه بلند
 از اطناب این سببی متولد شد عسکری سید جمال الدین دوی سید
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دهلوی رفته مرید حضرت سلطان
 المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیه یافتند
 مشورت بمخلافت شده مراجعت بسوی مشهور کالپی کردند فاضح باد
 شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمه گردید و کتبی
 سید کمال الدین که مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی
 گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا شد دختر از دختر سید عالم علی شدند
 هر یک هر یک برادران عمه را که خدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین
 راسته فرزند رتبه بلند کی میر سید محمد کالپی دوی سید احمد
 ستیومی میر سید ارشد کالپی این هر دو برادر مرید و خلیفه برادر
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیه خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت
 محمد دوم سید نصیر الدین چرانغ دهلوی قدس سره حصول ایشانرا بعد
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بسید محمد گیسو دراز
 ساختند بایشینده حضرت محمد دوم نصیر الدین چرانغ دهلوی چهار خلیفه
 بودند بنام سید محمد سبکی جدا علی این خاکسار که نه کوشید دوی سید
 محمد گیسو از مخاطب بنده نواز زید می نسبتد فایض الانوار شان

بودند باقی از کتاب نسبت به تفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری
حضرت میر سید تقی الدین معاد اهل عیال این بود که دادشاه باو شاه دیار
شهرت بمقام حاجی پیر این محمد شاه باو شاه کاپی بمقام کاپی باز مقام
حاجی پور مخصوص صاحبزادگان انجامد یعنی عریضه پرداخت از حاجری
سبب حب جاہ معذور محاف نمایند تصور اگر کسی از صاحبزاده گان
در اینجا معاد اهل عیال از تشریف خاکسار نو آزی که مشرف از بیت شوم
و از معاش و جگر کفایت مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر

نقی الدین عرف سید بودهی محقر زندان

سبب یوم باب و م در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام و ذکر اولاد انجناب که باولیا الله است نسبت جعفری
بر شجره و ثمره نسب واضح باد موزین سابقین خصوصاً اندر میل مامید در
ذکر اولاد آنحضرت نوشته آمد بسیار الا تحقیق کتاب بحر الانساب یافت
که این کتاب بالفعل است نایاب نوشت و ترا حساب الانساب فعل این کتاب
مینویسد که آنحضرت صادق علیه السلام بودند نهشت فرزندانش سر و دو
دختر سر اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله
و ثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق پیاری حضرت محمد
نجم حضرت عباس ششم حضرت علی و ساسی صاحبزادان بی بی

ابن میر سید علار الدین بدانید هر سه پراویشند نذوی اولاد حسب المراء
 دو لیس میر سید احمد را یک میر سید حسن و دومی میر سید حسین هر دو دوی اولاد
 شدند و میر سید ارشد را یک لیس میر سید محمود و یک دختر بی بی حمید
 نام اولاد ایشان در انچه ارا نند و سید محمد کالپی را نیز دو لیس شدند
 یکی سید جلال الدین و دومی سید جمال الدین که خدای ایشان از
 دختران عمر گردید یا حال درایت نشد مفصل حال لایسید جمال الدین دو
 لیس شدند یکی سید معین الدین و دومی سید رشید الدین و یک دختر نام
 بی بی خدیجه مدعو پچول بی بی و سید جلال الدین را نیز دو لیس و یک دختر
 از بطین بی بی اسما و دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلا فی میر سید
 تقی الدین عرف سید بو ذهی جها علی ابن خاکسار و ثانی میر سید
 عبدالحی یک لیس ایشان میر سید عبد المجید یک خواهر ایشان بی بی
 نعمت النساء دختر سید عبدالحی و زوج میر سید قطب الدین ابن میر
 سید تقی الدین سید تقی الدین عرف سید بو ذهی راسته فرزند از الطین
 بی بی خدیجه عرف بی بی پچول یکی سید قطب الدین مذکور الصد
 دومی سید حامد عرف سید چاند سیدی سید علی ذکر اینها بمجمل خود
 نوشته خواهد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
 و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد حسین که جدا جدا این فقره

هر دو خواهر حیاتی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
ابن میر سید نور الدین ابن میر سید محمد الدین ابن میر سید طاهر ابن حضرت سید

عجاس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیدوم نسب نامه مادری حضرت شهاب الدین سیروردی
باید دانست جد مادری حضرت شیخ اشیر شهاب الدین سیروردی قدس سره
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل الله
ابن سید عبید الله ابن سید عبد الله ابن سید اسد الله ابن سید
محمد طاهر ابن سید احمد مطهر ابن سید حمید ابن سید محمد رفیع القدر
عرفت سید رفیع الدین ابن سید مطهر ابن سید مظفر ابن میر سید
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام
شجره چهارم در بیان نسب نامه حضرت علی احمد صابری قدس سره
مقدم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد
حقانی ابن سید یحیی الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
ابن سید نصرانی ابن سید محمد کلانی ابن حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن
سید عمر ابن سید غفر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
نسب نامه پنجم در بیان نسب نامه حضرت بابا فخر الدین شکر گنج اندام الله حضرت سید احمد

امام فروغ دلی بی ام فاطمه نوشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاست
اولاد بسیار درین فرقه اهل تسنن بسیار و نیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب دارند
و کرامت نامه و نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الاولیای نسب نسب داری اولیای دیگر که
از فرزندان حضرت شد می نویسد خصوصاً نسب نامه داری حضرت عثمان غنی و نسب بی بی فاطمه

شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت عثمان غنی

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صوفی
جیلانی ابن سید ابو جمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر
ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجہ معین الدین
خواجہ ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجہ بزرگ ابن حضرت
سید عطاء الملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم
ابن سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحییٰ ابن سید محمد ذکریا
ابن سید محمّد ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه
باید شنید الله حضرت غوث الثقلین و الله حضرت خواجہ بزرگ
هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جد و مادری حضرت غوث الثقلین
بی بی عارفه نام جد و مادری حضرت خواجہ بزرگ بی بی معصومه

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شهاب الدین میر حکمت علی

راحت النسا و دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری
حضرت سید فرید الدین عطار بن سید اسماعیل بن خواجہ محمد باری ابن سید نجم الدین
دعبل بن ابن سید نصیر الدین بن سید لطف اللہ بن سید ابو بکر علی بن سید
عبید بن ابن سید محمد اللہ بن سید اسماعیل بن حضرت جعفر صادق علیہ السلام
سید محمد غوث گویاری ابن سید خلیل الدین ابن خواجہ عبد اللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بار باری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادری حضرت بابا فرید الدین گنج
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بنی جمیلہ بنت سید وجہ الدین غنی
ابن سید محمد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید محمد
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید طاهر ابن سید محمود ابن سید
ابن سید عارف ابن سید اسماعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین علی عالم
حضرت مخدوم بدر الدین علی عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید ظہیر الدین

حلیہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بر روایت ثانی نامہ الدہ

انکنا سبیل بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

تجرہ نیچہ در بیان نسب حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری

ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید عمر

ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ

ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید گل الدین

ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام

جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجه پیر مجتبیٰ بی بی نور دختر سید جمال الدین

چاند دختران حضرت لودند بی بی رضیہ عرف پرسی یواسے سے جمیع عرف بی بی

حبیبہ بی بی جمال بی بی بدیزوجہ حضرت سلیمان لشکر زین والدہ بی بی کمال اللہ

اکثر نام ابن بی بی تیز بی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر

ایکہ کہ سند یافتہ مخدوم بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن

مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودند

بی بی حبیبہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ بہائی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن

بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد حرم پوش اندو بی بی رضیہ زوجہ حضرت

مخدوم شاہ احمد کھنکی امیری ابن مخدوم شاہ اسماعیل شہرہ حضرت نام

ابن سید محمد بن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد محمد
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره نهم در بیان نسب میر سید علی همدانی

امیر کبیر سید علی همدانی ابن سید محمود همدانی ابن سید احمد همدانی ابن سید
امام الدین همدانی ابن سید نور الدین همدانی ابن سید نقیر الدین همدانی
ابن سید ظفر الدین همدانی ابن سید طاهر همدانی ابن سید جلال الدین همدانی
ابن سید جمال الدین همدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاة همدانی
ابن سید یعقوب همدانی ابن سید محمد بن همدانی ابن سید قیام الدین همدانی ابن
سید قاسم همدانی ابن سید نریمان الدین همدانی ابن سید امام محمد دیباج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیفوم نسب امام سید ابی علی میر سید از حضرت سید علی محمد
سید شاه ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاه
حسن علی ابن سید محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه علی ابن
سید عظیم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجع محمد ابن سید عبد القادر ابن
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدیع الدین
ابن سید حسن الدین سیاه پوش ابن سید علاء الدین همدانی ابن سید محمد

همدانی ابن سید علی محمد اسفندی

ابن سید یونس ابن سید نور الدین ابن سید عمر زید ابن سید حمید اطهر ابن
 سید محمد ظفر ابن سید شهاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین
 ابن سید خواجہ بقار الشہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد المجید ابن
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطهر
 ابن سید محمد اعجاز ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید
 ابن سید محمد ہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارک الدین ابن سید جمال الدین
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید عمر ابن سید علی
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

عمر دوم نسب نامہ سید امین الدین بجا پوری یکی از خلفاء سید محمد قسوی
 سید امین الدین بجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
 بجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح
 ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکریا بیابانی ابن سید احمد کاشانی
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محمد حسن ابن سید سلیمان ابن سید

عطاء الله ابن حضرت سید شاه وجهه الله ابن سید شاه نظام الدین ابن
 سید شاه بابیت الله ابن سید شاه محمد حسین ابن سید شاه رحیم داد ابن سید
 شاه کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسماعیل ابن خیر عقیق
 سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نامگی
 مانند واضح باد داد و غبه سید لطف حسین بیانج پسر یک سید اکبر حسین و پسر
 ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را
 دو پسر یک سید جعفر حسین ثانی ابو الحسن سیومی سید اوسط حسین
 پدر سید سلطان چارمی عسکری حسین پدر محمد تقی نجفی سید ذکی حسین فی ثانی
 اندر میرزا حسین نجفی علم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید نظر حسین
 و غیره انقدر دانت بگاشت نسبت چهارم باب و هم در ذکر اولاد
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نسبت نسبت لی الله زاده
 خصوصاً حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس شجره و شجره
 واضح باد مؤمنان ندرها مایه فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله عنه
 شصت و نه ذکر کرده اند تا بر این سنی بهفت پسر و بیست و سه دختر از سیزده
 فرزند اولاد جاری و در باقی عقاب نمائند بر قیام من نقل از عقیدتنا ناگزیر
 الا انچه در کتاب است بجز الانساب و حساب الانساب مینویسد بنفقیر
 حقیر عقدت پذیرا سامی فرزندان آنحضرت نیست حضرت علی موسی زینا

شماره چهارم نسب ماورسی قاضی محمد اجمل دام لطف

قاضی سید محمد اجمل خال لا عظم ایشان شاه محمد و اعظم عرف سید شاه ابدان است
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه عظیم ابن
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت
 سید احمق ابن سید محمد الدین ابن سید عبد الدین ابن سید شمس الدین سیاه پوش
 ابن سید علاء الدین بهدانی ابن سید محمد بهدانی ابن امیر کبیر سید علی
 بهدانی جامع کتاب اورد فقیه جعفری نسب مذکوره بالا جعفری نسب
 اکثر مشایخین انجولو اند چونکه نسب نامہ علی الترتیب سلسلہ نیافت نگاشت
 خصوصاً اہل شیعہ خود را اکثر بدین نسب نامہ کی اذان در قرابت و معاشرت
 این خلک را میوه خان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام نیز ذکی حسین ابن داود غہ
 سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابو الحسن ابن میر بہادر علی ابن جرد
 محمد سید حکیم سید عابد حسین ابن داود غہ سید لطیف حسین ابن میر نصر الله
 ابن میر دارت علی ابن میر حسین ابن سید لطف الله ابن سید احمد عرف چولہای
 ابن سید شاه غلام عطاء ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین
 ابن سید شاه غلام شرف ابن حضرت سید شاه دعاء الله ابن حضرت سید شاه

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه لایت ایشان بمقام
 سنانیه داده بودند حضور مآذ با حیات خطاب یافتند حسام الدین بیوخته
 با خر عمر با امدان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه محمد الدین
 ذی اولاد شدند خواجه محمد الدین را دو فرزند یکی خواجه کون الدین کلانی
 خلف ایشان خواجه زین الدین آئینه کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه محمد الدین که نام فرزند خود
 بنام پسر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه حسین الدین
 خور و کلانی که بعد ابا و اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند
 ایشان خواجه زین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین لقب برآل خلف
 ایشان خواجه نجم الدین پسر ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه یاریز ثانی مقبول سبانی حضرت ایشان
 عمر خود در سیاحت تمام گردانیدند و ارمسار و یاربعد مدت مدید شریف
 آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خدام فرشتگان ختمند و انگار از فرزند
 خواجه یاریز دیگر شدند آخر پیشه شهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد
 سلطان التارکین بودند با و شاه وقت اتمام نبود خدمت دیوانی نفویض
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیب سجاده آنحضرت
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد و نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

امام زمانه کلائی و حضرت اور پس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی ششم
 و سیدنا عبید الله و سیدنا حمید الله و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا
 اسماعیل و سیدنا یحیی خیر انهم که در نسب نامہ اولیا را بعد یافته من است نسبت نگار و نویسنده
 شجره اول نسب چهارم در نسب حضرت خواجه بزرگ معین الدین چشتی مدینه
 حضرت خواجه معین الدین چشتی سمری اجمیری آیین حضرت خواجه غیاث الدین
 سمری آیین خواجه نجم الدین طاهر آیین خواجه عبید الغفریه مطهر آیین خواجه سید موسی
 مصفا آیین سید ادب آیین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آیین حضرت امام جعفر صادق

شجره اول بزرگوار و حضرت خواجه قدس سره

آورده اند بعد کلیل فقر کمال حضرت خواجه بزرگ بکبر سنی متاخر شدند اولاد
 حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلی الله علیه و سلم نو و سالکی عقد و
 نکاح کردند از دختر نیمه ختر سید و وجهه الدین مشهوری روضی زوجه ثانی
 بی بی آمنه الله دختر خواجه آندیا و نام دختر سید وجهه الدین بی بی عصمت النساء
 سیده پیریکه دختر در آن عمر شریف حضرت خواجه در دنیا عالم بوجود آمدند میگویند
 بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از طبق بی بی آمنه الله متولد شدند و با شیخ
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگویی سوالی که
 اجل خلفاء حضرت خواجه بودند گفتند که باشند و فرمودند حضرت خواجه بزرگ
 اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلائی خواجه ابوسعید حلیت کوفی

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور قصد سفر کردند از اجتمع
 فرزندان بنیر الشیخ شمس العارفین خواجه محمد اود و چشتی از دیار مغرب قصد
 دیدار معاصر شریف شدند از شهر طلی سیر کرده بدین نواح رسیدند بجای اقامت
 در محال کلیمه پسندیدند و حسب مجزی و املاح را بجا نیاوردند تا گیه ساختند
 بر وضع کند و می پرگنه اکیل منیع بهار در آنجا خبر گیر فقر او در دو سال
 کردند عاکوفت بر کفایت معین کردند و اتفاقا شد پید اعرض اعراس پیران
 که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل مردیشان شامل شدند و اولاد شد
 پیدا الا خود را شیخ گویندند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود
 حال اولاد اند فرزندان ایشان خواجه داود خواجه محمد یوسف بودند بطریقه
 آریائی قائم ماندند پس ایشان خواجه عید الرقیب پس ایشان خواجه محمد جمیل
 خود را شیخ گویندند و در ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان با بجا آوردند
 اقامت نمودن نسبت به معاش صورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی
 ساکن بر وضع کند و می از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ
 محمد جمیل و وضع جان پو تقریب جهان آباد که ایامه متقیم شدند فرزندان
 شیخ محمد لطیف شیخ محمد سحان در اجا چیزی صورت معاش پیدا کردند شیخ
 اقبال حسین غیره حاصل پس شاه محمد سحان بودند شیخ محمد شرف الدین
 شیخ محب الله پس ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پس ایشان شیخ

باید شنید که دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
 بودند فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه عیاض الدین پسر ایشان
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو انجم مطهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
 هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمد هشتم خواجه شاه محمد مسعود از آنکه
 چهار فرزند شدند دومی اولاد باقی چهار را عقاب نماندی بگذرد اولاد چهار
 برادر دراجیمیر شریف اندر بنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زیب سجاده حضرت
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافر شدند خستیدار رسید امصار و دیار هرگاه
 به زیارت نزار رسید باجمیر شریف این فاکار در سال یکزار و دویست
 و شصت بهجری چنین دریافت شد که در زمان چهل و هشت بهجری بمنصب
 دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب مال بجای ایشان
 برادرزاده شان شاه سراج الدین اندر زیارت خدمت اغنا بنی
 آنکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین و دیگر بخت
 بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
 دیوانگی نماند مأمور مبارک باد شجره سیوم روایت می نمایند هرگاه

چهاراند با مصار و دیار بسلسله نسب برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خود
 عرفت خواجہ میر جان و اما د حکیم غلام نبی خان از اولاد از یکے فرزند ان خواجہ
 امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجہ احمد حسین و بی خواجہ محمد حسین
 عرفت خواجہ محمد امان خلف ایشان خواجہ عبد السلام سیدی خواجہ محمد حسین
 عرفت خواجہ محمد زمان چارمی خواجہ عبد الله هر یک اند محبت پناه که
 شجره سیدوم نسب چارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید
 احمد ملقب چرمپوش معذوکر اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش
 ابن سید موسی هدائی ابن مخدوم سید مبارک هدائی ابن میر سید خضر ابن
 سید ابراهیم هدائی ابن سید سلیمان هدائی ابن سید عبد الکفریم ابن سید
 عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید
 ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمن ابن میر سید فاسلم ابن میر سید فخر
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر
 یحییٰ ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید علی ابن میر سید

عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

شجره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد

مخاطب چرمپوش قدس سره

محمد زین و الدین ایشان شیخ محمد باسط لیسر ایشان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و امیر حسین که از دختر نیمه تنه اختر مولانا
 غلام قادر رحمة الله علیه که خدا شدند مولانا مفتی عدالت بودند علاقه صلح بها
 این شیخ غلام حیدر شاه و امیر حسین از دختر مولانا تنه فرزند مولوی
 منیر الدین احمد لیسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول حد عالم جوانی کردند
 انتقال مولوی امیر الدین احمد لیسر ثانی بعد سه سرکاری بنوراند موجود و
 سیوم نصر الدین احمد رفت از نیوالم بعالم جوانی الامولوی امیر الدین احمد
 کنه داشته اند الله تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کلال
 باید دانست خواجه نور الدین امیر کلال پیرم شد حضرت خواجه بهاء الدین
 قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کلال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سیاه ابراهیم
 ابن امیر سید محمد قصودی ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد الله
 شیدان ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر شیدان ابن امیر حسین
 ابن امیر سید احمد لقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن سید شریف موسی ابن
 سید ابراهیم فرضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باید دانست
 فرزند حضرت امیر نور الدین کلال چهار بودند یکی سید حمزه و دیگری امیر
 برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد هر فرزند نامدا

محمد حفیظ که خدا شند و دختر ایشان سادات اعلیایه عرف به سادات طو و الله
شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمد اصل ابن شاه غلام برابن شاه
وجه الدین فروزش سید محمد ثانی را سید پسر کے سید شاه تخت علی ایشان را
دو دختر کے سادات دوبرین الله امیر علیخان ابن بهت علیخان و بی بی مسما
شوپرین و وجه حاجی قشاه الطاف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سرور
که از دختر قاضی صاحب علی که خدا شده و علی و لاد و لاد و خواهر ایشان از قاضی
وصی احمد ابن قاضی صاحب علی که خدا و علی اولاد اند پسر دوم میر سید محمد ثانی
سید شاه احمد علی و دو پسر ایشان شد ندیک سید شاه احمد حسین و بی بی سید شاه
احمد حسین ایشان را دو پسر و ایشان چند دختر سید محمد خلف الرشید سید محمد ثانی
سید شاه پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاه محمد دوم بخش
شاه کلن که بعد عرصه رونق خانه ان زبب مشایخی دادند پسر ایشان دو
سید و لایت حسین سید نور الحسن هر دو موجود اند الله تعالی ترقی بخش
و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند که جد بزرگ
ایشان در آل حضرت محمد دوم سید شاه احمد چر پوش بوده اند بدین سبب
سکونت نیز است و نیز تنقه حکیم بخش بنین از فرزندانند و دیگر ان نیز میگویند
چون سلسله یافت نشد نسبت پنجم باب دوم در ذکر حضرت
امام علی موسی و نامو که فرزندان آنحضرت بر چهار شجره است و همراه

باید است حضرت مخدوم سید احمد چه می پوشش نواسه حضرت مخدوم سلطان
 سید شهاب الدین سیرنگوت اغنام والده ماجد انجناب بی بی جمعیله مدعوجیه
 بودند و نام زوجة انجناب بنو اندالاد و فرزند تبعه بلند بودند انجناب را یکی
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دومی مخدوم سید شاه سراج الدین
 ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
 شاه محمد الرحمان که از دختر عم کلان بی بی و اسعه بنت مخدوم شاه تاج الدین
 که خدا شدند دیگر دختر و پسر بود و پسر و برادر یک پسر یک دختر پس سید شاه
 عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود سید سجاده مانند بعد خلف شان سید
 شاه علی عرف مخدوم بده بان شین شدند بعد ایشان پسر ایشان
 سید رکن الدین مدعو منجم و دل ایشان سید شاه محمود علی از سید سجاده
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین مانند
 پسر ایشان سید شاه حبیب الله و دل ایشان سید شاه محبوب الله پسر ایشان
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمود دل ایشان سید شاه
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ایشان سید
 حبیب الله ابن ایشان سید شاه علی صغیر ابن ایشان سید شاه
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغیر را یک پسر سید محمد ثانی و
 یک دختر شاه مجیده که از سید شاه غلام مخدوم و پسر یاسین اند ابن سید شاه

نام والده حضرت خواجہ قطب الدین بن رضیہ بنت سید محمد ابن سید
 ابن سید احمد ابن سید ابو ابرہیم ابن سید آدم ابن سید عالم ابن سید عالم ابن سید
 عبد المجید ابن سید عبد المجید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت
 امام علی موسی رضا علیہ السلام نسبت دوم ضروی نسب نامہ سید
 شاہ ابو القاسم مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن خاں قدس سرہ
 سید شاہ ابو القاسم ابن سید شاہ محمد بیات ابن سیدہ محمد بیات ابن سیدہ
 مبارک ابن میر سید حفیظ ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الحنفیہ
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد القدوس
 ابن سید عبد الحلیل ابن سید محمد طیل ابن سید حیل ابن سید علی بن بزرگ ابن سید مظفر ابن سید
 عبد اللہ اکبر ابن سید محقق ابن سید ابی ابرہیم قاسم بن حضرت امام علی موسی رضا
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام کز دریت حضرت سید شاہ ابو القاسم طویل است نسبت
 قرابت و مصاہرت اندین فقیر حقیر فقیر تحریر کرامات بعد ازین خواہ نوشت کہ
 نسبت بیوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بکری دالالہ
 جد امجد میر سید محمد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن سید ابو القاسم
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
 ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی مصطفیٰ ابن
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد علی ابن میر سید نوح

باید است حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام پنج فرزند رتبه بلند و یک
 دختر عجمه اختری بی فاطمه ثانیه از هر فرزند بن سلسله نسب باقیست
 خود را موسی سید میگفتند از اولاد امامیه و فرزند اند و الله اعلم فرزند اولین حضرت
 امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیوم
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند پنجم
 اجداد سیادات رضوی و واضح باد نسب حضرت پیر و شکیفته قطب الدین
 آوشتی لقب نجیستار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند و خواجه قطب الدین نجیستار کاکی
 ارشد اخلافا از حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
 آوشتی ماہین سید محمد آوشتی ابن سید احمد آوشتی ابن سید حسام الدین ابن
 سید رشید الدین ابن سید غنی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
 اسحاق ابن سید محمد جوادی ابن سید علی جوادی ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه و واضح باد حضرت خواجه
 قطب الدین ابلیس سابقه را با اشاره از حضرت صلی الله علیه و آله وسلم طلاق و فرار
 بیارتائی متقابل شده اند از طعن بد وجه ثانیه که در اقران بودند و فرزند شدند
 یکسید احمد دوی خواجه محمد سید خواجه احمد پیر سیزده سالگی بیکو رحمت حق پیوست
 پیر ثانی خواجه محمد را یک پسر بودند خواجه کبیر زان بعد عقاب حضرت زمانه

از ولایت تشریف آوردند بصیغه عالی علی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین
 بدر عالم در بهار و آمد شدند پیشگوی ندیس بودند روزی کرامات ایشان
 بحضرت مخدوم بدر عالم حیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را
 نام بود حضرت مخدوم دختر خیمه اختر بی بی ابدال خود را خواستند بنده حیات
 یکی از اینها دهنده کلانی خود آوردند و خود کردند اختیار چنانچه مزار ایشان
 واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
 محافا واقع است از بطون بی بی ابدال او داشتند ساکن موضع بی بی پور شدند
 که جای چلای بی سروده مشهور است چنانچه انموضع دو گریهات معانی اقباض
 اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ را سفیرند بود دوازده سال
 فرزند یک فرزند سید شاه اهل کشند کوه بالا فرزند برادر دیگر سید عنایت علی
 بودند خلف ایشان سید فرزند علی که خوانی ایشان از دختر میر مظفر حسین حرم
 ساکن شینو پوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
 میر اولاد علی ابن سید شاه ولایت علی که از اولاد یوان سید جعفر قدس سر
 بودند کردید اولاد ازین عالم فرزند و پسرانی میر فرزند علی میر جمیل علی از
 دو سه شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید و احمد حسین
 دومی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه افطرسین تانیه زوج
 سید امیر الدین نوآبادی ثالث زوجه پیاری صاحب بن قاضی محمد بخش حرم

ابن میر سید ابوالاعلیٰ بن میر سید بن العابدین بن میر سید حسین عرف سید
 محمد الطلیح بن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه التوراج
 سیادات رضوی نسب هستند بسیار بر شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اند و هیچکس
 از اولیاد کبار چون نسب نامہ اولادشان مسلسل نیافت بدین وجه نگاشت
 معتقد دارند و نیز اکثر در سبب امیلند سیادات رضوی عویدار چنانچه درینجا و دیار و سواد
 ساکنان موضع ابجمله که نسبت مصاهرت دارند واضح باد و در زمان قاضی سید
 بزرگ بودند مشاهیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبدالاحد عرف قاضی بزرگ
 رضوی نسب بودند و نیز در شان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار
 مصاهرت واقع شد از اولاد ایشان شهر فار موضع پتیه و حضرت بهار
 مذکره در میت ایشان در تخته کتاب خجانه نگاشت و نیز در موضع ساداتین
 ضلع چینه بزرگ و قریب بزرگ بودند منصب قاضی سید اولاد علی والد ماجد
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلیٰ مرحوم سپر ایشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم
 و از بنی اعظام ایشان میر احمد حسین میر محمد و محمد بن سید شجاعت علی
 و از موضع در سیادات رضوی ناند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید
 شاه اهل الله رضوی را در موضع مصاهرت واقع شد سید شاه اهل الله
 جدمادری سید شاه عبدالرشید عرف شاه جتبی ابن سید شاه الطیب الله
 قادری چنانچه منقول است دو سیدزاده بزرگ از سیادات رضوی نسب

سیر کرده اصرار و دیار به بخارا را شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدین
 هر دو بزرگوار در آنجا متابل شدند نزد نجیب شرفا انجور سید بخاری را دو فرزند
 شدند یکی سید احمد با یونی ثانی سید محمد با یونی و نیز دو دختر شدند خواهر عرب شد
 و انبال یکی موسوی بی زینبی از وجه سید احمد بدو بی نام ثانیه معلوم شد
 از بخارا فوت سکونت پیش شهر بد او ن رسید و در حضرت سید احمد سید
 نظام الدین اولیا و دیگر اهرشان بی بی زینب نام حضرت محبوب
 قلبی حضور بودند الا فرزند بی بی زینب و دیکه سید تقی الدین نوح
 و دومی سید رفیع الدین با و ن هر دو ذی اولاد شدند سید محمد با یونی
 را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب الهی برادر غرادر
 بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه ابراهیم ایشان را ترتیب ظاهر
 و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف
 سید طویله بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم پندی بودند
 سید فرید طویله بخش در بای حاکمیت چشتیان اقامت پذیر شدند بخارا حاکم
 اولاد این بر که بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبه بلند آن حضرت سید موسی الدین
 بهاری خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از بخارا و فرقی
 شدند سید بیست دو فرزند سید محمد سلطان فرزند گلانی جدا جدا
 چنانچه یوره سید بهاء الدین فرزند ثانی از جدا جدا جان تکیه خود

و نواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر
 معروف بودند حاصل از آنجمله از سید میرزا در فرزند یکی سید رمضان علی
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین معلومی دوله پشیمان شدند
 از دوزخ و در یکی میر محمد حسین و مادر سید محمد حسین نو آبادی پسر ایشان سید القاسم
 و از دوزخ ثانی خلف الرشید ایشان سید حسین مستخوهر ایشان نوی اولاد اند که
 سید حسین بهار از دوزخ میرزا حسین مکن باروری شده بودند و دخترین ایشان را
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام معذورین
 باید دانست از تحریر تو حیدر صاحب تیز از کتاب البحر الانساب پیش فرزند آنحضرت
 سید پسر سید و دختر فرزندان حضرت امام علی نقی علیه السلام ام زانده ثانی حضرت
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد این هر دو بزرگوار پس و دیار کبار اند جایجا
 ولی الله صاحب لایست آسوده اند بجز ایشان فایض از انوار کاشیجه اولی
 نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشاهین
 سید نظام الدین احمد دیونی حضرت سلطان الاولیاء
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید محمد دیونی ابن سید خواجه علی بخارا
 ابن سید عبداللہ بن سید حسن بن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبداللہ بن
 سید عبداللہ حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام
 باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید دانیال عرف خواجه عرب از جواد عرب

قطب بخش کتخدا شدند پس دومی شاه قطب بخش شاه در گاهی والد ماجد سید
 خید بخش و شاه محمد سبحان را دو پسر سید شاه محمد مهدی که دومی اولاد شد و از دختر
 پسر دهمانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از طین بی رحمانی سید و محمد باقر
 و سید شاه اسماعیل ایشان یک پسر سید علی حسن که از دختر مولوی سید شریف علی ابن
 سید شاه بهی علی کتخدا شدند یک پسر ایشان سید حسن نام که از دختر شاه
 تبار که حسین ابن شاه تیسر شد و سید شاه محمد باقر چهار فرزند سید سعید
 و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمد رحلت کردند هر یک با بهترین
 جامی نسب مصداق است و پسر شاه محمد اسماعیل سید علی حسن نام از دختر مولوی
 سید شریف علی کتخدا شدند یک ملک بقا گشتند پس گذشتند سید حسن نام از دختر
 شاه تبار که حسین مرحوم کتخدا است دومی ولد است و از شادی دیگر حضرت
 شاه محمد سلطان رحمه الله علیه از فرزند دمی نام نامی شاه محمد حسین که از دختر
 شاه قطب الدین میری کتخدا شدند یک دختر و یک پسر و شاه محمد باقر
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید حسن و سید کبیر حسین یکی ازین رحلت نمود
 باقی دمی حیات دومی اولاد اند

مقدم دوم در بیان واقع شانی بذریع سید شاه بهاء الدین
 ابن حضرت محمد دوم نصیر الدین واضح باد فرزند شانی و حضرت سید
 سید نصیر الدین دیوان سید بهاء الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

اولاد ہر سیکے موجود اند

لمعاول در ذکر اولاد صاحبان چاند لویہ

باید است فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الشیخ سید شاہ منصو
ابن الشیخ سید شاہ محبوب الشیخ لویان سید محمود ولد الشیخ دیوان سید
شاہ غایت الشیخ ابن الشیخ سید شاہ امیر الشیخ شہزادہ چار فرزند رتبہ بلند
کہ پیدا شد شاخ بہر کی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی و جناب حضرت سید شاہ
احسان اللہ فرزند ثانی حمادہ نشین بجای پسر سیدی سید اہل اللہ چاہے
سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری ابن بنی زوی اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ
برادر ختران لوی و محمد سید شاہ صفی اللہ لوی و ندیکہ ختر بی بی حبیبہ نام دختر
ابن بی بی لانی بی بی مسی از و سید شاہ محمد و اصل کہ بعد شاہ امیر علی
فروری لوی و ندیکہ ختر سید شاہ احسان اللہ یک دختر موسومہ
بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید حسن زیدی نسب کتھا شد ند
از بطن این عقیقہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر خا بہ حضرت
سید شاہ یحیی علی قدس سرہ و زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان
نیرہ سید شاہ احسان اللہ دو و خلفا حضرت شاہ محمد بخش دو بی
شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را و فرزند کی شاہ محمد سلطان مذکور
دو بی شاہ محمد جان و یک دختر بی بی واجن کہ از شاہ محمد جان ابن شاہ

پس ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دهری که از دختر سید نجف حسین
 ساکن محل باره در می نگه داشتند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء
 ذی اولاد هستند بجا که آبا اجداد نیت بخش اند ذکر نسب مادر سی حضرت
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد دهری
 نسل است آنرا جد مادر پیر مجا شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محمدی الدین که نسب بسادات کاملی بودند شادی
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نورالدین بن سید محمد دهری
 ابن سید محمد عالم ولد میر سید محمد دهری زیدی نسب گردید و دو وجه سیده
 غلام محمد دهری دختر قاضی سید فتح الله خلیف که شادی اولی بود ساکن مقام
 شیخیه از ایشان سید پسر ندیک سید نورالدین دوی سید محمد صالح سیوم
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نورالدین رانیر سید پسر کی سید
 غلام مجتبی دوی سید غلام تفضی سیومی سید غلام محمد پس بداند سید غلام
 محققه را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد گداز شده و سید
 غلام تفضی رانیر یک پسر سید بخور دار و دو دختر یک زوجه شاه محمد مبارک
 ساکن محل چاند پوره دوی زوجه سید علی لکبر ساکن موضع شیخ پور و سید
 غلام محمد رانیر سید پسر کی سید غلام حامد عرف پانچو دوی میر سید میر عرف
 چه کوثری سیومی سید تاج محمد لا ولد و جد مادر سید شاه علیم الدین پدر

شعیب باقی ولد ایشان سید شاه عبید الله ابن ایشان دیوان سید شاه
 عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان سید شاه عبد الواحد
 بودند و دو دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیوی سید شاه
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
 سید شاه جمال الدین از دو دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از جدید حضرت دیوان شاه
 عبد الواحد مذکور شد که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق معرفت شاه
 بگماذ نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین
 ثانی که پسر ایشان شاه نصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان
 شاه فرزند علی دومی شاه محمد پسر ایشان نعمت الله و نام دومی علی و از محل
 دوم شاه ذکی الدین شاه محمد یکی بودند و نیز شاه ناصر حسین الدیاجید سید شاه
 عبد الکرم بود که بعد از سید شاه رحیم بخش پسر ایشان سید عبد الکرم نام
 است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه
 محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از قسملور به این خاکسار دریافت شد تبصره میشود
 باید نیست سید شاه جمال الدین را دو پسر یکی سید محمد شاه ثانی سید شاه کمال الدین
 ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر
 ایشان سید شاه علیم الدین که ایشان سید شاه محمد آفاق معرفت شاه بگما

و یک خواهر ایشان بی بی لطیفه زوجه شاه علی بخش برادر شاه کریم بخش و الله شاه
 امیر علی واضح با د سید محفوظ را نیز و و لیسر یک سید رضا علی ابن سید ناصر علی لیسر
 شان شاه غلام محمد و ثانی ولد ایشان سید احمد امان و خورشید شاه نور علی
 بلخ لیسر ایشان سید علی جان دوی اولاد شده لاولد از تیر جان نقد لیسر دوی
 سید محفوظ بودند سید معصوم لیسر ایشان سید محمد معصوم لیسر شان است و علی
 و سید مشرف علی لیسر ایشان داود علی عرف و اهو و لیسر سید اشرف علی سید
 امام علی پدر سید مروان علی و اما د شاه ترابا حق و نا پوری دو خواهر ایشان
 یک زوجه سید داود علی دوی زوجه سید الفت حسین ابن سید شاه فخر الدین
 و چهار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجه شاه فخر الدین مذکور و سید
 مادر شاه منگ سیومی را ذکر معلوم نیست اما چارمی زوجه میر محمد ناصر نواسه
 حضرت شاه طلب الله مؤزوی خسر شاه محمد سجاده و نا پوری و سید
 شجر نسبت نسبت به حضرت میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید
 ابو سعید جعفر حضرت با ژره واضح با د سید خلیل الدین ابن سید ابو سعید
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اهل الله عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال و شهنشاه ابن میر سید حامد عرف
 چاند ابن سید محمد عرف سید پیر علی ابن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید منیا الدین
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شهاب الدین ابن حضرت سید عبدالرزاق

شاه محمد آقا سید محمد حفیظ ابن سید سیف الشون سید فقیر محمد فقیر ابن سید
 محمد دوم عالم بن سید محمد سرحدی مذکور بالا و جد اداری شاه نور الله جده
 شاه محمد آقا سید سیف الله مذکور صدر سید فقیر محمد او و پسر یک دختر
 کلان پسر سید سیف الله ثانی سید تروج الله پسر سید سیف الله سید محمد حفیظ
 و یک دختر زوج شاه نور الله و بی دختر و پسر سید زین العابدین مکن
 محله مفتیان و دختر سید سیف الله والده شاه نور الله مرحوم و پسر شیخ
 محمد حفیظ شیخ غلام محمد دم جد اداری شاه امیر علی خسرو ابن شاه
 کریم بخش ابن شاه محمد اصل شاه امیر علی خسرو ابن شاه امیر علی خسرو ابن شاه
 ابن سید فقیر محمد پسر یک سید محفوظ نام و دو خواهران ایشان یکی بی بی
 باجو زوج شاه غلام حیدر ابن شاه و جد الدین که لا ولد و بعد ازین عالم و
 ابی بن خلیف عرفت باجو زوج شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند
 رتبه بلند شاه غلام بدر شاه محمد اصل جد شاه امیر علی شادی شاه
 محمد اصل محله چاند پوره از بی بی مسیح بنت بی بی صبیح و دختر شیخ صفی الله
 و خواهر شاه محمد اصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیکانی از جد سید فضل علی
 ساکن محله باره دری که از اولاد سید فضل الله عرف سید گوسائین بودند
 نواده میر فضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه
 غلام عبد الله فرزند دخترت خواجه مود و دشتی ساکن شیخ پوره خود برگزیده

نواب الطاف حسین خان که از دختر خال خود **نواب فضل حسین خان**
 کتبی شده بدی اولاد ازین جهان رفته و یک خواهر ایشان نیز بودند لا و قدند
 بداند خلف کلانی جناب حضرت شاه دارش علی صاحب نام می بنیزت اگر می
 اولاد علی صاحب کزیت و جواد قانی بودند و دختر ایشان یکی زوجه میرزا علی
 مذکور الصدر لا و لد ثانی و وجه سید فاضل محمدی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر
 ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجمیل ابن قاضی احمد علی و پسر کلانی سیده
 امیر الدین زریب بجا و ده جداره می شده نام سناوت برده لا و لد ابن عالم
 رفته و یکی سید منیر الدین از میان رفته بدی اولاد میوی سید شاه
 احمدی حسین که بخوبی تمامی موصوف اند از محل ادبی یک پسر و از سید احمد حسین
 نام چارمی پسر یلیا قبت و هنر سید شاه لطافت حسین بمرت و سناوت
 معروف اند که فدای ایشان از دختر سید سجاد حسین مرحوم گردید که ده
 دختر شاه ابراهیم حسین نواب ادبی بودند الحاصل یک پسر است ایشان لطافت پسر
 سید شاه حسین که بر لیاقت است خاکسار شاه کتبی ای آن از دختر مولوی
 شاه حسین گردید و دختر این نام پسر و پسر و دختر شدالی ضرور و از و سید سجاد حسین
 جداوری عزیز می شد حسین ابن میرزا حسین سکن موضع میوه پانا مستند که
 بکروند باعث انتظام معاش علاقه در کاه پیر و مریا که شجره نسب
 نسبت ششم باب دوم و ذکر نام و جد الدین چاکش قدس سره

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خاگ سوار سوار
 ابن سید شاه بران الدین ابن سید شاه ابوالمؤید ابن حضرت سید ابوالکرم
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر در میثاقین حضرت تبصریح انیکه
 سید طلال الدین ابن سید محمد جعفر را سه فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان
 سید محمد جاهد و دومی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد را و سیدی که از پسر پسر
 کلان سید صاحب عالم یک حبیب ایشان بی بی زهره که از سید ابوالکرم خواهر او
 سید صاحب عالم شش پسر و یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی محمد و نه وجه
 میرزا فخر حسین شیخ پوری بود و پسر میرزا فخر حسین سید ابوالکرم علی که از دختر شاه صاحب
 کتخدا شد و سید سعاد علی پسر ایشان هستند و دختر از میرزا فخر حسین علی ابن میرزا فخر
 رضوی کتخدا شدند و پسر علی قدر ایشان کلانی میرزا فخر حسین علی که از دختر میرزا
 اولاد علی ابن سید شاه ارث علی کتخدا شدند و اولاد ازین عالم رفتند پسر ثانی
 میرزا میل علی بن فخر رشادی ایشان سه دختر آن دو پسر یکی سید واجد حسین
 داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی و دومی سید احمد حسین فی ولد اند
 و از دختر آن کلانی زوجه شاه ظاهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین نواب
 ثالث زوجه بهاری صاحب پسر بی بی زهره زوجه سید ابوالکرم حضرت شاه
 سید وارث علی بود و پسر پسر ایشان یکی لاد ازین عالم رفتند و دومی
 میرزا فیض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخ پوره ساکن در میرزا فیض علی

یکده خرد یک پیر محمد و م عبد الله عرف سید سجاد اکبر کنعان ایشان از بی بی محمد
 و حضرت مبارک ابن سکندر گردید یک پیر ایشان سید ابو محمد عرف پیازی
 و پیر سید شهاب الدین جویری سید زین العابدین کنعان ایشان در او
 شد یک دختر ایشان بی بی حقیقه کنعان شدند سید ابو محمد پیازی خلعت سید
 سجاد اکبر پیر سید ابو محمد پیازی را چهار پسر شدند یکی سید حج الدین دومی سید
 فیض الدین هر دو اولاد الا سیدی سید امام الدین کنان فیض سید پلاسی
 ذی اولاد شدند اولاد ایشان و در آنجا از قبیل سیدان از موضع بلاسی بزرگان
 مولوی آل محمد و دای محمد و م پور کور و دیگر کنعان اول یک از آن شاه امیر حیدر
 و شاه خمیس حیدر و دیگر و در اینجا میر مرتضی بخش و محمد بخش غیره الا خلف
 چاری علیم الدین عرف شاه بیکه از آنجا و قصبه پیر آمده اقامت پذیرفتند
 رون بخش مجاوره حضرت محمد و م الملک شدند اولادشان کثیر جمعه محمد و م زاده
 سابر حضرت اولاد ایشان هستند مفضل و م حسن و م ال حضرت محمد و م الملک
 خواهر داشت که طول است شجره نسب امام حضرت خواجه ابو یوسف
 همدانی معتقد اسلسله نقشبندیه تقوی نسب بدانند حضرت خواجه
 ابو یوسف همدانی ابن خواجه عبد الله ثانی ابن خواجه قطب الدین یوسف
 ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظفر ابن سید عبد الله ابن حسین
 ابن سید محی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

که خواهرزاده حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد ابن حضرت شرف الدین
 بودند قدس سرہ سید و حید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاہ حسن
 مختصق ابن سید شاہ بجا من لدن سید علی بن سید شاہ حیدر ابن سید تقی
 ابن حضرت اموی مرتفع پوشش ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام رضی اللہ
 بایہ داشت سید و حید الدین چلک کش کتخدا شدند از بی بی بارکہ دختر حضرت
 محمد و م شاہ ذکی الدین ابن حضرت محمد و م شاہ شرف الدین قدس سرہ
 بدانیہ پد رسید و حید الدین شیخ علاء الدین سید برادر بودند سید سکندر علی
 و سید محسن الدین بنیان شیخ حسن مختصق سید محسن الدین عم شان کتخدا شدند
 ابن بی رقیہ بنت محمد و م شاہ طویل الدین که برادر کلانی حضرت محمد و م الملک
 قدس سرہ بودند از بطین ابن بی بی دو دختر یک بی بی ماه خاتون دینی
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند و بی اولاد
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لا ولد فرستند
 از پنجمان و فرزند بی بی جمال حضرت محمد و م مجری بودند معروف ابن سید مبارک
 فرزند ایشان بوضع کمر انت موضع اوترا لاری موجود اند میر شارت علی
 کھانت و میر ابوالقاسم اوترا باقی کیست سید و حید الدین چلک کش ابن است
 معروف است که از بطین بی بی بارکہ یک دختر موسومہ بی بی زمرہ فرستاد
 شدند از سید شہاب الدین جویری علوی نسب بطین بی بی بارکہ بی بی

واضح باد جد ماجد محمد دوم شاه درویش محمد دوم ابو سعید که نواز نواز است سید
 ابو جعفر لاؤ که نواز نسب نامہ سید ابو جعفر بن خطو سید ابو جعفر لاؤ که نواز
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبد الرزاق که نواز اولاد حضرت
 غوث الثقلین محی الدین سید عبد القادر جیلانی اند چونکہ نسب بالا نام حضرت
 بادراک نرسید از تحریر تغر گر دند الا حاجی نور العین خوانبر زادہ قیس خاندہ جان شین
 حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند کہ انتخاب نسب جعفری دارند بالاین صغیر
 تحریر شد حاجت مکر تحریر نیست چونکہ حضرات کچو حبیہ موضع بقیہ واسطہ
 و بیعت از انتخاب است خود را بدست انحضرت نمایند مقصود از اولاد حسین
 و انتخاب بذات خاص حضور بودند مجرد متاہل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین
 قتال در مقام کچو حبیہ الا اولاد سید ابو سعید موضع بقیہ ضلع گیا است بایرود
 محمد دوم شاه درویش راجہا پسر ویک دختر بودند بی لاؤ و کہ از محمد دوم خوشتر
 منسوب شد اند از انجمله پسران یک پسر محمد دوم سید سکندر مقصوب پدر کہ در جوار
 پدر آسوده اند لاؤ و بی سید حامد غوث سید چاند موضع شینچہ متصل شینچور
 سکونت کردند اختیار و جوار محمد دوم شاه مبارک جد بزرگوار ذی اولاد و
 شینچہ مشہور است سیدی محمد دوم شاه محمود کہ در پائین مزار پندار آسوده اند جانب
 مغرب جنوبا دلا و شان نیز یک فریق چارمی محمد دوم شاه محمد پسر کلاسن
 جان شین پدر کہ بعد مرقد والد ماجد ہم پهلوی نزار است جانب مشرق قبا

سید محمد بن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرتضی پورش ابن حضرت امام محمد تقی
علیه السلام از اولاد حضرت خواجه ابولوفت جهانی در دیار فارس مستند الادب و
خواجہ فرید الدین و حاجی غلام الدین و سید نجم الدین و عوشاه قدس حسین و مولانا
مشرب اند و از فرزندان خواجہ فرید الدین و سیر الدوله خواجہ وحید الدین
و خواجہ زین العابدین بودند

لمعه نسب نامه حضرت خواجہ محمد الخیر نقوی سلسله نقشبندیه
خواجہ محمد الخیر نقوی ابن سلطان امیر علی ابن امیر سلطان ابن سید کنایه الدین
ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید
مظفر ابن سید عبد اللہ ابن سید حسن ابن سید یحییٰ ابن سید موسی ثانی ابن سید
امیرانی ابن سید موسی اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی تقی پورش
ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام دریت ایشان شیر در بخارا است
لمعه کتب نسب نامه سید مخدوم شاه درویش بیجوئی نقوی نسب معصوم
بیان دریت ایشان که موجود اند مخدوم سید شاه درویش بیجوئی
ابن مخدوم سید شاه بیادک ابن مخدوم شاه ابوسعید ملقب کشته نواز است
مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمد ابن سید شاه صفی الدین
ابن سید اعجاز الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید احمد
ابن سید محمد عرج ابن سید احمد ابن سید موسی مرتضی ابن حضرت امام محمد تقی

سید مبارک شرف سید برادر دوی سید محمد دم اشرف سیدی سید شارا شرف
 دوی خواهر مولوی صاحبزاده مولوی سید کاظم علی نسب بودند اولاد شدند
 اولاد سیدی سید داد اشرف عرفت چین میان دوی برادرشان سید
 امانه اشرف سیدی سید سلطان اشرف چاری سید مقصود اشرف اولاد و غیر
 چاری سید محمد واسع و سید سلامت اندلعه و دم و ذکر اولاد سید محمود
 سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سید غلام حسین ابن سید امیر الدین
 سید بنیالدین ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
 شاه محمود ابن محمد دم شاه و دریش بنوی باید نیست سید غلام حسین ابن سید
 امیر الدین سید امیر کلائی سید شاه غلام حسن الشیلزاد و پسر دختران فرزند کلائی
 حکیم سید منظر احمدی یک پسر ایشان سید منظور احمدی ذی ولد دوی سید
 احمدی شمس الدین و دو دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن که نزد
 دختر دوی از سید حسن ضا بن حیدر اشرفی شد ذی اولاد اندر برادر سید
 منظر احمدی سید راحت حسین لاد سید شاه عبد الکرم پتوری اولاد ایشان
 چهار یک سید حسن ضا ندکوز دوی سید رضا سیدی سید محمد رضا چاری سید رضا
 نوجوان برادر پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
 مولوی سید نبی الدین حسن و پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
 سید غلام حسین بر حرم و دو فرزند ایشان سید امیر الدین سید نسیم الدین ثانی

طبعه اول در ذکر اولاد مخدوم شاه مخدوم سید مولوی حکیم سید نواز شریع
 چهار برادر کلان ایشان ثانی سید وحید اشرف سید مولوی سید یادی اشرف
 ایشان زاد و پسر دو دختر چارمی سید ناشم مغفور که دختر ایشان از بنی عم نسوب است
 سیف از پسر سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نواز شریع سول را از محل اولی یک دختر
 ذی اولاد و از محل ثانی سه دختر این حضرتان فرزندان مولوی سید شاه
 غلام رسول رحمه الله علیه دو برادر چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این
 خواهر نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی
 ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید یادی اشرف کتخته ادوی سید نسیم الدین
 ابن سید نظام الدین احمد کتخته اند پسر ذی اولاد هستند مولوی غلام رسول ابن
 سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام
 سید شاه مجتبی و دختران بودند فرزندان دختران سید بجوری مغفور و سید شاه
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول ابن هر دو پسر برادر یک یک برادر
 بودند اولادشان هستند الانام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد امجد علی ابن
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
 سید امجد علی حکیم منظر حسن جمعی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید کرم
 و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد سید مخدوم

شجره دوم نسبت به قریب و دم و ذکر نسبت به و اولاد خواجه قطب الدین
 مودود حشمتی واضح باد سید قطب الدین مودود حشمتی این خواجه ابو یوسف حشمتی
 ناصر الدین که خلیفه خال خود خواجه ابو محمد حشمتی بودند خواجه ابو یوسف حشمتی این
 خواجه سید اسماعیل بن خواجه سید ابراهیم بن سید حسین بن سید عبد الله بن سید
 ابن حضرت امام علی نقی رضی الله عنه مشهور حضرت خواجه عبید الله حشمتی این
 خواجه سید اسد الله حشمتی از اولاد حضرت خواجه مودود حشمتی از مقام شریف
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان سینه به سینه گویا ایشان
 تبرمه اهل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا مشغول یافتند بقریه
 شجره خود بر گستره شمع بهار آخر کار در آنجا صورت اقامت بامر
 و معتقد شدند آنجا را خانه کعبه گویا کردند طیاران را من بطور انیم حاصل کردند
 ده یازده چلوگ جهت اوقات صرف و از صادر چون نذریکذ را نیدند سلامین
 وقت تصویریه بر کفایت اهل و عیال کردند قبول نسبت نامه ایشان
 تا حضرت خواجه مودود حشمتی و ذکر فریاد سید عبد الله بن
 سید اسد الله بن سید برهان الدین بن سید عبد الرحمن این خواجه محمد خان
 این خواجه محمد اسماعیل بن خواجه منظور بن خواجه قطب الدین مودود حشمتی
 الحاصل فرزند خواجه سید عبد الله بن سید اسد الله خواجه قطب الدین ثالث
 بودند و لد ایشان سید تاج الدین محمد بن ایشان سید عناية الله

اکثر مشایخ خان ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است که
 نسبت به تقیم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام معصوم در میان
 باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق تعیین
 از هر فرزند اولاد دادند التور بادعیر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
 امام زمانه ثانی حضرت حسین صغیر ثالث حضرت جعفر نسب نامہ اولاد
 ایشان یافت نگاشت که از هر یک اولیا نامدارانند شیخه اولی نسبت به تقیم
 باب دوم در ذکر نسب نامہ حضرت سید جلال الدین حسین
 مخدوم جانیان جهان گشت سیادت بخاری عنوان ایشان اند مخدوم
 سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کی بخاری شمیر سوار ابن سید
 جلال الدین بخاری بزرگ صاحب نوشته ابن سید ابوالمؤید بخاری ابن سید محمد
 جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید عبد الله ابن
 سید احمد ابن سید علی صغیر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
 علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمد بخاری
 در حضرت مخدوم سید الدین ذکر املتان قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ
 بخاری اند فرزند ایشان مخدوم محمد الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح
 رکن الدین در املتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ
 بخاری بمقام او چه آسوده اند مخدوم جانیان در حاکم اند

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد دوم ساکن رهومی که خدا شدند
 چند دختران ایشان خلف ایشان سید شاه علی جان رحلت کردند و جوان
 اعتقاب نامند الا سید شاه فتح علی راز شادی ثانی که از دختر سید فضل علی
 ساکن محله باره وری شد یک پسر یک دختر و دو داماد نام دختر بزرگ
 لطیف النسا زوجه شاه علی بخش ابن شاه محمد و صل خود و سی از بطن این بزرگ
 دو پسر یک دختر یک پسر طفل و دیگر نو جوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی
 مراد النسا زوجه میر تقرب حسین ابن مولوی ابوالسیم علی کابری را سه فرزند
 دو طفل یکی نو جوان بشیر رحیم نام بی که خدائی فوت شدند عقاب نامند
 و نام پسر شاه فتح علی شیاه خیر الدین حسین که بیدار مغرب بنامید روزگار عمر
 بسر کردند نام او پسر پدید آمده بکمال عزت و جاه در شهر متبرجات کردند
 نسل او لا داشت پسر و هم شاه محمد فصیح بودند شیاه محمد علیج ایشان را نیز و فرزند
 رتبه بلند یکی سید ابوالرحمن حسین دو پسر ایشان یکی سید محبت علی پسر سید محمد علی
 و دیگری سید امجد علی پسر سید عباس علی ابن هر دو داماد شاه فخر الدین حسین
 لا ولد یافتند از نیا عالم پسر دویم شیاه محمد علیج شیاه رحمان حسین با ایشان نیز
 دو فرزند رتبه بلند یکی شیاه فخر الدین حسین دویم شیاه طاعت حسین با ایشان
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی و بنا ابن شاه علی و بنا که خدا
 شدند آخر لا ولد یافت ازین عالم و شادی شیاه فخر الدین حسین از خواهر

انور بود که فخری ثانی سیده ناز الدین محمد داد لاد کثیر انداز هر یک ملاقات
 است حاصل از آنکه الرشید سیده عنایت الله را خلفت سیده محمد فصیح
 امیر ایشان یکی سید محمد و جلاله بود پس ایشان سید کریم الدین جد مادی
 سید شاه مرد الفطی ابن سید امام علی ساکن نهبوی دومی سید رمضان علی
 پسر ایشان میر شاریت علی پسر سید محمدی ولد دوم سیده محمد فصیح سیده
 غلام عبدالله و ملا ایشان شاه فتح علی عزت بهوری شادی اولی ایشان
 بی بی میحضر خواهر سید شاه عسکری عزت لشکری بلخی گردید از طبق
 این نزد یک پسر یک دختر شد نام دختر بی بی و صحنه زوج میر امجد علی
 نادر میر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرفا زوج سید حمایت حسین آنگوی
 یک دختر ایشان را از خواهر برادره ایشان سیده انجمن کتختا شده ذی اولاد اند
 پس سیده فخری شاه انور علی کار مسماة ذاکره بنت شاه محمد اصل فرد
 که خواهر امیر علی فردوسی بودند کتختا شدند پس ایشان عابد حسین احمد پسر
 دلد حسین بطغولیت محمد اند الله و حران ایشان یکی مسماة حیاتن و وجه
 میر رضا علی ابن میر یوسف علی عظیم آبادی پسر ایشان سید فردا علی یک دختری
 دارد باقی سه خواهر اند سید قد علی و دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف
 شش از وجه شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خلسری خاکسار سیده دختر ایشان
 و یک پسر شاه وزیر علی یک پسر یک دختر موجودی دومی دختر مسماة براتن

بالکسبه از آنجا که این خاکسار و نسب نامہ یافت منسوب آنحضرت و آن نسب
 است یکے از او یا و کبار عالی تبار آنرا منسوب کی نسب نامہ حضرت خواجہ محمد بہار اللہ
 نقشبند دومی نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی یا غلطی کاتبان باشند نسب حضرت
 امام علی نقی علیہ السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند چنانکہ نزد این فقیر حقیر بود
 موجود تفسیر نمود شیخہ اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ محمد
 بہار الدین نقشبند قدس اللہ سرہ خواجہ محمد بہار الدین نقشبند ابن خواجہ
 محمد عبد اللہ بخاری ابن خواجہ سید جلال الدین بخاری ابن سید ربان الدین
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین لقب محبوب ابن سید اکبر
 ابن سید عبد اللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمد برومی ابن سید حسین مقبول ابن
 سید حسین محمد نقی ابن سید عبد اللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
 امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست ہنوز اولاد حضرت خواجہ
 دینچہار شریف اند و درین فواج بزرگ شریف آورده بودند خواجہ حسین الدین
 نام بود عرصہ چہل و پنج سال بود و ہمینقدر عمر نرسیده خود را از اولاد آنحضرت
 میگردید بیان خواجہ محمد میر عرف خواجہ میر و در مخلص ابن خواجہ ناصر از اولاد اند
 آنحضرت دہلوی از کتاب رشتہات و شجرہ القصب چنین دریافت شد کہ حضرت
 خواجہ را دو پسر و چار و خسران شد نہ نایب و نہ بالفارسیا لم تحت ملک بقا بقند
 جز ما خجروی خود کہ نام بود قاطب ثانی نسبہ از خواجہ علی شدند کہ لقب بودند

سید امام علی بن سید شرف علی ساکن بود در موضع رهروی شد و دو دختر و تسه پسر
 کیفیت دختران مذکور شد پسر او وسط سید خاوند حسین فوجان بمکر و پسر سیووم
 سید جماعت حسین و مادر شاه اسماعیلی بنزلف را قلم النهر بود و پسر و دو دختر ایشان
 هستند نام پسر سید احمد حسین سید فرحت حسین پسر کفانی شاه فخر الدین حسین سید
 الفت حسین که از دختر امون خود میر امام علی که خدا شد بمادر بطن آن عقیقه
 چند دختران اند و اصح باد میر امام علی مذکور اچند خواهر یکی زوجه شاه خواهد
 بود و بی دالره شاه منگن چپ سیوی دریافت نشد الا چارمی زوجه سید محمد محمد
 که نوایه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند و انا پوری از این بزرگان
 واسطه قرابت و مصاهره بود کیفیت مید است بهیچ تحریر نمود و بقیه اولاد
 محل ثانی سید تلج الدین محمود که دعو و ویم اند کیفیت دریافت نشد و
 نسبت هشتم باب دوم در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه
 بیان فرست شان فاضل باد در بیان فریقین مذکور اهل سنن و
 نیز اهل شیعه اولاد این امام الهام بمکر حضرت امام محمد مهدی علیه السلام
 دیگر نیست از علم اهل تشیع که آن امام زمانه صاحب الامر اند در غیبت اند بمقام
 سرمن برای بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان فارو بیان اهل مذرب
 سینان اینکه آن امام را فرزند می بود و آمدند سنی محمد فوجان رحلت نمودند
 از میعاد و آنچه در ظهور نمایند این محمد مهدی موعود اند این سید عبد الله و الله

سید محمد زکریا اولاد سید فضل اللہ گوساٹین بہار علی سہرہ کہ فرزند واقع بارہ دری
 آباد است حضرت سید فضل اللہ از فرزند تربت بندہ کے سید احمد مدعو عزت
 سید بڑی کہ از بہار بنیاستہ عالم گشتہ سکونت کروند اختیار مقام کوثر اولاد
 شان آنجا مستند وی سید نصیر الدین محمد در قصبہ بہار رونق بسجاد اولی زادند
 اولاد اند در آنجا مشہور بدو فریق سید امامیہ اکثر احوال خلف سید نصیر الدین
 بودند سید محمد را در فرزند سید نصیر الدین از بہرہ اولاد شدند پس بجایند در لہن
 اولی سہ پیر یک دختر بے مہریم نام دختر بے مہریم شیدہ اہل اللہ قادری
 مبارک حسینہ و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی کے سید تقی الدین
 کہ بودند سجاد نشین وی سید الدین سیدی سید زین الدین پس بنامید اولاد
 سید تقی الدین سجاد نشین در مقام شیخوہ تصحیح نسب دریافت نشد الا انیکہ
 میر ظفر حسین پسر ایشان میر میر علی پسر ایشان میر سعادت علی نوانسہ شہ
 احمد علی بہاری و سید صفی الدین را در پسر کے سید رکن الدین و وی سید
 صابر علی سید رکن الدین و نیزہ و پسر کے سید تاج الدین لاورد وی سید
 متاج الدین پسر ایشان سید برہان الدین خلف ایشان میر مر علی و سہ خواہر
 ایشان اولاد کے ازین دختران سیدہ محمدہ و سہ بخش ابن سید کریم بخش فرزند
 و اولاد یک دختر میر فضل علی و اولاد شاہ محمد و اہل فرود ہی بدانید میر فضل علی
 ابن میر لکمل علی کا زوزیت سید فضل اللہ بودند و سید صاحب علی ابن سید رکن الدین

از خواجہ عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و خطا ثانی دو فرزند از ایشان
 شدند یکی خواجہ حسن عطار ثانی خواجہ حسین عطار اول خواجہ حسن عطار خواجہ
 یوسف عطار بود و فرزندان بعد معلوم نیست کیفیت بالقصریح شیخ دوم
 و نسبت به سید شاه صادق حسینی رحمتہ اللہ علیہ
 کہ مشرب طریقیہ قادریہ باشند و از فیض آثار باریار خوب لقب گلشن آباد است سید شمس
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
 محمد راجع ابن سید اسد اللہ ابن سید علی راجع ابن سید امین الدین مدنی
 ابن سید محمد صفی ابن سید محمد ثانی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
 حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام و اصغر باد سماع است علم این بزرگ کیست
 شصت سال بود با شغال ملاریه فرزندان این بزرگ در قصبہ گلشن آباد معروف با سکا
 اند کہ اکثر الاغلیہ این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدنی مد
 معمورہ بمعنی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسبت نامہ میگارد مولوی
 سید عبد الفتاح شرف علی ابن سید عبد اللہ کاهی ابن سید شمس الدین علی
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید الفتاح عرف شید امام الدین ابن میر
 سید اسد اللہ عرف سید شیر محمد قادری ابن شیدہ محمد صادق حسینی
 سید شرف علی شیر مقیم شهر ممبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد ہر امام بیان
 شد از بنیاد ذکر اولاد بزرگان بہ لغات می نویسد

و یکی از آن سید موسی رضا قادی و سید شاه غلام بیگلریشانی سید امین الدین
اند و واضح باد جناب سید شاه الطیب بودند برادر چهار نو سید برادر کلان سید شاه
اکمال کلازال داد و اولاد برادرشانی سید عبدالرزاق عرف شاه که نوی دویم سید
عبدالکریم پدر سید عبدالجلیل خاص شاه الطیب برادر و پسر دو دختر بیگلرانی سید شاه
عبدالرشید عرف شاه جمعی از دختر عم خود که دختر اشذند و دختر ایشان شدند
یکی از سید فضل حسین بن میر سید احمد بن نوابادی که دختر اشذند که خواهر زاده نیز اند
دویم از سید محمود بن میر سکر حسین بن وضع کار اولاد که نماند برادر دوم
سید شاه جمعی سید امیر الشیخ عرف بودی بودند از محل دلی ایشان اولاد نشد الا
محل ثانی از اولاد که خواهر سید فضل حسین مذکور الصدوق و خواهر ایشان هر یکی از اولاد
لحمه در ذکر نسب و فرزند محمد و سید تیمسغه سید بازا بن محمد و سید حمید الدین
واضح باد سید شاه عبدالرشید عرف شاه دوم بن سید الوحید عرف شاه بن ابن
سید صدر عالم ابن قطب سید عالم ابن سید احمدی ابن سید الامداد بن سید محبوب عالم
ابن سید غفر الله ابن سید حبیب الله بن سید محمد فرید بن سید هاریم الدین سید شاه
فهریم الدین سید اسماعیل بن سید محمد بن سید کریم الله عرف حاجی محمد حبیب که
ابن سید شاه فهریم الدین بن محمد و سید تیمسغه سید بازا بن سید ناصر حضرت
آدم صوفی جد مجد ایشان در نسب دوم محمد بن یوسف حاجت نیست تحریر اکثر مشایخ
نسب دیگری از جانب محمد و سید تیمسغه سید بازا بن سید الامداد انحصار حضرت

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الاد و دختران بودند بسید علی
 از یکی دختر نسیه شد سید محمد اسلم نام ایشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بود منع
 کشن پور بود و عروج کام سکونت کردند خستیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم
 سید صابر علی و سید محمد کمال بود باش بقصیه باؤه کردند خستیار و اولاد ایشان
 در آنجا اوراقی اولاد از وجه ثانی سید نفیر الدین که ایشان شدند چهار سید که سید شمس
 الدین سید طالب علی سیدی سید مطلب چاری سید تقی سید محمد تقی اولاد ایشان
 در قصیه بار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا اعیان این خاکسار
 بسیار یکی از عاقدان سید امام الدین حسین سید ادا حسین سید غلام نجف و میر شاه علی
 و میرزوند علی و دیگر کثیرند و سید امیر الاسید داشت علی نزد سینه دشتنه از آنجا که
 ذریعت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت غوث ثقلین سید عبد القادر جیلانی اند
 ملحه و مذكور نسب نام میر سید محمد قادری اجمیری تفصیل فریست حضرت
 ما بعد ایشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه نجی ابن سید شاه
 الطیب قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد علی قادری
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاه ابوالمعالی قادری ابن سید شاه
 عبد الزواق قادری ابن سید شاه ابوالمظفر قادری ابن سید شاه معین الدین
 قادری ابن سید شاه محمد قادری اجمیری نسب بلاشان نوشته شد حاجت تحریر
 نیست چنانچه اولاد که از اولاد سید محمد علی ابن سید محمد علی اجمیری اند

که قریب فائده مخدوم معروف است و در بلاد متفرق شدند دیگر جاسک
 کردند و اختیار داد ایشان حکم کشید و در آن دیار آنکه سکونت کردند اختیار داد که فرشته
 فیض علی الدین شاه علی احمدی وی سیده عسکری عرف شاه لشکری خال لا اعظم شاه
 نور علی خاں داد آنجا انهم نامند آنجا از دریت بلخیان غیر آباد است و آنجا سکونت مردم نام
 است الا یک فرزند حضرت مخدوم حاجی گویا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین بود
 کردند و قامت اختیار دریت شان را و بجزارت تریب سامی بزرگوار ناما معلوم شد الا آن
 شاه غلام شاه ایشان سپهر یکی سیده فاطمه حسین که پسران سیده ابراهیم
 و وی سیده احمد حسین جوئی سیده عبدالحی پسر ایشان سید محمود اند و فغانی
 سیده فخر الاسلام که پسر داسطه نسب حضرت مخدوم احمد گویا سیده خلف را سیده
 ایشان سیده فهم العجبار پسر ایشان کلانی سید شاه نوشته التوحید و دو دختر ایشان
 سیکند و جبه قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر
 معلوم شد خلف ثانی شاه فهم الد قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر فوسل شاه محمد و اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید داد
 عم کلانی خود شاه نوشته التوحید فکوه الصمد که پسر ایشان محسن التوحید داد
 مولوی محمد و احدا بن قاضی طهارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید
 که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طهارت التوحید
 پسر سیومی شاه فهم الد قاضی طهارت التوحید

شاه دوسم بودند شادی ایشان از خواهر شاه نورالحی ابن شاه عبدالحی و له
 حضرت شاه جمیع قادری شد یکیش ایشان شاه محمد شرف عرف اچچوینان که از
 خواهر مولوی شاه عبدالحی گنوداشند سند سپیدند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
 محمد رفی دومی مولوی محمد ابراهیم لاوله سیومی مولوی محمد عبداللہ الدراجہ شاه و حیدر
 و دختر شاه دوسم علیہ الرحمۃ مسماۃ وصیفا از سید شاه اولیاد علی عم العتیم
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که از شش سید عبدالعزیز خوشنویس گنوداشند
 لاولدند از نیعالم رفتند بعد در بیان نسبت نسب بلجینان که از اولاد حضرت
 مولانا مظفر بلجی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلجی ابن مخدوم شاه
 شمس الدین بلجی برادر ایشان مخدوم سید شاه مظفر بلجی ابن سید شاه شمس الدین را
 فرزندار چند مخدوم سید شاه حسین بلجی مخاطب توشہ التوحید ششم فرزند
 رتبہ بلند که از ان مخدوم شاه سلیمان که لاولد رفتند از پنجان فرزند
 دومی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزند ان ایشان در موضع کبیری بانید لو
 اند و تیر در انجوار از اولادشان نامی بمنزلت گرامی شاه رستم علی بودند
 سیومی فرزند که از برادر در سبب بلند مخدوم شاه حسن بلجی که جانشین پدر عالی تبار
 شد فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لشکر دیار ان
 مخدوم شاه حسن بلجی ستمند رتوحید بودند فرزند ایشان چهار از هر یک شاخ
 نمودار چنانچه دو فرزند نمودند و از اولاد سبب نگیند و در انجا ماندند و در محل بلجی

شاه ولایت علی بلخی نسب اندر فیض شاه ولایت علی بلخی چنانچه برمای فرزند
 جباری خوراند شاه صاحب مروج ذکر نسب بشاه عسکری عرف شاه
 لشکری ساکن محل بلخی از اجداد بزرگان خسرو به باید دانست سید
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مدد علی ابن سید شاه
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه محمد الدین عرف شاه بدین ابن سید
 حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد و ریش
 ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگرودی سید شاه حسن عسکری از دختر مخدوم علی بی
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شد نداده و ایشان نشدند و خواهران ایشان بودند
 یک سماء نصیر از وجه شاه درگاه الدار و بی سماء مسیحی از وجه شاه فتح علی حرم
 از بطن این بی بی یک دختر یک دختر سماء و مسیحی از وجه سید محمد علی مادر سید عباس علی
 و سماء شرف از وجه سید حمایت مسیحی نام پسر شاه نور علی از وجه سماء فاکره بنت
 شاه محمد و اصل فردوسی شد دختر ایشان یکی از آن خوشدامن اینجا کنند
 مذکور بعد از نیمه ساکنان محل بلخی بودند که مدعی ذکر نسب بشاه
 ولی احمد بلخی یکی از ساکنان محل بلخی منجرات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید
 شاه فیض علی ابن سید محمد ظاه ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد الحمید
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین
 ابن سید شاه سلطان محمد و ریش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگرودی و مدعی باد

ایشان نهاد شاه محمد و اخطا بن سید شاه فیض السدایا صل یکی دختر و چهار
 پسر ایشان پسر کلائی مولوی محمد و اجد سید پسر ایشان چهار دختر و دو پسر یکی بعد
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پیر یگانه جنوبی اولاد اندازان دو پسر دختر
 زوجیه سید ارشد ابن میر زاد حسین یکی زوجیه محمد حسن التوحید نذر کوثر
 ذی ولد از دختر قاضی طهارت التوحید مرحوم زوجیه قاضی سیف الدین ابن محمد
 سید اولاد علی و القاضی سید محمد رتاد سید محمد کاظم پسر و ننی قاضی طهارت التوحید
 مولوی حمید الدین عرف سنگر نهاد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد
 پسر چاروی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد و اخطا حق و پسر سید شاه فیض
 سید طیب التوحید و اجد سید فرزند علی ساکن گورگین سید پسر ایشان یکی سید
 حبیب التوحید و دیگری سید قمر التوحید پسر ایشان دو پسر یکی نعمت التوحید و دیگری
 و یک دختر ایشان زوجیه محمد داز خواهرزاده ایتخانگسار و پسر سیدم از نام التوحید
 هجده نام پسران شاه محمد و اجد سید عبد العزیز و سید شرف الدین و محمد غوثی
 نوکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد ماوری و اخطا بار
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه عبدال بخش ابن شاه پیر علی
 نوامه سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد قاتل بلخی ابن شاه سید شاه عبد الطیف
 بلخی ابن سید شاه دل بلخی ابن سید شاه درویش بلخی ابن سید شاه ابراهیم بلخی ابن سید
 شاه سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد نگر دریا و نیز حیدری خاص سید

مجاهده بودند و سید شاه امام بخش بن شاه بنده علی ابن شیخ و محمد ابن
 شیخ نصیر الدین از اولاد پسر چارم محمد و سید احمد لنگ و دریا و سکونت ایشان نیز
 بموضع بهار پوره متصل مرز فیض آثار حضرت محمد و سید حسین نوشته است
 قدس الله سره بلکه اکثر از پنجانی در انجا ابرست الله و بیان نسبت
 سید شاه محمد تقی رحمه الله معه ذکر ابا اجداد و اولادشان سید
 غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی لجنی ابن سید شاه غلام
 ابن سید شاه بریان الدین ابن شیخ علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد لجنی
 ابن شیخ دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جیون لجنی ابن شیخ
 محمد حافظ ابن حضرت محمد و سلطان ابراهیم ابن حضرت محمد و سید شاه
 احمد لنگ و دریا قدس سره و انجیاد حضرت شاه بریان الدین را و
 بودند یک سید شاه غلام مغر و الداجه حضرت شاه محمد تقی و وی سید شاه غلام مظفر
 والد راجه سید شاه محمد و سید بخش ایشان یک پسر مولوی کفایت علی پسر سید
 ابراهیم حسین و خواهر شاه محمد و سید بخش و وجه قاضی بهکیاری
 کشمیری دو پسر ایشان یک قاضی مظفر حسین و اما جناب حضرت
 مولوی سید حسن رضا پسر قاضی مظفر حسین الله رکونام و یک
 قاضی ولایت حسین که شادی اول از دختر شاه محمد و سید بخش کردند از محل
 یک پسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختری حضرت شاه

سید فیض علی دوفراورد بود و وی می شاه رحم علی عرف سید شاه درگاه ای از
 محل ثانی پسر ایشان شاه تصدیر علی و سید فیض علی را نیز دو پسر که سید شاه
 و فی احمد و وی سید شاه و می احمد و الله سید نور الحسن سید شاه ولی احمد و الله
 شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد و اسع بود و در از لطف این وجه مساهه رحیا دو پسر
 و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بنی و اما دهنش سید محمد خلیل خوشنویس
 نو آبادی زوجه شاه علی احمد مساهه و جها النساء چند دختران ایشان ثانی
 شایه حسن احمد بنی از محل اولی ایشان دو دختر که زوجه سیده مبارک حسین
 و وی زوجه سیده محمد کاظم حسین که هر دو و اما دو خواهر زاده ایشانند و از محل
 ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نواسه شاه فرزند علی که خدا و پسر و
 یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا و دختر کلانی
 مساهه ریاض النساء بنت شاه ولی احمد زوجه جها بخت سیده محمد الدین حسین
 و الله و جها سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مساهه حیاتینیا
 زوجه عم المعمر ابن قاسم سیده مراد علی و اما پوری و الله با جده برادر
 حایه قدر حکیم سیده محمد کاظم حسین اینهمه می او لاداند فکیر بلخانی که نسب
 بهر معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اند که سیده جمال علی
 که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند مخدوم احمد لنگه دریا است پسر شاه صاحب
 سید مظفر نام دارد و دو خواهران ایشان یکی سیده بنی اعتلی بنی بسیار صاحب

ملازم مولوی امین الله چاری زوچ مولوی حمید الدین عرف مولوی مسکن الحق
 پسرشان نورالدین پسر کلائی شاه صاحب سید شاه علیم الدین الماد جناب حضرت
 سید شاه غلام حسن قدس سره دیوبندی سید شاه غلام شرف پسر شاه حبی
 سیدی امین الدین محمد و سال وفات یافت یک دختر سید شاه علیم الدین از خان
 محمد معیل که خاندانان فرزند موجود است محمد رشید سید شاه غلام مظفر را
 چهار پسر اند ترقی عمر باد و صلی در بیان اولاد حضرت سید شاه
 حاجی حافظ ابوتراب مشهوری رحمت الله علیه باید دانست جدا جدا
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاه ابو العلی مشهوری از سمت مغرب سیاحت
 کرده بجزار حضرت مجاز رسیدند موضع کونین که مقام هست آب روان بجا سپید
 خاطر افتاد قیام گشته معایل و عیال فرزندان چند در آنجا تولد شدند سید شاه
 عبدالسلیم شادی ایشان بجا نه شرفا بموضع موذرا گردید چندی بقیع در آنجا
 ماندند هرگاه به تحصیل علوم اوقات پرداخته و به صلاحیت طبیعت ساخته بکوالی
 رسیدند فرزندان ایشان گردید سی سید شاه عجمه الحکیم که خدای ایشان از خیر
 حاجی شاه غلام محمد گردید و وضع باد این حاجی غلام محمد از اولاد یا با
 فرید الدین شکر گنج بود و اندر دهم فریاد و اصهار سید شاه ابو العلی بودند
 طریق حقیقه و شتند از سید شاه ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد
 بموضع دریا پور متصل ختمه که هنوز سکونت آنجا هست که حصول سید الحکیم

محمد تقی کرانه از انهم یک پسر سید الله بن امام و دختر قاضی بهکایری از حکیم فیض علی
 گفته اسان که بچهره پسرشان حکیم محمد امیر یک دختر زوجه سید ابوالحسن حسین ابن
 مولوی کفایت علی پسر وی اولاد اند و دختران شاه محمد و بخش سیکه مادر شاه
 بچل حسین ابن سید میان دومی زوجه شاه امجد حسین بلخی مادر سید و ابراهیم
 سیدی زوجه قاضی ولایت حسین بنکوریال دیگر دریافت نشد ذکر اولاد حضرت
 شاه غلام مغر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهر از حضرت
 شاه محمد تقی سیکه زوجه شاه غلام شهنشاه بلخی مذکور الصدردومی زوجه شاه
 محمد و بخش مذکور بالا سیدی مسماة آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سره چارمین
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن بی بی
 شاه عبداللہ شادی اولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه حیدر
 کردید اولاد نشد بعد دهم شادی از دختر دهم شد یک فرزند به بلند مولانا محمد
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بلخی پسر دختر شد که زوجه سید شاه
 بچل حسین بنام پسرشان شاه محمد نصیر شاه ولی الحسن شاه حسن فرزند
 ایشانند نواسه حضرت سید میان دوازده شادی سیوم حضرت شاه محمد تقی در
 چهار دختر و پسر شد یکی دختر زوجه شاه نور الحسن ابن سید شاه محمد و غلط
 دومی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و غرقه میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه
از سر آور و ندید طلب آب و آن بزرگ کاسه آب از شکنجه بر آورد و گفت کمال
بصبر می یک کاسه آب عمامه میدی سید پاک عمامه خود بر سر نهادند و گفتند در طلب
نیست سایر غازی یافت از اولاد امام سابقین حضرت زین العابدین ششم
که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند بپادشاه تشنه کامی غریبان و والد را جد خود
می آید نزدیک چهل سال بعد این واقعه بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند
یوقت کمال تشنگی بدجوت شیر می نوشیدند سحان و عجب بزرگ حس کمال
بودند چون مراجعت از سفر کردند در وطن بمقام کسی را یافتند چون بموضع
دو یا پور رسیدند بعضی از قریبان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند
موجوده دختر غسوب بیان کردند احوال هر چند تجردی محبت داشتند و متاهلی
ناپسندیدند شش ماه از اقران صورت عقد نکاح شرعی واقع شد از سکونت
موضع کوتن برخاسته خاطر شده و بموضع و یا پور محل اقامت آمدند
بسبب موافقت بزرگان اجماع عمر شمس الکی از بطن آن عقیقه متولد شدند
دو فرزند یکی سید شاه حمزه و دیگری سید شاه فیض احمد از هر یک اولاد
شدند ذی علم و شایخ عظام سپهر شاه جمادیه سپهر کفانی مولوی سید حسن
ثانی سید حمزه علی سید شایه علی سید تخلص سلیم اکمال بودند از اولاد فرزند از عالم
چهل سال سید فیض را سید کی سیدی الله و می سید محمد و اخط سیوس

فرزند حافظ البتراب شدند چون سایه الدین از سران آن درگذشت
 سکونت آنجا ناگه افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود میوضع دریا و پور که
 بسبب بلطی نمود تا برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند همتا مردانه و مجرد
 عمر ایشان بیست سال بود و رغبت ایشان شاه مصطفی خاں ایشان را یکده ختر تولد
 شد نجیب الدین که حیل ملک بقاشدند بر و بر خود وصیت کردند که روزگار
 روز ناسید البتراب در اینجا از سفر خواب پر سید این دختر را با و منسوب کردم و در دست
 او خواهد داد و سید البتراب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت
 سفرشان بدینگونه در آن سفر در پل تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون
 قریب فراع شدند بادشاه وقت خواست که بر سر ایشان دستا و فضیلت
 به بندد و وجه کفایت مقرر سازد و به کس و در یکده شاهای بمانند بنیول
 خاطر یافتند و از آنجا سفر کردند اختیار روانه شدند به سوی حجاز قریب بیست سال
 در حرمین شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خند سال
 حجازی و مذاق حسن حضرت سرور کائنات کردند و زری از روز مادرشان
 حرمین شریفین راه می پیوندن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپیدا بود
 مضطر شدند کمال حد و وقت بزرگی خضر وقت خندیدند کمال بزرگی از تشنه
 پاک چو بیا مشکیزد و بغیل آب و جام در دست پر سیدندای سید چه
 میخوابی گفتند آب تشنه و بنیستم فرمودند چیزی نده گفتند هیچ ندارم

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن رضا قدس سره و برادرشان سید شاه
 حیدر علی بایدهست سید شاه حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس
 با کمال اولاد نشد و دو خواهر ایشان بخضر شاه محمد تقی که خدا یکی بعد دیگری
 و خواهر سیم که از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیاء الحق عرف رتین چند
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جای که خدا شد ندیکه از مولوی
 واعظ الحق پد مولوی عبدالحق و وی از محمد اکبر سیدی از پسر مولوی محمد
 چارمی ناصر شاه فیاض نجفی زوج میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پهلوار دی دختر
 ایشان از سید علم الدین خلف سید هدایت حسین و انا پوری که خدا شد حرم الله
 نام پسر سید چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن رضا
 قدس سره و دو دختر که زوج حکیم جنت دوی زوجة قاضی فخر حسین خلف سید
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی
 آمنه که خدا شد از بطین ابن بی بی یک پسر و یک دختر و دختر خسته اختر زوج
 سید شاه علم الدین یعنی ابن جناب شاه محمد تقی رحمه الله علیه که ذکر اولاد بالا
 محمد رشید الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سره سید
 شاه محمد حسن عرف سید میان دوی غرضشان بودند دریافت عری
 و فارسی از خواهر مولوی کفایت حسین ابن شاه محمد و محمد بخش که خدا شد ندیعنی
 از مسافه بی بی سعیده ابا وجودیکه جناب داخ المصطفی بودند هم الاجماع کمال است

سید قدرت الله اولاد پسر سیدی اولی الله میر فقیر الله با ایشان سید پسر دو و دختر کلانی
 از میر علی بهجا و چهلوازی که خدا فی اولاد شدند ثانی زوجه دوم حضرت سید شاه
 غلام حسن پسر دختر ایشان مبارک حسین پسر کلانی میر فقیر الله سید امیر الله که خدا
 و اما پور از خواهر کلانی راقم التحریر که خدا سید دختر و سید پسر بود آمدند پسران نوجوان
 و فاسد یافتند و سید بطف الله اولاد دخترین ذی اولاد اند باالی بتصریح نگاشته خواهد شد
 الا پسر ثانی میر فقیر الله سید محمد وزیر اولاد الا پسر سیدی سید محمد معین را و دو دختر
 و یک پسر یک دختر سید پسر سید فضل حسین نوآبادی یک دختر سید نواسی سید
 محمد سمیع و شاه محمد و اعظم پسر دوم شاه فیض الله اولاد پسر دو و دختر کلان است
 مولوی سید صفدر حسن نائب قاضی مشهر عظیم آباد با و حسان با کمال از دختر
 حکیم بیگم بی بی بصیر النساء خواهر زادی حضرت شاه غلام حسن که خدا شدند
 اولاد نشد و ثانی سید نور الحسن اولاد حضرت شاه محمد یحیی ذی اولاد و و پسر
 و سه دختر این دختر کلانی شاه محمد و اعظم از قاضی طهارت التوحید که خدا شدند
 و الله قاضی مولوی امیر حسن سید بیاد حسین سید محمد حسین ایشان اولاد یک
 دختر سید بیاد حسین که خدا از مولوی امین الله ابن مولوی امیر الحسن که اولاد و قاضی
 طهارت التوحید مذکور باشد الا برادر خود ایشان سید طیب التوحید از دختر
 میر فرزند علی ساکن گورگین برگزیده پهلوانی که خدا شدند سینه فرزند ایشان سید
 حبیب التوحید و سید محمد التوحید و سید نعم التوحید ذی اولاد اند ایشان

محمد منیر و سید شاه علیم الدین سیدانیت حسین را از تربیت صحبت کامیاب
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتاب شاه سید
 متخلص سلیم دریافتند و نیز سلسله نسب بالا استماع از حضرت جد الامجد سید
 ششده غلام حسین قدس سره و نانا پوری و انجناب رازمولانا حسین بنیامین
 شاد ازین صاحبان جرم صابر اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت محمد
 سید علی احصایر جای یافت تحریر نمود و یکی از بزرگان
 موضع بنیوانند واضح باد اگر چه مندر زند بودن حضرت مخدوم سید
 صابر کیست چنانکه نسبت الا از خیره مرشد خال المحرم جانا حضرت بابا شیخ
 فرید الدین گنج شکر است در کتاب کور چون یافت جای درین احوال نگاشت
 لکن چنان بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسب آنحضرت است باید دانست
 نام فرزند آنحضرت حضرت مخدوم ششده شعیب الدین ولد ایشان مخدوم
 سید شاه بدر الدین پسر ایشان سید شاه رکن الدین خلع ایشان حافظ
 عبد الرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبد الکرم ولد ایشان
 حافظ عبد الوهاب پسر ایشان حافظ سید الشکور ولد ایشان حافظ عبد العظیم
 پسر ایشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل الدین
 دو برادر یکی میرزا فضل الله و دیگری سید محمد باسط عرف میرزا فہیم الله پسر ایشان
 که حافظ سید عبد الشکور و او و پسر یکی سید عبد العظیم

ظاهر و باطن بود حصول مقید مراقبه مشغول جفا کشی بود بر این جناب اتم محبت
 ایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و محبت جناب حضرت
 خالای عظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود الار و بروی الله
 خود کردند انتقال به برسی و پنج سال دو فرزند و یک دختر یادگار خود گذاشتند دختر
 شان زوجه شاه محمد نصیر بن مولانا میرزا فیضیه از سادات زینب و فرزند ایشان
 یکی شاه ولی حسین دومین سید حسان علی تزیید عمر کند و خلعت کلانی را بخل
 سید شاه تاج حسین ثانی سیدانیت حسین که تحصیل علم ظاهر و باطن کرده
 نوجوان رفتند بسوی ملک بقا که خدائی سیده تاج حسین اول از دختر سیده
 احمد حسین بارتثانی جای شد از هر دو اولاد نه الا شادی ثالث از خواهر سیده
 محمد نصیر شد که اولاد شد سیدی و میان آنهم در زمان طفولیت رحیل ملک بقا
 شد بعد حلت پدر بزرگوار که آنهم نوجوان کردند انتقال بجای دیگر سجاده علی
 غلطان شد عقاب نامند جز اولاد بنات ۵ آریا برادران عزیزان بجا شد
 رفتند در بقا ولی از مایه شدند که واضح باد سید شاه تاج حسین را محبت
 از جد ماجد خود الا تربیت باطنی از جناب حضرت میر محمد سید شاه
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال محبت ابرکت جناب حضرت سیده
 مبارک حسین رحمة الله علیه بوده مجاز از اجازت و خلافت طریقه ابو العالی
 شدند و نیز محمد برادران را تربیت باطنی از جناب حضرت میر محمد سید شاه تاج حسین

فاضل یازمختوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد منسوب ذی اولاد
 و فرزند مختوم رقبه بلند مختوم شاه سلطان بود و فرزند ایشان سید محمود
 عرف سید جلگن نام پدری ولد ایشان سید احمد شیری اندک ترتیب کیفیت درین
 ایشان دریافت نشد الا بسا مشایخین استیخار نسب تقریباً پنج نامند که
 بزرگ سید مادر عرف سوپن از فرزندان آنجناب بوده اند خواهر ایشان مسماة
 بی بی جلگن الله جناب شاه تراب الحق و شار بهادر الحق موژوی بودند و شاه
 محمد فیاض ساکن بسو منجملات بهادر از فرزندان نامی آنجناب اند ایشان بعضی
 فرزندان مختوم بدر عالم دریافت شد که این مختوم محمد و محمد و شاه سلطان
 یا شعیب اولاد و شعیب اولاد و برادران بیانی اولاد یکی مالفرندی خود قرار داد
 زینب سجاده گرد و در قرار آنها واقع موضع سوه هست جد مادر بی جناب شاه
 امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند و دختر و یک پسر شاه فیاض و مادر
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلانی ایشان از شاه بهادر علی
 ساکن شیخپور که خدا و ثانی از جناب حضرت شاه ولی الله فردوسی و الدیاجه
 شاه امیر الدین سجاده نشین شاه بهادر علی را و دختر کلانی زوجه شاه محمد علی
 شعیب شیخپوری برادرزاده شان فرزندان چند ایشان چندیک شاه عبد الله
 و مادر شاه امیر الدین محمد الله علی ثانی و دختر شاه بهادر علی از جناب شاه امیر الدین
 که ضامن لیل این بی دو پسر یک شاه امین الدین احمد و بی شاه محمد تقی

دومی سید عبد الغنی پسر ایشان سید عبد العظیم ولدشان محمد تقیم پسر ایشان
 بهمت زمان ایشانرا سید پسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یادیت
 دو پسر سید حاتم زمان یکی میر فضل علی پسر سید علی الغنی صاحب مان متوسط و خوا
 ایشان زوجه مولوی سید نواز شریع و نیز خواهر سید حاتم زمان و والده ابده
 مولوی سید نواز شریع و نیز او میر فضل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اندو که
 اولاد سید عبد العظیم و پسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان
 سید کفایت الله ولدشان سید عبد الرحیم پسرشان سید عبد الکبیر پسر ایشان
 سید عطا کریم و پسر سید امام الدین سید محمد عمید من له ایشان سید فضل الله
 پسر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین سید محمد حسین پسر ایشان
 محمد حسین که از خواهر خواهر محمد حسن شوب شدند اولاد سید احمد حسین را دو فرزند
 سید محمد یحیی و دومی سید بدیع حسن عرف محمد بر و اولاد سید فرخ حسین را دو
 فرزند یکی شرف حسین عرف داروغه عالم علی اولاد پسر ایشان سید اکبر حسن
 با ایشان دو پسر و دو دختر کلانی سید امجد حسین و پسر ایشان یکی مفتوح
 دومی فضل حسین موجود و ثانی سید غانت حسین و والده سید اکبر حسین پسر
 خواهر کلانی سید محمد ثانی زوجه شاه حسین علی والده مولوی عبد الغنی
 و برادر ایشان محمد آقا داد اولاد که

ذکر درایت حضرت مخدوم سید بدر الدین بدر عالم

حضرت صدیق اکبر بنی امیخیر نبی صوره بن عامر اندازد وخت عم گنجد ابرودند
 و این ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان
 از ذریه آنحضرت است باید دانست بحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سه پسر و دختر
 بود اندازد بر ستر حضرت عائشه صدیقه زوجه محبوبه حضرت سید المرسلین و ثانی بابلی
 اسماء زوجه حضرت نبیر بن عوف بن ابی ذالبکشی را فرزند آن ایشان یکی عبید الله بن
 زبیر و دیگری عروه بن زبیر سیوی عصب ابن زبیر که از بنی سکنیه و دختر حباب
 سیده الشهدا امام حسن علیه السلام گنجد اندازد و کیفیت دختر ثالث در یافت نشد
 الا از فرزندان یکی عجمه شکسته در محل اولی بودند و خواهرهای ایشان بنی اسماء
 مذکور و از اهل بنی امیروان حضرت عائشه صدیقه و حضرت عبدالرحمن
 و از بنی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل هر دو جاریست

قبل غازی و بعد غازی مشهور است و ششمی آید

و فصل اول در ذکر ارباب لا و سیدنا عبدالرحمن قبل غازی

خواهد بود نجیب منیا الدین سمرقندی و شیخ عماد الدین والد حضرت شیخ
 شهاب الدین سمرقندی هر دو برادر اند شیخ الشیوخ برادر زاد و شان هفتم
 در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین ابن شیخ عماد الدین ابن شیخ نجم الدین
 ابن شیخ محمد الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ صدر الدین ابن شیخ محمد حنین
 ابن شیخ محمد بن ابن شیخ امین ابن شیخ علی الدین ابن شیخ عبداللہ بن شیخ

و سنجاهم این ایشان یکی قسرب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی و دومی زوجه
 شاه عبدالحی سیدزوجه شاه محمد بنده شاه سلاست علی خودوسی ذی والدین
 و یکی شاه تهمورحم از فرزندان محمدوم بدر عالم بودند معروف و خواجه ایشان زوجه
 میرمحمدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی پسرشان سید اسب بن عرف مجرب
 موجوداند و دختر شاه تهمورحم از شیخ اکبر علی ساکن نژادی که خدا پسرشان شیخ
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب بن محمدوم فرزند
 خود میگردد بیان سلسله نسب دریافت نشد کسی گاشت و نیز نوشته خانیستان
 و نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر و بیان عالی تبار خود را گویند
 چون از ذکر انساب سیاهات فراغت یافت فکر نسب اولاد و حضرات خلفاء
 ثلاثه بنمایند تفصیل این بر فضل و ضمیر تحریر نمود و بعد ذکر اولاد و افسار نویسد

فصل اول در بیان نسب نامہ حضرت عتیق ابا بکر صدیق
رضی اللہ تعالی عنہ و اولاد بر دو وصل و دو ضمیمہ باشد

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبد اللہ نام ابن حضرت عثمان ابوقحافه
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب بن سعد بن تميم ابن مره از اولاد نضر بن کنانہ
 قریشی که از فرزندان حضرت اسمعیل علیہ السلام بودند و تفرقه
 نسب از حضرت صلی اللہ علیہ وسلم و آنحضرت از پشت پنجم است و والده ماجده

ضمیمه اول در ذکر نسب حضرت محمد حسام الدین جاییسی

قدس سره که اولاد آنحضرت اند

حضرت محمد حسام الدین جاییسی ابن شیخ امام الدین ولد شیخ قیام الدین ابن
 شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ
 محمد ماه ابن شیخ محمد جاه ابن شیخ ظفر الدین ابن شیخ عبد الله ابن شیخ صدر اعظم
 ابن شیخ وانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جمال ابن شیخ احمد کمال
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داود ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر بن الصدیق رضی الله عنه چون نسب نامہ بالا
 تحریر شد عارضاً ذکر اولاد محمد حسام الدین مینوید صاحبان بیضج جلال و کرامت
 از اولاد حضرت محمد حسام الدین جاییسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام جدید
 ابن مولوی غلام محبت ابن شیخ محمد عارف الله و میر محمد کاظم و میر محمد شمس و میر محمد
 ناظم ابنان میر قدا علی ابن شاه ولایت علی ابن شیخ عارف الله نسبت
 سادات ایشان از جد اوری است شیخ محمد عارف الله ابن مولانا محمد جمال الله
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبد الفتی ابن نواب اولیس خان خان خطابی ابن
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاہد ابن قاضی شیخ
 چاہد عرف قاضی چاہد ابن شاه حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ
 زکی الدین ابن محمد و شاه حسام الدین جاییسی دو برادر بودند و یکی شیخ صدر الدین

عبد الجلیل ابن شیخ ابو بکر ثانی معروف شیخ عبد الفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن
 شیخ محمد سلیم ابن شیخ محمد فوج ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسماعیل ابن شیخ
 ابرہیم ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ محمد عقیق ابن حضرت عبدالرحمن ابن
 حضرت صدیقی اکبر ابن ابو قحاضہ رضی اللہ عنہم واضح باد کسیکہ از در بیت
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ میراؤ کا نیست و دیگر کہ خود را صدیقی نامند
 در بنو شیخ صدیقی و نسب ہستند لا شیخ صدیقی کہ بر دست خلیفہ اول ایسان
 آوردند از صدیقی دل بچنین ہست تحریر از بنو ایسان ابن حقیر فقیر انجمن نمود

تحریر بہ کہ اند صدیقی از بن نسب قبیل غار سے اند

وصل دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابی بکر صدیق
 بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیقی رضی اللہ عنہ
 از بطن بی بی اسماء بنت عمیس ولد شدند و بر و آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
 الحاصل شادی محمد بن ابی بکر صدیق و در طبقہ انصار بیان گردید پس نشان
 خیرات البعین قاسم ابن محمد از دختر عم سیدنا عبد الرحمن کہ خدا شدند
 از سبے اسماء ثانیہ یک دختر ایشان و یک پسر دختر بی بی خورہ
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبد اللہ اسماعیل منسب زندان
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام سیادات باقری و جعفری نام پسر
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غار سے معروف اند کہ

ابن قاضی نادر علی ماحوری ساکن شهر گمانی میر قاسم علی راسته است و
 دختر لیسر کلافی محمد حسن و بی محمد قمر الدین سیوی میر محمد الدین برادر بزرگ
 حاجا و میر محمد قاسم را از عقد کلج ثانیه اولاد یک پسر است و باقی از اولاد
 بزرگان بالا جای تبه خواهد یافت بر شایه این کتاب خواهد گشت شیخ
 محمد جمیل بن شیخ رحمت الله بن شیخ هدایت الله تبریزیان نسب خویش بعد غاری میگوید
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی عنه
 و تحت این ذکر فریت بدو وصل و چند ضمیر که حضرت بابا

فرید و بی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی عنه

امیر المومنین حضرت عمر بن خطاب بن نفیل ابن عبد الغری ابن ربیع ابن
 عبد الله ابن قریظ ابن فلاح ابن عدی ابن کعب بن لوی بن غالب بن
 انصرفت صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت عمر تفریق از کعب است جد هشتم
 انصرفت صلی الله علیه و آله و سلم و جد نهم ایشان د و الله حضرت عمر ختم نبوت
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن محمد بن قیس بن کلاب ابو جریل بن شام
 ابن مغیره برادر عمر و در ایشان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجه الکبری
 بنت خریله بن اسد ابن عبد الغری ابن قیس بن کلاب کسانیکه ابو جریل را
 از عم انصرفت شامند غلط است و انصرفت با و حضرت عمر اولاد و کثیر از پسر

اولاد ایشان جوان اند باید دانست قاضی محمد حمید عرف قاضی چاندرا برادران
 چهار بوزند یکیشانی و بی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مہارک چارے
 قاضی احمد ذیات ایشان نیز جاری باشند شیخ عبدالغنی نیز ابن نواب علی بن خان
 سر برادر یکیشانی و بی شیخ حمید سیومی شیخ عبدالرسول و پسران شیخ
 عبدالغنی نیز چار شیخ عبد الرحیم و شیخ ابو القاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ
 عبدالغفور شیخ عبد الرحیم و نیز چار بوزند یکی مولانا محمد جمال و بی شاہ محمد عبدالم
 سیومی شاہ عبد الجلیل چار بی شیخ ہدایت اللہ ازاجداد میر سلامت علی مولانا
 محمد جمال اللہ و نیز چار پسر شیخ محمد عارف اللہ و شیخ محمد فضل و شیخ ابرار اللہ
 و شیخ مولانا داغظا اللہ مولوی عارف اللہ برادر و پسر یک مولوی غلام نجف
 پسر ایشان شیخ حسام حیدر و شیخ مصباح حیدر و شیخ ذوالفقار حیدر و دو دختر
 یکے جد مادہ سے شاہ حسین علی و بی زوجہ قاضی نادر علی ساکن شہر گہاٹی
 پسر و بی مولوی عارف اللہ شیخ ہدایت علی پسر ایشان میر قدا علی چند خواہر
 ایشان یکے از ان والدہ میر کرم حسین پسران میر قدا علی شیخ ہاشم از محل اولی
 محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجہ ثانیہ زوجہ شیخ ہادی حسین ابن منشی
 رجب علی و محمد کاظم ہر شہ برادر بی اولاد اند و نیز شیخ ہادی حسین نیز حسام
 را یک قرند میر محمد قاسم و خواہر ان کی زوجہ مولوی ابو الحسن ابن مولوی
 سعید و جدہ اللہ و بی زوجہ قاضی امیر حیدر و سیومی زوجہ مولوی وزیر حیدر

پنجم وی بودند واضح باد و مخدوم حسام الدین ابن شیخ هاشم الدین حرم
 خواهر و شمعند ابن شاه جلال الدین ابن بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان
 الاولیا نظام الدین محبوب بجان قهرس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدو الدین
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکوه من سره اولاد حضرت حسام الدین
 اندلس یار بر دیار لایافت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف
 شاه کریم ابن بزرگ از مقام مانکیور درین دیار قصبه جیره معد اهل و عیال
 داره شدند درینجا نگه ساخته بجله صاحب گنج معد اهل و عیال باز بسوی وطن مراجعت
 کردند الا یک پسر خویش را سی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رقتند مزار
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان سرزمین یک چک آباد کردند بنام والد ماجد
 خود کریم چک ترمینا نام معلوم نیست الا حضرت شاه عزت الله و حکیم
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریقه چشتیه گذارنده مرید حضرت
 شاه عصمت الله قادری که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم و یک خواهر
 ایشان در مقام کلبه از حکیم شیخ با سو که خدا شدند و شیخ قاسم از دختر غم خود
 شاه عزت الله که خدا شدند اولاد یک شیخ عسکری و الله حکیم شاه محمد حسین
 در پی شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر بسوی منشی هنایت حسین پسر شیخ

و شرف منیر و کبیر یعنی عبداللہ ابن عمر و خواہر اعیان الشیخان امام المؤمنین حفظہ
از یکہ بطریق زید بن عمر از طریق خضر حضرت علی اولاد نمایند و عبد الرحمن اکبر و
عبید اللہ و عاصم بن عمر و عبد اللہ و سطر عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض
و ابو شحرار الطایف تخلص خواجہ حنفیہ بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن
شیخ ابو بکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن خضر

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

و وصل اعل فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

ابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ غریب الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن الفرج شاہ
والی کابل ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد طلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن
شیخ عبد الجلیل ابن شیخ عبد اللہ صحرای ابن شیخ عمر عطاری ابن شیخ محمد ذریا
ابن شیخ ابی ایوب ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبد اللہ ابن حضرت عمر خطاب
رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت ابا فرید را دوزخ و جہنمندان کثیر ہر یک
کامل فقیر الاولاد جاری مانند چارہ یکے شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ
بدل الدین سلمان سیوی شیخ کبیر الدین چاری شیخ یعقوب شیخ
بدل الدین سلمان زید و ہجاردہ حضرت شہداء و ضمیمہ اول در
ذکر حسام الدین تاتکیوی کہ مرید و خلیفہ حضرت نو قطب عالم

مولانا شیخ عبدالحق محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فستح الدین
ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد و شیخ حسام الدین بانی
ابن شیخ حسام الدین خواجہ شمس الدین ابن شیخ بلال الدین ابن شیخ معین الدین
ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین سلیمان ابن حضرت
بابا فرید الدین گنج شکر ندیم ضمیمہ دوم فصل دوم جمل اول شیخ
نصیر الدین عرف شیخ پیاری واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ
فیض الدین شیخ امان الدین شیخ کبیر الدین ابن محمد و نصیر الدین غلام
کلائی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر ندیم سرور باد و است شیخ
امان اللہ رحمہ اللہ علیہ جانشین نصیر الدین از حضرت پاکشن شریف بطریق حسیا
در بنحو ارا حسب حکم ولایت درین دیار بر صنی جد بنده گوار شریف آلودند در
دہلی چندی اقامت کردہ آخر مقام کالیسی رسیدند در اینجا از حضرت سید
جمال الدین ابن سید علی الدین کہ جبراعلی بنجا کسار بودند و طرقہ حشمتیہ
بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خود بہندہ اقامت نما
در بنحو از فرمودند و جواب حضرت شیخ امان الدین برآمد و دو قطب در یک لای
منی گونہ آخر کار از اینجا محافل و عیالی بنواح حضرت بہار رسیدند در اینجا جای
سپند ساخته بنا را واد و خانقاہ نمودند و مزید و مستر شدند در اینجا پدید آمدند
نام آن محلہ حشمتیانہ شد مشہور از شرفا و انجائوبت صورت مصاہبت ہفتا

احمد حسین و شیخ شرف الدین چاری شاه فضل علی پدر شیخ حبیب حسین پنجمی شاه
 شجاع علی لاولد بیا شد حضرت شاه عزت الله راد و دختر و چار پسر که
 تذکر العبدی نانی ماضی قطب الدین پدر شیخ قاسم علی و اما حضرت حکیم مظفر حسین
 قدس سره خلعت کلانی حضرت شاه حکیم فرحت الله قدس سره طویل الذکر تانے
 شیخ امیر الله سیوی پدر شیخ محمد عوض جانب پدر شیخ ولی الله حضرت حکیم شاه
 فرحت الله مخاطب بابا حسن و دست یک از مریدان و خلیفه اجل
 محمد و شاه حسن علی قدس سره فرمودی الا یوالعلائی چار فرزند حضرت ایشان
 کلانی شیخ محمد الدین حسین و پدر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند مقرب
 نانی مقبول تانانی حضرت حکیم شاه مظفر حسین با کمال خوش فصال قدس سره
 چند و خزان با حضرت کلانی از منشی قاسم علی که خدا و خلعت ایشان حکیم محمد
 و مقبول حسین حضرت نانی از شیخ مظفر حسین برادر زاده انحضرت که خدا خلعت ایشان
 حکیم محمد نصیر تالف از حکیم محمد مدی حسین که خدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی
 در قرآن که خدا الا خلعت الرشید انحضرت حکیم خورشید حسین مع فضل کمال پسر
 ایشان شاه فرحت حسن و چند خواهر این ایشان و خلعت سیومی انحضرت صاحب
 شمس الدین لاولد چاری حکیم سعادت علی صاحب پسر ایشان شیخ مظفر حسین و شیخ
 مرتضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر بجمع صفت موصوفند بودند
 ضرر و ذکر نسب لانا شیخ محمد حسن بلوی محدث که فرزند برادرانند

ایشان هر یک از دختران کم که خدا شدند کلافی پسر شیخ معز الدین ثانی ایشانرا
 نیز پسر پسر یک شیخ معز الاسلام و وی شیخ رکن الاسلام سیدی شیخ فتح الاسلام
 شیخ معز الاسلام جلیله شاه اظهر حیدر بن میر حسین بخش سادات داوریت
 ایشان میر حسین بخش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام
 ابن شیخ عبد السلام ابن شیخ معز الاسلام ابن شیخ معز الدین ابن شیخ منیر علی
 ابن شیخ نصیر الدین چایزی ابن شیخ فیض الدینی نسب بالا ازین معلوم باد باید
 شنید پسر دوم شیخ معز الدین شیخ رکن الاسلام بودند جد اعلی مولوی عزیزی
 مرحوم که جدی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساون ابن شیخ محمد مراد
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحیی ابن شیخ رکن الاسلام
 شیخ معز الدین مذکور الصدق شیخ باد شیخ محمد مراد و پسر یک مذکور بالا شاه
 قطب الدین عرف شاه بساون که یک از مردان و خلفای نامدار حضرت
 قطب العالم مخدوم شاه محمد نعم قدس سره بودند ثانی پسر شیخ برکت حسین
 شیخ الفت حسین ایشان شیخ عبد الحسین ازین عالم لا ولد قند و شادی حضرت
 شاه قطب الدین بساون از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی لعل
 بنت بی بی یحیی و دختر میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن میر سید ابوالیا ابن میر
 صدر جهان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبد الشکور
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور الصدق

الحاصل بعد چند می شیخ فیض الله از اولاد ایشان خواسته نماز گرفته معاً پس می
 قریب و آنجا پور میوضع سید پور دیکه که مردان ایشان در آنجا بودند با قامت
 ساقند بکنه پهلوانی ضلع میخه در آنجا مردان ایشان فرقه میدادان آن
 قوم خلیجی منصب چو در آنی داشتند شرف خدمت بجای آوردند بعد معنای
 چند سال در اولاد پیر و اولاد سرید بصورت ظهوری ادبیان صورت نظام پیدا
 بسبب عتدانی که پیشش نهادند تا که اطمینان یافتند قصد رجعت بسوی
 بهرام افغان میشین ساختند چون عزیمت اینطور شدند پیر مردان شیخی ساکن
 کوزی این مضمون شد پیر و شیوخ آنها حاضر شده با کلام در آنجا بودند ایشان
 فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین اموقع اید بر قدم پیران نهاده عرض
 ساختند بعد آنجا بطور عایا خواهم بماند حضور ملک مختار و من تابع دار
 چون بطور غیبت در آنجا بودند صورت قیام افتاد نام انوضع بنام سیکه از فرزندان
 خود شیخ عنایت الله چشته پور عنایت الله ساختند پیش پیران و آنجا
 قریب یک و نیم کرد و فاصله در دو باید نیست شیخ عنایت الله بن شیخ فیض الله
 را علاوه دختران یک پسر بود شیخ رحمة الله و دو دختران سه شیخ عنایت الله را
 از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین پاری که خدا شد بعد نام پسران شیخ رحمة الله
 شیخ اعز الدین و شیخ تاج الدین و شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از
 خواهران شیخ رحمة الله که خدا شد یک از آن شیخ مناج الله بن سید پسران

یک مکتبی میرانش که در علم قائم است بی نظیر بود ندانند حاج ثانی یک پسر احمد نادر یک دختر
 محمد و هست موجود و پسر ثانی مولوی صاحب مجدوح مولوی محمد اکبر که در عربی و فارسی
 و هندو حساب تمام که خدا از دختر خالقی مسماة محمد و میسر شد و پسر ایشان
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین هر دو لاله و پسر سوم شاه محمد ضعیف شاد
 ایشان در مقام منیر گردیدند دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر ایشان بوجود
 آمد محمد خلیل که فدائی ایشان از دختر مولوی اشرف علی نو بادی شد یک دختر
 و یک پسر شد شاه هفتادم حیدر طالع الله عمره و قدره و پسر چارمی حضرت مولانا
 شاه محمد خیرانی که دوازدهم هر صفائی از روح سلیم ایشان اولاد اند و شادی همگی
 عزیز الله رحمة الله علیه از مسماة جمیع حضرت بی ناطقه زوجة شاه تاج الدین نو بادی
 شد و از محمد ثانیة دختر آن پسران بوجود آمدند و از جوان فوت شدند و اند موجود
 اولاد حسین و مهدی حسین و یک خواهرشان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام
 ابن شیخ مغیر الدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام بیوی شیخ بدر السلام
 چارمی شیخ الاسلام عجمی واقف مشرقی حضرت شاه محمد ولی لاریب ولی و شیخ
 وقت بودند بارشاد و مرشد طریقه نقشبندیة شریفند که اولاد ایشان بجای تحریر
 خواهم کرد و در اینجا ذکر پسران شیخ رحمة الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
 می نمایم باینکه شیخ اعز الدین اولدین و دختر ایشان بودند از بی اعلام که خدا شدند
 و در وی شیخ عزیز الدین که ایشان شیخ ابو الفتح ایشان را چهار فرزند پسر بنامند

که خدای میر سید عبد الواحد از دختر خال خود قاضی محمدالدین ابن قاضی سید
 عبد الفتاح عرف قاضی بکری گوید و شادی پس ایشان نیز از دختر عم گوید
 و شادی میر سید عبد الشکور از دختر میر خانیست مثله بی پور شد الحصول حضرت
 شاه قطب الدین بساوند بود و پس یک دختر کلبانی منتهی محمد غوث که از بی بی
 قیسیم بنت بی بی واصله که زوجه شاه و حیدر اسلام بودند که خط منتهی محمد غوث
 عرف دوشن را یک پسریک دختر سماء منیر اعون شوین که از منتهی امیر الله
 پس کلبانی مولوی غریب الله ابن شاه قطب الدین که خدا شدند لا ولد ماخذ لا
 پس منتهی محمد غوث مولوی فرحت علی کاشت سفرخی و علی از دختر شاه
 ابراهیم حسین نو آبادی که خدا نام آن بی بی سماء بیگن یک دختر ایشان بی
 میر محمد زوجه اولی سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت
 شاه بکری علی از طبع الدین بی بی و دو پسریک دختر و جهمیر و احمد حسین ابن میر
 اسمعیل علی و نام پسرن سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبد الحسین فحیمه بی بی
 که خدا شد یک پسریک اسمعیل بی بی پسریک بی بی شاه محمد و احمد اینند و خود بی
 منتهی محمد غوث اند و پس دوم شاه قطب الدین عرف شاه بساوند مولوی غریب الله
 زوجه و علی که بعلم عربیت و فارسی تبحر داشتند و ذی فنون و ذی جمال سعیت
 هر دو برادر از جناب والد ماجد خود هست الامولوی صاحب بواخیر تربیت علم
 باطن از برادر زاده خود حضرت شاه قمر الدین حسین یافتند و فرزند مولانا پناه

صبی اعلم و احوال که خدا شدند و پدر و دم شیخ فخر الاسلام بودند شاه حمید الاسلام
 دو دختر ایشان یکی از بی اعلم که خدا و بی پدر و جد میر حسین بخش از ان بطن
 یک دختر مسماة بنحشا الفساز و جد مولوی اشرف علی لودایوی مادر میر حسین علی
 پسر نجم شیخ فتح محمد شیخ الاسلام مکنونه بالا از دختر میر سید کن عالم داماد پور
 که خدا شدند از بطن آن عقیقه شیخ جو تراب پدر شیخ قلندر علی و بی دختر مسما
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سیدوی مشوباز پیر شاه محمد ولی از شیخ
 کرم علی در بخا ذکر فرزند ان باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان
 احوال نسب حضرت محمد و تمس الدین حقانی ادهمی
 واضح باد حضرت محمد و تمس الدین حقانی که اهل مزار و صبح بلورزی علاقه
 بهار و ریت ایشان اند بسیار اکثر صاحب قبایل بعضی اولاد ایشان نسب
 ایشان سیادات شمرند بسبب ادهمیت حضرت مولانا منظر قدس سره باید دانست
 نسب ادهمیت حضرت مولانا بابا جد او ایشان است جانب مادر است جدی پادشاه
 هستند از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام زین العابدین رضی الله عنه
 و حضرت سلطان ابراهیم جدی نسب قریش دارند و نیا سید اند ابن و ملوک که

نسب نامه حضرت محمد و تمس الدین حقانی

مولانا محمد و تمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمد عالم ابن محمد
 شاه قاضی احمد ابن محمد و تمس الدین ابن شاه عبید الله ابن شاه عبدالاحد ابن شاه

که شیخ ابوالهیثم و دومی شیخ ابوالهیثم سیومی شیخ ابوالویس چارمی شیخ محمود و پنجم
 باید دانست این هر برادران را بجز فرزند دختر نبیره مانماند چنانچه از اولاد دختر
 شاه محمود و پنجم شیخ محمود و جود لوی عزیز الله بودند و از اولاد و دختری شام
 ابوالویس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابوالهیثم شیخ بارون ساکن
 شیخجو کلان و کفایت فرزندان شیخ ابوالهیثم دریافت نشد الا شیخ تلج الدین ابن
 شیخ نصیر الدین او دلیسر شد یکی شیخ صناع الدین دومی شیخ سراج الدین پس
 شیخ مناج الدین شیخ رفیع الدین پس شیخ سراج الدین شیخ محمدی لیسر ایشان
 شیخ فیروز جدا بجز شیخ امام بخش کوزلشت زبان و دشت کرجی از اینجا ذکر فرست
 شیخ فتح الاسلام معین الدین یکی ازان شیخ برادر شیخ و ارث علی با خدا تا کتبه او در میان
 یک شاه محمد ولی مذکور الصدراسته فرزندان ایشان لیسر اول شیخ غلام علی لاوله
 دومی شیخ کرم علی از دین شیخ الاسلام شد که کتبه با نقاب ایشان نمادند سیوم
 شیخ نور علی که در حدیث شد غریق رحمت از دو دخترشان اولاد ماند و یکا پس
 شیخ فهد الله لاوله نام دختران بی بی فاطمه و بی بی داوود مذکور بالا سیوم
 شیخ فتح الاسلام را لیسر شیخ الاسلام ابوالعبد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی
 والد حسین کبیر لیسر شیخ بدر الاسلام شیخ غفرت الله پدر شیخ رفعت الله
 پسر ایشان شیخ عزت الله لیسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام و لیسر
 ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

خیمه دوم در ذکر پسرانی شیخ عبداللہ عرف میران ذریعہ ایشان است
 پسرانی شاه عبداللہ عرف میران قاضی عبدالعزیز ولد ایشان قاضی محمود
 فرزند ایشان از آنجا کہ کیفیت و پسرین و پسرینیکے قاضی شیخ ہایت اللہ پسر قاضی
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ بیچ محمد پسر دینی قاضی محمد ابن شیخ
 لطف اللہ ایشان را تیر و پسر یکے شیخ عاشق محی الدین انہ شیخ غلام محی الدین
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسرانی شیخ
 لطف اللہ شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کہ خدائی ایشان
 در اولاد حضرت خواجہ زین الدین برادر خواجہ کمال الدین علامہ خلیفہ خواجہ ابوالکلام
 حضرت محمد و منیر الدین چراغ دہلوی گردید کہ آنحضرت در نسب علوی بودند
 شیخ غلام حیدر و پسر یکے دختر نام دختر بی بی جاتن اردو جو مولوی بی بی لاری
 دختر ثانی بی بی و جو زوجہ میر عابد علی دانا پوری اہل اصل پسر کلانی مولوی
 غلام قادر مفتی یکے دختر ایشان از شیخ وامب حسین ولد حضرت خواجہ بزرگ
 کہ خدا شدند پسر یکے مولوی منیر الدین احمد افضل کمال موصوف اردو
 محصور قند و دینی مولوی امیر الدین احمد ثالث نصیر الدین نوجوان قند
 از بیہالم و پسرانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را و پسر و دو دختر یکے
 زوجہ میر قادر علی والدہ نصیر الدین و دینی والدہ مولوی ال احمد و محمد حیدر
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی قدس

علی اکبر ابن محمد دوم شاه علی صفی ابن محمد دوم شاه عبدالفتاح جیول ابن محمد
 شاه محمد اسحاق ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد ابن حضرت
 سلطان ابراهیم ابن سلطان ابوالفتح نقیبا سلطان ادهم ابن سلطان ابوالناصر
 محمد شاه ابن شیخ محمد سلیم ابن شیخ عبداللہ ابن حضرت عالم ابن حضرت
 امیر المومنین محمد ابن خطاب نسب نامہ حضرت امیر المومنین عمر فاروق در ذیل
 ذکر فرید بیان تحریر شد ابن نسب فاروقی حقانہ ادبیمہ سید درد و غم یگانہ علی
 شجرہ ضمیر اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم محمد دوم شاه
 محمد منعم قدس سرہ باید دانست فرزند حضرت محمد دوم شمس الدین
 قتال شاه کمال الدین بودند یاد نیست نام ثانی ابوالعزیز پسر شاه کمال الدین
 شیخ نجم الدین پسر ایشان شیخ بدیع الدین ولد ایشان شیخ محمد ابن ولد ایشان شاه
 محمد ابن شاه محمد بن محمد بن رسول ولد ایشان شیخ عبدالاحد عرف میران
 پسر ایشان دو کی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبدالکدیم ابن شیخ امان اللہ ایشان را دو
 پسر یک دختر سہابی بی صاحبہ با کمال و کلانی پسر شیخ رحمۃ اللہ در میان
 ایشان شد چنانچہ سہرہ یا فاسد ایشان شاه محمد ابن ابوزید پسر ایشان شاه محمد بن
 والدہ ابجد قاضی مولوی امیر الحسن اولاد دختری شاه محمد سدا قاضی مردان علی
 بودند سلام پوری و ولد ثانی مقبول بیانی حضرت شاه محمد منعم قدس سرہ

پیران این خاک را فقیر حقیر کو

فصل سیوم در بیان حالات نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه
 بیک وصل و ضمیر باید دانست حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف تفرقه و نسب را مختصراً
 صلوات الله علیه و السلام و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار نسبت نسب است
 این بنی امیه و آنحضرت اند بنی هاشم و الله حضرت عثمان بن ابی ارقم خضر
 کریم بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس بن کور الصد و مادرش بی ارقم بی بی
 بیضا عم آنحضرت صلوات الله علیه و السلام و اصحاب ادا و ارج حضرت عثمان
 کثیر الاد و دختر آن آنحضرت صلوات الله علیه و السلام یک بعد دیگری زوجها آ
 شدند یکی بی بی رقیه دومی بی بی ام کلثوم از هر دو اولاد نشد عقاب ماند
 جزئیات حضرت بنی شترن و چه بودند از هر یک اولاد از نسلا آنها معروف
 به شیخ عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله اکبر عبد الله صغیر و ابان
 و خالد و سعید و عقیق و ولید و حمید و مغیره و عبد الملک یازده پسر نوشته اند و بن
 و شش دختر نسبتاً از ذریات هر فرد زیادت و نه از تربیت سلطان نسب
 ولی کاملین حضرت مخدوم جلال الدین کبیر ادلیا پانی پنی دوازده فرزندان آن
 بزرگ در اینجا رسیدند حضرت جلال الدین کبیر ادلیا ابن خواجه
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسمعیل
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف بخواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

از خواهر قاضی محمد بخش که خدا یک فرزند محمد بن و پسر سیوم شیخ علام حیدر
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح باد سیک
 از رؤسا اینجور شیخ نواز شمس حسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزند
 محمد به حقانی معروف و ناز شادی اول شیخ نواز شمس حسین از خواهر مولوی
 و اعطای شد و بود از آن یک نفر به سبب درین روز شیخ محمد حیات
 لادلد و پسر شیخ ولایت حسین بن امام شاه شرافت علی فردوسی از محل اولی یک
 پسر محمد حسن لادلد رفت از نیام و از شادی ثانی شیخ عبدالصمد که موجود اند
 و شادی ثانی شیخ نواز شمس حسین از حبیبه کلانی شاه و اجد علی فردوسی ساکن
 موضع سانبه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از بلبن آن
 زوج و فرزند یک دختر و وجه شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین
 و پسر کلانی شیخ محمد حسین ذی ولد اندر ثانی مولوی محمد رحیم که از دختر
 عم خود شدند که خدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند متبر باند کلانی
 مولوی احمد حسین ثانی شاه ظور حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین و امام قاضی اسد علی
 لادلد و از شادی ثانی که بهرام گردید از حبیبه شاه شمس الدین یک دختر
 و وجه شیخ محمد رحیم که از دختر و پسر شاه فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

شمس الدین حقانی در جوار بهار هستند

از جمال ایشان صورت بجا است یا قند و خمر و نبرد و حیث ایشان دادند آخر بقا
 دیوره یکم ساخته میقیم شدند بعد منای چند از انجا شاه ماهر و بطور سیاحت
 و زیور از آمدند و ارجا میامند شده از زمین چاکن قریب صد یک معانی نذر ایشان
 حالا آن علاقه موضع چاکن مشهور سپهر یکم است و عزار شاه ماهر و بموضع
 سعدی پور است حالا تفصیل کیفیت ذریع نیست بجز شاه ماهر و
 و فرزند بود که نام شاه محمد الله و بی شاه عزیز الله ایشان را
 دو پسر شد نام پسر شاه رحمة الله شاه با حمت الله بخشید و تعالی ایشان را
 پسر چاد هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله و بی شاه محب الله سیری
 شاه اهل رشد چادری شاه کریم الله بفضله هر یک ذی اولاد بدادند شاه
 حبیب الله ماسد پسر که شاه کمال المحن و دو پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر
 ایشان محمد شرف و بی شاه الفخر علی ذی ولد اند سیومی شاه مقبول علی
 انیم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رمانند دختر شاه
 کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه و بی
 مرحوم لا اولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از برادرزاده شاه بنده
 کتخاد و بی جای دیگر در افسران و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمد بن
 لا اولد فرستند از نیغال و دختر و وجه مولوی علی رضا شاه محمد را چند
 دختران و دو پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسران

ابن خواجه عبد العزیز ابن خواجه عبدالرحمان ابن خواجه دربار الحق ابن خواجه
عبد العزیز ابن خواجه خالد ابن خواجه عبد العزیز ابن حضرت حمید الرحمان
ابن حضرت امیر عمر ابن امیر المومنین حضرت عثمان کنون ذکر نسب تحت مہم

نسب نامہ شاہ حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا نسبت مولوی عبد الغنی ابن شاہ حسین علی ابن محمد
دارت علی ابن شاہ محب اللہ ابن شاہ دایت اللہ ابن شاہ رحمۃ اللہ ابن شاہ
ماہر و ابن شاہ محمد ابن شاہ معروف ابن شاہ منصور ابن محمد و شاہ
برٹان الدین عرف بندگی شاہ خوند میان دیو و رمی ابن شاہ بزرگ و
ابن شاہ محمد اسحاق ابن شاہ سلیمان ابن شاہ داؤد ابن شاہ عبد القدوس
ابن شاہ شمس الدین ابن محمد و شاہ جلال الدین کبیر الاولیا باحشۃ الصالحین
یعنی خلیفہ بودند حضرت خواجه شمس الدین ترک یابی نبی کہ مرید خلیفہ حضرت محمد
سید علی احمد صابر بودند نسب نامہ بالا تحریر شد مابقی حاجت تحریر
مکرر نیست باید دانست جد البچہ شاہ ماہر و شاہ سلیمان از پانی پت داؤد ایندند
گشتند مجرد و بطور سیاحت تا در حضرت بہار رسیدن شرف بیعت حصول
طریقہ فرو کسب نمودند حصول و متاہل شدند از فرزندان ایشان بندگی
شاہ خود میان از انجا برخاستہ خاطر گشتہ قصد سفر دیار مغرب کردند
چون بمقام بہار رسیدند چندی بقیہ شدند چون محمد و شاہ و شریف

ابو الحسن فیصل سیوم بعد وصل در فکر اولاد حضرت عثمان جایز است اند
 باید دانست مولوی غلام نام متخلص شمسید نسبت به خود عثمانیه میکردند بسیار
 و نیز در قیام سکر شیوخ عثمانی اند و در یار عرب بسیار تبرکستان در خجوا
 بمقام سمسر ام کی از فرزندان شاه مجیر الدین بودند شاه قیام الدین
 شاه شمس الدین پسر خود الاولاد و دختر کی از برادران گان خود دینی
 شاه مجیر الدین منبئی کرده جانشین و برادر خود بودند چند شادی ایشان شد
 از کسی اولاد نشد اولاد و برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از
 خواهرزادی شاه ترازب احتی که خدا و پسر ایشان کی شاه محی الدین عرف
 لالامیان که حال اجماع نشین اند و دیگر شاه غریب الدین و یک خواهر ایشان از شاه
 فرید الدین که خدا وی اولاد و برادر خود شاه نجم الدین را و پسر یک شاه فرید الدین
 و وی شاه حمید الدین باقی اقرار ایشان در موضع رحمت برکنه خجور و گهی اند
 باید دانست هرگاه ذکر نسب حضرت خواجه ابو بکر شمس الدین قدس سره گردید
 عثمانیه لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجه ابوالقاسم جنید بغدادی
 که نسب فاروقی دارند برین خط حضرت خواجه جنید بغدادی ابن خواجه زید
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابو بکر ابن خواجه عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن
 امیر المؤمنین حضرت عمر خطاب رضی الله عنه اکثر مشایخین خود را خواست
 نسب جنیدیه میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

شاه برکت حسین شاه امیرالدین حسین پسرانشان مولوی عسکری پسر شاه
 برکت حسین شاه ظهور پسر ابن کیسری و یک دختر شاه بنده علی زوجه شاه داود علی
 پدر شاه تراب علی ساکن بیرسنگه تکیه دختر ثانی زوجه قاضی قاسم علی ساکن
 پالی پسر شدند قاضی تبهولاد ولد رفتند از بیغال و خلعت دوم شاه محب الله
 مولوی وارث علی دول پسرانشان دو دختر یک منسوب شاه منور علی ابن شاه
 فضل کریم پسرانشان شاه اکرم علی دیگری که خدا از شاه رمضان علی
 ذی اولاد ولد و پسر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی بیچ پسرانشان
 و یک دختر زوجه شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی
 انصاری که خدا یک دختر و پسر دارند از پسران کلانی مولوی عابد بنفشه
 یک پسرانشان مولوی عابد الرشید و مادر دروغه قدس حسین ساکن شاه پو بیگم
 چارمی نیز مولوی محمد تقی و مادر ایشان ذی ولداند و مولوی محمد تقی پسر سیم
 و مادر میر علی حسن ساکن میران بیگم ذی ولداند و پسر محمد مولوی محمد ذکی
 و مادر غم خورد انداید و پسر مولوی باقر علی برادر خورشاه حسین علی
 از دختر مولوی محمد زاهد علی کتفه از بلطن ابن زوجه یک دختر و مولوی
 عزیز اسدین شاه ماهر و مادر و پسر یک شاه محمد و اعظم پسرانشان شاه
 مبارک علی پسرانشان شاه فضل کریم که از دختر شاه محب الله که خدا بیچ
 پسرین شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و والد

بود و بعضی از خوانرم میگویند چون مولانا ابوبکر ابن مولانا محمد اسماعیل
 از قیفال وارد شهر بغداد شد ندکه علمای ربانی بودند و حاجه محمد نامی
 در خدمت آنحضرت حاضر شده در محبت تربیت یافته مسترشد نعمت شدند چون
 مولانا جانب شاش آمده اقامت پذیر شد ند چند سال ایشان خبریت
 و رک محبت در مقام شاش رسید و مقیم شدند و در کتاب تحفه الابرار که
 تصنیف علی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت خواجه محمد نامی
 بچند واسطه اولاد حضرت خواجه عبداللہ انصاری اند و آنحضرت خواجه از اولاد
 سعد بن معاذ انصاری اند که از اجل بهاب در انصار حضرت سعد سید لیا
 بوده اند و اسم علم و نسبت نسب فاروقی از جانب جد مادری است
 که خواجه داود و جدادری حضرت خواجه احرار فاروقی نسب دارند و خال ایشان
 خواجه ابراهیم ابن خواجه داود ابن خواجه خاوند ظهیر ابن شیخ عمر
 باستانی که هفتده یا شانزده واسطه در نسبت نسب آنحضرت فاروقی
 اعظم دارند و شیخ عمر قدس سره از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت
 عبد اللہ ابن عمر رضی اللہ عنہ این ذکر در شجرات نیز هست و والد
 خواجه داود و جد آنحضرت خواجه احرار نسبت بیادات دارند و هم ذکر در کتاب
 رشتحات است که میفرمودند آنحضرت جائیکه سیادات علوی میباشند
 اقامت فقیر بس شوارخیال آداب ضمیمه شجره و اخراج و فرزند رتبہ بلند

اولاد علی جوینوری متخلص کاهش نسب خود مشوب بحضرت چند میکردند
حضرت خواجه چند را سید میگفتند این غلط فاهی شان هست که میگفتند نسب
حضرت چند همین است و مولوی عید اللطیف که منصب حکومت در کلات
اند و پوتی مجتهد هر چند از او شان ملاقات نداریم الا بعد الد و از خواهر زاده
شان یکی از مردیان است اینجا کسار لویان نمود که از جانب ماوری نسب
چند میرستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه چند اکثر نسب میدیدیم

بدار شرفی هستند و الله اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احار
بذکر فاروقی و القصار

باید دانست که از صاحبان مصنف کتاب شجره طبعه که از فرزندان حضرت
خواجه نسبت دارند خود را احار می به نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر
بمنصب قضا بوده اند ذکر نسب بالاب نسبت سیادت و به نسب فاروقی کردار
فقط نسبت خود به نسب نجاب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقه اولاد انجباب است
و عظیم بار بلکه معروف اند بخواجه زاده بعضی از آنها نسب سیادت مینمایند
غرض تحقیق خیر از حجت و بحث نیست آنچه که معلوم است بیان مینمایند و دلیل
از کتاب رشحات و تحفه الابرار و نیز بیع نیر گواری که کتاب رشحات
بیان مینایم جد علی حضرت خواجه احار خواجه محمد نامی را وطن قدیم و غنی

گردید و اینجا از عرصه اقامت حضرت عمده السالکین سید السیادت
 امیر تقی الدین کرمانی بود با خود صحبت و محالست رها نمود بلکه
 نوبت مصابرت رسید یعنی سه دختران حضرت خواجه عبید اللہ حرا
 بنفرزند امیر تقی الدین کرمانی کنه شدند و فرزند حضرت خواجه خواجگاناماد
 حضرت تقی الدین بودند از بطن آن عقیقه سه فرزند ایشان کلان خواجسه
 نظام الدین مادی دومی خواجه خاند محمد سیو خواجه عبدالحق اشتر
 محی الدین آنحضرت جانشین بزرگوار شد و فیض بخشی خلق الله مشهود بود که
 سلسله نسب صوری و منوطی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت
 خواجگاناماد دختر خواجه نظام الدین اولاد حصه بهایه گردید پس ازین زوجه
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشمید خواجه ابو الفیض پدر
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جمادی جناب حضرت سیو
 ابو العلا قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جل علاه ذکر اولاد امام
 عبد اللہ با سابق تحسیر شد منقول است چون افعال حضرت سیر تقی الدین
 کرمانی در سمرقند شد حضرت خواجه عبید اللہ احوالش امیران من برد و خوش
 بردند و نماز جنازه ادا کردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد یحیی
 خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد ذکریا خواجه عبد الباقی
 خواجه محمد امین دو فرزند حضرت خواجه محمد یحیی شهبید که همراه بودند خواجه محمد

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمد شاشی و الدیاجه حضرت
 خواجه عبید الله احرار قدس سره و سکونت جده مادری ایشان شیخ داود
 در تاشکند علاقه دیهم با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر است و
 تربیت از جده مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم هر بنده و معیت
 از حضرت مولانا یعقوب چرخ کی از اهل طلق حضرت خواجه نقشبند بهاء الله
 قدس سره بودند الحاصل بعد حصول فیضانی دیدار جاب با ظاهر باطن آنحضرت
 را شغل کشمکاری بود حصول معاش از زراعت بودند و تجارت در حساب
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه و اهل دنیا تو نگرفتند و میباشند عالمان
 مقوله حضرت خواجه احرار است این شیخ زرد کل است نکرد و دل
 چو نقره و تمبانی شاسته آمد که بتدبیر عبید الله سب آید که
 مقوله حضرت مولانا جامی رحمه الله است منقول است در اقامت موعود
 تاشکند آنحضرت متاخر شدند فرزندان بوجود آمدند و واپس خویند
 دختر و پنج پاد از بطن زوجه ادلی خواجه عبید الله عزت خو چکار عزت علیهم
 عالم و حاصل حضرت خواجه رحمه الله علیه تربیت تعلیم به نسبت بطلون از
 والدیاجه خود است بحسب معنی و معنوی و مد خواهران ایشان هرگاه
 هرگاه اقامت حضرت احرار مجوزی سلاطین وقت تیمودیه بمقام عمر قند

احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر که دختر طاعت کرد که از سید حسن
 منسوب شد پنجم خود رسال کرد انتقال باقی دختران کلانی از میر رعایت حسین
 رئیس شهر که خدا شد چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی
 کنعان شش بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان پایدی صاحب
 که از دختر خاله کلانی کنعان اوی ولد نیست سیدی از حکیم خواجه محمد حسین عرف
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نواسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند
 که هشتاد و پنج سال رحیل ملک بقا شد نام ولد حکیم خواجه عبد السلام که
 موجود اند دختر عاری زوجه اخوی ام حضرت سید شاه مبارک خنجر ذلی وادی
 شش پسر از آنجا که موجود شاه عزیز الله بن حسین سید شرف الدین حسین
 و سید رضی الله بن حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر حرم زوجه خواجه علی مرزا
 ابن خواجه شرف علی ذی ولد اند و فرزند سیدی خواجه علی دوست
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد الله پسر ایشان ترک تراشد

از اینجا ذکر نسب ذریات خواجه محمدی خان میکنم که

واضح باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی برائی بیگم چهار پسر و دو دختر
 از آنجا که زوج یک دختر میرزا بخش که پسرشان میر الهی بخش نواسه خواجه
 محمدی خان نیز زوجه ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانی از
 خواجه محمد و چهارم الله خان که خدا بفرستد اند اولاد کثیر یعنی سه پسر

و خواجه عبدالباقی هر دو ولایت پذیرند گو اورشند شهید رسیدند بدشت
 حمید الا خواجه محمد بن که محض طفل بود از مملکت جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاهر
 و باطن از برادر عمراد خواجه عبدالحسن یافتند اولاد ایشان کثیر است سحان الله
 این واقعه مثل کر بلا و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 پدر جملة ائمه اهل اصناف فرزند خواجه محمد بن خواجه نور العبدی پسر ایشان
 خواجه انور و ایشان خواجه محمد بن ایشان خواجه محمد پسر ایشان خواجه
 عبد الصلح ابنه خواجه علی دوست رحم الله علیه پسر ایشان یکی
 خواجه محمدی خان که در ساه برغانی بیگم دختر پسران الدین نظام الملک
 صریح ملک و کس بودند که خدا شدند بن نسبت بمراتب عز و جاه رسیده آخر
 اولاد گذشت بمکه نصرانی و سلطانی شهید شدند ذریات ایشان کثیر مثل
 شریعت النعم و فرزند دوم خواجه علی دوست خواجه رحمة الله و له ایشان
 خواجه نصرت الله بن خواجه امین الله و له خواجه محمد بن عرفت خواجه فکر
 اولاد شد کثیر یکی آمدند قصبه بزاز و دختر خجسته اختر میر منون رئیس شهر
 که بزرگ شاه خیر الدین زبده الشایخین بودند که خدا شدند حسب
 تمامیت و اشراف بر کل ملک شاه صاحب موصوت اولاد ایشانند خواجه که
 صاحب بلخ پسر پنج دختر خواجه ابو الحسن پسر کلانی و بی ولد شده اولاد
 شد پسر ثانی خواجه محمد بن بودند پسر ایشان سید حسن اند سلیم خواجه

لاولد خواجه علی عظیم خان را یک دختر زوجه میر غلام خف ساکن باره در سی پشیمان
 میر خف حسین و میر کاتب حسین و نام نامی پسر خواجه محمود خواجه کاظم خان
 دو دختر ایشان یکی والدۀ خواجه علی رضا نکره بالاد ویم والدۀ خواجه
 امام الدین عرف میر مرزا ابن مرزا علی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان
 دو پسر شدۀ ایشان یکی خواجه بهالدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان
 عرف محمد نواب هر دو لاولد و برادر خور و خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انتم لاولد
 شدۀ دو پسر و فرزند خواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر
 ایشان یکی خواجه نور جان عرف خواجه خوجم و دیگری خواجه محمد عثمان ثانی پشیمان
 خواجه شرف علی و دیگری خواجه نجف علی خان لاولد ثانی خواجه
 حسین علی خان که از دختر میر باقر علی مدح کتبه شدۀ پنج فرزند و یک
 دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان و و پسر یکی مسعود جان
 فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان که از دختر
 عمر خود که خدا شدۀ لاولد فقید ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان
 عرف خواجه سلطان جان و لاه خواجه خان بهادر خان سه پسر شدۀ زنده و مقتول
 لاولد خواجه چهارم یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه
 ابوالحسن ابن حضرت سید شاه ابوالبرکات الغفرل از بطن آن زوجه
 یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لاولد و دختر

از آنکه یکی خواجه محمد شاه و والد خواجه محمد شاه که از دختر میرزا قری علی گنجا شدند
 خلف ایشان خواجه عزیز خان بودند که از دختر خواجه محمد شاه خاندان خواجه
 باهتاب که خدا بودند و وی خواجه آفتاب از محل اولی و دلیس یکی خواجه
 محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علی خان شده بودند
 و دختر یک پسر خواجه علی رضا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علی خان
 و دلیس و دختر شدند او را یک پسر و یک دختر بانی دومی خواجه محمد حسن
 که از صبیح جناب حضرت شاه در کن الدین عشق قدس سره که خدا شدند یک
 دختر که لا ولد فرزند رتبه بلند جناب خواجه لطیف علی رحمة الله علیه شادی
 ایشان از دختر خاله خود شده بود یک پسر شده و از ده ساله عمر طاعت کردند
 و از بلوغ ثانیه دو فرزند یکی خواجه علی مرزا لا ولد کلائی خواجه لطیف علی
 عرف شاه میا بخان که از دختر شاه اقبال حسین گنجا شده و پسر ایشان
 و یک دختر و دلیس خواجه آفتاب از محل ثانیه بودند خواجه محمد امین و خواهر خورشید
 و پسر سیوم خواجه محمد وجه خواجه باهتاب بودند و ایشان خواجه محمد شمس چون
 از ذکر او لا ولد دختری خواجه محمدی خان فراغت یافت از نیاذر که او را دلیس
 میانیم عمره در ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم اصحاب
 خواجه محمدی خان را چهار پسر کلائی خواجه علی عظیم خان ثانی خواجه
 عاصم خان سیوم خواجه محترم خان چهارم خواجه مکرّم خان سیوم چهارم

ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی
 خواجه محمد عاصم خان سیومی خواجه محترم خان چارمی خواجه مکرّم خان
 این هر دو برادر سیومی و چارمی لادلد از نسب زندان خواجه محمدی خان
 الا مانده اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر زوجه سید
 غلام نجف که از زیات حضرت سید فضل الله قدس سره اسپر
 غلام نجف دو شدند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین و خلفه
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر دهم اسپر
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی
 سیوم خواجه نجف علی خان که لادلد مانده خواجه فرزند علی خان را دوسم
 سیکه خواجه نور خان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمدی ثانی و لایثان
 خواجه اشرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان
 که خدا شدند از دختر میر باقر علی سیکه از روستا مشه به پنج اسپر و یک دختر
 سیکه خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمه خود که خدا شدند
 بی اولاد رفتند از پنهان ثانی اسپر خواجه طالب علی خان عرف خواجه
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر
 ایشان یکی زوجه جناب خواجه علی حسین عرف میر نواب یک دختر یک اسپر

سیوم لادلفیت از نیالم و دختر چهارم و زوجہ خواجہ محمود جان ابن خواجہ علی
 و فرزند سیوم خواجہ ابو الحسن خان عرف خواجہ حسن جان کہ شادی
 ایشان از دختر خواجہ محمود شاه شدہ بود و اولاد نشد و پس چارم خواجہ
 محمد حسن خان عرف خواجہ میر خان ایشان کہ خدا از دختر خواجہ علی بن
 ابن شاه ناصر الدین خلعت حضرت مولانا برهان الدین قدس سرہ یک پسر
 ایشان خواجہ وحید جان و دو دختر محلثانہ محمد جان و قدرت جان چون محلث
 کردند خواجہ محبت علی لطف مودت خاندان ایشان شد خرم گویا خرم خواجہ جان
 و برادر خور و ایشان خواجہ وزیر جان بودند و اولاد و از عقد ثانیہ خواجہ
 حسین علی خان حبیب خواجہ علی حسین اندر مرہ و کرا و اولاد خواجہ
 عاصم خان مرحوم سہ پسر ایشان و یک دختر و چہ ثانی خواجہ محمد یونس
 کہ یک دختر از ایشان سماء با و شاه بیگم زوجہ ثانیہ حضرت سید شاہ
 قمر الدین حسین با قسری نسبت قدس سرہ فرزند یونس بودند سید
 سلامت حسین نام لطیف و لیت رحلت نمودند و نیز خواجہ محمد آفتاب
 را از محلث دوم و دو دختر و دو پسر کہ خواجہ محمد امین و بی خواجہ خسرو اولاد فرستند
 از نیالم علی ہذا کیفیت دختران نیز چنین و خواجہ محمد آفتاب با یک پسر
 فخر الشدیک دختر ایشان زوجہ خواجہ غریز جان ابن خواجہ محمود شاه
 ابن خواجہ محمود شاه ابن خواجہ محمد وجہ میراث علی ہر سہ برادر علی

فرزند ثانی خواجه محمدی خان خواجه عاصم خان سه پسر ایشان و یک دختر
 خلف اولین خواجه جعفر و دومی خواجه اکبر سیدی خواجه صخر و دختران
 بودند هر دو برادران الایسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرفان خواجه کافو
 و دومی خواجه وزیر نو جوان رحلت کردند اعقاب مناند الا اولاد خواجه
 امیر علی صاحب شد راقی مناند و خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابو الخیر
 رحمته علیه نسو شبنم و دو فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد و یکی
 از ان هر دو برادر خواجه جعفر با خواجه امیر زوجه هالیه جناب حضرت خواجه
 ابو الحسین قدس سره الله فرزند و یک دختر بود و آیدند کیفیت تبصر یک
 در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شد نوشته نیست احتیاج
 تسوید نکرد ایام حاصل بعد رحلت محمده و شقیه خواجه محمد حسن خان حوت خواهر
 میرخان او غل فی و ضه الجنان گو باشد تمام و ختم خواجگان اخلاق
 که داشتند بندول باین فقیر حقیر نگذرد بیان و نه بچند تحریر و مرعوم مغفول
 کیفیت احرار باین بزرگان قصبه شهر که بانی سکونت که اکثر
 داشتند منصب قضا و کتاب شجره طیبه تبصریح تحریر است احتیاج نکرد شد
 بسیار عاید بزرگان بوده اند شجره اصل فصل بلکه وصل
 در ذکر جناب حضرت شاه فرما و قدس سره و
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

ایشان و ویی ثواب وزیر علی خان که خدا اولاد نیست سیوی لا ولد رفتند ایشان
 چاری زوجه خواهر محمود خان این خواهر علی رضا و پسر ایشان
 پسر سیوی خواهر ابوالحسن عرفت خواهر حسن جان که نزد خست خواهر
 محمود شاه که خدا شدند لا ولد ماندند چارمی خواهر محمد حسن خان
 عرفت خواهر میرخان که نزد خست خواهر حسین الدین ابن شاه ناصر الدین
 که خدا شدند یک پسر از آنجمله باقیست مسی خواهر وحید خان
 و دو پسر از محل ثانیه خواهر محمد خان و قدرت خان موجود اند و بعد چاری
 پسر نجفی خواهر علی حسین عرفت خواهر وزیر خان لا ولد رفتند و عین
 جوانی و از محل دیگر خواهر حسین علی خان یک پسر خواهر علی حسین
 موجودی او لا ولد است از یک خواهر خواهر صاحب زوجه خواهر
 محمد بیست پسر ایشان خواهر علی رضا که نزد خست خواهر صاحب که خدا
 شدند و دو پسر و دو دختر شدند ذکر اولاد دختر چه نویسم پسر خواهر
 محمود خان نام ویی خواهر خواهر صاحب زوجه زاولی محمد خان
 ابن مرزا بهادر یک خان و دو فرزند ایشان شدند یکی خواهر ابوالعالم الدین خان
 عرفت میر مرزا و ویی مرزا امیر خان لا ولد از ایشان بی بیان رفتند کلانی را
 که که خدائی از دختر عمه شده بود و دو پسر شدند بدر الدین خان و ویی
 شمس الدین خان هر یک نوزادان از نیوالم رفتند اعقاب یکسانند

نوشته نمودند و از آن جای اقامت ولایت شد بخویش شهر دلی
 درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدری
 بجله منقلب که در آن زمان بسیار با اقامت پدر شدند جناب حضرت
 شاه محمد فرزند مشغول شدند بر شد و رشاد خلایق به تعلیم اسرار و قایل بیک
 از آن از دیگر شدند فائز آخر قبول کردند مطلقای هر چهار کی شاه فیاض الدین
 دومی شاه محمد در گاهی این هر دو وزیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی
 کردند آنگاه سیو می حضرت میر سید اسماعیل خلیفای آنی آخر شدند و آن شهر
 چاری از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
 تیر گردید و در زمره امراء ادا کین تیمور بیاز دختر خجسته اختر مرزا سعد الله
 نجیب الدوله مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
 قطب الارشاد شاه محمد فرزند از بطین آن عقیقه پیدا شدند یک
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرفت بود و صاحب
 بنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم این شیخ طفیل علی
 که نسب نسبت اشتند فاروقی اندا ولد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب سلسل نیافت آنچکه دانست تحریر بود
 الحاصل از بطین نزلان عقیقه پیدا شد محال کمال شترند رتبه بلند زیبا
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسی شدند به شاه رکن الدین مخلص عشق بود

چون که صاحب ایشان نواب امین الدوله بسوی برتانپور حجت بپند و بستگی
و مالی میرفتن تعلل گزیده همراه برفتند و درین شهر ماندند و رغبت پدر بزرگوار
بحجت چند نوبت لغت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق
شد و انگیر کمال از کار و نیادی باز ماند بسبب انحلال و از او ستاد نیر
بدین سلسله رسید اما حال ناخاکه حضرت باری را بوده اخضال و درین
شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمود
از قصه برانپور کیفیت ماحضه دیده حیرت شد پادشاه و استادشان
چهار حالت غیبت شد هر یک در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا
را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند هر ملازم
بعد حلیه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت نم سکینه از مجرای دربار
پادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد صحبت بابر که گویا کشتی رسید
در تباری لایق خدمات سلطنت دربار شاهی نماند آنحضرت فرمودند در
جواب ای شیخ صاحب منجاری که این طفل باشد یکی از مجرای شاهی در دست
بخونی آگاهای که امر و سلاطین را نه پیش این درویش سیرت در آید بخیرای
ای صاحب این واقع که بسا بدست جای ملل بلکه صورت است دولت
برای پناه بخیر و مناد تسلیم هیچ نماند چاره شکریه بجا آوردند تسلیم میکردند
بعد چندی در صحبت چنان شدید فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

بیوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را نزد نسبت شد
 تلاش مصاهرت بشرفا را اینجور آخر تقریر نسبت صاحبزادی خرد از شاه
 قتل احمد این جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که از خلفا حضرت
 عشق قدس سره بودند یافت باصره ایمان و معتقدین صلاح این امر شود
 از جناب مولوی سید حسن ضامن سره نمودند آخر ابراهیم را تمام کرد
 صاحبزاده کلانی از آنحضرت شد انجام اما حاصل از بطن زوجه حضرت یک دختر
 شدند و در این انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر
 و یک پسر درآمدند بوجد دختر از میر حیدر علی غسوب شد از چهارم پسر
 رفتند و نامهای پسر علیقدر خواجه لطف علی لقب خواجه مرزا و مادر
 ثانی که از شاه قتل احمد صاحب که خدا شد پیا شد یک دختر غسوب شدند
 از میر قلام رسول ایشان نیز شد یک دختر مساه حسین بیگم از جناب
 خواجه لطف علی صاحب شدند که او یک پسر درآمد بوجد مسه خواجه
 الثقات علی مدعونه خان بخیر زانه بیوغیت رحیل ملک بقا شدند و
 فرزند رتبه بلند محل شدند که خطای نامهای خواجه لطیف علی
 عرف شاه میانجام ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا
 شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن
 محمد دوم شاه پدر الدین مرزا شاه بانه پوراند ثانی از سیالام لادله رفتند

شایده در همین طفولیت از پیار و محبت و لایقندایه گفته باشد مرزا گمشیاسم
 شده نه انقدر انحضرت را تربیت باطنی و حصول سمیت بطریق عالییه نقشبندی
 از حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست که از خلفا و جلیل جباروری
 ایشان بودند و نیز در همین اقامت یک ششمر و ششمر عظیم آباد تا دوازده
 سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
 جناب حضرت شاه محمد معتمد قدس سره که این حضرت نیز از بابان جباروری
 انحضرت بوده اند اما اصل جناب حضرت عشق قدس سره و کمال تنگ و مومنان
 باین دو جا بهت و یافت گذرانیدند در ویلایه مقدیه بود و صرف خانقاه در
 خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره
 خطاب آتای و لپه مردم ای عشق که مبارک بود به تجسس که میرزائی که
 در ششمر عظیم آباد در ویلایه را بیکه و فرار رسد و از مشایخین بخوار و نجوایان
 سلسله پیوستند هرگاه رسید خبر که مولانا برهان الدین کردند رحلت پیوستند
 بخوار رحمت در علاقه لکنو بمقام اقامت داشتند بمحضر استماع این تجسس
 چند مرتبه آن معتمد را فرستاد و بر آوردن اهل محال بسوی لکنو خالص
 یا الاخرم بدان عالیه مقام معه ظلم آوردند بسواری رتبه و پاکی با عزا زد
 اگر ام و اصحاب حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست بودند و
 دختران و جوان و صاحبزاده کسی پشاه تا عصر الدین دوازده سال بود

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند
 و در اوطاعیانی شاه شمس الدین عرف شاه سمن محمد و منام دیگر برادر معلوم
 نشد در حضرت بهار رسیده بیعت بطریق چشتیه نصری حصول از
 خلفاء محمد و شاه تیم الله سفید باز و در صحبت و ترسبت یافتند فیضان کمال
 در مقام اول تکیه ساختند قامت پذیر شدند و اولاد ایشان بابر و در ایشان
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدلو صاحب سجاده پنج
 پسر ایشان شدند و یک دختر سماء قریب شادی از میر جان علی شد از محل
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن چوینور برگزیده اول از ان دختر شد و نام پسر
 کلانی شاه احمد حسین بعد پدر خود زیب سجاده بودند شادی ایشان
 در اول شد یکی از دختران عمزه اد شاه حسین علی ابن مولوی وارث علی
 پسر شاه احمد حسین شاه شجاعت حسین داماد مولوی شاه حسین علی
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه احمد حسین بودند شاه
 مراد حسین یک دختر و یک پسر ایشان شاه سخاوت حسین دختر و دو
 اولی شاه راحت بن میره میر محمد علی مرحوم شاه انداد حسین پسر ثالث
 شادی ایشان در موضع قاضی حکم برگزیده مسوده ضلع پنه شد در کفویت
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی یک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی
 اند شاه نیر حسین یک دختر و دو پسر ایشان هستند پنجم پسر شاه امام علی

الاسد پسر دیکم ختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکیه آباد باشد شمره در ذکر
 نسب انصار که آمدند در اینجا معروف بشیخ انصاری خصوصاً
 در بهار ایدناست بندگی مخدوم و ششمی که اقامت خود ساختند
 بموضع منوره علاقه بهار میگویند چرب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این
 مورچه چنانچه بدان نام معروف شد لغرض اجتناب در نسب انصاری شیخ
 اندلا اولاد حضرت ابو دروا انصاری که صاحب کبار انحضرت صلی الله علیه وسلم
 بودند مشهورند از چندین بزرگ بندگی شاه عید اللطیف از دختر
 مخدوم شاه دوست میبری که خدا شد مذوی اولاد شدند نام پشیدگی
 شاه عید اللطیف شیخ عبد الوهاب ابنه شیخ صدر الدین ابنه شیخ برطس
 طیب ابنه شیخ عبد الفتی ابنه شیخ عبد احمد ابنه شیخ عبد الجلیل ابنه شیخ
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محمد والد شاه سیف الله مؤثر دی نواسه
 ایشان شاه الطیب الله ابن مولوی شاه امین الله شاه طیب الله را و پسر
 چهار دختر محمد را قرآن که خدا دی اولاد اولاد از نذک لانی شاه محمد بهاء الحق
 معدن خود و سنی فشدند که خدا اولاد اولاد مشرب بره ثانی شاه
 تراب الحق که درج عمالین خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
 فرزندان حضرت جد اجد خود خواهد نمود

ضمیمه در نسب انصاری صاحبان اول

رد و شمر و شمره اهل در ذکر او لا محمد و دم شاه جلال منیری و الله بخند و دم شاه
 شعیب رحمة الله علیه شمره دوم در ذکر او لا محمد و دم شاه سلیمان انگیزین
 قدس سره و باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه ایشان بالا تحریر شده
 قرشی باشی مطلبی انداز او لا و علم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب درود
 ایند یار صحن هست در قصه منیر بندهستان کفار بود و ملت شده مد غلط را چه نیاز
 نام داشت در حق سلطان از عالم غیب با حکم حضرت بنیادین پناه معالی
 و دو لپس خود وارد شدند بدین و یار راجه میزار چون در جنگ شکست یافت
 فتح اهل اسلام نصیب شد حضرت امام تاج فقیه در انوضع طرح اقامت انداختند
 هرگاه از وجه شان گردید انتقال پیدا شد حزن و ملال و لایت این یار
 بهر دو فرزند آن تفویض نموده روانه لبوی مکه معظمه گشتند فرزند کلان
 محمد و شاه اسرار ایل ثانی محمد و شاه اسمعیل بهر دو برادر با خود
 بموافقت ولایت یمین شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته
 از خواهرزوجه حقه نکاح پرورختند یک لپس شدند محمد و دم شاه عبد الغیر
 نام حسبیت پرور بعد انتقال شان به ملاقات برادران رسیدند بعد
 او یک تعرف و نشان خانان بمراجعت پرورختند چنانچه محمد و دم شاه عبد الغیر
 همراه برادرانند و محمد و دم شاه اسمعیل حسبیم ولایت عبور گنگ در ضلع
 سرسبز اقامت پرورختند و ولاد از هر یک برادران جاری شد حالا تحریر نمایند

شاه رحمت علی ذی اولاد مستدیری دیگر کفیات ایشان دریافت نشد
 از اینجا که بزرگان نامی بودند اینجا را بخند که دانستند تحریر نمودن در حضرت
 بهار مشهور حمله نصاری است شیوخ نصاری بوده اباد از اینجا یک بزرگ
 بودند شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد شیر زوج خواهر منشی سید محمد خلیل خوشنویس دیگر
 بزرگ از لویا که با متصل جهان آباد اند اهل درار اولاد ایشان ذی اقتدار
 یک زن شیخ عبد القادر وکیل دانه نواسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم
 مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دانه عم ایشان
 کلانی مولوی محمد اسماعیل ثانی مولوی محمد فریدانند و ثالث مولوی محمد حسین الا یک
 برادر مولوی عبد القادر صاحب قطب ابو احمد هر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
 افضل علی حکیم مجلس دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه
 غلام حسین ابن جابا حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام نامی
 مسماة بصیر از زوج مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیق اصل نسل مبنی بر سلسله فرعی در ذکر فرزندان
 حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول بنده که فریت محمد دوم شاه اسماعیل قدس سره
 فرع دوم بنده که اولاد محمد دوم شاه اسرائیل قدس سره
 فرع سیوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه عبد الغفر قدس سره

خلعت ایشان بودند شاه شیده علی داماد کلانی جناب شاه امیر الدین
مخدوم حنیف در دست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه
اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره

واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل زاد و فرزند رتبه بلند کلانی بودند مخدوم
یحییٰ نسیری ثانی مخدوم شاه مظفر که در جوانی رحلت کرد و اولاد و نسانداد
حضرت مخدوم یحییٰ که تختدانی انبیا بنی رضیه نسبت مخدوم شاه شهاب الدین
پیر گلجوت گردید از اهلین آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند از جمله
برادران خورد مخدوم شاه حبیب الدین که چهار پسر و زاده خود مخدوم شاه
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکر و رحلت کرد و اولاد و اولاد
کلانی مخدوم شاه خلیل الدین که مرید و خلیفه الداجد خود بودند سکونت در
مقام نسیری شدند نیز در انجام از موجود و فرزند ایشان یکی مخدوم شاه شرف
خلعت کلانی حضرت مخدوم یحییٰ نسیری قدس سره مخدوم شاه خلیل الدین
پسر ایشان مخدوم شرف الدین و مخدوم نور الدین هر دو برادر مرید فیضیه
نعم الحسرم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه
شرف الدین جاری شد بدو وجه هفتم انتخاب در نسب حضرت مخدوم شاه
دولت نسیری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب نماند برادرشان شاه

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسماعیل بن حضرت امام
 محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسماعیل را شدند فرزندان
 چهار هر یک صاحب مقام عالی تبار یکی از ان جمله کلانی مخدوم شاه امیر اسماعیل
 ثانی مخدوم شاه مناج الدین سیوی مخدوم شاه صلاح الدین چکن
 مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه مناج الدین
 و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر ذی اولاد شدند پسر
 مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه علیسا اولاد ایشان بمقام کبانه موجود است
 الا از نام آنها خبر نیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
 جلال میری این مخدوم شاه عبد العزیز که خلافت شدند و در الرشیدشان
 مخدوم شاه شعیب قدس سره شیعوی صاحب ولایت الا مخدوم شاه
 صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاض بودند و
 پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرست اولاد ایشان
 مشایخین موضع سبوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی
 مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
 علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع خنده از اولاد این
 بزرگ هستند یکی از ان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
 پیر خباب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین
چلک کش که خدا شدند و دختر شدند بایشان بی بی ماه قاتون دو
بی جمال هر دو از برادران عمزاد که غده شدند از سید سکندر و سید کبر و لا
سید سکندر جای شد بموضع او ترالاری موجود اند و نیز در موضع گراش
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند
متوسط حضرت یحیی انیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار با مخفرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه
فرکی الدین بجات مستی در عقب پدر بزرگوار جان بخت نمودند تسلیم بمقام شکوه
لغده خانه سیادت شده بودند که دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین
چلک کش ابن مولانا سید علیرالدین که خدا شدند نسب نامه ایشان
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریت فرزندان برادر و خواهر
و ذیل گفت مخدوم الملک داروست چرا که ذکر طویل است از اولاد مخدوم الملک

از دریا سایشان مراد است

فروع سوم اصل اول وریان اولاد مخدوم شاه عبدالعزیز زبیدی برادر
شمار اول در ذکرا اولاد مخدوم شاه جلال انیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علی الترتیب بمجاوه نشین
 قائم است چنانچه بزرگان این فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین
 عرف شاه دهم بودند حال او مادر شاه قطب الدین بعد شاه احمد حسین
 ابن حضرت شاه محمد سلطان بهاری محل چاند پوره جانشین فی اولاد اند
 برادر شاه مبارک حسین شاه لطف علی را دلیپ شاه منور شاه بسکین و دو
 خواهر ایشان یکی زوجه شاه محمد صغیر کورجی سپهرشان محمد خلیل سپهرشان
 احتشام حیدر و تیریک و خرد و فرزند دختر تانی شاه لطف علی شاه لولاد علی
 و شاه فرزند علی در اینجا نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منوید و فرزند
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهم و منی شاه لطف علی ابنا شاه محمد محمود
 ابن شاه محمد کل ابن شاه عنایت الله ابن شاه اشرف منیری ابن شاه
 محمود قطاب ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی محمد و شاه
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن محمد و شاه حسام الدین عرف شاه
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و
 شاه یحیی منیری ابن محمد و شاه اسماعیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره
 فرزند دوم محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و شاه یحیی منیری و فرزند
 برادر خود محمد و شاه الملک شاه اشرف الدین احمد چنانچه در بیان هزار برادر آید

و سلسله اشک جاری میخیزد هم عزت اختیار کنم گوشه شوم متواری در آن روز
 جداوری ایشان بظلمان مانع شدند نصیب را همراه گیورستان نبرد گفتند
 در وقت این محفل را کیفیت کشتن القبور پیدا شده تا کید بر معلم ایشان نیز
 گفتند نبرد تو با هرگز باین عزیز رواندارید این علی اله است یک از اصلاط
 گرچه بمرغورد است حکایت است روزی همراه او شتا و خود بهر کاری
 میرفتند در آنجا راه دیدند که دیوار حبت کرده بود و او را شدند سوار چون
 معلم از پس ایشان و دان بجکم ایشان دیوار شدند و آن نقل میکنند هنوز
 موضع گنجی توان آن دیوار همچنان سوخته دست مردمان زیارت او میکنند
 بر خاص و عام میشود فاتر المرام هرگاه جداوری ایشان یافتند وفات
 میراث نژاد سائده در الوقت بود از جازات ماور خود روانه بسوی منیر شدند چنانکه
 در آنجا قیام کرده از زیارات مزار پدر و جد بزرگوار فریخت یافته از آنجا حرکت
 کرده در قصبه دانا پور جاسه عافیت یافته گوشه نشین ماندند و ربادهای
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از آنجا روانه شدند بسوی
 راجگیر خبر برادر بزرگوار خود شنیده بودند که در آنجا خدمت الملک گوشه نشین اند
 چون آمد چله حضرت مخدوم را آمدن ایشان منکشف گشت بیرون آمده
 ملاقات کردند و گفتند ای شاهدارین بگل ریابان میانم و تو فوجان هستی
 بجای خطاست از حیرت و شرم و انزوا را اینجا میباش تا ما دان رود از سر باطن

شمره دوم فسخ سوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه سلیمان لنگر مین
بیان شمره اول و حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
عبد العزیز و الطبع باو که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیحه مخدوم
ابو بکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
اسمعیل گردید نام آن بی بی سعیده از طین رین بی بی یکفر زید ترسیه بنده
مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد حاصل مخدوم شاه شعیب
قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه باکی
جبرادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا فوآن رحلت پدر شد بمقام

قصیده منیر

بیان حالات شیخ السکین حضرت مخدوم شاه شعیب سال لد سره مخدوم
واضع باو وقت رحلت پدر بزرگوار بمهر هفت ساله بودند هرگاه بمس شعر رسیدند
روز بروز در حیم لاغری عیان شد از والد ایشان کیفیت خویش و نوش
پرسیدند جواب گفتند در طعام خوردن نوش نوش میخوردیم نیست الا انما افان لا نعجب
شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری بمس و اوقات نمودن و خوردن و نوش
عوض ساخت هرگز مرغم تنیمی میت و نه شکایت زرق میکنم الا اجرا می میکرد
چنین میت سوی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر بتلا بختا بنده
در حق ایشان دعا میفرست نمودم از آن روز مر میت خدا تعالی طاریست

بی آب و دانه بیست چهل سال بیرون شهر جدا جدا رود و غارت نشین شدند
 بی آب و دانه و هر دو جای را از هر حیاط و دیوار کرده ماه آمد و رشت کردند
 مسدود و قفل نمایند این ماجرا را بالاست که از چهل سال با را کین در آنوقت نیز
 راجه میر و آوران زمان میره راجه مذکور حکومت را یکی بود بعضی کسان
 ویرانه آنوقت با کیفیت شنیده این شرط چله راجه را که در خبردار راجه در آنوقت
 این کیفیت شنیده معماران را حکم جاسی هر دو چله و اگر کردن دادند چون جا
 جوگی کشاد و خبر از تخوان بر سیده چیزی نیاقتند الا چون جاسی غرض آنجا آنحضرت
 و اگر دنا مار حیات یا قند و کرافاس بود جاری نور راجه با قضا با تمام آنحضرت
 را جاسی محفوظ و اگر کرده داشت و از یاضل و وطن و غدا می طیف مستم خدمت
 شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و ما کرده در حق
 نشان از انهما مراجعت سوی موضع شنبوره نمودند و در نیال انتقال بمحمد دوم
 قدس سر و کردند و نیز رحلت مولانا مطلق است از دیوانه منقولست که حضرت
 محمد دوم الملک وقت انتقال بمولانا مطلق بنامی قدس سر و چنین فرمودند
 که روزی از روزنا برادر من شاه شعیب درین نواح خواهد رسید خبر بیست چند
 نصرت بیعت نرسیده است این تبرکات و عرقه فقیر با و رسانی و هر که گوید و این
 امرانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به محمد دوم شاه
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه محمد دوم شاه شعیب رسیدند بمقام شنبوره

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودندی آرنه از آنجا جانب دیار شرقی عازم
 سفر شدند در آنجا راه بمقام شیخ پوره در دامن بیابان بیرون آبادی
 جائے عزالت نشین گردیدند چون ساکنان آنجا ملک زادگانرا خبر شد مجبور
 بهر استقامت آبادی و مقتدا از کرامات شدند فرمودند شانیزدین بیابان
 اگر چه از رحمت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از
 مفارقت شده بود و بهر دیدار نورالابصار تشریف آوردند ایشانرا انگشت
 این امر دست داد بهر ملازمت والد ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
 تور پرگند غیاث پور ملازمت شد حصول عرض کرد و جایگی میباشم چنانچه
 از فرزندان تشریفبری آنخدمه در آنجا مناسبت در آنجا تشریف
 دارند امر و پرخشنبه در آنجا به زیارت خواهیم رسید میگویند تاحیات والد
 ماجده همین معمول داشتند به زیارت میرفتند هر چند وقایع والد آنجا
 در آن موضع ست زیارت عام و خاص القصد چون ازین تعلق طماننت
 غالب شد از شیخ پوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
 که کوچ بهمان زمانه والی آنجا را به یزد از قوم مینود او معتقد جوگی سید
 بود و جامی چله نامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله میکشی یا چلی گفت
 چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی و دوازده سال را کوچه
 و چله چلی سال باشد آخر قاطعه را جدا نمودند

و اما میرزا ب سبب سکونت ایشان در بفرار و سکونت این سکن بیرون آبادی
 تحصیل جانب مغرب معروف است بیگانه شیخ پوره در نجاشا یخان میاستد بایست
 و است لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شاهما را الدین
 ثانی شاه محمد منصور موسی شاه مظفر این هر سه از یک مادر اند و اولاد سحر
 ذوی ولاد بالا جانشینی ترتیباً و از تربیت در برادران یک بعد دیگری باند چاری
 شاه حیدر و شاه خدا بخش اسماصل شاه مظفر پسر شاه نظام الدین
 که از دختر سحر و شاه خدا بخش شد و که خدا و بعد شان زرب سجاده گشتند و
 پسر شاه خدا بخش شاه غلام حیدر و ذوی اولاد الا طبقه اهل تسنن از اولاد
 شاه نظام الدین اند و طبقه اهل تشیع از اولاد شاه غلام حیدر و اولاد ایشان
 امرای ذوی جاه و صاحب منصب اند از امیر حسین خان و محمد حسن خان و محمد علی
 خان خلعت نواب ابوالقاسم خان و غیره چنانچه از امیر حسین خان و محمد علی خان
 و یکی از نواسه محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان و
 ابراهیم خان خلعت ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
 نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و ذرت علی خان
 و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند و اولاد
 در اطراف موضع تیلاده شاه احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اندر بدین سبب
 و آنکه در مذبح سبب اند سکونت پذیر بیگانه اند شاه تراب علی سجاده و اولاد

در یافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار در آنوقت بمحمد
 شاه حسین نیز مشکف بودند این حال دریافته فرزند خود محمد دوم شاه حسن را
 مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می کردند در آنجا
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیور رشته معانقه و مصافقه با خود بگشت
 بعد ساخته تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
 خرقه را پدید شدند و سر سجید در مراقبه شدند گفتند البت ازین خرقه فیض کمال
 شد حصول آلاء هنوز امر وصیت بجا نماند و در راه دست خود بسیار
 بیعت نمایم محمد دوم شاه حسن کمال عجز و اعتدال شامل شدند فرمودند آنچه که
 والد بزرگوار گفته بودند از آن دریغ مکن برادر این دست شما دست شرف الدین
 قدس سره است اسماصل بعد حصول امر وصیت هر دو بزرگوار از یکدیگر جدا
 شدند محمد دوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و محمد دوم شاه حسن بسج
 بهار آمدند و با جمعی از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
 محمد دوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جای فراست مشهور گمان
 و اضع باد حضرت محمد دوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از طین آن رجوع
 سه پسر و از طین دختر سلطانین یک پسر از هر دو زوج و اولاد شد جاری حرکات
 کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتاب تصنیف یکی از خلفا نشان
 انتخاب کرده نوشته بطور اختصار از اولاد آن محمد دوم و فریق اند سیه مذکور

شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابوالفتح
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد طلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه
 نظام الدین ابن شاه منظور ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره
 ابن مخدوم شاه جلال نسیری و شاه عالم علی علیه الرحمته را یکدختر و یک پسر
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد و دختر سه پسر یک شاه مهدی علی
 که بعد خال خود شاه جلال الدین علیه الرحمته سجاد و نشین شد مخدوم پسر
 داشتند بعد ایشان برادر خود ایشان شاه واعظ علی صاحب
 سجاد و نشین کرد و حالا موجود می اولاد او و متوسط ایشان را
 بمعنی و میت الابرار ملاقات کرده است از آنجا که پسران طریقت بودند
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه واعظ علی صاحب
 جدی نسب از حضرت شمس الدین حقانی دارند

شماره دوم فرج سوم صلی اول در ذکر نسب و اولاد حضرت
 مخدوم شاه سلیمان لشکر زمین که سکونت در موضع نوا باده
 خورو و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لشکر زمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز
 ابن حضرت امام محمد تاج قبیله فرزند کلاسه فیثانی حضرت مخدوم شاه عبدالعزیز
 از شای ایشان از دختر مخدوم شاه شهاب الدین عربند میر مجتوب

و خواهرزاده ایشان شاه جمال علی پسر ایشان شاه مظفر و یکی از فرزندان
 مخدوم مظفر حسین جان و میر اسید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان
 بحضرت سید شاه فضل الله عرف سید گوسائین و میر شاه محمد علی صاحب
 و شاه لطافت علی صاحب و میر عبدالحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یک
 یا نیست الا ترتیباً و اسطه نسب دو بزرگ که یکی نسبت قرابت و دیگری سلسله
 بیعت است منوید آنچه که یافت دریافت یا بدوانست یعنی از فرزندان
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوابادی که در قرابت برادر جد امجد
 این فقیر حقیر احوال کیفیت نسب شان تحریر میا ز منی شاه ابراهیم
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبد الغفر
 ابن شاه عبد الزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم
 شاه جلال میری ابن مخدوم شاه عبد الغفر ابن مخدوم شاه
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت
 نوابادی خواهند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی
 قدس سره منوید و نام باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی
 هر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

الاولاد محبوب الهی نظام الدین لدلیا بودند بطریق چشتیه نظامیه
 سراجیه بودند تقدیر حسب تفویض ولایت از امر بر خود سکونت در نوابا و نمودند
 قریب به بیستم یکصد پور سه فرزند حضرت مخدوم شاه انجم چشتی بودند یکی مخدوم
 شاه حسن عوف مخدوم شاه بڑی و دو دخترین بایشان بودند هر یکی
 از برادرزادگان کتختاد و می مخدوم شاه حسین متوسط برادر فرزند ایشان
 مخدوم شاه عبداللہ اقی پسر ایشان مخدوم شاه عبدالمجید ولد ایشان مخدوم
 شاه عبدالحی یک دختر ایشان بی بی تا چار وجه میر سید محمود ابن میر سید محمد
 ابن میر سید محمد جان یا قری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاه
 عبدالمجید ابن مخدوم شاه عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفه و
 میر سید محمد کبر ابن قاضی سید حماد الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح و
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سه فرزند بحضرت میر سید اکبر کزک
 میر سید جهانگیر که بیت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاه عبدالمجید
 بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
 سید رکن عالم حالا اولاد و دختر می این بر سه برادر از انجمن این خاک
 و برادران عم زاد را نواسگی میر سید حماد ابن میر سید جهانگیر قدس سره و
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حمید بخش
 کوچوی والد ماجد شاه انظر حسین و می شیخ محمد یار محمد شاه داود و محمد

گردیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه محمد و دختر
 فردوسی بی بی پدید و از میان صاحبان نواباده که اولاد اند بی بی کمال
 الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شد بعد نام دختر بی بی
 کمال روجه محمد و شاه حسام الدین والده محمد و شاه حسین خرب
 دیوگوش که در پورینه فرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة
 بی بی دولت الحاصل فرار محمد و شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
 و دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند با شتاع آمده اولاد
 پسرین اولاد بی بی کمال اند

شمره سوم فرج سوم اصل اول در ذکر اولاد محمد و شاه عطاء الله
 قدس سره واضح باد محمد و شاه عطاء الله بن محمد و شاه سلیمان
 لشکر زمین که نواسه حضرت پیغمبر اند یک عمه از شیدایشان محمد و شاه
 تاج الدین ابنه محمد و شاه عبدالملک ابنه شاه عبدالغنی ابنه شاه عبدالوهاب
 ابنه محمد و شاه احمد شستی قدس سره فرزندان همه بزرگوار در جوار جد پدری
 بزرگوار است با طران موضع کاکو اولاد محمد و شاه احمد شستی را بیست و نه بیت
 از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محله شملات حضرت بهار
 کعبیره این محمد و دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه باجر
 ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بداولی که برادرم زاد حضرت سلطان

شرح بی بی بلا حق که دلدردوی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو
 دلدردویک پسر شاه محی الحق عورت بلوکسی پسر و دختر ایشان نیست
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماه بچن دختر
 سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سید دختر زینل ابن بی بی سیکه مسماه
 مخدومه زوجه جناب حضرت سید شاه یحیی علی ذی اولاد و دومی سماه سیکه
 دلدردو سومی مسماه سکینه زوجه شاه معین الحق عورت شاد محمد یعقوب
 ابن مولوی شاه پدر الحق ابن مولوی شاه امین الله که کور الصدرا زینل
 ابن بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد اند نام دختر سماه
 حسینا زوجه اولی میر سید بایست حسین عورت سید چلو ابن میر مظفر حسین
 دلدردو ابن جهان و کلات یافتند پسر کلانی شاه ظهور الحق از زوجه
 میر سید حامد حسین شادی کرد و یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین
 هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محمد حسین ابن
 سید شاه غلام حسین قلمروی الا شادی دوم است سید الفت حسین پسر ثانی
 شاه مظفر الحق از دختر خالای خود منسوب شدند نام زوجه شان سماه
 فضیلت النساء و جو فخر ازین بی بی چهار پسر و سه دختر و پسر
 در ایام صغری رعت یافتند و دو پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

گفت این بزرگوار شمریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد پسری فقط
مخدوم شاه خوند شیخ بنور موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از اینجا راسته قریب یک کره موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوابان
خوردان معروف نوابان کلان است مخدوم شمره سوم خلف الرشید مخدوم
خوند شیخ دیوان شاه تیم السدانه شاه طایع الدین محمد ابن شاه عنایت السد
که از نام ایشان چک آباد است و دو فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیغور السد غلامزاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یک بی بی
ترتیباً زوج شاه بدیع الحق دومی ترکیباً زوج میر سید حامد محمود ابن سید
سید محمد ثانی نوابان کلان اولاد دخترهای ایشان شده مولوی شاه طیفور السد
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور السد ابن شاه عنایت السد
اولاد و شد الا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور السد زوج ایشان
محمد میر سید دهر الدین عرف سید لعل بود و سید پسر مولوی شاه منور السد از آنجمله
یک شاه خلیل السد اولاد ایشان شد دومی شاه سحیح السد یک دختر ایشان
سماه جمیله زوج شاه نور الحق پسر کلان مولوی شاه امین السد و پسر
شدند بشاه سحیح السد یک شاه مطیع السد دومی شاه ثناء السد برادر اولاد
الا پسر کلان شاه منور السد مولوی شاه امین السد برادر الا کلان
پسر شاه امین السد شاه نور الحق بود و سید پسر ایشان یکی شاه محمد غیب الحق

آنحضرت بقربت عم المظفر بن خاکسار بودند و هر دو برادران شاه ظفر الحق
 و شاه غفور الحق میرزا بطریق عالیستغیبه نظامیه از پدر بزرگوار خود اند
 الا تربیت یافته با ملکه و حکومت نعمت السلسله ابوالعدایه از جناب حضرت سید
 شاه یحیی علی قدس سره اندامه تعالی مع ذریات ایشان از فائز مردم دارند
 شمره فخر دوم اهل اهل بقیبه ذریت حضرت امام تاج فقه پسر سوم
 مولوی شاه امین الله از شاه طیب الله نواسه حضرت شاه سیف الله

مولوی منحللات بهار

واضح باد حضرت شاه طیب الله پسر ثالث مولوی شاه امین الله در موضع
 موثره در کنار تربیت جهادری خود شاه سیف الله رحمة الله علیه مانده
 مختدائی ایشان و اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاهدی گردید از
 سماء تنگن دو برادر ایشان یک سیر سیف الدین عت میر سوبان نام
 دیگری یانیت اسحاق بن جناب طیب الله از بطن امین بی بی چهار دختر
 و دو پسر یکشتخته از اندکات شاه بهار الحق که صاحب جود و سخا و زان
 تکلف نه لباس داشتند و نه در خورش نوش میبرد و اندک نه پذیرا کردند تعلق
 اهل و عیال اولاد و برادرشان اولاد ایشان هستند برادر ایشان شاه
 تراب الحق روح عمده بن خاکسار ذکر اولاد ایشان و فخر اولاد و جدا
 خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی و الله

شادی اولی از دقت غم غم خود کرده و اولاد است یک پسر محمد کبیر دختر
 نیز از بعد حلت زوجه خود شادی ثانی کردند و تصدیق میر از دختر شاه
 اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه ضعیف الحق
 از دقت سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شد
 بفضل ذی اولاد اند و خواهران ایشان یک زوجه اولی سید الفت حسین
 از کور که خدا از ان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
 غفور الحق که خدا پسر و دختران موجود یک زوجه شاه محمد واجد ابن
 شاه حسین علی روی هنوز تا که خدا پسر حافظ حسام الدین طال الله
 و علم به وجه یثیق است پسر سوم شاه غفور الحق که خدای ایشان نیز
 از دختر خود خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء و بسو و تر جناب حضرت
 سید شاه کبیری علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین نکو بالا از دختر
 عم او سکه خدا نکو پسر دختر ایشان ما قبل کرده اولاد خواهران ایشان
 یک زوجه اولی شاه نصیر الحق نکو ثانی زوجه پسر دیوان مولانا بخش
 غلام و بیوت یا دمانه بفضل ذی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
 سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
 جناب حضرت سید شاه کبیری علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه ضعیف الحق
 و شاه محمد نظام الدین بواسطه جناب حضرت شاه کبیری علی قدس سره اند و

شاه ذکی الدین سبب بدایت بمقام شکر و سیماقامت بود و در غایت شرف
 از سیادت معتد کلام نمودند یک دختر خستہ دختر متولد شدند بی بی بار که نام
 بود چون از غنیمت و جلال و الدخو رحلت بران مقام کردند چند کسان از انجا
 آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشد بود و عرض کردند
 آنما که یا محمد دم این دختر پسر حضرت است فرمودند اگر چنین است خود بخود
 نزد من آید می آورند آن صغیره تر ازین را نو کرده بزرگوار مبارک حضرت محمد دم
 الملک آمد نشیند محمد دم بر حال تنه اوشدند اشکبار گرفتند بکنار میگنید بر
 پشت مبارک حضرت محمد دم الملک یک سه رنک بود آنرا آن قوا العین
 از لب خودی میکند شیر می برد از کلمات اولیا عجب نیست اصی اصل این
 تازی پرورش یافتند چو بالغه شدند از سید و حید الدین چاکش این سید
 علار الدین گفتند اگر ند و سید و حید الدین خواهر او نیز مرشد حضرت
 محمد دم بودند یعنی بهشیر زاده خواهر شعیب الدین فردوسی قدس سره شوق
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
 دختر اسم مبارک پسر سید عبد الله المدعو سجا و اکبر شادی ایشان در گفتند
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد و سید پیار سه و نام دختر سید
 و حید الدین بی بی ترهره بود از سید شهاب الدین جویری علوی نسب
 که غذا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین قوام

و خواهر ایشان یکی والده میر محمد حاکم یک دختر ایشان کنه از شاه
محمد سیادین جناب شاه تراب بحق مذکور و اولاد دختر ثانی بودند و دختر
بی بی مبارک زید شاه فخر الدین برادر و وسط شاه کبیر الدین سیادین
مقام سرام والده شاه محی الدین عرف لالا بیان زوی اولاد اند
و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رحبت در اقران که خدا آنهم زوی اولاد
اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکی از میر عنایت ملی که خدا
بودن ثانی اولاد شاه طیب السمرجوم از محل ثانیه یکد دختر و سه پسر یکی
شیخ صادق ملی والدناظر و لاو علی روی شیخ خورشید علی والد شیخ قرائلی
سوی دارند ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه
عسرت الدین فردوسی بر چند شمرد یک شجر که طویل الذکر است
تبصریح بیان میکند

باید دانست حالات و کمالات آنحضرت مخدوم الملک در کتاب مرآت شرفی
بخوبی بیان کرده است این فقیر حقیر چونکه این کتاب نسب نامہ بود و اینجا
حاجت تحریر نمودن نسب نامہ بالا حضرت امام محمد تاج فقیر با قبل تحریر شد
اقتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنار
کانون متماثل شد نماز بطین آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شد

شدند و شاه عبیدالحی را یک پسر شدیحی نام اولاد تمام و میر عبد تقا
 را اولاد نشد الا در برابر شدن ذی اولاد سید عبد السلام و سید شاه مصطفی
 اندر ما بر سه مراسم مفصلاً نوشته می آید بایر شنید فرزند شاه مصطفی شاه
 قطب علی و پسر ایشان شد ندکی شاه نظام الدین و دومی شاه
 حسام الدین و ذکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلانته خواهد نمود و حالا
 ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی بنایم که بیان بطول است
 شمره و بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی
 باید دانست شاه نظام الدین را شد چهار پسر از آن جمله یک شاه علی بخش
 و دومی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی پاری شاه عبد الغفر
 که لا ولد رفتند و پنجم از فرزندان شاه علی بخش یک قطب علی ثانی
 و دومی شاه اسد علی لا ولد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لا ولد
 و دومی شاه رحمت السعدت شاه دهورن ایشان را یک دختر
 روجه نشی کریم بخش و سه پسر یک شاه نور الدین احمد و دو شاه مبارک
 که خدائی ایشان از دختر خود دهری حبیب الدگر دید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر روجه شاه اسیر علی ابن ششی سید کریم بخش پسر ایشان شاه
 محبوب حسین و پسر شاه مبارک شاه خورشید حسین که از دختر هم وسط
 کنه شدند و دومی شاه کریم الدین و دو دختر ایشان یک روجه شاه خورشید

و قریبی بی خطمه از سید ابو محمد یاری گفتند شد نماز بطین این بی بی چار سپر
 متولد شد مذکی شاه مسیح الدین و دومی شاه نصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه
 امام الدین اولاد ایشان گفتند بسیار در اول و ملاطفت بسیار و داند و نیز فرزند
 این بزرگوار در بحار و مقام بدر آباد قریب ارول منار سید وحید الدین
 چاکش است و بمقام سینه اقرب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا
 فرزند چاری سید شاه علیم الدین عزت شاه بیکه را که معذور از پاسه بود
 خدمت درگاه مخدوم الملک در آنجا رفت و در حضرت بهار آورده و مستقیم به
 تبرک نمود و در ذرات و گاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
 حصص هم یا جام حصص خود را کردند و خدمات بطور خادمیت بجا آورده و چون
 سلسله اقامت شد اولاد اس بزرگ مخدوم زاده معرفت شدند و در جماعت
 خلافت در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین
 و فرزند یک شاه لعل و دومی شاه جلال کلانی را اولاد و نسل اولاد
 فرزند شد بشاه جلال سسی شاه خوند لیس ایشان شاه محمد لیس ایشان سسی
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسرینی
 بر شمر چند از آنجمله یک شاه محمد دومی شاه مصطفی سومی شاه بهادر علی
 چاری شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحمی
 هفتم شاه محمد و یک پسر شاه عبد الحکیم دومی شاه عبد الحکیم برادر اولاد

مصطفیٰ ابن شاہ نظام الدین مذکورہ بالا ذی اولاد شدہ کے شاہ
مر قاضی بخش دومی شاہ جلال الدین سومی شاہ یحییٰ علی پس
شاہ مر قاضی بخش رانیر سہ پسر کے شاہ عوٹ علی دومی شاہ قسطلی سومی شاہ
فیض علی کیفیت ذمی ولدی شاہ عوٹ علی درایت فشد آلاہرہ و ہر شاہ
فتح علی و شاہ فیض علی اولاد شدہ

شجرہ سیم

پسر شاہ فتح علی کے شاہ حمید الدین دومی شاہ فرحت علی سومی شاہ امان
عزت منو پسر شاہ حمید الدین شاہ بخش علی دومی شاہ قاسم علی
و شاہ محمد سعید حمید ذمی اولاد شدہ ازین عالمی اولاد شدہ

شجرہ چہارم در ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاہ فقیر علی راہ و پسر کی شاہ طعت علی اولاد ایشان نشد دومی شاہ
افضل علی چار پسر ایشان ہر کے عالی تبار ذمی اقتدار یکجا و بھل
شاہ واجد علی متوطن موضع سانید قیام و خسر پورہ کردہ چند دختر ایشان
و د و پسر کے و دختر و شیع نواز حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بابلی
شیخ محمد اہل و بھل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است و حاصل دوم
در ذکر شیع فاروقی نسب آلاہرہ ثانی روجہ صاحب علی خان و دختر ثالث
روجہ سیر علی ساکن پور نہر گنہ ارول ناہدا مادہ حسین ذمی ولدانہ

مذکورہ بالا دویں زوجہ شاہ فرزند علی پسر خود نشی کریم بخش مذکور الصلا
سوی شاہ منیر الدین احمد عرت شاہ محمدی در مقام راجگیر دار فرما
شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یکے زوجہ میان جان علی بن
نشی رمضان علی دویں زوجہ شاہ وحید الدین ابن میر قائم علی ساکن
سودہ و ملت کلانی شاہ منیر الدین احمد عرت شاہ محمدی شاہ قمر الدین
دو شادی ایشان از دختر میرا مانت علی مرحوم گردید یکے بعد دیگرے
و ملت ثانی شاہ صاحب مدوح مولوی وحید الدین شادی ایشان
نیز یکے بعد دیگرے از حبیبہ میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی و لدی ہر
و صاحب معلوم نیست

شمارہ دوم در فکر فرزندان شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین

ایہ شہید فرزند شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین چارہ پسر و نہ از انچکہ یکے
شاہ حسین علی دویں شاہ غلام شرف الدین سوی شاہ کریم الدین
مفروض ایہ تہرہ برادران لا ولد نہ شد ازین عالم الانوی ولد فرزند چہ
شاہ عظیم الدین دو پسر ایشان یکے مظفر علی دویں شاہ کریم الدین
ثانی ایشان نیز دو پسر یکے شاہ احمد علی دویں بدو عرت شاہ
بدو حو و عد الصین لا ولد پسر شاہ مظفر علی شاہ علی بخش پسر پسر ایشان
شاہ تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرت و ثری مفقود الخیر الا شاہ

یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن بهت علی خان سپهرویک دختر
 (وید چودهری ظهور الحق ابن چودهری و احد علی دودختر و یک پسر ایشان
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان سماءه قدیرا انسانیت سماءه سینا نام
 پسران وزیر علی خان از دختران خود شاه لطیف احمد ابن شاه
 شرافت علی که خدا شد پسر ایشان و انا چودهری ظهور الحق دودختر خان
 یوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگر سپه سوم فدا علی خان و انا شاه
 بنده علی و انا دکلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ سپه سوم
 اقبال علیخان و انا شاه لطیف احمد خان خود یک دختر و چودهری
 واعظ الدین مذکور و سپه سومی هر یکی از مذکور شاه شرافت علی علیه الرحمۃ
 شاه لطیف احمد و انا در اجداد الدیک پسر ایشان بود محمد خلیل بچہ
 چهار سالگی رحلت نمود و النج و خزان ایشان مذکور و دختر کرد و متوسط دختر
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ بی ولد و یک دختر
 در انجوار که خدا شد و اقران ان چوار

شمره پنجم در ذکر اولاد شاه عیث علی ابن شاه مرتضی بخش ابن
 شاه مصطفی

مذکور بالا باید دانست بشاه عیث علی چند دختران آلا یک پسر شاه احمد علی
 باب ایشان یک دختر و یک پسر شاه و احد علی خواهر ایشان زوجه شاه

پسر کلاهی شاه امیر علی داماد شاه علی انچه پسروردی ازی ولد شد و پسر
 شانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی هم خودی ولد شد و پسر دومی شاه
 فضل علی شاه واکر علی داماد قتل خود شاه عاشوری یک پسر
 بیخان شاه ابوتاب داماد هم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجه الدین
 انش امیر علی موسی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
 پنج دختر انشان یک دختر و ده شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی دو دختر
 وجه شاه ابوتاب یکی جد دیگری یک دختر و وجه شاه براتی و یک دختر هم
 علی محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان
 شاه محمد بنغردا و غور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین و پسر
 و یک دختر ایشان ارداس ایشان خان اهدا دست آبا و دمی پسر شاه
 اراوت حسین داماد شاه جان علی شیخوردی یک دختر ایشان وجه
 ازمی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم ذی ولد پسر سومی شاه
 امیر علی و پسر شاه غلام حسین شملوی و پسر ایشان یکی شاه وزیر جا
 و یکی شاه بنو جان پرد و ذی اولاد اند موسی پسر چهارمی شاه فضل
 شاه شرافت علی شادی اول دست خیمه سلطان از دختر راجه محمد علی ازان راجه
 یک دختر و وجه شیخ ولایت حسین یک پسرشان محمد حسن لا اول شادی ثانی
 بیخان از دختر شاه ملا سجاده نشین گردید از مساه مراد ن یک پسر و

ابن قطب علی ابن شاه مصطفیٰ ولی

ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین
 ابن شاه علیم الدین بزرگ عزت شاه بیک و واضح باد شاه حسام الدین
 و دو فرزند نام یکی شاه بدلی و نام دومی شاه بولا یک پسر ایشان شاهر
 و حیدر الدین و سه خواهر ایشان جابجا منسوب و شاه بدل را چند دختر
 از بخت یک دختر و وجه بود از راه شان شاه و حیدر الدین ایشان را یک پسر
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از آن دو وجه شاه علی بخش بود بنشان
 پسر شاه تراب علی و پسر شاه امیر علی شاه و وجه الدین عزت شاه و جابجا
 شادی ایشان در شهنشاه و شد از خواهر شاه علی را محمد شاهی شاه و وجه الدین در
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عزت شاه فیضاً و چند خواهر آن ایشان که
 زوجه شاه تراب علی نگور مادر محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانی پدر محمد حسن
 سومی زوجه قاضی مبارک علی بد ز قاضی سلامت علی وزیر شاه فرزند علی و
 یک پسر شاه الطاف حسین ایشان نیز یک پسر و چند دختر و پسر شاه فرزند علی
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسران ایشان و دومی زوجه
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
 زوجه میر ابن حسین چاری منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی ملا ولد شد از پسر
 اولاد بود شاه بدل و شاه بولا است

محمد و هم پیش فطرس و افی یک و نظر ایشان زوجه عثایت حسین خان
 یک پسر ایشان میرشارت حسن خان آلا شاه واحد علی بسبب رقابت
 صاحبان شیخپوره و حسین آباد تبدیل مذہب کرده بودند آخر عمر در سمرقند
 شریعت نمود و صاحب زادای ریج و زیارت مدین طیبہ و حالت طالت از مذہب
 شیعه برداشت این خاکسار توبہ نمود و در آنجا تدفین شدند و رحمت العالی
 بجوارید ناعبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ القصد یک پسر ایشان
 شاه علی ارشد که از خیرا بر شاه جمال ملی بلخی که خدا یک پسر ایشان شاه
 علی منظر شیخپوره سکونت و در نزدی اولاد هستند

شماره ششم در بیان اولاد شاه سیاهی علی ابن شاه مصطفی از نام
 ایشان محله مشهور مصطفی

بایستینید پسر شاه سیاهی علی ابن شاه مصطفی مذکور یکی شاه رکن الدین الاولاد
 و دومی شاه غراند اسوی شاه تاج الدین الا اولاد و خترے شاه رکن الدین
 اند سکونت در بار بست و پسر شاه غراند اسوی شاه ریم پیش بودند اولاد و خترے
 ایشان نیز اند اولاد شاه تاج الدین را بودند پسر حیار یکی شاه صادق علی و یکی
 شاه خیر اند اسوی شاه اصل محمد چارسی شاه بخش الدی کیفیت اولادشان
 بعدین بیافت نشد که میباشند انرا در کتاب تصنیف شاه محمد ششم
 شماره هفتم در بیان اولاد شاه مسام الدین برادر شاه نظام الدین

واضح باد شاه وجه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار
 شد از جانب باد شاه عصر عاش شد حصول صیغایه و التمه و نیاز و بجا آمدن
 گویا بتکلفت تمام امارت میکردند انصاف شاه وجه الدین را در زوجه
 بودند در کفایت از هر دو چهار پسر شدند و علاوه اینجا چند زوجه بودند از بطین هر
 زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا بقرب ثانی شدند بیک کار و تفصیل دار
 باید شتید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطین بودند شاه
 علاء الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین ابن هر دو برادر از یک
 بطین بودند حاصل چهار بزرگ و شفق المراج شده سجادگی برادر کلانی شاه
 محمد بزرگ را دادند و تقسیم صرف حاش سعادت چهار سرکار بخت هم و هم
 اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند بخدا
 ماهواری نمی دادند و بمیه بدی شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاد نشین
 شدند گویند و در پسر شاه محمد بزرگ بودند یک پسر نام شهنشاه دیگری را شاه
 رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد
 و ایشان سجاد نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد
 بعد اتمام ایشان شاه بدیع الدین برادر چاری شده بمشاهده نشین
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاد نشین کیفیت
 بعد ازین خواهد نوشت

شجره در بیان اولاد شاه عبدالسلام ابن شاه علی ابن شاه
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اندک محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است
الغرض شاه عبدالسلام مادر و فرزند تربیه بلنه یکی فکی الدین دویسی مشاه
دویسی الدین چهار پسر ایشان یکی شاه احمد بخش و دویسی شاه ادب بخش سومی شاه کام
چهارمی شاه غلام فردوس اینده در ریانت نشد کیفیت اولاد ایشان آلا
شاه محمد دل پسر شاه غلام فردوس بودند

شماره اول شجره اولی

شاه فکی الدین را یک فرزند تربیه بلنه شاه و همه الدین که بعد بزرگوار
سجاد نخستین شد نماز محل اولی بودند که بعد بلیل است بعد بیان دیگر پسران
تخریر خوانند خود آلا از محل ثانیه و دیگر یکی شاه غیاث علی دویسی شاه
فیض علی الغرض شاه حبیب الله نقیب محمد دوم ثانی خلف شاه غیاث
بودند پسر ایشان ششم همان بودند پسر ایشان شاد احمد علی زین بعد حکومت
آلا پسر شاه فیض علی شاه قبالض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی
و دیگر ایشان دویسی شاه غیاث علی تخریر ایشان

شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه و همه الدین

شماره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را و در وجه بود در آقوان کفویت
 یکی بی بی بختن که از بطن ایشان اولاد نشد و وی و الدی بی بی میرزا
 که از شاه احمد علی خواهر زاده شاه مظفر حسین که خدا شد یک پسر
 ایشان شاه محمد حسین که از مسافه وحید النساء و حلالی شاه ولی الله
 که خدا شد اولاد نشد و الا سرد خان شاه احمد علی مرحوم یک مسافه خیا
 عرفت محسن زوجه میر حسین بخش کورجی و دختر ایشان شد یک زوجه میرزا
 دوی زوجه میرزا علی پسر و دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه
 اطر حسین که زب سجاده جدا دری شد و نگه خدائی ایشان از دست
 میر اسماعیل علی ساکن بکله بکله شد و اولاد نشد و دختر دوی شاه
 احمد علی زوجه میرزا سید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی
 میر سعادت علی از خواهر خالائی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم
 دختر سومی شاه احمد علی از میر کریمت حسین ابن میر سید حاج حسین
 نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یک
 زوجه سید مهدی حسن ذوی اولاد اند و وی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید
 سعادت علی شیخپوری و دختران یک پسر سید حسین افضل بهمن ذوی اولاد
 هستند منسوب بابجا

شمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولاد ثان
 اولیک علی که نام بود علی بن مظاہر دو پسر شاه غلام محمد و شاه غلام
 شاه غلام محمد و اولاد شدند کیفیت اولادشان بعد ازین یادگار
 چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یک شاه حامد
 و دومی شاه محمود و از محل خاس دو پسر یک شاه سرور و دومی شاه مقدر
 و از دویست و شصت و شش نیز دو پسر شدند یک شاه غلام رسول و دومی شاه محمد ششم
 ازینها دو و دو برادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد بیاض پنجه اولاد شاه حامد
 شد و شاه محمود لا ولد شمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی و ثان را
 سه دختران یکی والده شاه سخاوت حسین و دومی روحیه و سومی
 و دو و شصت و شش شاه سخاوت حسین و سومی را نیز یک دختر شد و دومی
 فرزند شاه حامد شاه محمد و شصت و شش متخلص و انی ذکر ایشان را
 شمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه هاشم لا ولد ذکر شد و شصت
 این شاه و احمد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول این شاه
 وجه الدین مذکور و بعد از شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
 عباس علی عرف شاه حسین و دومی شاه احمد علی سومی را نام بود و چهار
 پادشاه اید علی اند و شاه سرور و شاه مقدر هر دو برادر او بودند
 که بیان کنم

الا ذکر اولاد پیری حضرت مخدوم بابر و انست خلف الرسید و سجاد و شین محمد
 بابر عالم قدس سره حضرت سید شاه سلطان بود و نام اولاد مخدوم سید
 سلطان نشد الا یکی از فرزندان برادر را بنفردی گرفته کردند جانشین معرفت
 بمخدوم احمد بزی سید احمد بزی بگن معرفت پسر ایشان شاه محمد عرف بگن
 بعد این بزرگوار بیعت این سلسله را بدید و خلفا را نامدالا بیعت و خانان
 فرزندان مانند یکی از اولاد ایشان حضرت شاه محمد بنده سطر شاه عبدالعزیز شاه محمد عوض
 بنونیزه ایشان شاه محمد فیاض را بدی نسب و سلسله ساکن محله سوده
 منتملات بهار یک پسر ایشان دود دختر نام پسر یا دیمیت الا و اما دستان
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شمس نسب اندالا دختر کلاسه حضرت شاه محمد
 زوجه حضرت شاه ولی السرد بزرگوار حضرت شاه امیر الدین فردوسی دخترانی
 شاه بهادر علی شمس شیخ پوری دود دختر ایشان یک زوجه شاه محمد علی
 که برادر زاده نیز خسر خود اند شاه محمد علی مرحوم چند دختران دود پسر که
 شاه بهجو که بلا محبت پیدا شدند ازین خاکسار بسیار فوجوان و فتنه بگن
 ثانی شاه عبدالعلی و اما دود سطر جناب شاه امیر الدین فردوسی سجاد
 و یک دختر شاه صاحب مرحوم زوجه حکیم رشید علی که خواهر زاده نیز اند که
 دومی زوجه مولوی تصدق حسین ساکن گنگو سدر و فرزندان ایشان
 شاه و غلط الدین و دومی مولوی علیم الدین بابائی کیفیت دریافت نیست ثانی

شمره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی السعاده نشین حضرت مخدوم الملک

احمد شمره حضرت سید شاه ولی السعاده مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمود
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند انداز
چهارم کثوت فقر شاه ولی السعاده نایش بود بتکلفات کرد و در گوشه
کلاه دیاس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیت ایشانرا
از یک از اعلام خود شاه رحمة السعاده دوسی بیت ایشان از حضرت
شاه نجیب الله دوسی پهلوار دوی و کس باطن و تربیت از حضرت
مولوی سید حسن رضا سیدی را سه پور دوی الحاصل که خدائی حضرت
شاه ولی السعاده در شهاب محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم الدین
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند سخلات حضرت بهار و دیگر اقران
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند *

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم قرار در بهار است
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست
بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر
میر سید احمد که هزار شان بموضع ندره مشهور و فرزند سید محمد قدس سره بموضع
معا فاکت اولاد سید محمد بی بی ابدال زمین بیشتر زخمت شد حاجت که شمره

نوروزان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

تجربه نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجه الدین ابن شاه ذکی الدین
 واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برابر بودند این شاه وجه الدین
 کتخدا هر دو برادر یکجا گردیدند از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
 سهروردی زیدی نسب بودند و وجه شاه غلام حیدر را نام سماء باجو
 و زوجه شاه غلام بدر نام سماء نجیبی اعرفت تا جرات سید شاه غلام حیدر
 اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند زوجه پسر و دختر ماه باجو پرورش
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره درسی اولاد سید فضل احمد
 بودند که خدا شد ندیک دختر سیدی بی و هموسن زوجه شافق علی عرفت
 شاه بهوڑه یک دختر ایشان سماء لطیفه زوجه شاه علی بخش ابن شاه
 محمد و اصل زوی اولاد شده به اولاد شده بکه سخته رحلت کردند و نام پسر
 سید خیر الدین حسین که در مقام متهم البغز و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت
 کردند و اولاد و نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت
 البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید
 از سماء مسحا و دختر بی صحیح شاه محمد و اصل را از لطین ابن زوجه شمش

دختر شاه بهادر علی جلایه از سمت زوجیه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره
 که از دختر خاله که خدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را و وقت
 رتبه بلند و سنده دختر از جمله یکی زوجیه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پس
 شاه حسین علی یک دختر ایشان زوجیه خدا علی خان و دختر ثانی زوجیه
 شاه عبدالحی که دختر ایشان زوجیه سید عبد اللطیف خلع موسوی کبیر الدین
 آینده معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر بن شاه ولایت علی کنه
 هستند و دو پسری یک دختر ایشان موجود اند و پسری که جناب حضرت
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند و زوج چهارم هر یک ذی ولد و
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد بن شاه شرافت علی کنه
 شدند و اولادند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی مسماه و حیدر
 زوجیه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی اولاد ثانی بی بی مراد النساء زوجیه
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت
 شاه امیرالدین بهادر پسر از محل دیگر اند که رحلت نمود و محمد اسمعیل نام ثانی
 محمد ولی است و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر می
 شاه بنده علی دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال
 دیگر در ایقت نشد الا شادی شاه بنده علی بوضع پیراژی از خواهر شیخ
 فضل حسین دو پسر ایشان شدند که شاه عبدالحی و دومی اولاد علی

دو پسر شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاه طغی علی
 مرحوم شاه محمد مقبول ذی اولاد استند بمسماة ذاکره و دختر شاه محمد و اول
 ابن شاه غلام بدر رسیده اند یک سید عابد حسین چهارده سالگی و
 دو دیگر واحد حسین و سیوم برادر کنام یا ونیست با علم طفولیت و ملت
 کردند آلا دختر کلان مسماة حیات النساء زوج سید رضا علی ابن
 میر دوست علی یک پسر ایشان سید رضا علی که از دختر عم خود و خود که خدا
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و دختر منسوب است از ذواب نفع علی
 و یک خواهر سید رضا علی زوج سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دو دختر
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوج شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی
 و خواهر سوم زوج سید وحید الدین ذی اولاد اند چارمی بصغر سن
 نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمة بخش عورت بخش از زوج شاه امیر
 یک پسر و سه دختر ایشان و دختر سوم مسماة براتن النساء زوج شاه علی
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و هم یک پسر ایشان سید بیابان
 علیجان رحلت کردند و نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند باند
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کلسوم خواهر خالا
 شدند منسوب چند اولاد شد الا یک پسر تحلی حسین نام موجود
 و یک دختر شیر فاطمة زوج سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر و یک دختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی محرم و مسماة
 ذاکره زوج شاه انور علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان
 پسر کلانی حضرت شاه محمد و اصل شاه که سیم بخش عرف چوپا که خدا
 ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکی از فرزندان حضرت سید محمد
 سرور دی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه
 غلام مخدوم بود بی بی اطمینان بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه
 اعظمی که از دختر عمه خود مسماة ذاکره و دختر شاه محمد و اصل زوج
 شاه انور علی که خدا شد عذری اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد و اصل
 شاه علی بخش زوج مسماة لطیفه یک دختر و یک پسر شد نام پسر ایشان
 نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النساء زوج میر محمد
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بی اولاد بودند و پسر
 سوم شاه اشرف علی که خدا فی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماة
 بی بی مریم اولاد و نام پاری پسر شاه قاضی بخش شادی ایشان یک
 خور و نخلات بهار شد از مسماة عبده لاله و در ملت کرد و پنج بی بی شاه ثرا علی
 ذی اولاد شده لاله رفتند ششمی پسر شاه محمد و اصل شاه لطف علی
 که در ایام جوانی عده هجده جلیل کردند حصول که خدا شد بموضع باره
 از دختر میر سید محمد از مسماة کبیر النساء یک دختر مسماة مقیما النساء

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پوزیر سید قاب مقابله نیارود
 فرار وزیر بسوسه جنگاله محله کرده سلطنت حسین شاه بادشاه گرفت
 حسین شاه بادشاه جنگاله با خود با تا پسند دیده صورت جنگ جلال
 و بندگان خدا را قتال قصد ترک سلطنت کرده قصد سیاحت نمود
 و سلطان اکبر بادشاه بر سپرداود شاه رحم آورده ظلم بر عفو جزا نم کشیده
 تاج بخشی نمود و مینه خراج که سابق نبود مسعود شاه ابن داود شاه
 بجای پوزیر تخت نشین ماند و حسین شاه سیاحت کرده در صحرا
 ضلع تربت جاسه عزت نشین شد و مشغول بعبادت الهی مدتی
 برین سپری شد آن صحرا نیست علاقه منظر بود پر نامست حال اشتر
 ره بود و درگاه آخر هجوم خلایق پیدا شد و کیفیت و کرامات در شاه
 حسین بادشاه هویدا شد خلق الله متعقد شدند و نوشتند اندوختن گردیدگی
 خلق چون ناپسند افتاد بر سر خود سید علی ابدال را جانشین سجاده خیز
 کرده از ششم خلایق نمایان شدند حاصل سید علی ابدال در اینجا بعد از
 دریافت بطریق اسلاف پیدا کرد و کسب و کمال تا مدت پهل سال
 بعد متاهل شدند که خدای عز و جل حضرت محمد و شاه و انبیاء که یک از اولاد
 حضرت محمد و محمد تاج فقیه اند گردید یعنی در اولاد محمد و شاه حسین
 و هوکروش که واقع فرار این بر رک است در پوزیر این زلی بے

پسر سرت عطا نظام الدین باقی شد خواهر آن شاه وزیر علی مرعوم
 از آنجمله کلائی روجه اولی میر سید حسین و اما پوری برادر عمزداد
 خالاقی ابن خاکسار نام بود بی بی محذورمه بعد شادی چند سال
 حیات ماند مآخرا ولد از آنجانب رفتند و دختر ثانی شاه امیر علی
 مرحوم روجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی
 جناب شاه صاحب مدوح سماء و افن روجه سید شیعیان حسین
 ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة با ایشان رود دختر که هنوز ناکته ازداد
 پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

نوی ولد پانصد و اضع باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین
 ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامه تا بالا
 معلوم نشد از تحریر مقهر نامه چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر و افع
 کیفیت کلیه مینویسدی آرند در تحریر که چون نسب شاه بادشاه بنگاله
 وفات یافت پسر ضعیفی نداشت امر ایان و ندایان حسب وصیت
 بادشاه نوامسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را
 تحت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هرگاه جلالت الدین اکبر
 بادشاه از تخت گاه دہلی مسفت نمود و بمبوی دیار شرقی بهر حکمرانی

نام بود بی کریمه اولاد نام هرگاه بی بی قطیفه بی اولاد ازین جهان
 بی بی قطیفه عرت بی بی کمانی داماد خود سید و جبه الدین عرت بولن را
 شل پس خود دانستند برابادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی کریمه
 دختر سید محمد ولی ابن سید جبارگیر و نا پوری بودند از بطن ابن زید
 میر سید محمد حسن متولد شدند و اسم سید محمد ولی چون بجز سید محمد حسن
 بی بی قطیفه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالکات قابض برتر که خود و نیز در
 ایمر واپلاور مضه خود نمودن چنانچه اولاد میر سید محمد حسن بران قابض
 و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در برهه درگاه است
 و مزار سید احمد ابدال در شهر نینه بمجله مغلیه دره با شکست است با حریره بود
 حالا مفتوح نشان هم شد که بران آباد شد قطیف اولاد نامراد و اضع باد
 دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد
 محذوم شاه صفی که خدا شد مد از بطن ابن بی بی یک پس متولد شد سید هدایت
 شادی ایشان از دختر سید قطیف از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
 رتبه بلند سید احمد گیر شدند ایشان بر علیه اسلاف تجردی کرده اقتدار
 در عبادت پروردگار مشغول شدند الا خواهر سید هدایت الدین سید مسعود
 بی بی عابدیه از میر سید حسن زیدی منسوب شد یعنی بی بی عابدیه
 و اولاد میر سید و جبه الدین عرت سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

کمال کا گوی و مزار خندم شاه و انیال است در موضع تاجور بزرگ
 حال آنجا سے ہم زیارت گاہ است بمائندلی محض و بدنام و خرقہ خندم
 شاه و انیال از بطن آن بی بی نوزدے بوجہ آمدندی جاہ و بی بی
 سیدی خندوم سید احمد ابدال با کمال از شاہیر شایخین صاحب کرامت
 و حال کنڈلی ایشان از سماء مریم دختر سیر و خندوم محمد بی بی صغریٰ صغریٰ
 کہ خندوم شاه مصطفیٰ عم آن بی بی بودند و حصول از بطن شریفہ این بی بی
 سید نوزد تہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سیدی بی بی نام سوم
 سید قلب کیفیت زریٹ و پرادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ در
 صحاہرت وقع شہزادایان مزار فایض الانوار آن ہر وقع است بہر وہ در گاہ
 کہ پر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دوبار از دو دختر
 سیر سید عبدالرسل قادری و نا پوری کہ امام میر سید قاضی عہد الدین
 ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید ثری کہ خدا شدند نام آن
 ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسہ بی بی ابدال اقصہ
 از ہر دو دختران میر سید عبدالرسل میر سید قطب را دو دختر نام یکے
 بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عہد الدین بودند یک دختر شد از ان نام
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی

ابن شاه احسان الله مدوح که خدا شکر از بطین ابن بی بی دو پسر یکی
 سید شاه محمد باقر شاهی ادلی از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شداران
 بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین توابعی
 گردید چهار پسر یکی سید شاه محمود که لوجان وقتند از نهمین دوسه
 سید محمد محمود سومی سید مقصود چاری سید محمود مدوح اهل دیالیم
 اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسماعیل کر شاهی
 از خواهر دیوان سلاطینش رئیس شهر کردن یک پسر ایشان سید علی حسن نام
 از دختر مولوی سید شرف علی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن از
 پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه
 تیمم الله کا کوی شد لا غلط از شیر سید شرف علی سید شاه یحیی علی که از دختر
 شاه خسار الحق توابعی منسوب شد تمام ان بی بی محذره بوده آنحضرت را
 رد پسر دوسه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد که از شیخ شام حسین شد که خدا
 اولاد رفت دومی از شاه منظر الحق سومی از شاه غفر الحق منسوب شد
 دومی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی که مذوب صفت بودند اولاد است
 الا پسر کلان مولوی سید شاه اشرف علی کاشف روز غنی و جلی
 که خدا شکر از دختر حسین بخش کوه جوی اولاد شد دختران و پسران پسر
 کلان سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرج علی که خدا شکر یک دختر

ملک و قابض بر کل مملکت و حاکم و غیره شد و این میر سید و جلالین
 عزت سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میر سید محمد حسن از بی بی اقیلا
 عزت بی بی بچلود تمخرجه آخر حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره و ناچار
 شد که جدا سجد این خاکسار را قلم تحریر بود و چهار پیر میر سید محمد حسن شدند
 یکی میر مظفر علی دومی میر غفر علی که امام حضرت سید شاه ولی الله ابن
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی شیده بود و دعوی بود حسن لا ولد
 رفتند از عالم هر دوی حسین علی نوجوان رفتند از جهان چاهی میر
 قطب علی که از دختر میر سید ملک که خدا شدند یک دختر شدند موسوم بی بی
 و احسن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان که خدا شد و محمد حسن خان
 موسوم میر یحیی صاحب بودند پیر محمد حسن مهدی علی خان پیر ایشانی ^{شاه} علی
 الا شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت
 آن بزرگ بچه چاند پور و یکی از شمولات حضرت بهار که از فرزندان حضرت
 سید فرید و یکه پیش بودند از بطن این بی بی صنفه و دختر و یک پسر که حضرت
 نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شدند که یکی
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بیدی بودند ساکن چکنه رگه ضلع نرس بود
 نام فرزند ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریت ایشان دریافت
 الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

غازی شد آخر به کید کفار شدند شهید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
 سید زین العابدین از نجابر خاصه که طاهر کشته جانب شمال رفتند که در غارت
 جانے پسند کرده بر وضع بمبوم اثر ریخته مکیر ضلع تربت مشغول به کشت
 و شغل کشاکشی فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بود و از خلف ایشان
 میر سید اموال فتح پسر ایشان میر سید عالم ابنه قاضی میر عبد الفتاح
 از دربار شاهی منصب قضا بر گشته پهلواری کرده حصول مع اهل و عیال
 از مقام آمده بنوع وانا پور بر گشته پهلواری ضلع پٹنہ اقامت نمودند
 شادی قاضی بڑے در وطن خود و در اقران شده بود و نیز شادی پسر ایشان
 میر سید عماد الدین در اینجا شده بود که بعد از او صاحب منصب و ادا
 وانا پور بحال مانده و الا یک دختر بود قاضی سید بڑے مساله جمیع النساء که
 شان منظور بود و در شتر قمار و انچه از میر سید جهان ابن میر سید قطب
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جهان ممدوح مع کبیت اولاد و آخر
 بتصریح خواهر کاشت درین اوراق ذکر فرزند ابن پسر قاضی عبد الفتاح

عرف قاضی بڑے هست

شجره اولاد رضویان ساکن دانا پور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد از انتقال والد
 امجد خود سر رشته قضا بست سال مانده محمد باد شاه نور الدین جاناگیر وانا پور

و دو پسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن
 میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحمید که خدا
 پر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان
 یک از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین
 ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کرد
 میر مظفر علی دو پسر و یک دختر بود اما در همه که عقد خدا داد و نام نام
 پسر کلان شاه هدایت حسین و دختر خیراتی و شادی کردند اولاد نشد
 ثانی سید عالم علی عربن براتی از دختر شاه سلامت علی و دومی شادی کرد و قبل
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اما حاصل فایض و تصرف بر کل ملک
 سید مظفر علی و غیره اولاد دید شاه یحیی علی قدس سره اندیشی شاه
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قسام

بدرگاه رهبر دارم ان درگاه رمارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبدالفتاح عرفه قاضی ششده

و اما پوری بیان بر چند

باید دانست که میر سید علی شیر جانی میری ابن میر سید علی کبر حاجیر بی سیادت
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادت رضوی از قاضی
 حاجیر بمحضرت سیار آمده در مکه مکرمه اقامت نمودند وقت غزای کفار

عماد الدین بودند کیفیت عزیزه ان ایشان طویل ست آئیده تخریر خواشد
 الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل ست الا پسر ثانی قاضی
 سید ابو الفتح که بعد والد ناجد بنصب قضا نامد چند سال شادی ایشان
 از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد بنی کورجوی گردید بخت میرسد
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد رقت رحلت منقبضا
 و ترک ائمه خود بیکه از برادرزاده میر سید عبد القدر دادند هنوز آن ترک
 و فرزند ان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء
 فاضله و قمر شاه عبد السلام داداد حضرت محمد و ملک قدس سره
 آن بی بی عمه شاه وجهه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید اکبر
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شدند بی از دختر
 عم خود چونکه بیاقت و جاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را از سوغیت
 تمام در باب سلطنت و بی ازار و آراکین بود صاحب خوش تحریر خوش
 تقریر بودند و علو همت بودند سدا قفا و در بارشاهی کردند حصول بخت
 و نیز و طیره بزرگان سلف در ذکر عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله

نام والده ایشان نور بی بی بود نام زوج ایشان بی بی اکیمه
 چهار پسر ایشان بود و دختران چنانچه یک دختر منسوب شد از خواهر زاده
 ایشان یعنی از میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که
 ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد و بمن ذکر فرزندان میر صدر جهان
 علیه الرحمه دومی دختر منسوب شدند از میر عمید عبد الرسول قادیسی
 که از بغداد شریعت بطریق سیاحت آمده بود و در آنجا پور بعدا قاسم
 ایشان در صحبت حد صورت غایت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
 بمحضرت حوث الثقلین دختر ابر حیت ایشان داد و میر سید عبد الرسول
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه و دختر قاضی سید عماد الدین الی
 سید اسحاق در عالم جوانی تا کنون در طاعت کردند باقی چهار خواهر ایشان
 و دختران سید عبد الرسول از آنجمله دو دختران یکی بعد دیگری بر ذمیت
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه
 بنگالی بادشاه دیار بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود و ذکر ذریه
 هر دو در ذریه میر سید قطب تا قبل نگاشته شد در کیفیت سید جلال الدین
 عرف سید بولن باقی دو دختر که خدا در کفایت شد عبد بی بی عطیه زوج
 میر سید جهانگیر ابن میر سید کبیر سید کلانی قاضی حماد الدین دومی بی بی
 مبینة زوج میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده خانکی

بودند گردید از طبق این بی بی یک دختر مشاهه رقیه عرفت بی بی چشتیا والدہ
 حضرت شاه مجلیسین ابن میر سید محمد باکو که جدا جدا این قصر بودند و اولاد
 و اسباط اند الا شادی ثانی حضرت میر سید محمد از بی بی فاطمه عرفت چهارون
 خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود که دید از ان بی بی اولاد
 اولاد دختر و پسر و دوم میر سید جهانگیر میر سید محمد و پسر و دختر بی بی
 یقینم دختر شاه ذکر افریدی نسب کورجی گردید یک دختر از ان بی بی
 شد سمانه نصیر از وجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
 میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از سمانه آمنه دختر عم خود میر سید
 عبدالمقتدر شد یک دختر ایشان سمانه امینم زوجه میر سید وجه الدین
 عرفت سید بولین زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت فریت
 ایشان تا قبل تحریر شد پسر و دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان
 در موضع بی بی پور شد از سمانه غنیمه عرفت رجب و دختر شاه محمد یونس یک دختر
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم وجه سید شاه اعظم عرفت سید سمانه و
 والدہ حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم که خدائی ایشان
 از بی بی رشید او دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یک دختر سمانه
 بنی زوجه میر سید شاکر ابن میر سید مظفر نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عیوض

خانمائی نرو و یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید علی این
عرفت سید فضل بود و دختر میر سید محمد یا صبر ابن محمد میر سید حسین که خدا شهادت
نام زوجه بود سماء سید ایک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمدی
میر خیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعتقاد نمایند
پسر چاری قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
در قصبه شیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت شیرین شد از سماء سکینه
بود از بطن آن بی بی یک پسر شد سیدی میر سید نجم الدین شادی ایشان
در بنی اعمام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از سماء خدیجه یک پسر ایشان
سید عبد الدین ناکه خدا طاعت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال از بی بی قطیعه عرفت گمبسی سید بنت میر سید قطب ابن سید امیر کبیر از آن
بی بی یک دختر شد نام بی بی طیفه زوجه میر سید و عبد الدین عرفت سید بولاج الان
خانم پسر سید دختر سید میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از سماء بر سیمه دختر مخدوم شاد
عبد الحمید تو بادی گردید از بطن این بی بی سید پسر و دو دختر شد سید پسر
کلانی میر سید جلال شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبد الرسول شاد
با ایشان یک دختر و سید پسر کلانی پسر سید محمد که شادی اول ایشان
از بی بی رمضان دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

اولاد ایشان نیز شاند و نام پسر کلان شاه محمد یار شاه مراد علی که از دختر شاه
 عاشری انصاری که خدا شدند دو پسر ایشان شاه داود علی که شاهی
 ایشان نیز در بار محله انصاری شد و پسر ایشان شاه ممتاز حسین العقیلی
 الا پسر دوم شاه مراد علی شاه محمد اکبر یک دختر ایشان زوجه شاه بهر حق
 ابن مولوی ظهور الحق الاولاد دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیمه شادی ایشان
 در موضع بی بی پور گردید از میر سید محمد علی که پسر خواهر میر سید تقی بی بی عالم
 بود و یک دختر این بی بی سماءه کلیمه عرت بی بی گویند زوجه قلندر علی بی بی
 شیخ ابوتراب فریدی که زوجه یک دختر پسر بایم طغلی وفات یافتند اما یک
 پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادت باقری یک دختر ایشان
 از محل املی زوجه مولوی سید شرف علی نوابی ابن سید شاه سحی علی و از
 زوجه ثانی دختر شاه احمد علی داماد شاه علیم الدین مجاهدین دو دختر و یک پسر

شاه اظهر حسین

خاتمه کتاب نسب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیاحت
 باقری در ذکر اولاد میر سید صد جهان ابن میر سید قطب الدین
 ابن سید تقی الدین عرت میر سید بو ذهی کالپوی بیان بر یک

اصل و سه فرع و چند نمره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بو ذهی از وطن به بنو

که از بی بی بتی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که خدا شدند چونکه آن بی بی بی
 کالم بودند و برادر الهی نامند و اولاد داشتند و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی
 ایشان نیز در بنی امام شد و اولاد داشتند و اولاد دختره ماند و میر سید مکارم
 پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبدالقادر شادی ایشان در مبار
 در فرزند آن حضرت بلخی گردید و بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان
 نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از مسماه محقور اگر دید و دختر موی
 محمد قاسم قاسم پوری که فرزند شاه اسماعیل برادر محمد دوم شاه عبدالحمید بودند
 یک پسر و یک دختر ایشان مسماه و حضرت زوجه شاه بدرالاسلام برادر شاه
 محمد علی کورچی اولاد داشتند و پسر بودند میر سید عالم در حد ایشان محدثان
 آمد قضا از بن خاندان شد بعد از خلائی ایشان شد از حضرت بهار بجله
 مفتیان از مسماه سکینه دختر میر سید محبوب عالم المحصول و دو دختر ایشان
 شد و مسماه اقلیمه و مسماه سلیمه و مسماه اقلیمه زوجه شیخ الدیار و شیخ محمد
 و پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان و وزیر علی ساکن
 هر گایان و دختر شاه محمد یار زوجه شاه و حد اندر چلواری نواسه حضرت
 شاه حبیب الدیک دختر ایشان زوجه موی شاه ابوتراب ابن حضرت
 نعمت الدیک پسر شد شاه عبدالکریم اولاد تا حد و نام پسر شاه و حد اندر شاه
 محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه موی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

تیار بجز فرزندان دیگر نمی خورد چون فرزندان داشتند فرزندان برادر را گفتند
 فرزندان نیاز تو شده سبب دانا می خورد حتی که نواسه نیز این دختر و دختر
 می بزنند با حقیا تمام زوجه فرزندان می بزنند سبب و دانا نمی بینند خدا داد
 چه اسرار است بین گفتار هزار مرد و برادر و خواهر و اقارب هست در کس
 کجور کثرت کجوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
 مراد حاجی پور پائین هزار مرد بزرگوار و فرزند نمایند مطابق کلام حدیث
 اینست تحت الاقدام امماکم چنانچه وصیت فرمود آن تمیل نمودند چنانچه
 هزار حضرت میر سید تقی الدین سید بودی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است
 و باین مرقد میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بیک نیز زیارت
 کرده ام جاس بر فرازی هست اهل حاجت را می شود حاجت برآر حاصل
 چندست سکونت و عظیم آباد ماند حال دانا پور که یک کیفیت سکونت گشته
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع یکیشیت هر یک سیر

واضح ابو میر سید صدر جهان از طبع بی بی مجیه و زوجه ایشان سه پسر شد
 کلان میر سید محمد سبب شادی اولادشان مقیم در نوآباد کلاں پسر
 ثانی میر سید اولیا فرزندان این بزرگ نسب مصاهره مقیم دانا پور
 پسر سوم میر سید عبدالواحد ذریعت ایشان سیاحت قدیم آبا ابائی شهرت

رنتم به ملاقات او پدر او میراجا و حسین بمن گفتند برادر پدر تو بهستم از بی
 احسان این گفت آمد به حضرت والد اجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
 سید عالم هستند چرا که دنیا پوری اند و در موقع دنیا پوری و جبر در آن میرسید عالم
 هستند بدین وجه نسب برادری کردند و بیان و نیز از میراجا و علی ساکن حرویه
 ملاقات بدین نسب تشیعیه داشتند خود را از اولاد میرسید پودهی میگفتند از فرزندان
 میر قاسم و میر و انتم القصم چون جناب حضرت میرسید قطب الدین در شهر نشسته
 شدند به تقسیم شغل بود شیوه میری و مریدی طور خاندان قدیم به توبست میرسید
 صدر جهان در خاندان شرفا جایا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبد الفتاح
 عزت قاضی بدمی در دانا پور منصب قضا پرگنه پهلوانی بود و ندا قاضی
 انسیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند و عند اولاد
 از جانبین شده قبول کتختانی میرسید صدر جهان از بی بی محبت دختر قاضی
 سید بزمی هند الا اقامت میرسید صدر جهان در خانه آبائی مانده و در باب
 شاهی و بی حده جلیل کردند حصول خطاب امیر الامرا سیه پسر ثانی میر
 سید قطب الدین بود حضرت شاه پهلوان برگزیده خدا و رسول مقبول
 اهل کمال حضور یافتند و نیز خواهرشان ولیه کالمیلی بی انور دعوی بی
 چلندھی انهم شادی نکردند قبول فاتحه هر دو برادر خواهر و در خاندان
 در شب برات بطور تشریف می شود مانده و شکر دروغن صلوا بغیر آب میسازند

مع اهل و عیال غم شهر نشسته عظیم آباد نمودند و برادر متوسط خود را مجبور شدند
 همراه آوردند و میر سید حامد در آن کجیت میلان حواله کردند تا نکشاند شد با پنجاب
 تو بطمع وزارت از و میخواهی مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت
 تو را فسخ گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خداوند که تو ننگ خانان
 شدی القصد را انجامع اهل عیال عبور گنگ شدند جاسه مجبور کرده
 بیرون شهر تکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند پنجاب حضرت
 جد الامجد و شما سے آباد و در قریب گوگیر بیان حال اندر شهر داخل است
 قریب کچوری کلی محاکمه مجبور کردند و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر
 جهان شد که از و دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد
 ان منصب و دخترش نیز میر و اولاد آن بزرگ مذہب را فسخ دارند و
 مصاهرت در میان افغان و خول جاریست با ستاع آمده بعد چند وقت
 بین اولاد میر و برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مرا بہت
 یارات در دریا شدند غرق بچہ متنع مصاهرت شد این برادر فراقی
 شادی نسب ناسازداری بعبور گنگ نیز نمی سود این میر فقیرست بیقراری
 روزی عند الملاقات میر برادر علی جمہری شیعہ مذہب گفتند کہ سن اولاد
 سید حامد این سید بودے ہستم و ہنگام قیام در قصہ چہرہ بنا بحضرت
 والد ماجد از شخص نرین فقیر رابطہ ملاقات شد پیدا ادا و سین بود نام

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالعزیز کرمانی انصاری که
 هنوز در آنجا منزلت افاضت است بمقام خشک شکره شادی نمودند و اولاد
 شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جدا مجد در ایام سیاحت
 از اولادشان نمودند ملاقات و کردند و اوراک کفایت نسبی بیان کردند
 با هم سید باقری از فرزندان سید بوذهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
 بوذهی واضح باد میر سید قطب الدین را و دلیس و یک دختر و نیز برادرش و
 مادر همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدای بخانه بشر فار
 ایجا میر سید صدر جهان پسر کلانی منقور کردید مسعود بن خبر شنید
 نزد آنجناب فرستاد پیام بر مصاهرت از دختر خود که بود جمیل و عقیده نجیب
 حاصل نمودند و جواب هیچ نفرمودند بار دوم بذریع نامه شد خواستگار چهارم
 نوشته فرستادند بدو کلمه بلا قصد از این بادشاه دین پناه تو بادشاهی مشرف
 سلاطین از به اولاد افغانه و مغول و این فقیر حقیر خلاصه و ریت از
 سیادات است و میر بفرقه شهادت میر بریدی بچلو باشد قبول حاصل مصاهرت
 قرین نمی زبند مسعود شاه مضمون نامه دید و چین چین کسید و گردید طول
 جواب نوشت مختصر از سید طول اگر از من مصاهرت نمی زبند بزرگجناب
 میباید وزارت نیز نمی زبند خط دیده رک غمی خوش کرد و فوراً ترک وزارت
 کردند و عطیه و ک بود و عوجه معاش برورد کردند و آنجا برجا خاطر گشته

بهر کفایت بهر معانی می نگارند چون تشریف ^{افزودند} آید آنحضرت زوجه بودند و سید پسر
 یکم میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دحضرم بی بی بنت
 و دختر میر سید عبدالحی این میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت
 سید نفی الدین سید بودی بی بی خدیجه بود و عورت بی بی پهلوان چنانچه وضع
 پهلوان پهلوان نذر بهر معانی بی بی صاحبه نموده بود و می پسر میر سید علی نوجوان
 القصد بعد چندی داود شاه یافت و هر دو معنای دیده و منصب وزارت به حضرت
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بهر صورت انجناب نذر
 از حال موضع چیر سوم شد بنام قطب پور چیر گاه جلال الدین که بر شاه
 نهفت از دلمی نمود بهر ملک گیری و بار شرقی داود شاه خبر آید با شاه
 اکبر شنیده و در خود تاب مقابله ندیده و سوار بار شرقی کرد و فرار در آنجا رفته و سلطنت
 حسین شاه با شاه بنگانه سلطنت آن تاب مقابله نیامده و مال هر دو بران
 جان و شمشیر زنی شود و بر باد خون ناحق بر سرین افتد با فساد ترک سلطنت کرد
 و حاکمین شد و عزت چون بمقام حاجی لاجلال الدین اکبر شاه رسید داود شاه
 را ندید گفت فراوشنید پسر داود شاه به حضور باد شاه دست بسته بعد خواهی رسید
 باد شاه قلم حضور بر دم کشید خراج بر دقت نمود و تاج بخشی کرده روانه سوی دلمی شد
 مسعود شاه بفرار بال سلطنت نمود و مقول است همراه لشکر داود شاه میر سید
 پسر سوم میر سید بودی نیز با انصوب روانه شد ندید که والد جد کرده بودند

استماع است از حضرت جلال مجد دین طور که مستمع شدند از ابا اجداد خود هرگاه
 داود شاه باو شاه ابن محمود شاه باو شاه کالپی که از مریدان اینان بدان بود
 از وطن خود آمده سلطنت و یار شرقی گرفت و مقام جامی پور عبود گنگ شهر نشین
 تحت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عرض نموده به پیرزادگان
 نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورت بستم سلطنت از شما را نخواهم
 اگر نیز بخواه که صاحبزادگان لشکر آرمیده بخوار بردستان عالی تبار بیت
 نمایم و اگر مع اهل لشکر آرمند نذر نمایم بد معافی و بیات بهر اوقات و غیره
 منقول است هرگاه بدینطور نامه شاهی شهر کالپی بجمعه محمود و نوره رسید
 با خود ناوارا خلیل اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد
 کالپی شوره گردید بدین معنی که در بختا پور ز پیری مریدی سلسله ابائی جاریست
 و ایامه دندورگاه بهر مرد معاش از عطیه سلطانی موجود است بهر کفایت حاجت
 رفتن بدینصوب مناسبست که برویم و این را ترک نمایم اگر چنین است دعا هست
 داود شاه باو شاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودی در اینجا بود
 چه که هم از بای اند معذرت بسیار عیال دار و نفس ایشان پر ضرر و مشو کلاه
 اوقات پاسه شکسته بنشین چون صلاح اخوان چنین شد بمحصل جناب حضرت
 میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند
 بمقام جامی پور و از شاه تکویم نمود و بیت کرد بمحصل و معین نمود و بیات

شدند اول کیفیت دختران بعد و ذکر آن که طویل است یک دختر نام بود
 بی بی فاطمه عرفت بی بی جهان نون زوجه میر سید محمد ابن میر سید جهانگیر
 و آن پوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر در نو باده شد
 مقیم و وی بی بی کریمه از شیخ امان الله که خدا شدند سه پسر ایشان یک
 شیخ عظمت الله و می شیخ احمد الله و می شیخ عزت الله از پنجمه شیخ احمد الله
 لا ولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان مخدوم شاه معنی
 صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قاکم بود
 بوده است یک دختر میر شیخ امان الله بودند سماء حیاتن در اتران کفر
 شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا
 شادی اول شیخ عزت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ اسماعیل الله
 مولوی محمد قانم قانم پوری شده بود که از یک بنده گان مخدوم شاه عبد المجید
 نو بادی بودند از بطن این زوجه یک پسر سسی پسر شیخ الله یار که از دختر
 میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی و آن پوری شد شادی
 از بطن آن بی بی سماء اقلینا شیخ محمد یار پسر شد بعد الله شاه مراد علی و
 شمس الحق کیفیت تصریح بالا و این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الله
 از بی بی ابدال دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن
 آن بی بی یک دختر بی بی طیمه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد و آن پوری

نامند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میرسید محمد پسر کلانی در نواداده خود گردید و در اولاد
حضرت خوند شیخ گردید و در بنی حمام حضرت محمد دوم شاه عبدالعزیز
نوادادی ساکن نواداده کلان از بنی بی بدیه از بنی این بی بلای پسر شد
یکی میرسید محمود و دومی میرسید عبدالرزاق سومی میرسید عبدالوهاب
چهارمی میرسید تاج الدین پنجمی میرسید نظام الدین شادی این برادر
هم چهار گردید و در اطراف جوار بکفایت شرفا رنما داران کیفیت ذریت ایشان
هر یک دریافت نشد که درین اوراق تحریری نمود الا سماع هست از بنی کلان
ذریت میرسید نظام الدین در موضع رسولپور بودند و اولاد بیضه از نظام
و اولاد بیضه برادر و پسر پور الا میفرمود شاه که رسم بخش مجذوب ساکن
تتمه از اولاد بولستان میرسید عبدالرزاق ما میرسید نظام اند سیگفتند
نسب مصابرت دیار دیار بعد پیدا شد الا کتلتی میرسید محمود و در نواداده
کلان شد از بنی بی تاجا بنت محمد دوم شاه عبدالعزیز این حضرت محمد دوم شاه
عبدالعزیز کلان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند و فرزندان هم
مشهور از آنوقت اقامت اولاد میرسید محمود و در نواداده شد چرا که دیگر اولاد
پسری مانند پادیده نیست میرسید محمود در از بنی این بی بی دو دختر و پسر

شدند و وجه شاه قمرالدین احمد ابن شاه نصیرالدین احمد عرف محمدی چون آن
فوت شد هرگاه شادی ثانی میر محمد روح از دختر مولوی نصیر الحق نمودند یک پسر
و دو دختر شدند با عالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور
دیک دختر را وجه میر الفت حسین پسر فراسه میر حسین مذکور و پسر را نام علی الحق
میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود با و رسید دختر حسین و جده سید الفت حسین
مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس دانا و حضرت شاه اولیا هست

مذکور الصدر در نجات کی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی سماءه بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شیخی

راضی با و بی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه خلی
شیعی نسب پنچپوری که خدا شد از بطن این بی بی سیم پسر و دو دختر
یکی بی بی حبیبها که از شاه عنایت حسین پنچپوری خواهر زاده شاه
فتح علی مرحوم که خدا شدند و دو دختر شدند یکی زوجه منشی سید محمد خلیل
که اولاد مانند کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان
رحیل ملک بقاشدند و می شاه امجد حسین و جو پیر جی که در عهد
نواب احمد علی خان ذوی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود
میر سید نورالدین احمد شد از سماءه هر ارون النساء چون از آن بی بی

۱۴۰۰ در شهر شادی بی بی از دختر فتح علی شیخی عابده زوجه شاه اولیا

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام کمال عزت و جاه و جلال شاهی
 اول ایشان گردید از دختر بی بی جمیعا زوجه شاه عنایت حسین که داماد
 و خواهرزاده شافق علی شمیسی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی سیم
 اولاد نشد از آن بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی محمد حسین
 خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد شد از عقد ثالث که نام
 بی بی گلاب بود یک صبیبه متولد شد حماسة و حبیباً النساء از سید شاه علی
 ابن سید شاه ولی احمد بلخی که خدا شد و چند دختران از بطین ابن عقیقه شد
 پس یکی بجایا در شرفا نموشد و فرزندان دختر بی اندک پسر نیز تولد شدند
 در عالم طغولیت فوت شد سید شاه احسان الدین و در راه رود چاه خواهر
 بودند اولاد یک خواهر بی بی که شوهر شاه نور الدین احمد عرف شاه بسالینا
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی اندکی فیت اولاد
 ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهر
 هر سه در یافت نشد الا برادر ایشان سیرزین الدین یا میر حسین الدین
 میر حسین بودند هفت میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان بر
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان صدی علی خان پسر
 مادر علی خان موجود اند و و پسر کی میرانست علی اول شادی ایشان
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر سولوی سیدان علی شده بود که دختر

ایشان را تربیت بطریق عالیۀ قادریہ از حضرت شاه نعمت اللہ قادری
 مجیدی دارالشّیخوہ نقشبندی پهلوانی و شادی ایشان نیز در قصد پهلوانی
 گردید از خواهر شاه محمد اشرف عرف اچومیان ابن سید شاه رحمت اللہ
 علیہ حضرت دومین ابن شاه بزرگ عالم ابن سید شاه احمد ابن سید شاه محبوب عالم
 ابن سید شاه غزنہ الدین ابن سید شاه حبیب الدین ابن حضرت مخدوم شاه
 خرد ابن مخدوم شاه اسمعیل ابن مخدوم شاه محمد جمال ابن سید شاه افروز
 عرف شاه سیکہ ابن مخدوم شاه حاجی ابن سید فضل الدین ابن حضرت
 شاه سم الدین غفر از تنیم آمدند که در اولاد حضرت مخدوم شاه مریم
 بودند خواهر حضرت مخدوم شهاب الدین پیر کجوت نام زوجه بود بی بی و
 که عمه محمّد لوی محمد جبهه دوی محمد یعقوب پدر لوی رضی الدین مولوی محمد بایم
 صدر اعلی بودند ایشان شاه محمد اشرف الغرض از اطن ابن بی بی یکسپرس شدند
 فوجان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر سماء مدیکه عرف مد
 زوجه منشی سید عبد العلی ابن میرزین الدین عرف جتین برادر سید احسان الدین
 مذکور الصدّالابا ابن بی بی اولاد نشد و پسرانی سید احسان الدین تربطیل
 منشی جمیل خوشنویس منشی سید محمد خلیل تربیت ظاهر از غال شد سید شاه
 شمس الدین حسین و خوشنویسی تلمیذ فراب احمد علیخان بیعت ایشان را
 بطریق عالیہ ابو العسلایہ نقشبندی از جناب حضرت سید شاه طوابع ابو الکلا

سید اکبر د پسر دو دختر وجود آمد یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک
سماته مدینه ثانی سماته زاکیه زوج شیخ حقیق الدین شیخ کنهائی ابن
شیخ ولی الدین سماته و موسی گردید نام پسران آنجناب بود سید شاکر و دی
نام سید رفعت کنهائی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد ثانی جز اولاد دختر

شماره سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمود ابن میر سید محمد
بر اندیش میر سید محمد مظفر را حضرت تبریت تعلیم از برادر اعظم بود و شادی ایشان
از بی بی رحمة دختر میر سید حامد ابن میر سید جاگیر گردید یک پسر خدا دان
بی بی سیمی سید حیدر زوجان محروا عقاب نام مذکر فرزند ان میر سید محمد ثانی
باز اعادة بینایم تبصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین
و نام دختران سماته با صره زوجه اولی حضرت سید شاه ولی الدین ابن حضرت
شاه محمد حسین دانا پوری از لطیف ابن بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
غلام منی عمر دو سال بمرد الا دختران دختر کلانی سماته با صره بی بی مجیده
از میر سید اسحاق الدین رندی نسب ساکن بانسی گیمه که خدا شد از لطیف
این بی بی یک دختر شده و پسر نام دختر بی بی مجیده که خدا از شیخ
محمد شیر انصاری بخاری که پسر روح عثمان بی بی بودند و صغر سنی بود
شد و اولاد نشد پسر کلانی میر سید اسحاق الدین سید شاه لولیا علی بیت

حاضری صحبت و محافل باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف
 بسلامت خاندانی مجاز کرده و بر سر خود سجاده نشین خود نمودند و هر که
 استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنه بعد انتقال والد ماجد در محرم
 رفته بصحبت حاجی تاتار آمدند و انجناب را طریقه تربیت و تعلیم سرسینه
 معهودیه بود و رشد ظاهر شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار
 در زمان نواب علی در خان مهابت جنگ و کمر شریف نیز لایق نو سالگی
 رسیده بود که رحلت کرد و شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی یکم
 و دختر میر سید محمد عظیم و دختر دیک پسر شد با حضرت نام دختر بی بی
 ابدال زوجه شیخ غوث الله مکره بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان
 که یک از صافه کلمه بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین دانا پوری بکن
 میر سید محمد باصر و پسر و نام بود میر سید محمد ایشان را نیز تربیت و تربیت
 از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی انبی بی حیاتن دختر این شیخ
 امان الله گردید بی اولاد شدند و پسر و چهار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد و خواهر نگاشت برادر اول

تقره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد عظیم پسر میر سید محمد

واضح باد میر سید محمد عظیم تربیت و تعلیم مغربی از برادر اعظم خود شاد
 ایشان در دانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبد القادر بن میر

این جناب حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره الا اولاد شد

شماره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شهاب و میر سید
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شهاب پسر کلانی که صاحب
کمالیات بودند و تصرف و کرامات با حضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از ائمه
و اناپور از میر سید محمد اناپوری بطریقه عالی چشتیه بود و حصول عارفانه
بودند صاحب و جود حال با کمال شادی با حضرت در اناپور شدند بی بی
متکا دختر میر سید سکارم رضوی و اناپوری از ان بی بی یک دختر شایسته
بنی زوجه میر سید محمد خوش ان پسر میر سید سکارم اولاد شد الا خلف ارشید
حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع بزم مشایخین زمانه
عالات شمس تربت نمین است که در او ازل عمر از وطن بجهت تحصیل علم ظاهر
و باطن ساحت کردند اختیار با بصارت و اربابیات والد ماجد جو و بیان است
بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دلی رفتند میوهی حیدر آباد بکانه کن
از محمد الشایخین العرة العالین ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقه
عالیه قله دریه و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و خدمت ماندند
چند سال چون بخت سال گذشت در مدت سفر و مقارقت پدر بزرگوار علی
والد ماجد خود در انجا سومی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

ازین بی بی چهار دختر نیز از علاده پسر سید عالم حسین شادی سید شاه حسین
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و کچهر
 شد ذی اولاد و اما شاهر السعدان نور وید لیاقت هر گونه دارد بفری و فارسی
 حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر با و عطا فرماید شمره سوم در ذکر دختر
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصه شیر ارشاد
 کرانت الشاهین شاه نجابت الله گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی حلوی نسب ساکن
 نظام پوره که خدا شد از لطیف این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر
 غلام جیلانی که از دختر شاه نور الحق نور آبادی که خدا شد اولاد نشد دختر
 بی بی عارفه مسماة معرفه با و شاه جنگلی که از دختر شاه حسن الحق ابن شیخ محمد
 که خدا شد و اما و شاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصه چهاره عطا

انصاری نسب را توان بر کور عطا حق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل دل وریان اولاد میر سید محمد ثانی
 انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید عالم محمد که زینب سجاده جد بزرگوار
 بود مذی اقمه اصره اس شادی ایشان از مسماة ترکیبا دختر مولوی
 شاه احمد نورآباده خور و شد یک دختر ایشان مسماة تعین که شادی ایشان
 از شاه ضیا الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خور در گردید دختر ایشان

زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والد میر عبدالحسین که ذکر اولاد
 ایشان نموده شد پس روم بی بی عابدیه زوجه شافع علی مذکور رسید
 شاه ابراهیم حسین عزت شاه بهجو جو که ایشان را بیعت بطریق فرود
 از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری نعمی شد حصول
 وزیر تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دختر شهن
 یکسما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجی یک دختر ایشان بی بی
 مریم زوجه شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکوره بالا ذی الا
 شده دختر ثانی سماه رحمن زوجه سید معظم ابن تیر مظفر حسین عزت
 سیر کلویک پسریک دختر ایشان پس سید امیر الدین و دختر را نام سماه
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن
 بهجو یک دختر ایشان سماه براتن زوجه میر لطافت حسین والد سید شایسته
 و شاه ابراهیم حسین را از لطن شکوه و دختر بود و نیز ذی دلدار و یک
 شاه نعمت حسین و دختر ثانی شاه فتح علی و بی بی عابدیه سماه اما الهنا
 زوجه شاه خادم حسین عزت شاه بهجو سجاد نقشین آستان حضرت
 سید محمد میر و طریایون اولاد نشد مگر معاش از جانب زوج خود یکی
 بنت البنت برادر مذکور الصدر دادند مالک ملکیت نمودن معاش
 بقبضه میر لطافت حسین داماد میر شجاعت حسین مرحوم هست برادر

یکی سماء محمد و دوزجه بنا بحضرت شاه یحیی علی کذا کز زیت ایشان بالا کلاک
دومی سماء مستقیمه دلا دندرا ایشان سومی سماء سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
حسین یحیی شکر اولاد ایشان و نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر تکریر نیست
شماره دوم شجره اولی فرع اول وصل اول در بیان اولاد فرزندان
میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب بر چهار اسپر
باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلان معیط و
قالبض بر معاش پدری و جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع
بر برادر کلان ثانی بر چهار خواهران را از ترک آبا بی محروم ساختند و کار خود
بپرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الدین حضرت شاه محمد بن
که زوجه خود سماء ناصر و دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نورالدین
یکه بعد و دیگر از دودختر شیخ شریعت الدین شیخ اعلمت الدین شیخ
امان الدین و دیگر از پسر دوی بی و دودیسر شدند نام زوجه دوی بی فاضله
بی بی فصلو از بطن این بی بی و دویسریک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکیم دوسر از ایشان

نسب اول شماره دوم

در ذکر پسر کلان میر سید مظفر حسین عرف شاه کلان نیزه سید محمد ثانی
بیعت ایشان اجداد مجید از پسر بزرگوار بود صاحب سجاده شادی اول

بعد از مدتی حضرت سید شاه غلام حسین دانا پوری و تربیت باطنیه از حضرت
سید سایه یحیی علی حرمت ایش علیہ نبضه تعالی هر گونه بی ایت و حیثیت ظاهر
و باطنی دارند صاحب سینه شادی اولین ایشان از دختر خال شده بود
یعنی از سماء و حیدر و دختر سید شاه عبدالرشید عمی عرف شاه جی ابر حضرت
سید شاه الطیب القدر رحمۃ اللہ علیہ پهری چون از آن یک دختر شد
انهم نامزد و بعد عرصه که در وجه انتقال و جنبام بموضع نیاوان برگشته
او گری که معاش جانب همه مادی و خسر بودی هست تکلف بسیار با عزا
حال خود نیامیده مرسلان از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر اللہ ساکن آبپور
شادی ثانی کرده اند بفضل تعالی یک دختر تو که یافته شدن نام عوث بانگ
نموده اند بجز حضرت پیر دستگیر عوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواهر خور و سید شاه فضل حسین زوجه شاه محمد آفرم دوی اولی

شماره چهارم از خبر اولی شرح اعلی اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوادی

میر بن باو شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بهن کو ساکن باو دگر
و بیست ایشان را نیز از حضرت جدا جدا این فقیر است که تقریب حدی
برادر بوده اند صاحب توقیر دوی بدیر بود میر حامد حسین صاحب اندک
سه پسر و دو دختر ایشان بخشید و آفتاب دوی اولاد هستند پسر کلان میر سید

دکتر سید شاه فرحت حسین بن خان ابن ثانی میر سید نور الدین

چو شیده مباد میر سید فرحت حسین بن خان ابن ثانی میر سید نور الدین
 یاقوت ظاهری کرد و فرسیدار داشتند که خدای ایشان از دختر فشی علی حید
 که یکی از فرزندان محمد و شاه صفی صفی پوری بودند گردید و بیاختار
 بگرد و فرزند اندام از منته تقدیری کسی اولاد نشد برادر زاده کلانی میر سید
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر شسته مناعتند و حصه ترک معاش خود بان
 فرزند دادند و آنکس قابض آن ترک پسرشان سید شاه امیر الدین گشته حال پسرشان

نسب سوم شمرده دوم شجر فرج و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور ابو پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که یاقوت
 و شیت نظام و باطنی بسیار داشته در مزاج امارت و ترک بود کمال شاهی
 ایشان از سماء لطیفانست حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و
 سجاد شین میر سید محمد قادری امجهری گشته از بطن ابن بی بی دو دختر
 و یک پسر شدند دختر اول روجه میر محمدر حسین ابن میر عامر حسین دو دختر و
 یک پسر ایشان یک دختر زوجه سید افضل حسین دو پسرشان دوم دختر
 شاه فرح الحق ابن شاه ظهیر الحق دام پسر سید احمد حسین و نام
 و نه شیر سید شاه افضل حسین قادری ایشانرا بیعت از بنام حضرت

اسلامات مایان بهر خیرتی طریقه سید داشتند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسماعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد از ان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
 باقری نسب ربیان اولاد میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان
 واضح باد حضرت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته
 پیروی و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند و بیعت ایشان از اولاد اجداد خود بود
 چند سیه نیابت قضا خسر و خالی خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم
 ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
 عبدالفتاح قاضی سید ثریه و زنا پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی
 و اصله عرف و صلا و دختر قاضی سید عماد الدین از رطبین ابن عقیقه که دختر
 و دو پسر شد و نام دختر بی بی صدر اشادی و زنی اعظم و نام پسر کلان
 میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سباب جوان ناکند
 رحیل ملک بقا شد و عاقاب ثانی الا شادی سید محمد افضل از بی بی
 میمنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از رطبین
 زوجه دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناکند ذات یافت
 نام پسر میر سید عبدالشکور که جوهر ذاتی و صفاتی پنداشتند بسیار پست و حقیر
 داشتند و بهوشیار و از قرآن مغر و ممتاز و در بار خاهی بهمه جلیل القدر و قرآن

حامد حسین مذکور الصدر و اما دیر احمد حسین عم خود دختر کلائی ایشان از سید
 افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سلوی که خداوند و پسر
 یکی از ان سید الفت حسین که شادی اولی از دختر شاه نظر الحق گردید چون آن
 زوجه اولاد گذاشت در حلت کرد و شادی بیانی از خواهر شاه فرید الحق این
 شاه نظر الحق گردید و دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است
 ذی اولاد نیست تمام پسر سید احمد حسین شادی این عزیز بجای بهترین
 و صاحب ذی ثروت بود و خدا نموده یعنی از دختر پسر مقصود علی ساکن
 لکهنو حلاهور شادی کرده اند و کلائی توفیق بخشید پسر ثانی سید حامد حسین
 سید کریمت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند که خدای ایشان
 از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
 ولایت حسین مقصود و دختر و خان منسوب بخانما سبزه کز کلا صدر
 ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شد و کلائی
 چهارم میر سید کفایت حسین که انیس بهمنه را فقیر اند صاحب اعیانه و
 تبریر شادی ایشان از دختر سید محمد علی ساکن کلائی پسر سه گردید و
 چون آن بی بی قضا کردند بار بطرف شادی نشد و قضا اولاد ندانند و بخیر از
 بیعت این پسر و برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلائی
 بیعت از جانب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریق عالییه حشمتیه گردید چرا که

آباد داشتند هرگاه مایان بهر زیارت بزرگان میر تقم در آن احاطه چند از اجداد
 پیشین ست حضرت میر سید محمد جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
 سید محمد ناصر و میر سید سلیم اجداد این فقیر حقیر و احوال اجداد الا اولاد و غیر
 مانند زوج حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساوند و دایره ایشان یک
 محمد عرف عرف نقشی و من شادی ایشان از مسماة فیضه دختر شاه و حیدر اسلم
 گردید یک دختر شد و ایشان را که برادر عرف و نقشی امیر بیدار بن مولوی عزیز الله
 که خدا شد مسماة مسومین لا ولد و علت نمودند و در ایشان مولوی فرحت علی
 ابن نقشی محمد عوشت که به ریاست موری و معنوی محمود بودند و علم بهت حضرت
 و نقد و فارسی شادی ایشان از مسماة سبکین دختر شاه ابراهیم حسین فواید
 یک دختر شد بی بی مریم زوج سید شاه حسین علی یک دختر و دایره نقشی حضرت عوشت
 نام فرزندان محمد قاسم ست محمد و اجدادی و له و یک سکه نقشی محمد عوشت
 عرف دوم بود مسماة وزیر ابراهیم دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه
 مولوی عزیز الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشتند و در ریاست علم فارسی
 و دیار لائانی و خوشتر و هر روزی جوهر بیت ایشان را بطریق عالی از والد خود
 الا طریق معنوی از بهر در زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
 سید شاه محمد الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب لایعنا
 از ستادی و دفترون بودند و جا بهت ظاهر در حسن چهری و فیضی نیز در سبک

شادی ایشان گردید از بی بی ریحیه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
 ولد میر سید محمد اولی و ربی اعمام خود است تعالی ایشان یک دختر و یک پسر
 و حرا که خدا رحمت نمود الا پسر نام پسر میر سید مادر شد که بیات صوری و منوی
 میداشتند بیعت آن بزرگوار در خانان خود از آبا اجداد بطریق حشمتیه نصر می نمود
 شادی میر سید محمد از بی بی علیمه دختر خود و میر سید محمد با صبر ابن میر حسین
 ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر
 و دو دختر بود و آن نام یک دختر مسماه نعیمه و دو پسر سید ساد و ایشان
 و اقربان شده بود و اولاد و نام دختر ثانی مسماه لیل اعرفت مسماه لالین
 زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبان که ازین بی بی اولاد اند بعد ذکر
 پسر علی بقدر تبصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر دهن
 خانانی آبا اجداد خود مدت العمر نامزد تکیه خانه آبا بی که بر کشته محله کورگی
 الا سه شادی نمودند یک بعد دیگر از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
 از مسماه طیمحه خواهر محمد حسن ابن سید و جبه الدین عرف سید بولن و عقد
 نکاح و فات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از مسماه حاشورگر دختر
 سید محمد مهدی یک از سکناهای علما بهرام از انهم فرزند پسر نشد چون وفات
 یافتند شادی ثالث نمودند بموضع مدسور بخانه یک از شرقا اعیان نامی
 آنجناب زمره بودند که اولاد نشد برادر زوجه ثالث بعد رحلت شان آنخان را

میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان لوا باده کلان اولاد میر سید محمد اولی
و صاحبان کورچی اذیت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت
یافت میفرسند که فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه و ناپور و اقمج گرد و کسیر
سید اولیا بودند تا یک دنیا بحر من بود مشغول و باده خدا گاه روزگار زیاده
نگرد و بار شاهی حمزه افق ایا قضا بخانه نشیند شکسته را و الدماجد ایشان را
بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب نصب
بود و بار شاهی امیر الامراء بخطاب یحیی الملک وقت آخر ترک نمودند
مانند نریا و خدا بعیت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریقه عالی خستید نصیب
الحصول شادی میر سید اولیا در وضع کورچی گردید که در کتاب شاهی است
نام آن چشتی پور عنایت السداز مسماة میهم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ زکریا
فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض السداز فرزندان حضرت بابا شیخ
فرید الدین شکر گنج القصبه از طبن این بی بی شدند و دو فرزند به بلند کلان
نام بود میر سید حسین عت سید حسینی و اما میر سید عبدالرسل تادیب
که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که غذائی
ایشان از دختر خال خود شد نام زوجه شان بی بی نصیبه بودند دختر شیخ
معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فرعی کورچی از طبن زوجه شان یک دختر

شادی انجام شد از مسماة بی بی حیدر بی بی ناظمه زوجه شایسته بی بی
 نوآبادی بفضله ازین بی بی چهار پسر شدند ذی علم و پرور را اسمجد که نشیانی
 زکوة الصدوقی مولوی محمد اکبر شدند بایشان دو پسر از نام نامی سومی شاه
 محمد اصغر و حیدر ذی علم پسر شادی ایشان در قصه شیر گردید از دختر شایسته
 لطیف علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل حیدر
 شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
 منسوب است از شاه مقصود پسر عالقدر مولوی احتشام حیدر است
 بنشد مزید حیات و نام پسرهای شاه خیرات علی در خویشانی که مستثنی
 اند از هر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد و منکوحه خود
 اولاد دارد دختر و پسر و مصاهر شد و نمود از اولاد منکوحه پدر که بودند ازین
 منکوحه نیز دو دختر و پسران چهار و دو ناکند از حلت کرد و یک سیاه و رضو
 که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار و جوان قضا کرد و دوی را
 نام بود سیله ذی هنر و دو دفات یافتند یک بعد دیگر از اولاد موجود و اند
 ذی اولاد یک نام انداد دوی سیاه ممدی که پیشه تجارت نمایند و لالی
 میکنند دختران نیز منسوب با پسران ذی اولاد اند از اینجا ضم شد و نیست

حضرت میر سید عبدالواحد رحمۃ اللہ علیہ

فرع سوم اصل نخل اولی در بیان ذکر اولاد دوم میر سید اطمینان

نوبت ترویج ننگه بود زمانه مفتوحه کاشته قصد سفر کردند بهرست و پنج سال
 واضح باد زمان دلالت آنحضرت در عهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه
 و در عهد سلطنت معظم شاه کردیم انتقال چهار سلطنت دیدند و سعادت
 نمودند بهر شخصت و پنج سال الفرض سیر کردیم هر دیار و امصار را فریاد همیشه
 و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه به مقام شهر فرما که جهانگیر نگر
 چند ساله ماندند بعد چنگه داری و محاط کونوال شاهزاده زفاقت ایشان
 پسند نمود و پنجش تیرری برین امضا شد چند سال هرگاه غلاب باقیاب سیر
 بشاهزاده برصوت از شاه او رنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه
 تیلوانی در بر و چیره خضرانی بر سرین شریف رسید چهل و شش تن برین پیش
 و فتن مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون هم نشینان قدیمی
 شاهزاده شدند مغزول آنحضرت زفاقت شاهزاده کردند قبول هر چند شاهزاده
 بهادر شاه بهر زفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زیرا زیاده حرکت عده
 جلیل کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بدین تشریف آوردند چندان
 نگذشت بود که والد را جدا بجناب کرده بودند انتقال پیدا شد خزن و دلال کمال
 و شهر نشین سجا دایال کس را نیا فتند جز یک برادر عمزاد میر عبد الشکور
 ملاقات کرده آمدند بسوی و انانیا پور در اینجا یافتند از بزرگان میرادان احباب
 میر شهاب الدین و میر کن عالم ابن میر سید عبد القدر و میر سید سکاهم یک

و پسر شدند تولد نام دختر بی بی واسعه که از شیخ محمد درویش که خدا شد
یکی از صاحبان کوی نانائی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرو
شاه بساوند بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید
محمد سلیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند احتساب نمائند فرزندان میر سید حسین
محمد شان بایک شین شادی میر سید حسین از بی بی بیخته دختر میر سید عبدالرحمن
شد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید عبدالحکیم که خدا شده بودند هر دو نوجوان
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

میر سید اولیا ابن میر سید محمد جهان

واقع باد بسال یک هزار و دویست و هجری ولادت میر سید محمد باصر که در کیفیت ایشان
برین مخط بیعت ایشان را برادر بزرگوار بطریق عالیة فصریه حصول و نیز
تعلیم معنوی ضبط مراقبه و مشغول و نیز خشیت و بیات اظهار می تحصیل کتاب
عربی و فارسی و فقه و اصول با اینهمه بودند و در فنون هر بیات افزون و در
فن تیر اندازی کمال در عهد خود پیشال چنانچه در سال تألیف کرده بودند
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد و این خاکسار بمراسمت سالگی
رسیده بود و در آن زمانی الی والده ماجده ایشان که در اوقات حال چون آنکه
محمد و منگشته فایح الببال و والده ماجده در این سفری ذکر حضرت زو و ابواللال

آخرش هر روز سعید و حمید بخونیز کرده در عقد نکاح بزوجیت درآمدند شادمانی
 رسید که بی طالق که در آن سن و سال بزوجی الله تعالی شش اولاد بخشید
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون پنفس و قمر سعید انصاریان اولاد و انجناب و در
 کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هرگاه انجناب علی القاب ترک جلیل حمد کرد
 بهر اقامت آماده شدند بول علی الله بکلیه خانقاه آریانی شهر شسته شد بترقیم
 بمشغول یاد او تخیل بصیرت استقیم پار از نقص شکسته سلسله ملاقات با بنی
 گشته متوقع فضل خداوند کریم بقیم نظر خود را در جلی کشی و گوشه گیری بسر
 هر دم و می بزرگ یاد او تعالی می پرداختند طایمان حق را ضرورت است از انداختن
 ترکش و جوب لازم آنحضرت در شایده حق تیر قاست را گمان ساخته بسیار
 و برگ آب و نان توکل بقیضه آورده بخدمت مراد خود نشان داده آخر بنام
 حق بزرگ حق که بود و ندایین سخن روزی قریان جان خود ساختند زبانی
 مستهانی که سم سم رضا الهی گشت تا آخر کار خاک توده گردد و طائر و وحش بیال
 محبت آمده وصال حق یابد و کار از لب سو قار و گزند و چونکه آنحضرت در حق بزرگ
 داشتند کمال رحانیت عبارت تحریر کرد برین سنوال و پسر و چهار دختر در
 دنیا گذارشته بعد یک صد و شانزده سال کرد و نماز انتقال و سینه کینه است و
 و همجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجد چون بیال کینه را و یکصد و بیست
 شاه او رنگ زیب مالگه با و شاه و سودا انتقال و با خرد با برادران اعظم شاه

خمرزبان در اقران بود ملاقات ساختند و بجهت ایشان چند سکه اقامت
 در قصبه داتا پور پر و خستند از دل قصد ترک سفر کردند و روزی از روزها
 عند ملاقات میر سید محمد رضوی که بر احوالاتی حقیقی بودند و از عمر آنجناب
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر مشاغل آنجناب چنین تذکره افتاد و چو
 فرمودند ای برادر من رسیدن قریب هفتاد و سه سالگی اگر واقعی باشد چنان
 نیست حصول اولاد که ام کس دختر خود این ضعیف خواهد بود بیان متبسم شده
 میر سید محمد فرمودند ای جناب علی القاب از شادی اولی دختر چیست خوش
 تا که خدا الحمد بعد خیال کفویت بود و بر آن مقصود نبر و بیت شما میدهم اگر نسبت
 اولاد نمودن اولاد هر دو برابر و واحد باشد بفضل حضرت یاری سلسله اولاد
 بود جاری با صبر تمام آخر گردید قبول و ارفع باد شادی اول میر سید محمد
 ابن میر سید جبار گریه بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
 رمضان و دختر شاه موسی صفی پوری که زبده اولاد محمد و شاه صفی بود
 گردیده بود از بطن این بی بی دختر تولد شده بود و بی بی رقیه نام مدعو
 بی بی چغتیا خورد سال ایشان را گذارشته والده ایشان بودند بخانه
 پدرش یافتند بضرورت خانه تقرری شادی ثانی از دختر میر سید محمود
 نوک بادی کرده بودند از آن بی بی که اولاد نشد و بی بی رقیه در آن زمان
 نوزده ساله بود و سن جدا علی میر سید محمد با صبر و بلا شصت سال یا هفتاد

در حوصله او رکی باشد لذت بسیار شائق مبر و یک نیت هر فرستادن لائق
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها صد داند اب شاهی میفرمودند بعد
 انکه عذر از جانب بادشاه در دوازه رسید بطلب فرمان شاهی بدین مضمون
 اگر چه در جواب تحریر یافتند بایجاب عذر وزارت جواب صامت مکرر میسیم آن سخت
 شاه تان سوم رو بر حق تعالی و عذر خلایق از کسی فرزندان خود را فرستند تقصیر
 معاف آخر کار آنحضرت از هر دو سپر کردند متفاسار از طلب شاه نام را سپر کلاه
 میسر سپید عباد تقوا و سنجوش حوالی مرست از باد و توکر سکر بانی گفتند باد شاه
 مرا خوراند نمی تواند بستم بسیار خوار تبه وزارت هیچ نیست نزد فقرا که
 چون پرسیدند از پسرانی از میسر سپید محمد حسین مقبول ربانی عداوری شان
 میسر سپید محمد ایشا نرا مکرر گفتند و کتاب گفتند میخواستی که فرزند تبه باشد مرا
 بد باد شاه مجرانی انشاء الله تعالی یقین قلبی ام عیان است چنانکه بجزرت باری
 جبهه سالی که بادشاه وقت شود و بر و این پسر مجرانی بجان السمان بزرگان
 چنان بود و بدیدار من مشغول که داشتند بی پروائی بپهلوان خاص کر زخم از طلب دنیا
 بے اعتنائی بار سوم که نامدار از جانب برادرش بادشاه از اسباب گرانگشتن
 بگوست قناعت را بطلب برگ بایستی نایب اندیشی مستکمال که روزی خود را
 سپردن است بجا که گویا بیالی لباس ابریشمی جزو تر نام و خدمت شاهی آخر
 چون کمان غم شدست از قوت و زور و سخن کسیکه بیکه و قدم نامداتند و حق

و عالیقدر و معظم شاه ملقب به بادشاه که تخت نشین بمقام و بیلی شدند
 تخت نشینی سلطنت و پیش آمدن از دست واقع شد جنگ جدال آنها ختم
 یافته کرد و انتقال و تخت نشینی بر شاهزاده معظم ملقب به بادشاه با
 بحال در آنوقت به بادشاه از وفات آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید
 بنام آنحضرت بهر وزارت طلب نمود بادشاه ابوالنادر حضرت میر سید محمد
 جناب اقدس و اعلیٰ تکریم فرمان شاهی نمودند نهادند بر سر و بر پشت فرمان
 تحریر نموده عذر بعبارت بهتر اول این بیت نوشتند مقوله حضرت سعدی
 علیه الرحمة غفور فرماید تقصیر دین تحریر است اگر طالبی کاین زمین طوکنی
 شغلت اسپ باز آمدن پی کنی و غریب نواز عالی جاه دین پناه هرگاه لایق
 خدمت شاهی نماید بسبب رسیدن سن کبیر چون هوش و دواس بجای نماند که
 کار در بجای ادب شاهی توفیر نیل کرد می دارم چون میشود که سنه میخورد اندک
 میشود من بر بنه میو شایند باقی نماند این غنی فی خبر عرص و هوس القدر
 باقیست و پس ازین عذر کرده خلعت شاهی منصب وزارت و سپس داد
 هر چند اهلان ترغینا لیلینصحت گفتند اگر خود می آری شرط خدمت بجای دمی رو
 بد خود یک از فرزندان خود را بفرستی و معنی نیز پسد خاطر نیا فتاد فرمود
 فقیر دارد و و پس که اهل جذب است ننهند و در و در از طریق خدمت شای
 میخورد و مشورت بیا دایمی بجهت حوالی مشغول بمشاهده ذات ربانی کی بود

	شجره سوم شجره اصل	
--	-------------------	--

بزرگ و دختر سوم بی بی علی که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شدند کتخا در دختر و یک پسر نام میر سید محمد صلح کیفیت و نیت ایشان

	بالا شد بخوبی مذکور	
--	---------------------	--

	شمره چهارم شجره اصل	
--	---------------------	--

در بزرگ و دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحد که خدا شد از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شد و الطین
این بی بی و و پسر و دو دختر نام دختر یک بود بی بی زاهد بنت بی بی
واحد از شاه کور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شد که خدا کرد
و دختر ایشان یک بی بی و اصله روحه شاه وحید الاسلام دوی بی بی
ناظمه روحه شاه تاج الدین نوربادی مذکور بالا حال دخترانی که خدا فی
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ حسین الدین عرف شاه جکری
نام پسر و دوم شیخ غلام حیدر عرف میان کسی که مستثنی بود در اقوان و متک
و زور شل نسبت زن پهلوان نقل نمایند که ده منی توپ شاهی را یک بر تاب
از دست باز و انداختند درین بار و بیج تامل نداشتند و فری یک برادر
براه کورجی رسیدند بر اسب سوار ازین نومند بملکات شد چشم و چهار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشب نهاده تا دیر نمودند کلام به تقریر

عرصه ملکی طی نماید فرمود که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد میفرمود
 هرگاه نزد به آنحضرت در دنیا بود و روز آنحضرت کردند انتقال که دوام نجات با
 ماند سرور حال فرزندان خود را نیز بر دهن جدادری ایشان گذاشته بجا نشاء
 آباء شهر طینه اقامت کرد و عمر آخر سپرد و واقع شد انتقال در اینجا است
 هزار پانزین پدر و جد بزرگوار بجهت کعبه کجوری کلی بعد چند سال اولاد و حتر را
 که خدا کرده حضرت میر سید محمد زین العابدین علیه بافتند به امت اصدیت وصال

شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باقر را بودند و ختر کلاسه بی بی صبیحی بیوکل خدا عمر
 بسر کردند در چاه عزت خانه نشینی از اینجا که عارفه کامل بودند و بی شجور بودند و از
 پادشاه معذور که خدا بیست نام و رای الهی بسر شد عمر بیست و هفت سال و بی بی
 بودند و بی بی از صد سال شد کردند انتقال از همه خواهران و برادران بودند و بی بی

هزار و شصت و سه درگاه است

شماره دوم شجره اصل

در ذکر خشرانی سادات بی بی سید ابودنام آنحضرت که خدا شد عمر در بی اعمام
 و احوال از میر سید فضل الدین عزت سید فضل ابین میر سید عبدالدین میر
 بوجود آمده بود بنام سید عبدالدین و از زاده ساله بمرد و شماره بیست و پنج

ایشان نامند

در سنه یک هزار و نود و هفت گردیده بود و پنج پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف بآلای
سال بنقاد و پنج یاشش سید عمر بنده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد از آن
باشش سال گردید انتقال در بزرگواران عالی شایسته آنوقت قصه ترویج نشد
بود مشغول در عبادت در ریاضت و مشغول و اشتغال بیعت و تربیت و تعلیم
شده از جدادی حضرت میر سید محمد رضوی بر گاه رسیدن شریف بحدود
سی سال جفران جدادی شادی کرد و اقبال انجام شادی شد از بی بی و دختر
و دختر خسته حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان و مجاهدان
آن عصمت ماب عارفه کامله بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آندند با اینهمه بود
مشغول بکسوف ذات خدا از طین آن بی بی سید المجد و بین شاه محمد حسین
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال شمره شجره لدانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریق عالییه شریفیه
نصیریه بود و حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله خود بی بی
از بی بی علیحه دختر بی ابدا ل نهبت حضرت شاد محمد مبارک قدس سره اولاد
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته که بر انتقال بالا بهر چهل سال در آنجا

بودند مردان انجمن

شمره دوم شجره در ذکر دختر خسته اختر بی اقیانیا و بی بی محبت
که خدا شد نماز میر سید محمد حسن ابن میر سید جلال الدین سید بولن رمدی نقشبند

تصدیق کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از گزند و زشتی رفتن نتوانست گشت
 بر پست او زدند و زان شد رهوار بدین طور قصه شنودی هست بسیار شادی و در
 و قران اخوان شده بود و او را نشند الا شیخ غلام حسید پس مردم نیز بودند و بودند
 حاجب قوت و قوت اگر بود و برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو
 برادر مگر پس رسید غلام حسید ز منشی میدل نام بود منشی تقی السید بودند شاعر

دسی خون ببر اسودد بری ماند

شماره پنجم شجر اصل نخل اولی

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد با
 اصحاب سرست حال و تنومند بودند بسیار خوار و بیکیا و بیخورد و زیست آثار و در علم
 فاعقه چند روز جمعی خوردند ایام ولادت اصحاب بسال یک هزار و هشتاد و هجری تا عمر
 چهل سال ماند و منی حیات در پایه ثبات از نزدی پیچ نبود و در کار و شغری
 بود و متاهله دارد و در آن روز در رخت پستان ست هزار پانزین قبر اصحاب

ابو زرش و زرش دنیا بند

شماره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد یحیی خلیف

ثانی حضرت میر سید محمد باصر

استلح است از حضرت جد لا محده که ولادت حضرت میر سید شاه محمد یحیی خلیف

حواس و هوش تا چهارده سال ماند در حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کرامات
 آنجناب اکثر بشهورست بطور پیشین گونی و بعد سه سال جدادری آنحضرت نیز
 کردند انتقال و در آنکی خانه شد بصورت نو عذگر برادر دوم میرسید نصیر الدین
 بنود بیچ دختر و پسر از آنجا که یا خود یا زن و شوهر بودند مزاج بصورت پدری
 تا نواخت بر نوع آمد قصد سفر کردند می آوند مرزا خان بیگ نواب
 مرشد آباد را بودند که از اراکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و سرشتین
 روزی عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هیچ واقع میشود بسیار کجاست
 در اینجا طلب فرمایند اهل و خیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج شده بود آمده بر سر
 جلالت فرمودند همه با کردند انتقال که اسامح طلب در خیال شده بودند سکوت
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در بخوار فرمودند
 همچنین اراده دارم جاسه تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بنام
 قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گمگم و چنانچه
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریبی نسب و نسب داری اینها
 از انصار قرابت یکی از مریدان و ائمه الامتقاد بودند دختر خود را از آن برده
 کرد اقبال آخر کار انعام شد عقد و نکاح نام آن در وجه سقا ماه بی بی بود
 دختر قاضی ولی محمد این قاضی محمد شجاع این قاضی شیخ رفعت الله این قاضی
 سلامت الله این قاضی محمد بیج این شیخ محمد سج این شیخ محمد نعیم اینست

بوجود آمد پس آن چهارم هر یک عالی تبار که از ان کلائے میر سید مظفر علی والد
 ماجد حضرت سید شاه محی علی دومی سید غنظفر علی درج بی بی رشید اعراف بود که
 سومی سید منلی چاری سید قطب علی از دومی ان اولاد شد و هنوز موجود فرزندان
 شان

شماره سوم اصل کل در بیان جلالت سید شاه ولی الله پسر کلانی حضرت

شاه محمد حسین

واضح باد پس کلائے از سید السالکین سید الخلد وین حضرت سید شاه محمد حسین بودند
 از سر حقیقت و معرفت از آگاه حضرت سید شاه ولی الله ملاقات ایشان
 در سنه یک هزار سی و چهار در دامن فیض میامن پوری دامادی پرورش یافتند
 تربیت غلامی از پدر بزرگوار بیت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت
 سید شاه محمد مبارک قدس سره بمهر بست سالگی کردند شادی از دختر
 خان خود از بی بی با صره دختر میر سید محمد ثانی از بیطن آن زوجه و دو دختر
 تولد شدند و بیت ایشان هنوز باقیست کیفیت این تبصره بالا مذکور شد الا از
 زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر انجناب علی القاب رابط از امر اراکین
 سلطین داشتند بسیار مردان کثیر سیاح و مصادره و بار جلالت مرشد آباد بودند
 مردان بسیار هر گاه و الله ماجده انجناب محمد و زمان بی بی و دولت جهان
 عمر چهل سالگی با صره لاحق و دفعتا کردند اشتغال والد ماجد آنحضرت را پنداشد
 مال حزن و محل آخر از بزرگی رسید صدای کلمه الحق در گوش برفت غلامی

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید احمد و من سیه چهار ماه حیران داده بودند حضرت
 بطور مشین گویی ایستاد و المنه هر را در بر و در قناب و باستان بومی اقبال صاحب
 اقبال یک جلد مجد دومی جدا دوی این خاکسار از هر دو فرزند ان شدند
 و بهوشیار دمی اسرار و دقتی بی سجده جوان خود که خدای شد نصیر را علی
 ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کا کوی الالبه اولاد یافتند

از شیخ عالم و ذکر فرزندان فرزندانانی بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل محل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید المومنین
 سید شاه غلام حسین قدس سره ابن جناب سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن مکر خانه جدا دوی شد ببال یکزار یکصد
 شصت و شصت و هجده شهر محرم الحرام ازین روشندان آنحضرت سید غلام حسین
 والد ماجد آنحضرت از طو آنحضرت شدند کمال سرور اگر چه از محل اولی بودند دختران
 دوی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب کتب
 جمع نمودند و اقرا و اخوان وقت کتب هر دو برابر رفتند بمحض والد ماجد آنحضرت
 کتب نیر و حضورت در پیش شریف در انجامیدند آغاز بسم الله از و نمایند
 اسماصل شد بعلت آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم
 فرمودند بگردد پس و تم و با غیر تمیل آنهم نموده قدس شیرینی از ان و درین
 این فقیر نهادند و نیز چون شریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش این گویند

گری یا ختم آسانی تحریر شود این بزرگوار اهل معاش امیدوار بودند که اسکارا محصول
 در نجابت آن بزرگوار هیچ شک و شبیه نیست از صورت و میرت اشکار گرفته و بعد
 چند اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی و فقر متولد شد در نام بود بی بی سعید
 بعد دو سال شان بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام بتایخ دهم
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جدادری پیدای
 شرقی در داتا پور آند متولد شد در فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت
 جد الامجد سه ساله شد و آشتی منسوب طلب برادر از نجابت سواری کشتی آورد و در داتا پور
 مع اهل و عیال بسوی وطن در روزگان کشتی در قصبه نو آباده شد و فرزند
 از کشتی به ملاقات احوال سید موت از خانه احوال آلا محل اولی زنده بود و در
 باستماع خند و پریشان کلک کلام جاری شد بر زبان اشاره یارین و آن ناظر
 العللان را در نجابت و شرافت آن زوجه محبت باشد و ذکر ارادان و عقلا نیست
 هیچ محبت چه شرق نمی ماند بشرقی دیار احمد شد مصابرت مایان واقع شده
 بخانه فقر که نجابت و شرافت بتیرین و مستعین را واقع شد مصابرت در
 اهر و شرافت کترین بر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام داتا پور
 بخانه فرود آمد و کرده از دریا عبور حضرت سید احمد دین سید شاه محمد حسین و
 فرزند پور کمال شدند مسرور از آن روز خانه ویرانه کردند کباب و دوتان شاد و شمنان
 بسال یک هزار و یکصد و هفتاد و دو آخر دی محمد خاں حضرت سید شاه شمس الدین

نهاده که لغزش می شود و یک دلدان بر آورده اند و فرمود این را بگیر بیا و شاه
 بهر خزان تنه نقیر می فرمود و شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
 ذوالجلال که تکیه تانی کردند انتقال سپید شد و از دست افغان مرزومی که
 بنیر مایشان فاجبا پند بادشاهی مقرر شد و بادشاه عالم شاه در آن زمان
 بسفر بود و شرقی دیار اینجور نقل میکنند در قصبه سمرام بودند که بر سر ایشان
 چتر شاهی خیا نمیداد از آنجا رسید و در حضرت بهار رسید و آتش فرزند
 ملاقات مشایخان اینجور روزی خبر رسید که بادشاه با فوج و اراکین می آیند
 بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه ولی الله
 قدس سره قریب هزار والد با جد زیر درخت کهنه و شطرنجی گسترانیدند و حضرت
 با حکمرانان و چون بادشاه شاه عالم رسید بشاه راه قریب هزار رسیدند
 و آنکه حضرت سید شاه محمد حسین کدام جاست عرض ساختند و آنکه نیست
 شکسته و است و گنبد مسجد داین است مرز فرود آمده بوسه فرار داده فاحش
 خواندند و رسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود و پناه اتمام رسانیدند و هر دو
 برادر حضرت هر یکی کلافی آنحضرت هستند و ثانی است این فقیر بقلیگر شدند و شد
 صافه از هر دو نشستند میفرمود و عمر من در آنوقت هفت سال بود و در اوم
 شمس الدین و سال داشتند محمد والد با جد از دست شریف دلدان آنحضرت نزد
 بهر جزو کیفیت کردند بیان که آنرا در هر چه دستار نهاد هر نوعی و استند ما

فرمود پیش در است ترقی زمین دوام پس معنی سیم السه و تمیم باخیر
 میفرمودند بدولت آن حافظه ذهن شد حصول و زبان خود برآورده و سخن پند
 هر چند که حضرت علامه تحصیل چندان نبود الا مقدر که اگر از آن حضرت بحث و
 تقریر نمود در تراویح حفاظ را تقیه میدادند حال آنکه ناظر و خوان بودند میفرمودند پیش
 و خزان محل اولی را که در گذر شد از شرفا اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی
 بطور انعام و معاش مال پور و غیره کوه حصول محل اولی را که در گذر کرد معرفت رکعت
 خود سازند ازین شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شهابیه
 رش اندر آن شریک نصفا نصفا نمایند بحق محنت و قریبت محبت بدینطور شد
 تمیل بده در زمان بادشاه عالمگیر شانی رفقه حصول ملاقات کرده که
 زمان سلطنت پرانده شده بود چند فرامین و بیایات که با کرده فرمان آورد
 پیش نظر بزرگوار دست بسته گذرانیده هرگاه معائن نمودند فرمودند ای دلی
 درین فرمان ضا و ضا نوشته است بسیار عرض ساختند ضا و ضا چه معنی دارد
 ای بزرگوار فرمودند حکم وقت آخر فریق دیگر خواهد شد این معانی با مضبوط
 خواهد کرد درین کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک چاک اهل جذب بودند
 شاه بیداک فرمودند ای دلی مشغول روزی بر آستان تو برسد بادشاه
 دین پناه بطلب این فقیر خواهد بود مرا هست وقت آنفر کرم شناسی و دعوت
 کنی و هر چه بدگیری مرا بدگیری تا فرزندان تو اهل دنیا شوند و دست مبارک بدندان

بقیض و دخل در مدافعی موجود وقت و ایرضعی بهم و اگر داشت شد و صرف
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف دارد و صادر کثرت و دیگر و گیر میفرمود
 بعد رفتن پادشاه به سوی دلی و الدامه در قصد گشت بسبب پرگشتی کار خطاب
 انصوبه وقت ابرار نمایند و الوقت قاسم علیخان بود و صوبه شهر پشته عظیم
 و در به صولت او بسیار بود و روزی بهر ابرار و زنان حاضر در بار صوبه شدند
 و در الوقت خواب قاسم علیخان صوبه شهر پشته عظیم آباد بود و بسبب خواب
 جعفر علیخان ملک هر سه صوبه پشته و اولیه و صوبه بیگ بود و از
 طرف شان خواب قاسم علیخان نایب که داما دستان بودند و بطور ابطه
 از هر دو صاحبان بود بسیار با تامل و عرض عرض بی و دخل در بار شدند
 سغلیان و افتخار تلخ برهنه رو بر درباری بودند که کسی میشد بشود و توانا
 چنین بود در اینجا اهتمام میفرمودند و از آن خواب قاسم علیخان از خبر
 و اگر نیز در گردان بود و بعد بر پادشاهی بحضور عالی گهر شاه عالم پادشاه
 رفته معذرت کرده بجال بر صوبه پشته مانند و خطاب عالی جاه یافتند بعد چند
 از پادشاه رو گردان شدند با نیزش کا مکاره خان تسلط بر ملک یافته صد
 مطابق آیه الیوم لمن الملك و احد القهار به داشتند میفرمودند خواب
 قاسم علیخان اول و الدامه در انشا مختمه چون السلام علیک کرده
 نشیند خواب را بنشیند عمده جلیل این جرات بیخلفه ناپسند رسید استیست

ما حضرت را کردند آنهم کردند قبول و مرادیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
 این فقیر خداده است خوار از دست خود مرا گرفته بر از خود نشاند و پرسید
 نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند سرور و لاریب جمله سیادت
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه بخواهی گفتیم پند نامه سعدی
 که بیا فرمود بدینیکه یا داند بخواهی خواندم حسب حال سه توضیح ز
 کردن فرزندان نیکوست + گد اگر تواضع کند خوی دوست + با ستماع این
 مرا از سینه خود کردند ضم و هر مرد و سناش فرمان بعینه القفقه شد تخییر
 و سفر و گسترانیده شد با خبری چه بود وقت بماول از قسم طعام تا بنجین
 و تیره چولانی دلال کساری شود آئین و سر که اچار بیل و اچار اول درست کرد
 و تریل خورد و نماز فریاد کرد و ای شاه صاحب طعام انواع و اقسام خورده اگر
 لذت طعام بلیس هرگز بدینطور نخورده ایم بیا یا التماس رسانیدند طعام
 چیست نظره طعام اینقسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه بیگانه انجذاب برگرز خواست
 بعد طلب شدند قانون گویان و چون دهریان نصب و اهر موافق فرمان
 شد اگر چه باد شاه وقت در مدحانی بطور ایمه و سار درگاه انتخاب کرد
 در هر گنجه بملو آری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نمایان
 خاکسارها آنچه زمین مناش را بر دسے خالی پیاایش با نفوس و دشت بیگمست

میفرمودند والدین صد کرده شده بجای نشین از گردش ملکی بر نواب علی
 آفتاب رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو و
 چند روز بعد طالب علی بودند تمیز جدا شدند آخر کار برهم شد نواب علی
 از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط آنگزیدان نواب قاسم علیخان برگرد
 خود ایشان شده بدیده اشتیاق خاص حضرت والد را جدا طلبیده معذرت
 با بلخ و زاری و سفیر نمود آنحضرت را هر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
 که نیمه گاه او به مقام یکسر صلح شاه آباد بود آنحضرت یک روز پیاده پاک
 بالا از سی کرده بود در اینجا میفرستند بر فرد دیگر تشییع می آورد و چنین بود
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نواب حضرت والد را جدا خود
 شاه محمد حسین را و چنین ارشاد نمودند ای ولی تو او را معصوب گفتی
 حالا معصوب شد من الله پس چرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بفقیر میرانی
 آنحضرت متنبه شده شدند خاد نشین باز کردند از ملاقات آخر گشتی حرم
 و حکومت شد غریب کدام را سیر گردید بدی طریق میفرمودند جد برهی
 تسلط نواب قاسم علیخان از امر شد آباد و خود نواب جعفر علیخان آمدند
 کمال و بد به وصولت در عظیم آباد و چو بار فرستاده جناب والد را جدا
 کردند و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
 جعفر علیخان شنید منقص شدند از ملاقات کسرشان و فرمان فرمودند و کار

فرمودند ولی القدر باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوره سیم از جابر گفت
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی القدر من ترا شناختم درین حوض عروج
 من زیادتر کسی امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گماهی
 نسوز از ساختن از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال تسبیب آن از لطف
 فقیر بگذشت در بار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند و میگفت
 نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی از کج
 در علاقه این معویه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد
 من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند بجهت ای قاسم علی ترا چه شد
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او باریست که بادشاه وقت که سایه چهل
 اولیا بر سر دارد او را بگیدی گفتی شاید معتبوب الهی شدی این فرمان
 شاه شما بان آنست که از خطاب عالی جاہ یافتی دار و در و تیر یافتی مرا چه
 خوابی داد آنچه که دمی در زیر ران پرستاران خود دینی این کلمه بی باکانه
 گفته اند اینجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند بنشینیم مرا کانی است
 سوره سیم حکم بجهت داران نمود بگری بگری و باربان متخیر شدند بر جرات
 کلام فقیر بعد از آنجا از چشم خلافت شدند پنهان که گیر و دگر گیر و فرمود
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سوز

گیدی

سنت جماعت چنان چنین چسبیده است برای بهبودترین فرمود نواب
 معالی القاب در جواب که انصاحب در زمان طالب اعلیٰ چنانچه عین عهد ایشان
 و سیادت بهترین مراد بود جاگیر عظام را نیز میل بهت خوشی که برای این صاحبزاده
 تجویز نمایم عهد جلیل یا منصب جاگیر میفرمود و نذر از اتفاقات نواب مرعین
 میشد معلوم که صورت عظیم آبا و اجدادش نماید چونکه بودم خود سال آخر شصین فوت
 یافت و بعد دو سال والد ماجد من در اینجا فوت شد انتقال میر و مقصود بهر دنیا بود
 حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و طلال مرزا خان بیگ
 که یک از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در اینجا نمانند مرزا را گفتم مرا مراد
 که نقش بر بر بون و من شایم در جوار جد بزرگوار آخر بصلاح بهر شش ماه
 نقش را سپرد و کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آدم و انا پور و صندوق ساخته
 بر آوردن نقش پاک براری گشتی زخم در اینجا رسید و نفوذین تغذیه نقش
 بر آورده با غیاط و در صندوق کرده از اینجا آوردم در جوار جد معبود و من فرمود
 از آنوقت باز قصد مرشد آبا و اجداد من میفرمودند و در مرشد آبا و وقت انتقال
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که باد شاه بهر کفان معاش میداد بسیار حضور
 تمناعت کردند بر اختصار فرمودند و تقدیر میر و برادر کافی است عرض کردم
 من که در برادر خواهم ماند چه نخواهد شد اقرارش اولاد فرمودند که گردنا الهی چنین است
 اقرارش معبدی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من محاصل یا انص

بعد از آنکه باز در خدمت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب حضرت علی بن
 عازم مرشد آباد شد و آمدند به ملاقات بغیر خانه روانا پور و در وقت خوردن
 بسواری بکجه از راه دریا عازم شدند سوی مرشد آباد و فرمودند جناب صاحب
 بسبب تنهایی پریشانم هر دو بستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت مراد است
 بعد و والد ماجد مرا همراه نواب کردند و باز در پی بنام امام ضامن علیه السلام
 میفرمودند حضرت جد الاچین نقیر حقیر را بشماراه نواب مرا بسیار نواختند
 در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن شایسته نواب بسیار آموختند و یک
 روز بخت خاص و شاربندی نمودند و آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مخالفت
 نیارده خود رسیدند بمرشد آباد و کالعه خالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه والد
 ماجد میاندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
 وقت در بار همراه والد ماجد خود میرقم والد ماجد من بجای پستوئی میسند و مرا نواب
 از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر برزاق نوشتندی ماندم و کلام میکردند
 خبرهای پرسیدند برین منوال حاضر میخشد و در بار عمر من در آن زمان ده سال
 میفرمودند روزی در مجلس در بار حسب عادت رقم در آنوقت حضرت والد ماجد
 نمودند موافق معنی و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعد برزاق نوشتندی
 گفتم از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که ندب محلی القاب علوم شیه مذاق
 و از سنین چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند شایسته

شاه و پادشاهان که آنهم مرید و حلیفه آنحضرت بودند حاضر شدند و بیعت بطریقه
 عالیستغیبه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتیم بطریقه عالی و بالفاظ
 چند حاضرانند پرستور و ممول بنیاد در کیفیت ذکر و اشغال مشغول و در سال
 چون گذشت که حضرت نمودند لبالب یک هزار و یکصد و پنجاه و پنج حجری سیزده هزار
 انتقال مرا پیدا شد خزن لایق وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند
 که مجاز فرمایند این فرزند هست پس یکی از مشایخین بحجاب فرمودند اجازت
 بعد از بیعت ایشان همان روز را دوام کافی است این اجازت مرانانی است
 به از تحریر خلافت و شال چند کسان نامم بنمایند درین قبیل و قال ازین فقیر
 حقیر هر چه که مراتب بیعت است از جدا جدا هر یک استگیا حصول بعد چند سال که من
 مبارک حضرت جدا جدا رسیدم بیست و سه سال ثانی شادی شد و در عظیم آباد
 از دفتر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد یوسف که کتاب
 آنجناب بالا نوشته ام با نسب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن و در نجف
 آمدند و عظیم آباد بنجانه شیخ قریشی نسب شادی کردند و دختران پیدا شدند یک
 جده من ثانی خواهر خود جده من که از شیخ برکت الدین شیخ اهل الدین شهر
 کنعنا شد و در بطن آن بی بی اولاد شد آن شیخ صاحب از و شادی از یک
 و در پسران از یک دختر که شد و پسر نامی می فرمودند بعد شادی من من
 می پرسید نصیر الدین احمد بجای من مریض که مریدان شان بودند بسیار در مقام

بیک چیز سے زائد پانصد روپیہ سالانہ می آمد زمانہ من ہر دو ہزار و ان را ہزار
 ہر گاہ پورو اعظم پیدا شدہ در راہ شان کشت یک ہزار و پانصد شد مینوید
 این فقیر حقیر در زمانہ مایان مجبندی سالیانہ شد دو ہزار شکر خدا بول بالا
 حالا از نیم بہت جمع بالا اگر نرزد انعم باوقات برین گزینہ بخوبی گذرد
 اوقات مشایخانہ و اگر خواہد کہ ہر دو کہ امارت نشینہ مال قارون نیز نکتہ کفایت
 درین زمانہ میفرمودند عمر کے سیزدہ سالہ بود کہ وفات یافتند پدر بزرگوار بمب
 چیل و شش سال یک ہزار و یکصد و ہشتاد و ہجری بعد و سال در تحصیل علم ہر دو
 چون فرصت یافتہ عمر بزرگوار مراد بود و کہ فرزند بصلاح والدہ ماجدہ قصد
 شادی نمودند و نیز ہمہ من سادی ہمیشہ گردید میرزا علی ابن میر حسن رضا
 والد میر محمد رضا یک دختر شد خواہرم را نام شد حمیدہ دختر سعیدہ در زمان
 طفلی آن دختر بزرگوار و نشان وفات یافتہ و شادی من در موضع گورگان
 از دختر میر یوسف علی عرن میر سوین ابن میر یوسف علی گردید نام نہ و جبلی
 بی بی عصمت انشا اللہ ابن آن بی بی یک فرزند نیر شد و سوم شام حسین ابن علی
 سالہ بویع او درود و عیال و چیک ہر دو وفات یافتہ باز قصد تاملی ناسختم عمر من
 شانزدہ سالہ بود حسب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیعت و تربیت نمودم چنانکہ
 اتفاق بیست از والدہ ماجدہ شدہ بود شہر فیاضی حضرت قطب العالم شاہ
 محمد نعم قدس سرہ با شماع در آمد ہر دو علم المہتمم حضرت شاہ قطب الدین عرن

ایک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجروح نام با رضا و آقا شکر کار
 تمام در دختر سماء سکرت از پسر عباس علی ابن سیر دوست علی که خدا شد ای
 شد و هرگاه در اینجا سکونت کرد و بعد برادرش شیخ کرم علی در اینجا جدش توفیق نمود
 باز نشان کار و دیات را انتظام بخوبی کردند انجام و درم شان نیز کارخانه اکثر
 من میدید پسر دود باو خانه داری اهتمام دیده باشی هرگاه ذکر آمد حضرت
 صوفی محمد و ایچ قرص سر و غیره حال شان نیز مینویسید یعنی حضرت صوفی محمد
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اولی مرید و مستر شد بودند صوفی
 امانت الله رحمه الله علیه طریقہ شان قادر بود و پسر بدیه محمد و یو و بعد از آن
 با اجازت شان آمد و مظهر شد بهر استفاده باطنی طریقہ ابو العلاء به حضرت
 قطب العالم شاه محمد منعم قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
 ماندند آخر خلافت این طریقہ یافته حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند حضرت
 و پسر و یک دختر و وجه صوفی شاه روشنی که مرید و مستر شد و طایفه و دایه
 بودند نام پسر کلان صوفی احمد الله است پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد از انتقال
 صوفی شاه روشن علی تربیت سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
 با پیام حج شریک بودند ما اثران کسی اولاد نشده بود و پسر او سبط نام صوفی
 قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود چند سال درین دیار ماندند و
 ایام جوانی بهر این خاکسار بودند بسیار بو است از من بود نسبت را به الله

کانپور گردن اشتغال برادر دوم سید شاه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجای
 پسر والده من شادی آن برادر نیز در برده که در بیابان گردن اشتغال است
 از زبان جده ماجده که نام جد او من بود شیخ محمد بن شیخ احمد بن شیخ
 عبدالصمد بن شیخ احمد زانام داشتند در شهر شند لکانه بطور کاشکار زانام جد
 نادر من بود سماء سلطان بی بی بنت شیخ انا نعلی ابن شیخ سلطان علی
 ابن شیخ رضا فعلی درین شهر بود و از تجار و برادر صاحب ت واقع شد نام
 مادر من بود آمنه بی بی نام هر دو امون من بود شیخ عاشور علی و شیخ مهر علی
 این نوجوان فوت شدند لاکانه امون مرادیده باشی شیخ عاشور علی کبر سن
 شده بودند در اینجا گردن اشتغال بخارضا رسال زانام خلاصه من بود فاطمه
 بی بی از شیخ محمد بن انصاری بودند کتخدا شیخ محمد بن شیخ محمد ناسم
 و صوفی محمد و انعم ابن شیخ محمد اعظم هر دو برادر نادر بودند ساکنین شهر پراک
 پسر محمد بن شیخ کرم علی برادر خالقی من هر ملاقات مایان بسواری کشتی
 از انجمن اهل و عیال در نیامی آمدند بجای کشتی رسید در تنباهی زوجه و
 پسر ایشان شدند در دریا غیرین حجت از انجمن تنها در اینجا رسید بر است
 مصوبت و آفت بعد ملاقات در اینجا ماندند خواستم که در شر قاشادی نشان
 تمایم قبول نکرد آخر نیز سوزید انکاح کرده در خدمت نشان و اوم از در
 پسر و یک دختر شد یک رانام بود عید و در نیز از دختر شیخ عابد علی که خدا

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان
 وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سرافراز در وقت رحلت پدر بزرگوار
 خود ده ساله بودم منسوب به زمانه استگسار ترتیب فرار جانب شمال احاطه مغرب
 فرار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره در وجه شان محمد بیملوی جانب
 مغرب فرار است پسر شان حضرت میر سید محمد قدس سره و جانب جنوب پائین
 شان پخته فرار حضرت سید شاه میر سید محمد حسین قدس سره فواسه شان
 در پهلوی زوجه شان بی بی دولت جهان اهل فرار اند این همه عدا که
 نیاز و فائز نماید خصوصاً وقت انجام شادی و در پهلوی حضرت میر سیدی
 فرار است والد جد من حضرت سید شاه ولی الله در بجانب جانب مغرب
 قبر والده جد الا محمد من است و جانب مغرب پهلوی شان فرار است والد من
 حضرت سید شاه سلطان احمد در پهلوی آن قبر است والده ایر خاکسار
 بعد فرار است حضرت جد الا محمد پیر دستگیر بعد بعد بعد من بعد غلامی من
 زوجم الا وسط بعد قبر عم الا وسط زمان بعد قبر عم الخرم سید شاه مراد علی
 در پهلوی شان زوجه انتخاب اند بعد همین بسیار در خواهران من در دیگر
 عزیزان این برنا و اقوان تحسیر نموند دیگر غرض از تالیفش شرح نمود
 ثمره اول شجر اولی اصل اول خاتمه در احوال عم کلاسه سید شاه

در ایامه قرابت بعد مراجعت از سفر جرج رسیدیم ندریم بسوی وطن رفتند
 و خلعت روم صوفی محمد دیم صوفی شاه تقیه الله بودند بعد انتقال برادر
 کلاسه سجاد نقشبند شدند و بهر ادای حج نیز رفتند پدر و مادر حضرت جدا مجد کاتب
 اکثر بود پس ایشان صوفی ولی الله واضح باد خواهر جد و ابن خاکار بی بی
 است الرسول زوج شیخ بركت الله ابن شیخ اهل المدة تا زمان حیات شوهر
 عظیم تمام مقیم ماندند و امام بعد از آن بوقت اخیر بحسب عزیزان در نا پور قاضی
 شدند چنانچه قبر ایشان و والد جد من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در نا پور
 الا والدیه شان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند
 در قصبه چلواری مدفون اند و اسکان شیخ بركت الله شاه محمد قاسم پدر
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد و اجداد یک دفتر ایشان در نزد زاده شاه
 محمد عاصم که خدا شد اینها سجاد نقشبند مولانا که بودند ابلعاش و در پسر
 شیخ بركت الله شیخ سلامت الله زوج شان خلاسی مولوی اکرم الحق و
 مولوی و خطا الحق بودند اولاد نامند و پسر و دم زانم شیخ امان الله بود
 زوج شان نیز بودند و در نهند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله فرزند
 بود برین تصریح گماشت باید دانست حضرت جدا مجد من فرزند آن فرزند
 دیده کردند بر پشت او شش سالگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بستیم
 شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و در پنج و چهارم بعد سیزده سال بهای

علی بسیار منت داشتند و پسر ایشان و یک دختر و قشق محمد حسین را سید خرد و یک
 پسر قشقی سید و ولایت حسین بطور ایشان سر رشته در گرفت اپیل بودند
 در عیبه مشرق کفیس صاحب بهادر و نیز او ستاد بودند و قریب و ممتاز از فقار بودند
 بعد از انتقال والد خود و هاکم وقت این عده به پسرشان بحال داشتند تا دیات
 با و ج جلیله ماند و پسر کلانی قشقی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی
 هر دو دانا و علم خودی که ثیا النساء زوج کلانی و بی بی ولی النساء زوج برادر
 ثانی هر دو زنی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
 میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از سماء عده یکیم دختر قشقی محمد شاه شش
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شر فالح و جبار و دو دختر در
 اکبر آباد و دو پسر و برادر عیالی که خدا از قاضی باقر علی سماء و حلا و از حکیم
 دارت علی سماء صدرا کلان سماء فیهما در موضع کرانی به سرای و سماء نضر
 از میر فرحت حسین و سماء مجید از میر نظیر حسین هر دو برادر عیالی ساکن قصبه
 چهره و یک دختر انا هم معلوم نیست در ضلع علیگنده کول در خانه شرفا که خدا
 یک پسر نام سید احمد حسین شادی اول از دختر سید میر بخان و دو کبریا
 شد ثانی بعد و نجات زوج اولی از دختر احیاء که از شاه محمد سیادت
 از هر دو اولاد نشدند و پسرین قاضی باقر علی اولاد علی و حامی باسط علی
 و پسر حکیم دارت علی نظام علی قن حیدر وکیل یا صاحب بنو زانما موجودند

واضح باو فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی و حید الدین احمد بودند و از آن
 ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
 بر نور کشیده تحصیل علم ظاهر و سمیت بطریق عالی قادیان مولانا شاه ظهیر الحق
 قادیانی بقبر مذکور و از ده سالگی در علم قرآن و فروع و تربیت و تعلیم یافته
 بطریق عالی ابوالعلائی از مباحث حضرت سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ
 بود نوبت خلافت سید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی نحو
 بعد جلیلہ عالم وقت بودند سرشته دارد در شهر الک آباد مدت ده سال آخر ترک
 روزگار نمودند و بعد از سجدہ سالگی شادی شد از بی مسامۃ الیمن النساء و آخر
 منشی سید محمد حسین ابن منشی سید محمد علی الله تعالی بخشہ اولاد چهار پسر
 و چهار دختر سید بطحوت مرشد و در تبران از خواہر زادہ و دو دزدگان کدنا
 شدند و ذی اولاد و پسر میادیم سید عثمانیت السد انچه کہ از وجہ عم کلانے
 در یافت شد اصل نسب بالا در بنیادینہ چرا کہ تحریر بہر صحت نسب مصابرت است
 میر سید عالم علی زیدی نسب سکن یارہ بودند پسر شان سید امجد علی پسر ایشان
 سید احمد علی از وطن متفاوت کردہ بہر حصول مدد معاش روانہ و یا سرشتہ
 شدند خلاصہ شہر نکالہ بمقام سولکپہ در آنجا سکونت کردند و اختیار بداشتہ
 جلیلہ صورت رفتہ بخار پسر ایشان منشی سید محمد علی طویل القدر حکام بودند
 ارمستار حاکمان وقت و پسر ایشان کلانی منشی سید محمد شاد با وجود خطای

شدند و از اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الدار خواهر خورد این فقیر
که خدا شدند یک دختر شد بعد از پسر و بعد از او نشد الا از جمیع پسر و
دخترانند و کیفیت اولاد برادر خود آیند تبصیر بجواب نگاشت
شماره دوم در بیان اولاد و دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حقیقا النساء زوجة شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه حضرت سماء حفظا النساء که از برادر کلان خورد و بود
و از سه برادر کلان زوجة شاه تراب الحق ابن شاه طیب الدار ابن مولوی حسین
حضرت شاه طیب الدار و سه شاه سید الدار و دی بودند و ذکر نسب بالا
تحریر شد حصول این بی بی در زمانه خود را به بود و در عبادت الهی پرستید
و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بر بندگان ماندند و فانی و ناسخ
بسبب کثرت اهل و عیال استدعا بچهار پسر و چهار دختر بخشید و بهر اهل سالگی
رو برو والدین کردند و انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشتند و فرزندان کلانی سید
شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر و اهل الا عظم یافتند و از استعداد و نبوغ
بنظیر بودند و اکثر آنرا کی طایفه پیش حاکمیت بودند و بیعت ایشان را از حضرت
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریق عالی نقشبندی و تربیت ایشان
از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت ملاقات از شاه
و بیعت از بهر دو اجازت و اتیان به تربیت و تعلیم فیوض باطنی و ازلان

دو دختر میر فوخت حسین مسماة سراط النساء و دو پسر میر مظفر حسین و میر حسین
 و نظیر حسین و پسر غشی و لا و علی میر طاعت علی و یک خواهر شان که از میر صالحه
 که خدا و میر اعظم علی را دو پسر سید طاعت علی و سورتی سید احمد علی آینده معلوم
 حالا ذکر اولاد هم الا اعظم می‌تایم که که خدائی شد واضح باد دختر کلانی مسماة
 بنحشا النساء زوجه ابی اخی الا اعظم شاه محمد قاسم و دو فرزند از طین این
 زوجه شدند بر دو درخت کردند بصغر سنی بعد از آن مادرشان فوت شدند
 و دختر ثانی هم کلانی مسماة عبد النساء زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
 فرید الدین ایشانرا از طین این بی بی یک دختر شد جمیل نام بعربست ساکنی
 شد عمر تمام نام پسر میر حسین انهم بعد وفات مادر بزرگوار و لا و ماند و دختر سوم
 هم کلانی را نام بی بی ام القبول عرفت بتول از برادر سید هدایت حسین شدند
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید ارشاد حسین ابن
 امیر بن امام ابن سید شاه دارش علی بهاری ذی اولاد شده بجه اولادش
 ازین عالم نام پسران برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
 و دختر نیز شدند بر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین
 ابن میر علی سجاد پهلوانی که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر
 ایشان و دختر چهارم هم کلانی نام تلج بی بی و امت از رسول عزت رسول
 از برادر کلانی عیانی این خاکسار که خدا بینی از سید شاه علی حسین که خدا

اهلکمالان بودند نسبت عالیله اوده جذبه در آخر عمر در جذب الهی بودند
 کلیه بحق افسوس زندگی و فغانگری و چهار سالگی رحلت کردند بسیار مریدان
 و مشرطان ایشان می شدند بسال کینزار دو و صد و پنجاه و سی و هجری وفات
 یافتند شمره سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد و احمد بن شاه ترا بحق
 رحمت الهی علیه که در دم نذی فنون و پرهنز بودند و استعداد فارسی بود بسیار
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالحسن لایه ایشان را نیز از حضرت قطب العظمی
 سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و فکر را معنی خیر طبیعت بود و بسیار
 وارده در دو حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر می نمود و در شعر و سخن و کلام
 خوش مذاق بودند و همیشه تجارت کردند با انچه عفت از کار خود نمود و ثلث اخیر
 بیعت از حضرت شاه مظفر حسین بن ابی و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الله
 قدس سره سزاوارتم کردند و اجازت پیرو مریدی از خال کلامه یافتند و میر
 و مشرط ایشان نیز بودند و بهر شصت سالگی رحیل ملک بقا شدند بسال کینزار
 دو و صد و شصت و چهار ولادت ایشان بسال کینزار دو و صد و شصت و چهار هجری
 بهماه ذی قعدة ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیزی ایشان ارد
 این حقیر شادی ایشان بعلاقه بهار در اقران شد و موضع نور پور از راه
 تحفه النساء دختر شیخ بهاد علی او دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند
 ذی اولاد اندام پسر خوشی سید محمد و یک پسر فارسی سبیت دارد و یک پسر

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده زبیب حجامه شدند باز شاد
 مرشد پیری و مریدی خضیاب از ثرات بابرکات ایشان شدند بسیار محبت
 و بیخ ساکنی کردند از انتقال بهال یک هزار و دصد هشتاد و یک جری برد
 پنجشنبه هزار واقع است در حضرت منیر باستان حضرت مخدوم یحیی سکر
 قدس سره شاهی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر
 برود کردند انتقال اولاد نهاده شادی ثانی از سادات امیر الفنا دختر میر جندی
 شد در بهار محله باردوری از ایشان نیز شدند و دوشهر و یک دختر به فرسخی
 وفات نمود الا پسران جوان شده رحلت کردند اولاد صلی نامید پنج فرزندان
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه او شاد این فقیر بود نداده که صحبت نیز
 مرا حصول شد با وجود این تعلیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان
 مرید این فقیر اندکسجان المدعجب مراتب است بابرکات بودند
 شمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خود سادات اولاد
 عزت امون از سید مرتضی ابن میران علی ابن میر شرف علی ساکن
 رهوی که خواهرند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه به فقری بودند
 بیت ایشان از دوزخ عده خود از شاه قهرالدین حسین بطریق عالی
 چشتیه مودود و پیران تربیت و تعلیم معنوی بطریق عالی ابو العلاء از
 جناب حضرت سید شاه قهرالدین حسین قدس سره یافتند بطریق یکی از

قدس سره بفضله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران دو تفران که خدا
 انرا بختی ذی اولاد اند الا پسران صغیر از محمد خلیل و محمد طویل است و تاسی خوشنود
 دارد و دختر دوم شاه محمد و اجد علی الزمره از حضرت زاده ایشان سید نصیر است
 ابن سید شاه تصدق حسین که خدا شایک پسر گزاشته بنام محمد طویل و جوان و جلت
 کردن فرزند قیم است است تعالی عمر طویل کشته و ذی علم مانند باقی از محل ثانیه در
 دختران اندیکه که خدا از شاه و اجد حسین شهرای ذی اولاد نام پسر ایشان
 محمد رضا و ثانی و دختر طایفه که خدا و نام شاه محمد و اجد محمد امین بیعت از والد خود
 نموده است ذی اولاد است بنام محمد حسین و حسین و متین خیر و شکره
 چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم
 از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده کمال صلاحیت طبع بود و گویا عارف باشد
 کار دنیا کس نکند و خوشنویس بود و بعد بنفقه سالکی قضا کرد و عازین فقیر کمال محبت
 و انس پیدا شدند به در و شیر

شماره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد جانی بخیرین

ام و ابا را نور العین و واضح باد شاه محمد سجاد ذی ایشاد ابن عمه خاکسار مولی
 و به در و به هم این فقیر حقیر اندر زور و سالی در تحصیل علم هم حق چندی اوقات
 سرور نواری حاکم وقت نمودند به راهی کلا نسیه بیت ایشان را نیز از حضرت
 قلب الشارحین سید شاه و خواجه ابوالبرکات قدس سره و تربیت و تعلیم

و شایسته است تخلص عطا تربیت باطنه یافت از نعم خود حضرت سید شاد
 مبارک حسین قدس سره این حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قاسم
 قدس سره و بیعت ایشان از لفظ حضرت عم کلائی شاه محمد قاسم قدس سره
 اوقات بر دژ گاه حکم وقت چندی بسر کردند حال در تجارت مشغول اند که خدا
 ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه امیر العدا بن میر تقی الله
 از مسافه است الصغری اولاد پسران شدند حال سید پسران موجود کلائی
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانه در آنگری
 نیز فوقیت دارد و بر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
 جد کلائی مدد و تربیت معنوی از جدا صغری سید شاه محمد سجاد حاجی الطرب
 از محمد سدر کسب بطون نیز دارد و کمال در شاعری و تبدیل کدخدائی از دختر
 خالائی مسافه امین و فساد دختر سید محمد و مینش ابن میر شجاعت علی مرحوم
 از می اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسرانی شاه محمد وزیر محمد امیر
 حصول بیعت ایشان را نیز از جدا صغری است که خدائی نیز شد پسر نیز است
 سر سوم محمد یحیی و پسر سوم نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است
 دختر کلائی محمد و جد مسافه بخت النسا که خدا از سید ابوالبرکات معروف
 بشاه برکت ساکن موضع مدین پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین
 بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

شماره ششم

و در ذکر دختر ثانی عمر این فقیر سماء بی بی کاسیم که از میراث علی شده و کفر
بیعت دارند از خال الا عظم خود خواهر عزیزه صاحب صفت و عصمت از بطن
این بی بی دو پسر شد یکی عمر و دیگری که خدا شکر در از نهادن پسر مرد پسر شاه
نظیر حسن مسلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذی شعور در علم عربیت
به نظیر و عبارت فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار و طبیعت دارد و سلامت بهشت
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخوی سید شاه محمد و مادرش

ارشاد که خدای شد از دختر سید البرکات دی اولاد است

شماره شجره فرج ثالث اصل اولی در محابه حضرت سید شاه فرید الدین احمد
رحمة الله علیه مرید و خلیفه و ابن حضرت سید الواصلین سید شاه
غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تهجیح

باید دانست ولادت حضرت غلام الاوسط عمده الشایخین سید شاه فرید الدین احمد
در سال یک هزار و دویست و دویست و هجری بهماه رمضان برین وجه رمضان علی اکرم
در عو شاء برضو بود و تربیت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه تقا در پی
و تربیت معنوی بطریقه ابوالحسن لایه از جایگاه از بزرگان این سلسله
و تربیت عربی و فارسی بود کمال الایچراخ و تربیت مدرس دادند و نه دنبار
ارشاد آهسته خجری معاش مقبوضه دایمی نمودند شادی این حضرت

سنوی در حضرت قطب البصیر رحمه الله قمر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و هجرت بیعت
از حضرت اخی کلانی و بعد تبرک روزگار پنج بار هجرت یارات بسوی حجاز شریف
بردم حج نمودن و زیارت حرمین شریفین ذات البركات اند و در فن شاعری
را در کمال دراز و فارسی سا حد مخلص است فیضیاب از ایشان اند بسیار
و مردان کثیر از دقت ترک نوکری چنانچه نیکوگان مرشد زاده ایشان بیت کرد
و تربیت یافتند و خوش اوقات اند فیضیاب صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند
شادی ایشان گردید از مسحاة البصیر رحمه الله عمو بر اتن دختر میر محمد عامر
برادر حمزه زاده ایشان بودند فیضیاب اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بکلیه بقادر
پسر الاسود و اندر چهار دختر همه با کتبخدا جامعیه که از میر حسن حسین که میوه است
اولاد دارند و دیگر از سید عبد الحکیم نوری اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم و سید
که خدا از حکیم امیر اکثر نوری و اولاد چارگی از محمد غزال زوی اولاد است بیضه را
نیت و ارشاد است بیضه را فقط ارشاد الایسر رحمه الله بقدر را نام سید محمد شاکر
و از حسین قنوم اکبر آباد شد نوری لیاقت اند و حبیب نظامی بغاری خواب
شعر از بی تعلیمیت ایشان را از حضرت عم کلانی و تبریزیت و اجازت
شد نوری ایشان از مسحاة البصیر ولایت حسین گردیده است نوری ولد
ند و دختر اند موجود بسیار طبع و کمال و فهم رسا اند و شغل کتاب بینی بسیار
و مجاز اند از هر عامه نسبت تربیت و اجودیت و محبت و بیغیر حقیر نیز بوده اند کار

یک دختر که خدا سده رحمت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
 و دو دختر شریفان خود اندر وجود و پسر کلانی نیز اندر وجود سبی رجب علی بن
 مقصود الله تعالی این سه را بنحسب صورت بهیود و فقیح عبادت بنجود سید شاه
 هدایت حسین و لد ثانی حضرت سید شاه فرید الدین احمد علم ظاهری موافق ضرورت
 داشتند و همیشه بصیغه مختاری ماضی در بار داشتند که آنکس طبیعت ذی جبر
 که بفر خود هیچ ندانستند اتفاق بیعت ایسان نشد الا تربیت یافته بطریق معنوی
 از خال الاعظم حضرت سید شاه فرید الدین حسین قدس سره بطریقه عالیه
 ابوالاعلی بود که ندانی ایشان نیز از دختر سوم علم کلانی گردید از سادات است
 و دو پسر دیگر نیز متولد شدند دختر از همه کلانی ذی اولاد شده مع اولاد و وفات
 یافت الا پسران موجود که خدا اند جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پناه داری که خدا چنان
 دختران الایک پسر سنی ابوسعید رحیم الدین مترشد و میر جناب باغی کاظم
 سید شاه علی حسین بیست و سید نصیر الدین را که ندانی در قصیه نیز شد یک دختر شد
 برود و وجه نیز شادی ثانی نیز نمود و انهم فوت شد و سنگر فتنه این فقیرست و ثانی
 مرید علم کلانی خود نموده برادر هم بر گرفته و این میر سید حسین پسر سوم حضرت
 علم الاوسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاهری دارند محتاج تحریر را کسی
 نیستند که رو بدو از بیعت ایشان بر از جناب حضرت سید شاه خواجده ابوالکلا

اردو ختر کلانے غم خود کردند از سماء فصیح النساء بنت حضرت سید شاه
 شمس الدین حسین قدس سرودی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
 رحلت کردند بعد پنجاد و شش سال سر سال یک هزار و دودصد و پنجاه و نه شهر محرم الحرام
 پانزد هم تایینج بود از اولاد سید پسر احمد و دود دختران قصدا کردند یک محمد و سه
 تمام نام پسر کلانے سید شاه فدا حسین بیت ایشان را از بعد بزرگوار و از
 بطریقہ عالیہ چشتیہ و تبریت باطن از انخی الا عظم شاه محمد قاسم علیہ الرحمۃ بن
 والد خود جانشین شدند تربیت نہایت پر سلیقہ بودند و خلیق و سافر پرور
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روسا شهر و رگرہ اخلاق بودند شہرہ آفاق
 با درجہ یکہ تحصیل علم ظاہر بودند ہجرت سال ولادت آنجناب در اواخر
 ربیع الاول در سن یک هزار و دودصد و ستی ہجری بمشہد متسع سال
 کردند انتقال بسال یک هزار و دودصد و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در
 قصبہ مشیر ہم پہلوی انخی کلانے وفات شهر رمضان شریف تایینج
 پانزد ہم حصہ ترکہ خود دارشان صلی بیستم شرعی اوند و دود ہزار زادہ خود را نیز
 تعلیم تربیت نمود و از دارشان گردانیدہ ہر کہ حصہ دادند سوائے آنکہ برادر
 خود بودند موجود دادند بے حصہ دارشان ترکہ را خوردنوش نمودند با وجہیکہ
 موجود اند شادی آنجناب از دختربانی ہم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر
 متولد شد با یام صغر سنی فوت شدند مگر کہ العبد الا ارحم سید پسر و دختر

همیشه بود مشغول طیل در گار و کام بودند بسیار را حسی و خوشنود و گاهی خانه نشین
 شده که در مشغول کتاب گاهی کرد و تجارت الغرض باشند گاهی که آنرا و در
 محتاج و عالی بیست و دوی مرد و صاحب جود و کرم و سخاوت همیشه مانند نذوب
 و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از مسماة قادره بیگم و عروفت النساء
 بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس الله سره و نیز
 اولاد شد پنج و دو دختر و سه پسر و سید علی حسن سه ساله و فاته یافت
 رو برو که مادر و پسر و جد و جد الار و دختر و دو پسر مانند پدر رحلت والدین سال
 یک هزار و دصد و چهل و دو بمیری بمیری شش سالگی سموم شده که در نمانتقان ششم
 شهر ذیحجه روز دوشنبه رو برو والدین خود همه با عزیزان و بزرگان محزون
 و گلین شدند بر طلال و دختر کلانی آنحضرت مسماة ولایت طاعت که خدا شد نذر
 سید امیر عبد بن میر فقیر الله بود و صاحب عفت و میا بیست ایشان را بطریق
 عالی نقشبندی از خضر خود حضرت سید شاه غلام حسن شهیدی بود و تربیت یافت
 نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره دوی مراقبه و
 مشغول بکار الهی با وجود اعمه الله تعالی اولاد نخب سیده و دختر و سه پسر یک پسر
 و صغری بمرد الا کلانی که خدا شده نوجوان دوی اولاد شد نام بود و جد الله
 در عربی حسن ثانی پسر سید طاعت الله عرف ابو الحسن نوجوان هر دو وفات یافتند
 اولاد دختران دوی اولاد شد کلانی دختر مسماة زهره از سید محمد و هم بخش این سید

قدس سرہ ذریعہ مضبوط از حضرت پرمشہد سید شاہ قمر الدین حسین

قدس سره بطریقہ عالیہ یوعلیہ و مجاز نیز از اخی کلانی اند شادی و اولی ایشان

از نسماة محمد و مه دختر شاه امير علي مرحوم گردیده بود و هنر اين بزرگواران

چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میرزا محبت رئیس شهر

پیشو از اندر وجود آگاه از اول و نیز از سبب قضا

نمونه چهارم شجره فرج سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد و سید

الساکنین حضرت میر سید سلطان احمد پیر سوم حضرت سید خواجہ

سید شاہ غلام حسین مدظلہ

رواضع باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و شش هجری

بما تشعبان العظم وروما تشبہ تاریخ ووازوہم این حضرت ورفزند ان والد

اجمل و اکمل و ذی اقبال بوده اند و بصورت جوان بسیرت لائق تحسین مسروران

تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود و پدر الا از محمدعلی

کامیابی سببیت افرون سو مند چون پهلوان صاحب قوت و زور پست کجاست

[illegible][illegible]

شاد شدند و از آن سار و صفت خواستند که سواران و سواران را

۴۰ جلد اول

بسال یکوزار و دصد و سبست شش هجری و پنجم شهری قنده روز یکشنبه فوت
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از
 هر یک اعمام خود نمودند و در مرقه فارسی درست است بعبارت مرعوطه نوکری
 چند بار نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دختر خود و هم کلائی کرده اند
 است الرسول عزت رسولا از الطین این بی بی بعد چند سال شادی او گذشت
 و دو دختر و یک پسر در اهل تربیت و تعلیم طریقه ابوالحسن علیا حضرت خال الاعظم
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند و امیات آنحضرت ذکر آنجا
 تعلیم میبرد و خند چون از اینجا کشور و قایده شرب نگشت بعد انتقال آنحضرت
 بیعت بطریقه نقشبندیه ابوالحسن علیه شهر آله باورفته از جناب حضرت قطب
 مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سره ماخذند بعد
 در صحبت بابرکت حاضر شده و جناب حضرت شیخ المتقین حکیم شاه مظهر حسین
 قدس سره جانشین و خاتم الرشید حضرت واصل باشد حضرت شاه
 فرحت الله قدس سره مخاطب به حسن دوست فیض طریقه مذکور گرفتند
 بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرار باطنه ما دون اختلاف شدند و تیر خلافت
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجہ ابوالحسن قدس سره
 ابن و خاتم الرشید حضرت قطب العاشقین ما دون ما جازت اخذ بیعت بطریقه
 گردیدند و فیصله از پروردگار تعالی یافتند و سجاد و ترشد و برشته پیری برادران

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر دو دختر و دو دختر و دو دختر و دو دختر
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهیر الحسن که خدا از دختر برادر هم یک
 سید محمد کاظم یک دختر است و سوم عظیمه فاطمه و ثانی شادی نیز در اوان
 خود نمود و دختر ثانی است الصدوق از دجی محمد زید بن سید شاه محمد و
 مذکور الصدوق که اولاد نموده شد و دختر سوم سماء ولی النساء که خدا از سید کمال
 نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین
 و فاطمات کردند یکی دختر که خدا از سید حامد رسول خیر و میر علی سجاد پهلوانی و فرزندان
 و او دو می هنوز که خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شجاعت آن
 و نام ثانی تبارک حسین بر دو هنوز که خدا از شغل تعلیم علم در روزگار انداخت
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد سماء شمس النساء که در حر ازین فقیر انوار
 خورد و بود بهجت بطریق عالیه قادیانیه نمود از حضرت جد امجد سید الواسعین و
 شغولی باطنه بودند که خدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت السید یک دختر
 شده بود سیده امیر نام بود در النساء بعد که اولاد نشد بعد پناه و شصت
 سال رحلت نمود شغل عارفانه در کتب سبع الهی است دوم شهر ربیع الثانی شصت
 بسال یکصد و صد و نو و پنج هجری رحلت کردند تدفین هم پهلوی خواهر کلانی
 پسر کلان حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اخوی کلانی ابن فانی جانا
 معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

الالباب و صفات حمید از همه برادران مکرم به نسبت جبر بر ذاتی و صفاتی سبحان الله
 و لا اله الا انت حضرت مهال یک هزار و دویست و نود و نه و چیری ماه سوال المکرّم تا پنج
 یازدهم روز پخش شد و واقع از بیان حضرت پیر و شکیه جدا جدا و قدس سره کی
 کما بیت و علم عربی و فارسی و نظم و شعر و بسیار و در حکمت حکیم صادق صاحب
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم و در رقم نجفی و جلی و هر خط حکیم
 می نمودند بیت حضرت را بطریقه عالیّه نقشبندیّه ابوالمسلسلایه جناب حضرت
 قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره و نیز اجازت
 و خلافت یافتند از آنحضرت مانند در صحبت تبریت الا کشودخص باطنه بطریقه
 مذکور از جناب اعمی الا اعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره و کما
 و بهر نفعت نیز بودند از اعمی عزاد و تلمیزی بخوش رقی از اعمی و نیز از اعمی سید محمد حلیل
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنه بمطرب گشتند و در حکمت شاگرد رشید حافظ
 غلام نبی خان بودند و او شاد و حاکم وقت و نیز بر عهد و کونوال نمودند و بهر
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النساء بنت سید شاه ولی احمد نجفی
 علیه الرحمه گردید و اولاد شد و دویست و چند دختران پسر خود سیدی سید اشرف حسین
 بعد از منشی بدو حلت نمود و نیز چند دختران الا یک دختر کلانی سماه میرکم النساء که خدا
 شد و از سید شاه سهارک حسین قدس سره از بطن این عقیقه شدند و دختران
 وفات شدند به کم سنی بعد از آن ائمه رحلت کردند و فرزندان چند تیره بلند رانام

رسیدند اکثر یاران قیصیا باند از نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلعت الرشید
ایشان را بعت و تربیت از ایشان ست و نیز غیره برادر خالائی مرید و مستر شریف
بعد از شحال اخی سید شاه قدا حسین علیه الرحمه بمنصب تولیت آمدنی و بیعت
نشدند با نظام سرداری و زمینداری از هر صد سال بعد از همه جمیع اولاد اجداد
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله و گذشت ثانی یکی پسر
سجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر هم سید شاه کاظم حسین کلانی
گروید ذی اولاد است و دست موجود بنام زین الدین حسین طال الله
و دو فرزند کلانی و ثانی در گذشتند و دختر ثانی اخی اعسانی بی بی ظهورت اطمه
دعوا محمد النسا از صاحبزاده خود بیاب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذی اولاد اند بعد فرست
و دختر و ندی موجود است الله تعالی ثمرتی عمر کناد و حالا سینه شریف اخی کلانی از بهشت
بالا ایا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کترین ایشان ست

این حقیر سکین خطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد ساخت

سره شجره بخت فرع سوم اصل اولی در ذکر حماد حضرت سید شاه
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین
قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید محمد الدین اصح و معروف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

بجزی اہم شہر حبیب الرحمن بہر پنجاب و یک جناب علم المحترم اوستادی مولائی
 حضرت سید شاہ مراد علی کردند اشتغال مزارست در جوارہ الدوا بند خود
 عالی تبار یا یا سکہ سفر حج بود این خاکسار فبال یکزار دو و صد و شصت
 بجزی المد تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاہ کاظم حسین را و اولاد
 ایشان را از ایہ عیش بخشید کہ با فضل زیب سجاولی جدا نمیدز خود اند اگر چه چاک
 ذکر عمید سید شاہ شمس الدین حسین جد مادری درینجا موقع بود چونکہ ذکر مصائب
 آنحضرت است اقبل آن ذکر میان حضرت سید شاہ عبدالننان قدس سرہ
 مقدمہ شجرہ طیبہ قادریہ نسب حضرت سید شاہ مظفر حسین خاں الیہ
 و پیر و تکیہ حضرت سید شاہ عبدالننان قادری مع ذکر اولاد ایشان
 واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاہ مظفر حسین قادری و حضرت
 سید شاہ عبدالننان قادری بالا نو سہ است درین کتاب بہ نسبت دوم باب
 اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب جانی عرش الا عظم محی الدین سید عبدالقادر
 جیلانی رحمۃ اللہ علیہ الالبیان کیفیت کہ یک کرسی نسب منور شد تا معلوم گردد
 بنا معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
 حضرت سیدی سید الدین عبدالوہاب ابن حضرت عرش الثقبین از
 ملتان تشریف آورده در شہر دہلی زبان سلطنت بادشاہ عالمگیر خان قاہرہ
 بیرون دہلی در وازہ شاہ جهان آباد یعنی در دہلی قدیم پیاستند و بارشاد

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از جمیع اخوان دارند
 فوقیت و نیز کتاب حکمت خوانده و در مطلب نشسته علاج بسیار آن می نمایند
 دست شفا هست و هر یک غریزان در کتب درسی نیز شاگرد اند حصول بیت
 ایشان بطریق عالیست و از جد امجد حضرت سید ابوالفضلین سید
 شاه غلام حسین قدس سره دسینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست
 اگر چه ارشاد ظاهری از کسی جا نیست که خدائی ایشان از دختر خال خورد
 سید شاه حسن احمد بن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام آن بی بی
 مسماة فریدان النساء از بطن این عقیقه چند اولاد شد و سه پسر و یک دختر
 به کم عمری رحلت کردند و حالا دو دختر و یک فرزند سوچود که خدا اند و دختر کلانی
 منسوب از سید ظهور الحسن ابن سید محمد و من بخش و ثانی منسوب از سید کریم
 مسماة است النساء و اولاد هر دو آنند که در الصدر الاپسر که نام سید
 عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاهر
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد
 دیگر پرچشیت است الاذکات کثیر بیت از پدر بزرگوار خود حصول است
 بفرزندى این فقیر مقبول است الله تعالى ترقی نماید و توفیق حسن تدبیری
 دهد زاید که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالى
 عطا فرماید بطور ابا و اجداد بنشیند و بنشیند عمر زیاد بسال بکثیر از و صد و شصت

و فرزند ایشان بودند حضرت سید شاه عبدالعزیز یانی ملقب ایشان
 سید محمد سر فر از لقب با امتیاز جامه در درجه مخفی حال شهر بودند و وضع
 ولادت بنا حضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر قناتی درین شهر
 دهمی و سال یک هزار و هشتاد و هجری بسین شهر بیت و تربیت تعلیم باطنه طریق
 قادر بود از والد ماجد خود حصول ساقی و در وقت انتقال والد ماجد سی ساله بود
 انتقال آنجناب بسال یک هزار و نود و ده و هجری کار معاینه آمد فتوحات نذرانه
 روزانه بیشتر بود از مردان و متقدمین امر در سلاطین بسیار کسان بر سفره
 همنوال طعام علاوه لنگر خانه بودند بعد انتقال والد ماجد خود تالیفات ایشان
 بدستور کار خانه ماند اگر چه راجه اندایر متقدمین بودند مثل مردان یکم از ان
 راجه خیالی رام و پسر شان راجه ساد و رام سیرت و عابرین حضرت بطلب
 رسید انتمای عمر گردید کسی فرزند بود و بدین شیوه در عالم خواب مشرف از جمال حضرت
 محبوب جهانی شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا میانی پر طلال و چه
 جاری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواهر خود را که او را مثل
 و حضرت پروردی و میدانی در نصیب او اولاد هست او را که کن از یک فرزند را
 که دار و نام محمد سر فر از لایب هست با امتیاز بهرگاه از خواب شد ندیده
 و گشت همه پیشا ر شد و در تجسس تلاش این نامدارا خیرات شایسته و نشان
 دریا نقشه بخت آوردند خواهر خود بی بی پارسا را بیاعت سید در زوجیت

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلافتی گردید با شروحات و
 حصول فیض عام با و شاه دارا کین شاهی معتقد گردید این بزرگ آرا با اجداد
 از بغداد شریف آورده چند پشت در اینجا اقامت پذیر شدند در ملتان
 یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن
 سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
 حضرت سید الدین عبد الوهاب غلف الرشید کلا فی حضرت عوث الاعظم سید
 عبد القادر جیلانی محبوب جهانی رضی الله عنه و خلف حضرت سید شمس الدین
 قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبد القادر ثانی یکبار و در پل آره چند اقامت
 کرده باز بسوسه ملتان که وطن جدید شد از بزرگان تشریف بردند پس ایشان
 سید عبد الزاق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب
 اثر و قادریه باز تشریف آوردند در پل و در زمان سلاطین چشمن چند سال
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین دین شهر شدند مقیم زمان بعد تشریف بردند بسوسه
 ملتان ابنه محمد یحیی ابنه سید احمد و فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
 ملتان لقب بسید عیاض الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف
 بردند و نیز بهجت ایشان یک از فرزندان حضرت سیدنا عبد العزیز که فرزند
 سوی عوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاد و نشین بغداد و شریف
 جاسم عزت نشین شدند و سالها در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

عرت فرزند بیگم و حسن سرین حضرت سید شاه عبدالمنان نجاه و بهشت
 سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی
 زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی قویما دعوی بی بی حاجه و نام والده
 حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد بود
 بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود و آنقدر در دنیا زینب
 از زبان محسن و دشمنید و یاد داشت بهر علم عزیزان نگاشت القصه بطریق
 زوجه آنحضرت اول دختر شوله شدند بنام محمدی بیگم و در بی بیام صغری
 رحلت یافتند بسیار یکبار و یک صد و هفتاد و نه هجری فرزند در خاتم بود
 آند در دلی موسوم شدند بسید علام عبدالقادر اعزان و مریدان را
 از ظهور ایشان سرست شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر بعد چار سال
 شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری بنی آنحضرت سید شاه عبدالمنان
 قدس سره شد شرفی و بارین شهر عظیم آباد بیش آن گردید که یک از مغر استغنی
 راجه ساه و حورام بیگم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا به منصب شد
 و علاقیات محال و هیات این جوار بدلا بجوار عطا شد چون راجه مذکور آمد
 اقامت چند سال درین شهر نمودند خواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند
 عریضه نوشتند که آب دیوانه بجوار بر سر اعتدال دار زانی غله نسبت انجا کمال
 حضور می سر فرزند زاینده بر تخریر راجه مذکور حضور نما بهر تضرع تشریف آوری

او شان دادند بعد از مدتی فرزند س از بطن آن بی بی متولد شد و بسال یکسالگی
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
 عبد المنان تا حیات خود بعد از حدیث تربیت و تعلیم بطریقه عالییه قادر بر
 کردند و بجای فرزند صلیبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکسالگی از در
 و بهشتا و هجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شهر و متقیان
 و مسترشدین شدند سجاده نشین ترکه دستور نیازات و اجراس بر دوشیا آوردند
 از زندورات تا سال عمر پنجاه و پنج هجری بودند که خدای تعالی فرموده بودند روزی صبح
 وضو دست خود بر سرک مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
 اولاد میفرماید که ام کس دختر خود با من فقیر خواهد داد و در آنوقت سید محمد مهدی
 ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبید الزراقی خلف ثانی حضرت
 محبوب جهانی رضی الله عنه بودند و اراکین سلطنت بادشاهی مخاطب سیدین علیهم
 از مریدان محضین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند و نسبت
 عرض ساختند یا پیر سنگبر برین خاکسار محجب معالیه گذشته است چند و خیران
 شدند و دوسه ساله شده بهار خنده و احد فرت شدند حالا این دختر مرده است
 ده سالیت کرده بودم که بکنیزی حضور دهم در بیت چنین کلمه ارشاد شد
 زهی نقیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یا بد آفرانان حضرت عقد
 نکاح واقع شد و وجیت در آن زمان آن مخدومه بی بی اشرف النساء بود

بی بی اعلیٰ النساء این مخدومه بود چند ماه که شغال جناب حضرت شاه عبدالعزیز
 قدس سره شده بود و بعد از مفتاح حسنیه بالاترین چهارم شهر ذی قعدة بمسال
 یکم از او یک عدد و نوده و یک هجری بمهر و دوازده سالگی بودند حضرت سید شاه
 غلام عبید القادر را بجا ازت سلاسل خاندان خود درو چنگ دادند و فرمودند عالم
 حبیبی است شما بیعت کسی از شاخچران نغائی بروز چهارم حاضرین مقتصدین
 ایشان را از بی عیاده نمودند بعد دو سال بطریق عالیة قادریه بیعت حصول
 ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سره که با نشین و میرد
 و خلیفه حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد شمس قدس سره بودند از آن بعد
 از ایشان سلسله بیعت اجلاس و خواهر کلان خود را در زوجیت دادند و میر سید
 محمد جعفر خان منصب داد این توابع علی حیدر خان ابن علی صدق خان
 و خواهر شوهر را نیز در بیعت میر فیض بخش ابن سید میر بخش دادند که ایشان
 از شرفا در رئیس این شهر بودند فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
 بصغر سن و ذات یافت بعده والده شان و از بطن خواهر کلان یک دختر متولد
 شد در اول سماء امیر النساء عزت انانی میگم زنی اولاد شدند یک پسر نیز
 شده بود سسی غلام رسول انهم بعد رحلت والده بگذشت ازین عالم راضی
 مذکور به صرف خانقاه محبین کرده از سرکار سارن و فیضاران دور و سیه روز نشین
 و اولاد کلان و چند دیات همه بر پا شد دیات که غذائی انامی میگم از سرکار

چند استقامت کرده بعرض راجه مذکور از شهر دلی مشفقان خود را مع اهل
 و عیال و مریدان با کمال طلبی بقتل وقت قشربخت آوری بیگم صاحب اکثر مریدان
 و معتقدین در بخاندان آمدند همراه بعضی مشایخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلطان
 از فرق کبیره و نیز حکیم فاروق و الد حکیم محمد حسین و حکیم قادری و حکیم اکبر
 و مریدان متعمم کار خاص میردگاهی و میرجمیت علی عرف میریگیا و غیره مع
 پرستاران بجمعیت درینجا آمدند راجه مذکور هر یک حسب لیاقت بنواخت
 که بعد بر جمعی کار و بار هم ازین شهر رفتند و در بنجار حلت ساختند سواری زبانی
 بگردون رتبه شاهی آمد بودان ترگان و ان بر اسپان فوق داشتند و
 حضرت سید شاه عبدالقادر چهار سال چند ماه بود در اینجا آمده بعد یکسال
 دختر کلانی تولد یافتند از اینجا که در شهر غطیم آباد متولد شدند نام غطیم
 نهادند و در آن بعد عمارت مکان بهر اقامت و خلعت طیار شد باره درمی و
 خانقاه بهر عرص بزرگان انتمه استماع است از بزرگان و بهر عمارت از زمین
 که کل می بر آورند خندق شده بود مشهور گرچی شاه عبدالمنان خالانرا و دیگر
 بای حیرت و نهایت آن بلور افسانه ماند کجا شدند کار خانه کاشانه نمی نیاید
 جانی گریخت و بر لای آوردن چون بیال یک هزار و یک صد و ششاد و سه تولد یافتند
 دختر کلانی بعد سه سال تولد شدند و دختر ثانی ساسا غیمیا النساء و بیال یک هزار
 و یک صد و دو و چهارم پجری متولد شدند و دختر ثانی یعنی حدو مادی این خاکسار

سیح نهادند بجز روزینه از سر کارانهم تا میات حضرت جدادری مانند شدن
نزد این خاکسار موجود دست یارگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی در کیفیت حالات جناب حضرت
سید شاه شمس الدین حسین جدادری این خاکسار تنبیه که فرزند آن
و او را و عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت
سید شاه ولی المدح است آرمگاه ولد حضرت سید المجدومین حضرت سید شاه محمد
قدس سر و نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جبر محمد بن مقیر یعنی سید
شاه غلام حسین قدس سره دلالت یافتند در سال یک هزار و یکصد و هشتاد
و دو دوم یکم شهر جمادی الاول بعد انتقال جبر محمد خود تربیت و تعلیم علم ظاهر
آنچه که شد بضررت ایشان از انجی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی
مسح المدعو اندوز فیض صلاحي خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس
باید دانست آنحضرت بودند و هیچ کمالی پاکیزه صورت جمال فکر و قهرس رسا
در علم خیر از انجمله طلب کیا هم بود و با ایشان دشوکت ملاقات راجه بای
دیار و بادشاه در دلی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال
اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت دلی شایان یافتند از زمان
بادشاه در ملک سلطنت سیح حکومت نبود باقی که تعداد مواضع است از معانی

ابن میرهاد علی ساکن شیخیه گردید یک دختر شوله عبد العشاء و جوان شد
 تا که تجد رعت کردند الا پس که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاهی
 غلام قادر را از جد مادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار بطو محبت بود
 که هر دو بزرگ مرید یک میر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
 آنحضرت کردند از خواهر ثالث انجناب سماء لطف النساء که مابین از دریا
 ایشان استم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور کفره یکطرف کفر
 یکطرف اسلام میر مختار مرید ساد هورام در محبت بابرکت آنخواه اسلام
 قبول نمود موس شد یک رئیس بنو و در سال یکزار و دوهصد و در تاریخ یازدهم
 شوال المکرم رعت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر عمر بیست و سه
 سال بعد رعت والد ماجد یازده سال بعد حیات بود و تعلیم تربیت باطنه
 بمریدان کردند نام آباد و اجداد را نمودند بلند آلا شادی نگذره بود و حضور وقت
 انتقال حسین کردند مقال که فرزندان من حسین فرزند خواهر فرود است
 والد ماجد نیز همین فرمودند و در آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد
 وفات کارخانه مشایخی در پی از بکر و فرمود چون عده ماجده والد و این فقیر
 و نیز جناب جد مادری راه بسجوات داده شد و از دست پیاده او انداختند

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند سروده از برادران
 حمزه و ذکریه شد که از اولاد دختر خورده که از همه برادر و خواهر بزرگتر و سادات
 فاطمیه بیکم که خدا شدند از میر سید نسیم السلطان سید رحیم الله و ولد سید فهم الله
 و ابن سکونت در یارپار کشن پور کشو ضلع ترهت الالباب مانع خاندهانی
 که بجهت فرستادن بخیر پور و خاندهاری و آبائی مانند در علت کردند چون در تقدیر
 قضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و ابن خاکسار عسکری
 پدرش کردند مانند میران خود بسال یک هزار و دوهشتاد و پنج هجری صلت نمود
 و یک پسر سید برکت حسین و دختر سادات قدیر النساء ابن خواهر خود کلانی و از اولاد
 برادر خواهر خورده یا چهار سال شده وفات یافتند الا پسر ثانی ذی و ولد شد
 سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره
 ولادت شد ایشان یک هزار و دوهشتاد و پنج هجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود
 که محتاج از تحریر بود و آنرا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی بر فاقه
 نامدیر اجه گویا بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
 شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بهر حال در علم موسیقی نیر داشتند
 بسیار دخل شادی و بختاب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
 شد از سادات حیات النساء یک دختر شد از عیال ابن بی بی سادات محفوظ
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند الله تعالی اولاد بخشید

بهز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره گردید
 بیعت بطریقه عالیّه قاپوچین گردید حصول و از تربیت و تعلیم باطنیه مستفید
 مشرف ببلافت شدند ناصر حضرت اخی کلانی محود و از واجدین اهل شدایال
 بکنزیه و در حدیث شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماء لطیف النساء بنت
 حضرت سید عبدالمنان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب بیماری و
 ضعیفی و معذوری پایی بود و در حال آلابریخ عانی چنان بود که کیفیت
 مراقبه و مشاهده حق و ذمی قوت در سواری کمالیت داشتند و رفیق
 سپاه کبری و دخل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا ببرکات اهل و عیال
 الامروم سخی حوصله بلند داشتند چند سال بر فاق و بهمنشینی نواب شیخ الدین
 و نواب احمد الدین و تادمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
 شد فاد نشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد بمرسی سالگی در آن سال
 آن خرد چهاردهم ذی قعد بر دوس حضرت شاه عبدالمنان قدس سره تولد
 یافتند فرزند کلانتر تربیت بلند حضرت سید شاه قمر الدین حسین قیاس سره س
 ولادت از لفظ ظهور محمدی برآمد الله تعالی سید پسر و چهار دختر با حضرت
 عنایت فرمودند دختر کلانی سماء بی بی فصیح النساء که از سید شاه قمر الدین
 که خدا شد بگذر فرزندان ما قبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساء

فیض نگاه شادین کرد و شیرین چنین گشتم از آن طریق گری چون نشوم کدای

هستی ای شاه قمر دین هست مرا بدل یقین

هست غلام کترین فانی خاکپا سے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدس سره که کمالین ارشد السالکین سید

شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جدادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین

نواسه جناب حضرت سید شاه عبداللہ تادری خواہر زاده حضرت سید شام

غلام عبدالقادر تادری کہ مفقود بود و وجود این اکمل المتقین پدید و پسر

این فرزند عالی گھر دلاوت با سعادت آنحضرت بسال یکہزار و دصد و سہ ہجری

ظہور محمد چار دہم ذیقعدہ روز کشنبہ بروز عرس جدادری خود حضرت

سید شاه عبداللہ تادری لاریب از ظہور حضرت نام آبا و اجداد روشن

مثل شمس و قمر سہ

عین در صورت قمر و یکسا

سربسرتجہ و دلائق تعریف

جلوہ حق جو بحر نظر و یکسا

ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف

شہور کردہ جانب جدادری سجادہ براحق مستند و بفیض بخشی خلائق را یادہ علوم

با و آنحضرت در معرفت سالکی نمودند ختم قرآن از تعلیم قمر از زبان زمامدات

چہارہ سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرفت نحو کردند

تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطولیت و جوانی الا پسر کلانی سید
کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی ابن خاکسار و پسر و
و دختر اندکی که خدا و دومی نا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و شبارک سین
ذکور الصدر الا پسرانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی ابن
فقیر فقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خدا است از دختر حکیم قربا علی
در اقران جدی خود یک دختر شده بود و مرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی
نیما الحسن که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مظلوم

شجره طیبه لاثمانی در حالات فرزندان کلانی یعنی حضرت قطب العصر
سلطان السالکین عمدة العارفين سید شاه قمر الدین حسین قدس
سیر معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس

برکت جان من بود سرخونم سپاسی تو
خدا برین است جای تو قربت حق نصای

چونکه قوی خدا تا عاشق شد خدای تو
نتکه بحق رسید ام از سبب لای
فیض چون شد ز من ظهور بود بهر عطای
سر چشم خود گم خاک در سراسر تو
یکشاید ازین محن از روی تقای تو

فرحت مل شود مرا از مدح شامی تو
هر شد یا که مقتدا از مدح آل مصطفی

مظهر و ان کبریا مصدر فیض مر قضا
سر خدا سیند ام جلوه پاک دیده ام
تا که دست ملک حضور سیر نمود و نور
از دست در دلم تاب دست اگر رسم
کرد فراق تو من پریش تا ند جان تن

حصول شدیکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریق سدا سدا گیه که
 می پونند از حضرت موسی سهاگ که بیهوشا قی ان تفتال شغال و ذکر از فیض
 سمر گشتند که یاران را در وقت وجود حال طهور رقصید میشود و تربیت شد بیکر اولی
 بنده از مرزا جان سرور و بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و آن بدگیر بایان تعلیم
 فقر مودند بخرمزا الف بیک مردم میفرمودند آنچه که از مرزا صاحب گرفتیم بخرمزا دادیم
 علاوه ازین او پسیم بود و فیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت محمد و
 شهاب الدین پیچک بخت قدس سرور و فیض روحی حضرت نور الدین
 عبدالرحمن جامی و حضرت محمد شفیع مصلح الدین سعدی و حضرت خیر
 رحمان علیہ بدان وسیله در تقنی بود کمال شده برین فیضان مالا مال
 گشتند اهل کمال هرگاه همه فیضان بطلب شد طاری فیضان ارشد و بزرگ
 شد جاری خلافت نیز از هر جا شد حصول که در شهر عظیم آبا و ششور و فیضان رسید
 و در و در اتفاق بیعت تا اندم نشده بود بجهت خیر و شهر آبا در فتنه ازین سیرت بیک
 حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمیدادند و اجازت بیعت نیز یافتند
 الا که رآمدند نساختند بخر تربیت و تعلیم بایان و یاران را نیز لیاقت یافتند
 بعضی بعضی را شرف بخلافت ساختند و روز مره عزیزان خود خلافت بخشیدند
 یکی باخی الا عظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عمه از ادین فقیر و هم
 شرف ساختند ازین نعمت عملی باین فقیر فقیر بر چند بهر اخذ بیعت خلقت

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذی فنون و فنون
در علم موسیقی کمال بزرگوار بود و بعد از حال اگر چه کتاب حکمت و طب نتواند
آلا علاج مرخصان باستانه میگردد و نیاز بصحت میرسد در سن شصت و دو
سالگی اهل فقیه با از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعد از پنجده
قدومه ایشان بخدمت جناب حضرت اسرار علی محمد دوم شاه حسن علی قدس سره
در تربیت صحبت یکماه چون در الوقت فائده تریب نگاشت زبان بعد حاضر شده
در خدمت بابرکت نظر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند و در این
بسیب غیبت آنحضرت خانه نشین غریب گزین گشتند حسب اتفاق نشینان
جناب حضرت و اهل باطن حکیم شاه وحش الدخان طایب حسن دوست
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چمپره بردند و در آنجا است
در اینجا در تربیت و صحبت باطنه نسبت طریقه خودی و استغراق دست داد
و فکر کردن طریقه شل جان است تا آنوقت صورت زیسته بود و حصول گشت
در انقضای انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آنرا صاحب ارشاد چنان شد
که آنحضرت در حالات آنحضرت و فیض طریقه مسرور و معید از دوزیر برگ

در دامن جده ماجده و عمه پرورش یافتند از آن بعد بصره کشید و اتفاق
 وقت شادی ثانی کردند قبول از مسماة بی بی با دشاہ بیگم دختر خواجہ محمد یوسف
 رحمہ اللہ علیہ اسراہی از بطین آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصره سعی شد از حال بعد کی سال والد
 ماجده نیز آن نون سال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بمجاہ بقره دی گذشت
 از یک فرزند شدند فرزند آن که هنوز موجود اند بهر نام دشان قرۃ العین مایان
 بسال مایار در دو صد و چهل و چوبی والد ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال مایار
 دو صد و چهل و پنجاه سال چوبی با هم سفر کردند والد ماجده آنحضرت
 انتقال از شعاری پنج وصال آنحضرت از دستای بلغ الشعرا سویدی اگر علی
 صاحب بناری یاد دست نوشته ای آید که ما و ما بنظر داریم

قطعه

عالمی معمر شد از شور و شین	قطب عصم چون از نیال کم گذشت
شد بواهب شاه شمس الدین حسین	با تفری شوریده دل ارشاد کرد

وزیر این خاکسار گفت بزبان اردو صوری و معنوی چیستند حسب حال

قطعه

دوسری تا پنج تھی ماہ صفر	جب کیا تانا نامی میرے انتقال
روز جمہ اور تھا وقت عصبہ	بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال

و امشگیر غده نافه بودند بقوله خواجگان پیشین در سخی بند نادری کیشانی بعد
 حصول سمیت چندان ماندند بقید حیات سبحان قنوج نذر انار کسی نکرده تفریب
 و نه ادای عرس بزمه خاص نبود معمول الا بهر محاسن که تشریف می برد و مجلس
 بودند نمایان و نفیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سعد عثمان نه ترک از معاش
 پیری گرفتند بوجه معاش میفرمودند من تا بداریم این قماش بخر تو کجای
 تجارت آنهم نه دوکان باراری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
 اول وقت معاملات و نیادی بود در خرید و فروخت شالی و غیره و کیفیت غذای
 آنحضرت چه نویسد که در دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی بپزد و روغن گاهی
 بدو قه بترکاری و غیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود و آن عادی نمی شد
 البخیر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید می داد غذا را و لباس لباس بر کلفت
 می پوشیدند بطور یاد شا باشد که به انطور کسی را نمی شد میسر و عادت بود
 خوردن طعام رسمی و عرت و یک وقت معمول بود بعد از آمدن عزیزان
 و از نصف روز تا شام وقت شب یک پاس میاران در علقه مراقبه بود و دست
 و تعلیم در زبان والدین مجوزی بسیار و اصرار اول شادی در قصه بهار گر و
 بحمد بلخی از سماء فی بی ریاضا الشاد ختر خجسته اتر سید شاه ولی احمد
 بلخی از بطن آنخود و نه تولد شد ندیک فرزند از چمن توبه بلند رسید شاه
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوج کردند انتقال خود گذارشته بودند

اونکے در کی کسے گدا سنے جو	بخشتے اذکوسیم دزر ویکھا
جسکے اوپر پڑی نگاہ فیض	اوسکو نہ ہوش و پنجہر دیکھا
قرحت افزا نہوئے کیونکر دل	آپکو جب پشیم تر دیکھا
ادب میں برکات کی ہوں پاتا ہوا	باعث عشق یہ اثر دیکھا
شعلہ خیز تین تین کہتے لوگ	اوسا منعم نکوئی بشر دیکھا
وہ نہ آئنگے میری جاسے تن	اسکو ہر بار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی

غیر کو بھی نہ آنکھ بھر دیکھا

شجرہ طیبہ فی سحر سوم اصل اولی در ذکر و محمد حضرت سید شاہ
مبارک حسین خلف الرید ربہ مجید حضرت قطب العصر مع
ذکر اولاد امجاد سان

انور باد اخئی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ
مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دویس و سی و دو
ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذی قعدہ چار دہم بادۃ التایخ ولد انجناب
منظور بدیل بخانہ فیض کا شاد بہد ولادت خاکسار یک دہم ماہ جاسے
نولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقول
فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم مذکور

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور اور تائیلخ یوں لایا اسکا
 شمس نیا دین جب ہوگی مغروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال
 انفرق بعد ہفت سال انتقال حضرت عداوری آنحضرت پر دم شد نیز یافتہ
 وصال بسال یکہزار و دصد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت
 صبح صادق روز چار شنبہ تائیلخ تا یف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگشتہ
 از کلام مینماید درین اوراق رقم

قطع

روز ہجر است یا شب تاری	شمس یا در یاس ماتم هست
چرخ میگردد از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توضیح چند انگہ کہم زبانم از بیان و تقریر قاصر و آخرت مسلم ظہور محمد سال
 ظہور آنحضرت و پیر شہرین چاہ دو سال از لفظ محمد بے بر آید لی آخرت
 سال رحلت تعمیہ است از سر حریت طراز نفیس آثار در احاطہ مسجد
 درجہ از حضرت قطب العالم حضرت محمد شاہ محمد شہم عالی تبار فیض
 از بصیرت نماید بار

عشر تمام

جسود حق جو بجز نظر و کیمیا	عین در صورت تفسیر و کیمیا
میرتبه فقر و شان پشایمین	ایسا کوئی نمین بشر و کیمیا

شده و عمر بیست و پنج سالگی نوجوان گردند انتقال بسال یک هزار و دویست
 و هشتاد و هفت هجری جاسه حسرت است و غم و الم و دمی سید شاه
 عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و از بیعت
 ایشان است از نعم الاصفه سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بزرگ نظر بقدرت سومی سید
 شاه شرف الدین حسین این نیز در علم اندر پر شور و عربی و فارسی
 شایع بیعت ایشان نیز از حضرت علم الاظم مدوح شادی این هر دو برادر
 گردند بمقام سیوان از دو قرآن شیخ خلاصه صمدانی شیخ عثمانی و قمر
 دومی گردند انتقال فرزندان اندر پیر چاری سید رضی الدین حسن
 که در دانا پور از دختر سید شاه علی حسین صاحب که خداست نوی اولاد
 بیعت ایشان نیز و تربیت از نعم الاصفه بارتبه و منزلت برتر حضرت سید
 شاه محمد سجاد الله تعالی در بیت ایشان برادر و پادشاه مبارکباد و بجز
 بقیه شجره شجره و کیفیت حال خود مینویسد خاکسار سکین سید عطاء حسین

ابن سید سلطان احمد

مخفی مباد و سند ولادت خاکسار در سال یک هزار و دویست و شصت و شش
 شریف رزق نبی در فرموده یار شیخ جناب حضرت جدادری پدید آورنده
 طفل نیکو سیر عطا حسین بر مسانه سید گشت ظهور

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیّه نقشبندیه ابو اسلمانی
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت
 و جانشینی سجاده از سر و وزیر گوار جد ماجد الد عالی تبار مزاج مشکسر بود
 و وفات و عبارت پسند اخلاق مندر تعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت
 حسب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار بهمدرو و بهمدرو
 زائد انس بود است بود خوش رقم تحریر عبارت نیز در به معقول و شاعر به نظیر
 شادی اولی روبرو حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عی
 سید شاه مرا علی نام آن زوجه بود بی بی مریم و دختر شد نماز آن بی
 بعد چندی بر سر یافتند وفات زان بعد شادی ثانی از دختر مامون شان
 کردند از سماء براتن الشاء دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
 یک دختر از آن زوجه نیز شد بر و بهمدرو شادی سوم گردید و در خواجه زادگان
 از دختر خواجه محمد ذاکر علیه الرحمة اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات
 بصغر سن و در وفات یافتند الا که اشتند چهار بر یک زنی علم و بهوشیا
 یک سید شیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کفایت است بیعت بود
 ایشان را از کم الاعظم سید شاه محمد قاسم رحمه الله علیه بطریقه عالی
 ابو العلاء و تربیت و تعلیم غیر مغربی الا در اصل اولییه بودند جد ماجد
 درین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

خطبه نیز محمد الفطر و محمد الفصحی و خطبه هر جمعه تا سال تمام قریب پنجاه کتاب نصیحت
 و دوازده مجلس مولود آنحضرت سر در کائنات از لفظ تاریخ نبی سن تالیف می برآید
 مولود بهار نیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود قید و دهر باشد و مولود قادر به بنام
 کرامات عجوبه و مولود معینه و انوار قطبیه لمعات فریده و فیض نظامیه اسرار نقشبندیه
 و مولود شرفی و مولود علائیه هر یکی در احوال هر بزرگان نامی و چهار مخطوط نیز گمان
 و چهار شنوی سرحی و گنجینه ولایا و افسانه و پذیرد و سر عطا یک دیوان فارسی و یک
 دیوان آرد و در اسرار اشغال محمولات اشرف و کتاب و تفرقه السالکین بی جز و کتاب
 کیفیت العافین در چهل جز تمام و کتاب و تفرقه السالکین چهل جسد و کتاب
 حقیقت العافین و چهار مولود صد تفرقه و فاروقیه و عثمانیه و مولود مرقصونی تذکر الشهاب
 و فواکد کبیریه و در مجالس چندان نوبه البته لائق طبع است اگر کتب با خود
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد و خودیست از معانیه دریافت
 خواهد شد شعر فضل حق در کار هر دو کار هر دو کیا بزی السک سر کار سه
 القصه عمر شانزده سالگی بیعت بطریق عاری حشمتیه حضرت شیخ شهاب
 سید شاه غلام حسین سید الواصلین جدا مجد خود نمود و پنج سال
 حاضر اندت شده تربیت و تعلیم بطریق ابوالعلا بیا از حضرت پیر مرشد
 سید شاه قمر الدین حسین خال الاظم استاد و محترم گردید از هر دو جا
 بعلوم شرف یافته علاوه از این فیضان اولییه در دست و یک سالگی

بست و سه بود از سر مصححان	بود و یوم الحیس دقت فطری
سالی تولید صاحب اقبال	چونکه شگفتش بدل ستور
شدند از ضمیر شمس الدین	بمنظیر اولیاد بود این پور

فرستاده یکی از مشایخین عالی تبار بزرگ از مردان آنجناب در غریبایام
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر و ادنی بعد تولد نام عطا الله
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بهر منظور قدح حسین و علی حسین آخر کار
عطا حسین شد شهر سبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطا الله
یکی از اجداد بود و نامین خاکسار را نام نهادند حضرت جدادری عبید الله از
برین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح با و تا هفت سال
عمر بجلالت بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی
نمود از علم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده سال
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مراد پروریدند از علم بهره اند
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی غفر الله له حیدر که کتاب
و کتاب طب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دشت علاقه حضرت بهار
و عبرت چندان دل ندارد تا نسخ کافیه خوانده است فصل الهی در کرامت و تفسیر
قرآن مجید با پانزده پاره بکلام عربیت بحکم از سبب حاضری حرمین شریفین شرح و عبارت در
حیرت خیره تالیف کرده آنرا در دو چند تالیف است مختصر و مفید و خلاصه و مفید

[illegible]

تا هفت سال بزرگوار پانزده فاقه حاکم وقت بسر نمود و بعد بهر دست و دو
 سالگی شتایل شد شادی گردید و در قصه بهار از دختر شاه امیر علی صاحب
 فردوسی که از اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بهر دست شتایل
 ترک و در کار کرده سفر اختیار کرد پنج سال در سفر ماند و بار بار تا ملک حجاز بهر
 زیارت حرمین شیرین ککه معظمه و مدینه منوره و زیارات بزرگان بعد
 پنج سال معاودت نمود و حاصل بیال یک هزار و دویست شصت و پنج هجری بمهر
 سی و سه سالگی و درین قصه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد بهر تعلیم مریدان و در شهر
 هنوز بمان مشغول است زیاده کیفیت تخریر طول است حالا مع اهل عیال
 اقامت گزین در قصه شد از اسی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسید
 بهر شصت و شش مدعا چنانچه بانچه بدعا خیر از عزیزان دارد از اولاد و بنفیر
 حقیر یک پسر و دو دختر شد از نام فرزند سید عطا قطب الدین که از دختر
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که خدا است و دختر زاده بهر سنی فوت شد و حالا
 یک پسر و دو دختر است سید عطا قطب الدین از جوانان به تحصیل علم
 مشغول است و دو دختر کلانی از سید ظهور الدین حسین که از نخی اولاد است
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی نشان عنایت فاطمه عزت مجید النسب که
 از سید ظفر الدین ابن سید وحید الدین بهاری توانی خبر و سال است و یک کلانی
 نشان از نام نور الدین حسین توانی از نام عطا شمس الدین حسین باقی چنانچه

ذی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی
 هر دو ولد و پسر اسد علی سید امجد حسین ذی ولد اند که خدائی ایشان در
 پهلوانی از دختر سید علی جادو گردید پسر است بنام احمد حسین و سید امجد علی را
 یک پسر و دو دختر دختر کلانی زوجه شاه رحیم بخش یک پسر و بهاری شاه
 عبدالکریم پسر ایشان موجود دختر ثانی زوجه میر صاحب علی چند دختران و دو
 پسر سید الک بخش دومی سید عبدالسبحان ذی اولاد هستند و خلف سید امجد علی
 میر ولایت حسین پسر ایشان میر حمایت حسین سه خواهر ایشان یک زوجه شاه
 رحیم بخش دومی زوجه میر صاحب سومی زوجه ادلی شاه عبدالکریم شادی ایشان
 در شش پنجه گردید از خواهر میر عباس علی یک دختر شد زوجه سید الک بخش بخشی
 ذی اولاد اند و پسر سید افرو علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را نامند
 یا و نام ذی اولاد هر یک اند و کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا
 مولوی سندی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انتخاب انداختی
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از محبان این دیار سید علی
 ارشیوخ اکابر چاری شایان عظام تقصیه پهلوانی که معروف اند در هر سال
 و دیار بعد ذکر اولاد فرزندان مخدوم بدر الدین شهباز پوری

تمت کتاب بر ذکر شایان عظام تقصیه پهلوانی جاری اولاد حضرت

جعفر طیار

سید اعلیٰ سید احمد سید یوسف علی ابنه ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید
 آل بی که موجود اند یک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواهر
 سید احسان علی قشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی
 بهمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکی قاضی فضل علی و دیگری شیخ جبار علی
 کلا سزا و دو پسر یکی رانام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواهر زاده
 قشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی
 سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سومی سید محمد حسن
 که بود و دختر همه برادر کلانی قاضی سید ثمره ثانی ایشان را پنج فرزند یکی قاضی
 سید احمد علی که تا فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند و سومی سید محمد علی سومی
 سید فروغ علی چارمی سید احمد علی پنجمی سولوی سید اشهد علی قاضی سید
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سید پسر شدند پسر کلانی قاضی احمد علی
 مفتی سید ارشاد علی یک پسر و یک دختر فرزند و یکی سید ریاض علی و دیگری
 سید میر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یک نفر حسین و دومی انظر حسین
 و نام پسر سید ارشاد علی سید شهاب علی عزت میر فیدر و شادی ایشان شد
 از شادی اول دختر شد ثانی شادی از دختر شاه حیدر الکرم بان پوری شد اولاد
 اولاد نام و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان روح
 میر غلام امام ابن سید گدا علی سید پسر ایشان احمد امام و محمد امام و نصف امام

تظهير الحق داماد مولوی نواز شعلی ابن مولوی عبيد العلی سوم مولوی شاه
 امير الحق که بنور مجاده ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چاری
 مولوی صغیر الحق داماد قاضی محمد دوم عالم نجفی مولوی فقیر الحق بطن اذخران
 مولوی نصیر الحق را نیز فرزندیت و دخترانقدر دانست که کاشت فرزند
 دومی حضرت شاه مجید الله شاه عبدالحی یک دختر ایشان زوجه بیروی علی
 والد ماجد قاضی علی اشرف ندی اولاد شده از جهان اولاد رفتند و پسر شاه
 عبدالحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یک مولوی محمد علی چهار پسر ایشان
 یک مولوی قلندر والد شاه غلام و شکیه و بی مولوی قطبی و در نام یارند
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابوالفضل بودند یک دختر ایشان
 زوجه اول مولوی محمد مجاد قادی ابن حضرت شاه نعمت الله قادری فی س
 یک دختر و یک پسر شد ایشان از آن محل شاه محمد مصطفی هم بودند این فقیر
 کبیر معقود و انجیر نام پسران شاه ابوالفضل نام کلان بی میان شاه حسین
 و نام ثانی شاه احمد حسین که هم عمر و شفیق قلبی ابن خاکسار بودند بعد سفر حج
 مشرف زیارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد بدانجا عزت کرد
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبدالحی شاه ابوالقاسم بود
 از دختر صغیر و حضرت شاه نعمت الله قادری از پسر شاه شمس الدین که خدا شد
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد حمی که پریاقت و ذی اخلاق بودند که خدا

باید دانست در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر طیار از این
 که بزرگان آمدند بزرگی سسی امیر عظامه السدرا اولاد بسیار حضرت جعفر طیار
 درین دیار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی شبار در قصبه چهلواری
 بودند یکی از شایستین کبار شاه ظور السدرا والد ماجد حضرت شاه مجیب السدرا
 قادری یکی از خاصان اهل اماند در اینها شدند عزت نشین ایشانرا بیت
 و تربیت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عماد الدین قلندر
 که برادر بزرگ خسرا حضرت بودند و نیز استفاده باطنیه و ارشاد از حضرت مولانا
 محمد و ارث رسول نما قادری درین قصبه شدند و شوکانه عزت گزین و نیز
 خانقاه پیریم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تر پیریم یا قصبه
 مجاهده کردند و در رخت تمسندی جوهرات خلایق شدند و اکیلیت و کرامات
 شدند و به آخرا از دعای خلقت شدند و مردان خانقاه بپا شد عمارات بلند انقدر
 از برادرزادی پیر انحضرت نیز تولد یافتند با انحضرت یکدختر و دو پسر یکدختر نام شاه
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و دختر ابرویشان پسر ایشان مولوی
 شاه ظورالحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظورالحق نوامه شاه غلام نقشبند
 ابن شاه عماد الدین قلندرا و اما حاصل مولوی شاه ظورالحق پانچ پسر و دو دختر
 یکی از منسوب از مولوی مظفر نبی شاه با از پوری دیوبند که از مولوی علی
 ابن مولوی محمد العلی و نام فرزندان مولوی شاه نصیرالحق و مولوی مشاه

مولانا احمدی شریک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر زوجه آن بمالیم غنچه آن رحلت کرد
 بعد مدت شادی دیگر از دختر شاه محمد اصطفی تزویج شد یک پسر شد از بعد مدت
 معذورده ساله شده بمهر و یک دختر هست بمهر به اولاد شادی از قرابت شد
 و مولانا احمدی رحمة الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر و دختر کلانی زوجه
 مولوی محمد امام رحمة الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمة الله علیه
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی بادی علیه رحمة
 که از دختر صفیر بنیاب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره که خداوند
 از سماة بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی
 مولوی شرف الدین و الله شاه بیدالدین الا دیگر شادی نمودند مولوی بادی
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد برهم
 مورد رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریست
 ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا محمد و یک دختر زوجه دوم
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر پخته شد
 از دختر مولوی اشهد علی یک پسر و یک دختر بوجود آمدند و اما دو پسر و دو
 ایشان بلکه بقا جیل بعد عرصه تر که مسماة جمیله دختر مولوی اسمعیل یافتند
 و از شادی سوم مولانا محمد و یک پسر سبی مولوی محمد عارف به چند خواهر آن
 بابا که خدا شدند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محفل ثانی پسر مولوی

ایشان از دختر غم خورشید شاه مجتبی ابن شاه تمس الدین چاری گردید و آن اولاد
 نشد و اولاد دختر محل اولی حضرت شاه حبیب الله قادری شاه نور ابو و ندیکه دختر
 ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمة الله علیه
 باد از شادی ثانی حضرت شاه حبیب الله قادری و دختر و یک پسر شدند پسر
 یک دختر شاه و عبد الله که مدد صحیح و جدا از ایشان هر دو به نرغ بودند نام عبد
 و پدر ایشان یا خانه شادی اول شاه و عبد الله در نو آباده شد از خواهر شاه
 مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه
 محمد یوسف و دختر شاه و عبد الله و جبه مولوی ابوتراب رحمة الله علیه و از شادی
 ثانی که در حواریه بار شد بخوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد سلطان
 که شادی ایشان از دختر خباب استادی مولوی محمد امام شد یک دختر و سه پسر
 ایشان شاه نعمت مجیب و شاه سفت الله و سوم شاه اشرف مجیب و دختر
 شاه محمد اصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست
 دختر دیگر حضرت شاه حبیب الله قادری از مولوی شاه و حید الحق کردند
 شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر و یافتن شد یعنی پسر کلانی نام ثانی
 بمرتبه عظامی مولانا احدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمة الله علیه
 یا دارم ایشان را بچکر یک پسر مولوی علی اشرف و دیگر بود و اینام محض نیست
 و گفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

و پسر در دنیا مناسب انکاده که ذکر فریت مولوی محمد علی مرحوم نمایم باید دانست
 بمولوی شاه عبدالغنی سه دختران یک زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد
 و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرد ثالث زوجه مولوی محمد علی یک دختر ایشان
 زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم پنج پسر یک مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار کو
 رعایت حسین دومی مولوی نوذرش علی یک دختر ایشان بوزیر مولوی علی محمد
 ابن مولانا غلام الحق سومی پسر مولوی حبیبی که از دختر مولانا غلام الحق که خدا
 یک پسر ایشان در اوجاب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال خود
 بصدقه جلیله شد بالا مال لا ولد کردند انتقال پنجمی مولوی محمد رئیس نوجوان
 بمردند و مولوی محمد الغنی خلفت از شهید مولوی عبدالغنی با وجود علم شریعت
 و طریقت که داشتند بی بی حافظه قرآن نیز آنحضرت ذی شان از علم
 لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهر زاده شان شاه و جید الحق ابن مولوی
 محمد و جید شادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خلفت ثانی
 جناب حضرت شاه نعمت الله قدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمة الله علیه
 آنجناب بظفر منشی در علم صوری و معنوی بودند شادی ایشان از دختر
 شاه و جید شده بود رحمة الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی علم
 و ارسته حال صاحب سلیم مولوی عبدالکریم در سن ثنوبرسیده رحلت کردند اولاد
 و نه بانجناب دیگر اولاد شد فرزند سوم بودند جناب استاد مولوی محمد امام

شاه و حیدر الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر
 سمانه جمیله نگاه از کرک و اولاد هر دو خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره و بنت
 احوال آنجناب مشیخت آفتاب میفرمود و افع با شادی جناب حضرت شاه نعمت الله
 رحمه الله علیه و رقصه و عیبه و شمع گنگنه از ضمیمه حکیم بابو علیه الرحمه یعنیات آتی
 از بطین آن بی بی اولاد شد و غیر آن که بطولیت رفتند هفت پسر موجود و دو
 دختر طاعت کلانی مولی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فرد و الدیب بهمه
 کمالات بودند و شادی اولی ایشان از دختر مولوی عبدالغنی یعنی از خواهر
 مولوی شاه عبدالغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابوسمان
 جوان شده بکمالات صوری و خوشی رسیده شادی شد و سمانه بی بی بتول دختر
 کلانی مولوی محمد امام قادری نوجوان رحیل ملک بقاشدند اولاد نماند و شادی ثانی
 مولوی فرد و رحمه الله علیه از ضمیمه مولوی عبدالعلی گردید از بطین ابن زوجه
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده وفات یافتند کلانی مولوی
 شاه نور العین که سجاده نشین بهیدر زنده گوار شدند شادی ایشان از دختر
 عم خود و مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزندی بود
 خور و سال قضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی
 حبیب الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبدالعلی از هر دو بطین اولاد نماند و دختر

ابو الفضل شده بود ثانی شادی از دختر خال خور و ایشان گردید یعنی
از دختر حکیم مظفر پس از موجودی که مولوی عمر در از نام دیگران
ندارم یاد فرزند هفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان
از دختر خال کلانی حکیم واعظ السید شده بود و فرزند آن موجود و خلف کلانی
مولوی یحیی الدیامولوی مولائی شدند در حیل ملک بقا کیفیت اولاد
در یافت نشد الا دختر مولوی صاحب زوجه شاه نورالعین بودند با خبر
عمر بزرگ یارت حرمین شریفین فرستاده حج ادا ساخته در آنجا گردیدند

اشغال انام و انامیه راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاه بدر الدین شیار پوری قدس
باید دانست این بزرگ از سیادت عظمی مولوی نسب بوده اند بطریق
فرد و سید میباشند بچند واسطه خلعت و خلفا حضرت مخدوم الملک
قدس سده از آنجا که بودند جواری این خاک از ذکر ذریت نگاشت
آنچه یافت که نسب نامه علی اختلس الایمانت که می نگاشت
باید شنید فرزندان ایشان کیے بعینه آل اند و ثانی اولاد و فرزندان
آل آنجناب کیے شاه مظفر احمد پدر بزرگوار شاه آقبال حسین حسد
شاه میان جان کمسوی بلکه سرده برادر و فرزند ثانی مولوی
مظفر نبی یک دختر ایشان زوجه ثانیه مولوی محمد عیسی باقی کیفیت

عالی مقام بر تبه شاد و شادند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمه الله علیه
 که خدا کرد و در دو پسر و سه دختر تولد شدند و دختر کلانی زوجه ابو میان ثانی
 زوجه پسر شاه اسماعیل بن کور و دختر خور و دلا ولد پسر کلانی مولوی آمل احمدی
 حدیث و حاجی عمر پسر پسر کرد و در تامل نشدند و فرزند ثانی مولوی نور احمد که از دختر
 برادر عجزاد و خالاتی مولوی محمد بخش که خدا شد نزدیک پسر ایشان در نام مولوی
 مولوی منظور احمد را داد و کلانی شاه علی حبیب مرحوم باقی کیفیت اولاد ایشان
 در یافت نیست فرزند چهارم جناب علی انصاری و ستادی مولوی شاه
 ابوالحسن و او که از دختر ثانیه مولانا احمدی علیه الرحمه که خدا شدند و دو پسر
 کلانی مولوی محمد یحیی که از دختر محمد که خدا شده و اولاد او در پسر ثانی شاه محمد و
 بعارضه طاعون اندر جوانی رحلت کردند و فرزند پنجم جناب شیخ مات حضرت
 شاه نعمت الله قادری جناب علی انصاری مولوی محمد قادری که جمیع صفات
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شد پسر که زوجه مولوی محمد یحیی شدند
 از بطن آن حقیقه دو پسر و یک دختر شدند کلانی سیدی غلام دستگیر اندر جوانی
 رفتند بلکه بقایانی مولوی عنایت رحل مقبول اهل قبول نوجوان نیستند
 الا اولاد و گذشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم زیا و چه بنام محمد
 فرزند ششم آنحضرت مولوی محمد جواد مولوی علی سجاد که با وجود تحصیل
 علم ظاهری به طریق فقر علیه داشتند که خدا اول ایشان از دختر مولوی

یک پسر ایشان چو دهمی غلام نجف و سه خواهر
 ایشان دختران چو دهمی غلام شرف یکی جان بی بی
 عرفت بی بی جنود شادی ایشان در موقع کرائی بر سر ای آیت
 حال اولاد ایشان در یافت نشد و دومی بی بی منون شادی
 ایشان در قبسه چهره بجلد بیان دان بود از میر سلامت علی
 گردید و روانا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی
 و خواهر ایشان بی بی منون زوجه دومی میر علی صاحب
 لاولد بزرگ مسماة مغفوره و دو پسر یک دختر بود و میر
 مقصود علی یک سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لاولد
 بمردند و خواهر ایشان نیز در ایام صغر سن فوت شد باید دانست
 دختر چو دهمی غلام شرف از همه کلائی مسماة لیسب النساء
 و دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجه چو دهمی
 میر دوست علی ابن چو دهمی میر غلام حسین و بی بی زینت زوجه بنتی برکت الله
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید نور علی صدر اعلی ابن میر نور علی
 ساکن موضع شیخ پوره که خدا شدند و دختر ایشان بی بی زینب علی قاضی یک پسر ایشان
 عمه در ازدا و مولوی سید ثناء حسین ابن مولوی سید
 و احمد حسین ابن میر قاضی بخش مرحوم پسر دوم مولوی منور علی

قریت ایشان نام معلوم آتای آرند بیره بنده محمد دوم پسر شپشت
 پنجم بودند میر محمد صاحب دابن سید محمد حبیب زاده در یافت نیست
 دومی اقبال که غذائی ایشان و در قصبه دانا پور شد در فرامیت
 لکیان دانا پور که شیخ زاده در آستانه چند زنان بودند بنوه
 و فرزندان منیر بن چونکه صاحب شعور و تمیز بودند فرامیت
 بادشاهی در آنجا یافتند برگرفتند و در سوخت موبه یافتند
 حضوری در دیار بادشاهی گردید منصب جاگیر یافتند بن خطاب
 چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید خان
 گردید صیف زمین داری حصول سکونت نیز گردید در قصبه
 دانا پور که حضور در محله چودھرانہ است الفرض یک پسر
 ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران
 شد و چارہر یک نامدار یک چودھری غلام شرف دومی
 چودھری غلام حسین سومی چودھری غلام حیدر چارہی
 چودھری غلام امین ہر دو دیار سوم و چارہم علم یافتند
 لا ولد رفتند از دنیا عالم الا پسر چودھری غلام حسین
 بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیہ
 الا از جمہ کلائے بودند چودھری غلام شرف

شاهی ایشان بر موضع پهلوانی شد از مسماة سكرن دختر مولی بدیع الزمان
 ابن شیخ عبد المجید مولوی بدیع الزمان و اما بود شیخ غلام حیدر از مسماة
 سیاتن که خدا الحصول از بطن مسماة سكرن یک دختر شد مسماة رحمن که از سید
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد فی اولاد اندیک پسر ایشان سید نصر الدین
 خواهر این زوج مولوی و حیدر الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید که خدا شد اولاد نشد و پسر
 چهارم سید وحی احمد عرف سید محمد ولی سہ شادی ایشان کردند از بطن کے
 اولاد نشد بالکل مالک ترکہ زوجہ ثالث شد و دو دختر چودھری غلام نجف مسماة
 طاہرہ زوجہ میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سہ پسر یکی سید
 محمد عظیم مذکور الصدر و اما دیر فرزند علی مرحوم دومی سید محمد کلیم و اما سید محمد
 ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد عظیم و خواہر کلانی ایشان زوجہ سید حاج حسین
 مسماة حمیدہ یک پسر شد و بود و خواہر ثانی ایشان زوجہ سید نور الحسن خواہر
 ناظر سید فردا علی در اینجا کیفیت درست چودھری محمد سعید خان انجام یافت
 چیزی ذکر صاحبان موضع نچو رہ کہ قرابتیان ایشان اندی نگار و دھم
 با و یکی از سیادت نامی کہ نام یاد دارد از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام
 زین العابدین رضی اللہ عنہ کہ سلسلہ سلسلہ بالا دریافت نشد چو نکند اولاد ایشان
 نوی اقبال شدند و قرابت داری شد و وقع حسب یاد میسید یعنی ان بزرگ

سیدانظر علی والد میر حسن الهدی شادی اولی ایشان بموضع
کانه حجه گردید از دختر میرا محمد علی ذمی اولاد دادند و خواهر
ایشان زوج سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

ذکر اولاد چودهری غلام نجف

باید شنید شادی چودهری غلام نجف عرت چودهری
ژودما از دختر بنزلف شیخ عبد المجید پلوازی گردید که شیخ
عبد المجید بنزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع روحا س
بودند محصول چسار پیر و یک دختر از بطن این عقیقه
چودهری غلام نجف شد فرزند کلان سید عابد علی
که کمال عنده و شان حنیفه زمین داری انجام کردند و نیز دادند
روفق به تجارت شادی اولی ایشان از خواهر میر مقصود علی
شد بود شادی ثانی از سماء و جفا عرت سماء و جود دختر
شیخ غلام حیدر ساکن موضع روحا س گردید یعنی از خواهر
مفتی عثمان قادری حرم اولاد این بی نشد چنانچه سید
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لا ولد نشدند
المنه من پسرانی چودهری غلام نجف میر خورشید علی
که دام غلام سید سلسله روزگار سید کار حکام پسران ختنه

آنچه که معلوم است بنویسد از آنجا که فرزند ارجمند فاضل مرحوم میر سید حسین علی که آن
 یاران قدیم جناب حضرت امی الاظم ولی قمر جناب حضرت سید شاه محمد قاسم
 قدس سره اند و نیز کامیاب محبت جناب حضرت پیر مرشد قطب المعصر سید شاه
 قمر الدین حسین قدس سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر السراوات
 سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سره اند علت غائی تحریر این خط که یک مخلص
 قدیم محب همیم این حقیر حقیر نیز اند و نیز بفضل اکثر برادران ایشان را حصول ثمرت
 بیت از جناب حضرت امی الاظم قدس سره و هم دیگر غرضات ایشان تحقیقت
 سلسله محبت از جناب امی سرشته اتحاد و جلیس بود که شد سید شاه محمد عباس
 و ام فیضه و دیگر کاتب است درین کتاب ذکر نسب و اولاد و سایر امور واجب شد و حالا
 تحسیر بنماید

در اینجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

ابراجمد میر سید حسین علی سید فیض المدح و شیخی میان از سیادات رضوی مکتوت
 مقام مالکرام نو دارد بقصبه مجد و بی ضلع مرزا ابو خلف الرشید ایشان سید ابوالعباس
 خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم یکی ذی لیاقت و اقتدار زان
 سکونت شان بقصبه و او و دیگر ضلع چهارم و دیگر کثرتی ناظر سید فضل محمد
 پسر ایشان یکی سید دارش علی که از دختر عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد
 شد و پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر و اصل علی که بطریق مذہب والد خود

رئیس بود چهارم پسر بود و مقتدریت دوم پسر مولی بنو علی و سید قمر علی یعنی شادی
 روشن علی از دو دختر عم او سبط شد از یک بطن مولی سید منور علی و از دیگری
 سید قمر علی که کیفیت اولاد و بالا تخریر شد و از شیرگان پسر چهارم سید منور علی و نیز
 فقیر بخش هر یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یک میر باور علی و دومی میر جبار علی
 ایشان میر نور علی پسر میر جبار علی فشی سید عبد العلی و نیز جبار علی صاحب راسخ
 شدند و سه دختر پسر کلان میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان که خدا شد
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
 کمال الدین حسین و سید طه الدین حسین و سید خیر الدین حسین و قرابت خواهر زاده
 این خاکسار اند پسر دوم میر باور علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از موکو
 علی حسن عروت حسنوا بن مولی افضل علی که خدا شد از دو سید نور الحسن موجود اند و
 پسر سوم میر مقصود علی که کیفیت ذریه شان دریافت شد الا پسر یک خواهر بر سر
 برادر سید حامد حسین طاهر و کلانی میر قمر علی بود و میر فرحت حسین ساکن قندهار بود
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذی اقبال بودند
 و میر فرحت حسین را سه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاع حسین
 اولاد و دختری هر سه برادران موجود اند

و ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب نشی میر فضل الدین احمد که از سیادت رضوی آنکه کیفیت نسب ذریه

شیخ ذوالفقار علی که مولد این فقیر بودند و فیضیاب و درین طریق از حضرت
 پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سیه محمد زمان زوجه شاه بند مولای سوری
 که از خلفا حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره بودند و ولد در حلت کردند و حالا
 بتفصیل ذکر ذریت شان نمایم آنچه معلوم و شادی ایشان اکثر و بشی اعمام است
 که تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین ولد سید طفیل علی و سید غوث حسین و ولایت حسین
 و سید نصیر الدین پسران سید امیر الدین میر محمد مرموعه بودند و سید علی بخش
 و ولد سید نصیر الدین و پسران سید تفضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسین

تمت
 خاتمه الطبع از قلم شکسته محمد رحیم چیلان محمدریان شیخ امیر الدین احمد
 چشتی صاحب گنج خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاکبر
 شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائنده پور گنه شاهجهان پور
 ضلع پٹنہ کی از فرزندان جناب حضرت خواجه معین الدین قدس سره العزیزین
 بعد از مدتی کون مکان لغت پنجم از زمان و مقتضای امر طهارت و غیره
 و ثناء و محاسن را احمد مختار بر جمله حضرات گل گلشن بیادات گویند و بار
 دریا می بخابت اختر تابنده بهرج شرافت عالی حسب و الانسب
 واضح باد که حدین زمان حمید و وقت سعید نفع ایا بید کر انساب

مانند ثالث سید فضل حسین و پسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
نام پسر سید وارث علی سید وارث حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الهادی
پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدور و پسر ایشان کی سید محمد صدیق و دومی
سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الهادی پسر ایشان
سید طفیل علی و دختر پسر ایشان کی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
شش پسر سید فضل امام شدند کی سید یکن الدین مرحوم مذکور الصدور دومی
سید امیر الدین پسر پسر ایشان سید صمد الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت الدین
پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین بنوزوی اولاد میسند چاری سید
فتح الدین لا اولاد پنجمی سید جلال الدین و پسر ششم سید فضل امام سید صمد الدین و سید
انبه سید سجاد حسین لوا سه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید
فضل حسین که در عروج مانند بیاض پیش حاکم وقت در شهر بر بی الا بشیوه مذکور
در مذمت حب تعصب و بزرگوارانی و محروم از محرم ذرات این برادران علی الذی حب
و ابوالعلائی مشرب شدند از عرض و دوی پسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین
پسران این دو کی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
از انجمله فرزندان که دختر سید قربان حسین که رحمت ایشان را از بزرگی بطریق قاریه
بود و ایستاده حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

قطعه تایخ طبع طبع از شیخ محمد کاظم صاحب کوکب این شیخ شجاعت علی
صاحب کن قصد صاحب شیخ ضلع گیلان رشید رشید الدین احمد
صاحب کفنی و میر خورشید علی صاحب نفیس

چرخ طبع شد کنز الانساب کز وی	بود قیامت نسب را تسلیل
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی	بجایم بلورین رخ شاد دل
سواد سطورش بصفیاءش	چو منیل سپیدین فروشته گل
چهارونق آب و زرش برآمد	چنانا نوگوئی که شد دسته گل
ز باغ چو پرید کوکب سبزه	بگوشمند اگر گشت تسلیل

ایضا

بجهد افتد کوکب کنز الانساب	لباس طبع در بر کرد امروز
بسال اختتام انطباضش	رستم کرد گل تر رونق افروز

ایضا

هوئی مطبوع جبیه کنز الانساب	بتالیفات فانی خوش اوقات
لکها کوکب فی سال افروزی مجدد	چیا اب مخزن منیب سیادت

ایضا

ز برج طبع کوکب کنز الانساب	زنگ شمس طالع گشت هرگاه
بتایخ شیوع انطباضش	نوشتم قد و سادایت ذیجاه

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین و سودمند
متاخرین یاز تا ایفات واقعت رموز اسرار عسرفان کاشفت قایل
ایقان باد کوش میخاکو حیرت جرد نوش جام محبت مقبول بارگادیر دانی
جناب حضرت سید شاه عطا حسین صاحب تخلص فانی غزلت گزین
محل رام ساگر منجملات قصید صاحب گنج ضلع کیا حسب بر یک بنی شیخ
محمد کافظم صاحب کتب کوکب زمین قصید صاحب گنج خلف الصدق شیخ
شجاع علی صاحب باهتام معدن لطف و کرم منهل جود و جهم جناب
شیخ نورالدین بن جیواخان صاحب الکب مطیع حیدر
وصفنی بمطیع نامی و گرامی صفدری واقع بند بر میستی بتاریخ
پانزده رمضان المبارک سنه هجری نبوی مطابق هر آنست سنه ۱۲۸۵
بصحت تمام از نویذ طبع فرین شده و نیزه گوش رفتگار گشت خلافت
مقبول و مطبوع اهل عالم نماید بمنده و کرم منقذ

کاتب کتاب نذراشار احمد بریلوی است



قطعه تاریخ طبع طبع نشیوان حسن کتابت حسن علی

بایع طبع آید و کشف نخل میبایا

مستخرج من اصل کاین شمار فرط صفا
طبع طبع در چون شمس لکمه بر فرو

اشتهار

چونکه حاجی سید عطاء حسین

معروف به عبد الرزاق صاحب تصنیف

کتاب نه احوال تصنیف را بر اتم وجه فرموده اند

لذا امید که کسی بدین اجازت را قلم قصد طبع

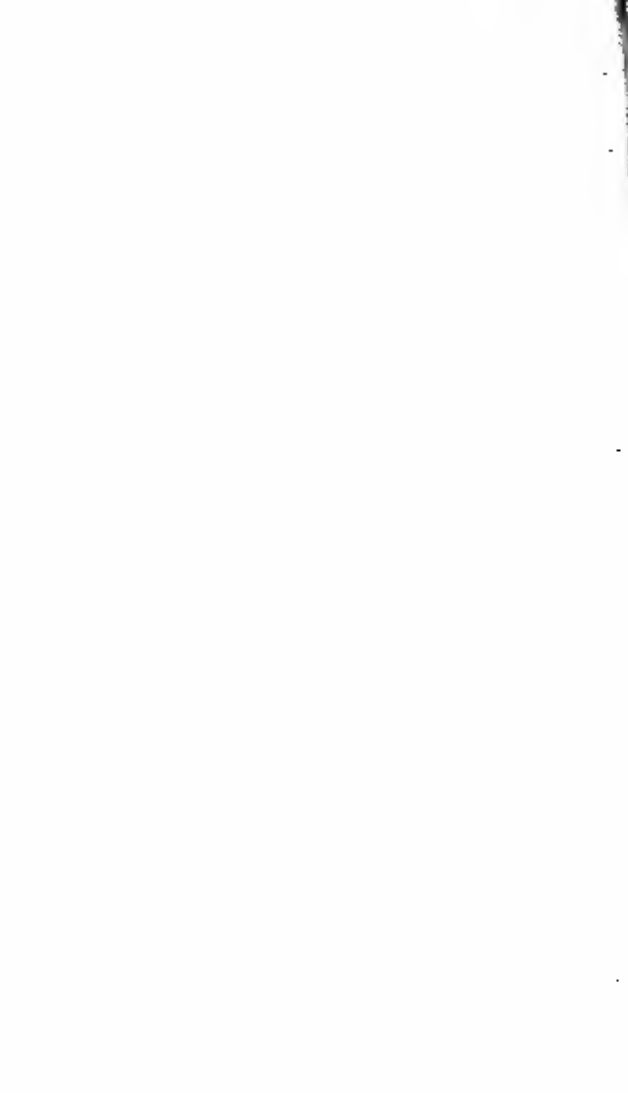
این کتاب نگنجد و زنده از روی خود

مافوق بجز ماز کتاب طبع کتاب

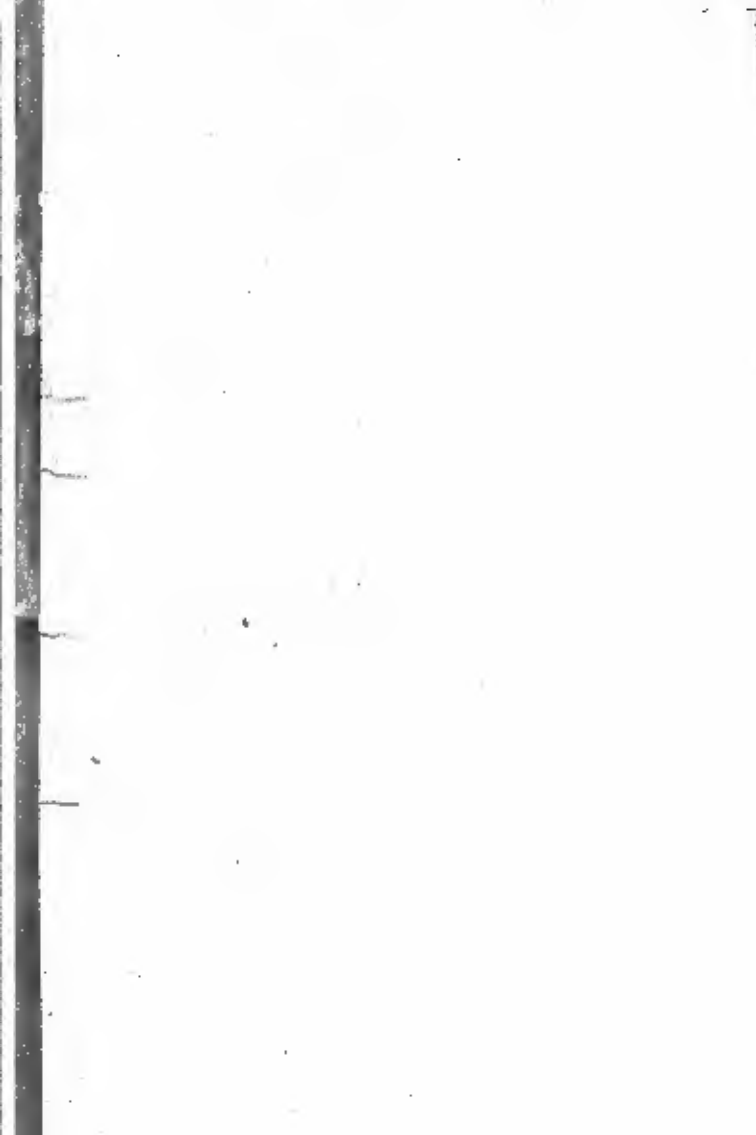
مرو به صورت نقصان بطلد فرمود

المستشرقین بن حیوان خان

نور الدین بن حیوان خان







CENTRAL ARCHAEOLOGICAL LIBRARY,
NEW DELHI
Issue Record.

Catalogue No. 929.799954M/Att.
- 4864.

Author—Atta Husain alias
Abdur-Razaq.

Title—Kanzul Ansh.

Borrower No.	Date of Issue	Date of Return

